



تئاتر فستیوال مجرب

اینترنتی

به مناسبت

فجر
نشان
روزهای سومین جشنواره

فهرست مطالب :

۷	 سر مقاله
۹	 "تئاتر برای همه" در غیاب بزرگان / یادداشت
۱۱	 جشنواره تئاتر فجر با پوسترهایش ما را غافلگیر کرد / یادداشت
۱۳	 مصاحبه اختصاصی با دکتر محمدرضا خاکی
۱۵	 مصاحبه اختصاصی با عزیز زادسر کارگردان نمایش خیابانی "تابوتی له تاوان"
۱۶	 عکس هایی از نمایش خیابانی "تابوتی له تاوان"
۱۷	 "بیتل ها" ی دانشجویی در جشنواره فجر / یادداشت
۱۸	 مصاحبه اختصاصی با علی شفيعی کارگردان "کسی دست به عصا در شکم راه می رود"
۲۰	 نمایشنامه "بیتل ها" نیاز به دراماتورژی دارد / مصاحبه
۲۱	 مصاحبه اختصاصی با سینا شفيعی کارگردان "سیارود"
۲۳	 مصاحبه اختصاصی با ماریه پرووانس کارگردان "کودک وحشی"
۲۵	 تأخیر ۵۰ دقیقه ای ، رکورد تأخیر در اجراهای جشنواره را زد / گزارش
۲۶	 مونولوگی خسته کننده به نام "صورت به صورت" / یادداشت
۲۷	 وقتی گروه های شهرستانی ما را به جشنواره فجر امیدوار کردند / یادداشت
۲۹	 نقالی به زبان شیرین داستان / یادداشت
۳۰	 عکس هایی از نمایش خیابانی "قصه نقش"
۳۱	 آبادان در بهشتی خیالی / یادداشت
۳۲	 عکس هایی از نمایش خیابانی "غذاهای خوشمزه"
۳۳	 مصاحبه اختصاصی با آرمین جوان کارگردان "قصر"
۳۵	 تقدیربازان : یک نمایشنامه ضعیف و یک کارگردانی متوسط / یادداشت
۳۶	 عکس هایی از نمایش خیابانی "نوا"
۳۷	 "قلعه انسانات" روایت درد مشترک همه انسان ها ... / یادداشت
۳۹	 مصاحبه اختصاصی با سیامک افسایی نویسنده و بازیگر "وقتی کنار پنجره می ایستیم"
۴۰	 عکس هایی از نمایش خیابانی "درخت و باد"
۴۱	 گلاب آدینه و شیرین بینا در مورد نمایش "من... چه گفتند ؟" / مصاحبه
۴۲	 مصاحبه اختصاصی با ابوالفضل فرهادی کارگردان "کسوف"
۴۳	 وقتی کارگردان اصرار دارد ما زبان بومی را بفهمیم / یادداشت

- ۴۴ چه فرقی می کند امشب یا هر شب شام با جلال / یادداشت
- ۴۵ نظر گلاب آدینه و پریسا مقتدی در مورد " قلعه انسانات " چیست ؟ / مصاحبه
- ۴۶ عکس هایی از نمایش خیابانی " نبش کوچه بن بست " یادداشت
- ۴۷ مصاحبه اختصاصی با حسن میرزایی کارگردان " به لی لی پوت خوش آمدید " یادداشت
- ۴۹ مصاحبه اختصاصی با نازنین گرگوریان کارگردان " پرواز بر فراز شهر " یادداشت
- ۵۰ مصاحبه اختصاصی با محمد شهبازی کارگردان " شیرین به روایت امروز " یادداشت
- ۵۲ " بازار " نمایشی که فراتر از حد انتظار بود / یادداشت
- ۵۳ " پرواز بر فراز شهر " نمایشی استانی ، نه بین المللی / یادداشت
- ۵۴ نمایش " لندن ، رم ، تهران ، آمستردام " فرصتی مناسب جهت تقویت زبان / یادداشت
- ۵۶ مصاحبه اختصاصی با هانی النصار کارگردان " ضربه فنی " یادداشت
- ۵۷ مصاحبه اختصاصی با فرهاد تجویدی کارگردان " من ... " یادداشت
- ۵۹ " کسوف " نمایشی که تاریخ انقضاء ندارد / یادداشت
- ۶۰ مصاحبه اختصاصی با داریوش شهبازیان کارگردان نمایش رادیویی " خانه احمق ها " یادداشت
- ۶۲ مصاحبه اختصاصی با آرون دشت آرای کارگردان " لندن ، رم ، تهران ... " یادداشت
- ۶۳ مصاحبه اختصاصی با علی حاتمی نژاد کارگردان " اقیانوس آرام " یادداشت
- ۶۴ مصاحبه اختصاصی با بهزاد فراهانی یادداشت
- ۶۵ مصاحبه اختصاصی با علی نقی رزاقی کارگردان " بوی خوش سیمرغ " یادداشت
- ۶۷ مصاحبه اختصاصی با منوچهر اکبرلو یادداشت
- ۶۸ مصاحبه اختصاصی با محمد هادی قمیشی یادداشت
- ۶۹ مصاحبه اختصاصی با رضا آشفته یادداشت
- ۷۱ مصاحبه اختصاصی با کوروش نریمانی یادداشت
- ۷۲ عکس هایی از نمایش خیابانی " عروس باران " یادداشت
- ۷۳ یک تراژدی سنتی / یادداشت
- ۷۴ مصاحبه اختصاصی با افسانه ماهیان کارگردان " هم هوایی " یادداشت
- ۷۵ عشق هایی که به اشکال هندسی ختم می شوند / یادداشت
- ۷۶ نگاهی جدید به الیور توئیست / یادداشت
- ۷۸ " غزل پری دریایی " غلبه فرم بر متن یادداشت
- ۷۹ مصاحبه اختصاصی با اسکندر سکایف کارگردان " فراموشی " یادداشت
- ۸۱ نمایشنامه خوانی " آسمان روزهای ابری " موفق تر از اجرای آن خواهد بود / یادداشت

- ۸۲ "رویش ناگزیر دخی ها در حاشیه" موفق ترین نمایش شهرستانی... / یادداشت
- ۸۴ مصاحبه اختصاصی با محمود پاک نیت
- ۸۵ عکس هایی از نمایش خیابانی "رابطه"
- ۸۶ مصاحبه اختصاصی با زیبا مهرعلیزاده بازیگر "بوی خوش سیمرغ"
- ۸۷ مصاحبه اختصاصی با مریم معترف
- ۸۹ مصاحبه اختصاصی با رضا جوشعار کارگردان "مسافر راه شیری"
- ۹۱ "بو قلمون" حرف امروز را با دیدی انتقادی مطرح می کند / مصاحبه
- ۹۲ "کافه سایه" دوراهی عشق و خیانت / یادداشت
- ۹۳ مصاحبه اختصاصی با حسین رحیمی
- ۹۵ عزیز شنگال و مسئله ما / یادداشت
- ۹۷ مصاحبه اختصاصی با دکتر محمد رضا خاکی / ۲
- ۹۹ مصاحبه اختصاصی با محمدرض شاهمرادی کارگردان "امیر کبیر"
- ۱۰۱ عکس هایی از نمایش خیابانی "صفر مرزی"
- ۱۰۲ مصاحبه اختصاصی با مجید کاظم زاده مژدهی کارگردان "عبور از مه"
- ۱۰۴ وقتی الیور توئیست مدرن می شود / یادداشت
- ۱۰۷ مصاحبه اختصاصی با ژاله صامتی کارگردان "برف سرخ"
- ۱۰۹ مصاحبه اختصاصی با دانیال نمازی کارگردان "کلفت ها"
- ۱۱۰ عکس هایی از نمایش خیابانی "آنتیگونه"
- ۱۱۱ پیرونی بد بوی جشنواره تئاتر فجر / یادداشت
- ۱۱۲ "یک زندگی بهتر" یا مرگ غم انگیز یک فروشنده * / یادداشت
- ۱۱۳ مصاحبه اختصاصی با چیستا یثربی کارگردان "فقط به خاطر من"
- ۱۱۶ عکس هایی از نمایش خیابانی "پازل زندگی"
- ۱۱۷ مصاحبه اختصاصی با مهدی تقی نیا
- ۱۱۹ مصاحبه اختصاصی با مصطفی عبداللهی کارگردان "در اعماق"
- ۱۲۱ "مروارید" ی که تباه نشد / یادداشت
- ۱۲۲ مصاحبه اختصاصی با بهروز غریب پور
- ۱۲۴ عکس هایی از نمایش خیابانی "هفت شهر عشق"
- ۱۲۵ قصه پر درد آدم ها و عروسک ها / یادداشت
- ۱۲۶ سه اپیزود از "هم هوایی" در قاب جنگ / یادداشت

- مصاحبه اختصاصی با گوران علی کریم کارگردان " سال آشوب " ۱۲۸
- مصاحبه اختصاصی با میکائیل شهرستانی ۱۳۰
- مصاحبه اختصاصی با مریم خاکسار کارگردان " نی نی اخاذه و مداد رنگی " ۱۳۱
- عکس هایی از نمایش خیابانی " داستان یک زندگی " ۱۳۳
- مصاحبه اختصاصی با فاتح بادپروا کارگردان " رقصی برای بازگشت عروس " ۱۳۴
- مصاحبه اختصاصی با بهمن پارسا آرا کارگردان " واپسین رقص برگ با باد " ۱۳۶
- " بی لا لا " پرحاشیه ترین و آخرین اجرای جشنواره تئاتر فجر / گزارش ۱۳۷
- مصاحبه اختصاصی با الکسی نوکی کارگردان " کتاب ها " ۱۳۹
- مصاحبه اختصاصی با علی فتوحی کارگردان " ترانه های تلخ تارا " ۱۴۱
- عکس هایی از نمایش خیابانی " چرخ روز افزا " ۱۴۳
- مصاحبه اختصاصی با محسن حلوایی کارگردان " سیه سول " ۱۴۴
- مصاحبه اختصاصی با مجید واحدی کارگردان " کافه سایه " ۱۴۶
- نمایش " خرمگس " در دل ها نشست / یادداشت ۱۴۸
- مصاحبه اختصاصی با محمد رضا عطایی فر کارگردان " سایه سار سکوت " ۱۵۰
- مصاحبه اختصاصی با نوید سالاری مقدم کارگردان نمایش رادیویی " تبریز، آتش... " ۱۵۲
- مصاحبه اختصاصی با علی کشوری بازیگر نمایش رادیویی " تبریز، آتش... " ۱۵۴
- مصاحبه اختصاصی با روح ا... جعفری ۱۵۶
- مصاحبه اختصاصی با عبید رستمی کارگردان " کفش هایم را قدم بزن " ۱۵۸
- عکس هایی از نمایش خیابانی " از ۵۹ تا چند ؟؟؟ " ۱۶۰
- مصاحبه اختصاصی با الهام چنانی کارگردان " بچه های خاکستری " ۱۶۱
- مصاحبه اختصاصی با احسان ملکی کارگردان " هزار شلاق " ۱۶۲
- مصاحبه اختصاصی با سعید حران اف بازیگر " واپسین رقص برگ با باد " ۱۶۴
- مصاحبه اختصاصی با محمد ربانی بازیگر نمایش رادیویی " تبریز، آتش... " ۱۶۵
- مصاحبه اختصاصی با میثم گودرزی بازیگر نمایش رادیویی " بیرون جهنم " ۱۶۶
- امتیاز دهی دپارتمان نقد تئاتر فستیوال / بخش بین الملل ۱۶۷
- امتیاز دهی دپارتمان نقد تئاتر فستیوال / بخش تازه های تئاتر ایران ۱۶۸
- امتیاز دهی دپارتمان نقد تئاتر فستیوال / بخش مرور تئاتر ایران ۱۶۹
- پیش بینی برترین های بخش مسابقه بین الملل ۱۷۰
- پیش بینی برترین های بخش تازه های تئاتر ایران ۱۷۲

- پیش بینی برترین های بخش مسابقه مرور تئاتر ایران ۱۷۴
- برگزیدگان نمایش های رادیویی جشنواره سی و سوم ۱۷۶
- برگزیدگان پوستر و عکس جشنواره سی و سوم ۱۷۷
- برگزیدگان نمایش های خیابانی جشنواره سی و سوم ۱۷۸
- برگزیدگان نمایش های بخش مسابقه مرور تئاتر ایران جشنواره سی و سوم ۱۷۹
- برگزیدگان نمایش های بخش مسابقه تازه های تئاتر ایران جشنواره سی و سوم ۱۸۰
- برگزیدگان نمایش های بخش مسابقه بین الملل جشنواره سی و سوم ۱۸۱
- آنچه برگزیدگان سی و سومین جشنواره تئاتر فجر در اختتامیه گفتند / گزارش ۱۸۲
- عکس هایی از مراسم اختتامیه جشنواره سی و سوم ۱۸۵

ما و سی و سومین جشنواره ای که تمام شد



با آغاز دهه ی مبارک فجر انقلاب اسلامی و در دوازدهمین روز بهمن ماه هزار سال یک هزار و سیصد و نود و سه خورشیدی ، سی و سومین جشنواره ی بین المللی تئاتر فجر به کار خود پایان داد و مراسم اختتامیه ی آن با اعلام برگزیدگان برگزار گردید . ما نیز در **تئاتر فستیوال** ، به همه ی کسانی که چون ما به نحوی کارگران عرصه ی تئاتر این سرزمین هستند ، خسته نباشید می گوییم و لازم می دانیم در این دقایق مروری داشته باشیم بر چگونگی برگزاری سی و سومین جشنواره تئاتر فجر تا مجالی ایجاد کنیم برای دیده شدن محاسن و گوشزد کردن معایب و انشاءالله رفع آنها در دوره های آتی.

- ۱- سی و سومین دوره جشنواره بین المللی تئاتر فجر آغاز شد ، اما بی مراسم افتتاحیه و آیین گشایش . ما هم خوب می دانیم که بودجه اختصاص یافته به تئاتر اندک است و چه و چه و چه . اما با این حال نمی توانیم جای خالی این مراسم را نادیده بگیریم و نگوییم که راه حل کم هزینه برگزار کردن جشنواره حذف کردن مراسم اصلی آن نیست بلکه باید هزینه های جانبی را کم کرد ، هزینه هایی که اغلب ناچیز به نظر می رسند اما در مجموع بی شک از هزینه ی یک مراسم افتتاحیه پر خرج تر هستند.
- ۲- پوستر جشنواره امسال گرچه با انتقاد پذیری به جای دبیر محترم جشنواره ، اردشیر صالح پور ، اصلاح شد ، اما خودمانیم و حالا هم که جشنواره تمام شده ، باز هم چنگی به دل نزد و نشد که ما هم گوشمان را به روی کپی بودن پوستر و حاشیه های از این دست ببندیم.
- ۳- حضور جوانان و گروه های شهرستانی در جشنواره ی سی و سوم برای همه ی ما ، دلچسب بود و دلگرم کننده ، از این جهت که جشنواره فرصتی باشد برای محک خوردن و دیده شدن آنان و پرورش نسل فردای تئاتر ایران زمین و ما گرچه جای بزرگان و نام آشنایان تئاترمان را در این جشنواره به شدت خالی احساس کردیم اما دل بستیم به فردایی که به دست همین جوانان ساخته خواهد شد.
- ۴- حضور گروه های خارجی در جشنواره امسال کم رونق و کم کیفیت بود و فقط یک یا دو اثر قابل توجه در بین این آثار حضور

داشت ولی باز هم نتوانست توقع اهل تئاتر را برای دیدن تئاتر روز دنیا به خصوص اروپا برآورده نکرد و همان انتقاد همیشگی "بین‌المللی شدن به چه بهایی؟! " به این بخش وارد بود. گرچه حضور گروه‌هایی از کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، جالب توجه بود و اهالی تئاتر را مشتاق کرد تا با تئاتر این کشورها آشنا شوند. اما بدترین اتفاق در مورد این بخش از جشنواره سی و سوم این بود که به هیچ یک از این گروه‌های خارجی، حتی همان یکی دو گروه با کیفیت نیز، یک جایزه هم تعلق نگرفت! گویا این گروه‌ها اصلاً مورد داوری قرار نگرفته‌اند و فقط ویتترین بین‌المللی بودن جشنواره‌اند!

۵- و شاید دلچسب‌ترین اتفاق جشنواره‌ی امسال احترام قائل شدن مسئولین و مجریان جشنواره برای مردم بود و تا حدی تحقق یافتن شعار "تئاتر برای همه". چرا که امسال بالاخره قبل از ورود خبرنگاران و هنرمندان و که و که ... ابتدا مردمی که بلیت خریداری کرده بودند به سالن‌ها راه داده می‌شدند. حال بماند که در این بین به بسیاری از اهالی تئاتر به خصوص بزرگان و پیشکسوتان بی‌احترامی شد و این بار نیز نادیده گرفته شدند.

۶- تحلیل و پیش‌بینی درباره‌ی برگزیدگان هر مسابقه‌ای از هیجان خاصی برخوردار است. منتقدین **تئاتر فستیوال**، امسال نیز همچون سال‌های قبل، برگزیدگان بخش‌های مختلف جشنواره را پیش‌بینی کردند. نتیجه‌ی این تحلیل و پیش‌بینی در بخش مسابقه‌ی بین‌الملل و تازه‌های تئاتر ایران، ۵۰ درصد و در بخش مرور تئاتر ایران، ۷۵ درصد شد.

با همه‌ی اینها جشنواره‌ی امسال، جشنواره‌ای متین و آرام بود، جشنواره‌ای درست مانند دبیرش که آرام است و متین و البته نقد‌پذیر و چنانکه قبلاً نیز گفتیم ما از اردشیر صالحپور و سایر مجریان و مسئولین این دوره علی‌رغم همه‌ی ایرادات و معایب، به علت نقدپذیری و روحیه‌ی مردمی‌شان تشکر می‌کنیم و امیدواریم این جشنواره آغازی باشد برای جایگاه یافتن نقد و نقادی در تئاتر ما و نیز امیدواریم مسئولین تئاتری کشور گوش به نقد و نظر اهالی و دلسوزان تئاتر، دوره‌های بعدی جشنواره را هرچه بهتر و بی‌نقص‌تر برگزار نمایند. انشاءالله...

محبوبه صادقی - سردبیر

«تئاتر برای همه» در غیاب بزرگان

سی و سومین جشنواره ی تئاتر فجر ، دو روز دیگر ، کار خود را آغاز می کند . جشنواره ای که قرار است همچون گذشته اش ، مهم ترین باشد . مهم ترین در معرفی نمایش های سال پیش رو ، مهم ترین ویتترین از آثار اجرا شده در سال گذشته ، مهم ترین اتفاق برای مراوده با گروه های نمایش خارجی ، آن هم تنها به دلیل یدک کشیدن واژه " بین المللی " در پیشوند نام جشنواره و مهم ترین های دیگر...

آن چه بعد از اعلام نمایش های راه یافته در بخش های گوناگون جشنواره ی امسال ، بیش از هر چیز دیگری خودنمایی می کند ، غیاب بزرگان تئاتری ست که در جشنواره حضور ندارند و البته ، بی تدبیری در انتخاب آثار تئاتری های با سابقه ای که در این دوره شرکت کرده اند.



مصادفاً نمایش " دیده بانان " ، به کارگردانی دکتر خاکی ، بیش از دو ماه است که در سالن چهارسوی تئاتر شهر اجرا می شود ، یا " مرگ فروشنده " برهانی مرند در سالن اصلی تئاتر شهر . حضور دوباره ی این آثار در بخش مرور جشنواره ، برای اغلب کسانی که به تازگی آن ها را دیده اند ، هیچ جذابیتی ندارد ، مگر پر شدن جدول بخش های مختلف جشنواره.

از این گذشته ، جای نام بسیاری از بزرگان دیگر تئاتر مثل هادی مرزبان که سال گذشته با اجرای نمایش " تانگوی تخم مرغ داغ " روزهای سخت و پر حاشیه ای را گذراند ، خالی ست . او حتی برای حضور در جشنواره سال گذشته نیز با مشکلات دیگری برای آماده سازی دکور همین نمایش روبه رو بود و در نهایت از حضور در جشنواره کناره گیری کرد . کاش به بهانه جشنواره و جشن فجر ، از وی برای حضور در این دوره دعوت می کردند.

از سوی دیگر از حضور افرادی چون هما روستا ، پری صابری ، اکبر زنجانیپور ، علیرضا نادری ، کوشک جلالی ، رحمانیان ، شهرستانی ، سلامتی و ... هم خبری نیست و کاری در جشنواره امسال ندارند و این موضوع حتما در سطح کیفی جشنواره تاثیرگذار خواهد بود.

از برکت حضور بزرگانی چون عزت الله انتظامی ، علی نصیریان ، جمشید مشایخی و داوود رشیدی هم که سال هاست بی بهره ایم و به آن عادت کرده ایم . حیف!

در جشنواره امسال ، بخش دیگری با نام مهمان صحنه ای اضافه شده که معلوم نیست ملاک انتخاب آثار در آن چیست ؟ در ابتدا با دیدن

نام هایی چون قطب الدین صادقی ، آتیلا پسیانی و مصطفی عبداللہی به نظر می رسد ، بخشی برای حضور بزرگان در نظر گرفته شده باشد ولی با حضور چند گروه دیگر ، این گمان از بین می رود . کاش حداقل این بخش جدی تر برنامه ریزی می شد .

از میان غایبین جشنواره ی امسال ، نام دو نفر دیگر با گروه های خارق العاده شان هم خالی ست . اول از همه حسین رحیمی ، کارگردان جوان و پر تلاشی که در سال گذشته ، با کارگردانی نمایش " پرده برداری " و بازی گرفتن از بازیگران معلولش ، تئاتر ماندگاری را به نمایش گذاشت و در جشنواره های خارجی جایزه گرفت . و همین طور آشا محرابی که در نمایش " دایره گچی قفقازی " به کارگردانی استاد حمید سمندریان کار حرفه ای اش را در تئاتر آغاز کرد ، بازی بی نقصش در نمایش " آنتراکت بی آنتراکت " از یاد نرفتنی ست .

با همه ی این اوصاف ، جشنواره تئاتر فجر امسال ، کلکسیونی از نمایش ها را برای مخاطبینش در نظر گرفته که با توجه به غیاب اغلب بزرگان ، حداقل تا پیش از شروع آن ، تا به حال ، چیزی برای رونمایی و غافلگیری مخاطبانش نداشته و اصطلاحا کاری نکرده که مخاطبانش را تشنه ی خود کند . قضاوت در اجرا و برپایی جشنواره بماند برای بعد .

مرجان سادات هاشمی - تئاتر فستیوال

جشنواره تئاتر فجر با پوسترهایش ما را غافلگیر کرد



گویا جشنواره تئاتر فجر هر ساله باید، کار خود را با حاشیه‌هایی آغاز کند. جشنواره‌ی سی و دوم در شرایطی که تنها یک هفته به شروع جشنواره باقی مانده بود، با مسئله‌ی تغییر دبیر که مهم‌ترین رکن یک جشنواره است، مواجه شد و حال، سی و سومین جشنواره تئاتر فجر با معضلی به نام پوستر که ناشی از بد سلیقگی مفرط مدیران عزیز جشنواره است روبه‌رو شده.

زمانی که یک جشنواره پیشوند "بین‌المللی" را با خود یدک می‌کشد، موظف است برای تحقق همه‌ی ابعاد این مدعا تلاش کند. چه از نظر محتوایی که شامل پذیرش آثار شرکت‌کننده در جشنواره است و چه از نظر فرم ظاهری که نمود آن را می‌توان در سالن‌های اجرای نمایش و پوستر جشنواره مشاهده کرد.

"پوستر" یک جشنواره از جهات مختلفی اهمیت دارد. چرا که اولین مواجهه مخاطب با جشنواره‌ی پیش‌ست. پوستر است که می‌تواند معرف سطح یک جشنواره، طرز تفکر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آن و حتی فرهنگ کشور میزبان باشد. متأسفانه در طراحی پوستر سی و سومین جشنواره تئاتر فجر، با این طراحی به شدت زشت، از نظر زیبایی‌شناسی، تمام این موارد زیر سوال می‌رود.

در اولین پوستر که برای سی و سومین جشنواره تئاتر فجر طراحی شده است، نقشه‌ای از ایران را که سراسر بوستان و قناری است می‌بینیم که یک مرد و یک زن در طرفین آن با حالتی دعوت‌کننده، مخاطبان را به سوی خود فرا می‌خوانند. حتی اگر مسئولین جشنواره چنین پیامی مد نظرشان بوده است، طراح محترم باید به این نکته توجه می‌کرد که با اینگونه طرح‌های شعاری نمی‌تواند پیام خود را سریع‌تر منتقل کند بلکه تنها باعث خلق چیزی در حد فاجعه می‌شود و صدای اعتراض هنرمندان وطنی خودمان را هم بلند می‌کند. تنها نکته‌ی مثبت ماجرا انتقادپذیری دبیر جشنواره است. صالح پور پذیرفت که پوستر دیگری طراحی شود. اما نکته‌ی هدر رفت بودجه‌ی مصرفی برای طراحی پوستر اول، همچنان باقی‌ست!

پوستر دوم طراحی شد. گرچه این پوستر نسبت به پوستر اول اندکی آبرومندتر است اما باز هم برای معرفی جشنواره‌ای به اصطلاح بین‌المللی شایسته نیست. این بار پوستر جشنواره به جای آن زن و مرد و سرزمین بوستان و قناری از دو چشم تشکیل شده است که به

زل می زند . ولی اگر مخاطب به او بنگرد ، به خاطر نوع طراحی دچار سرگیجه می شود .
در اینجا این سوال به ذهن خطور می کند که یعنی به راستی جشنواره ای که در بخش پوستر و عکس خود داورانی همچون قباد شیوا ، علی خسروی و علیرضا غفاری را دارد ، نمی تواند تیمی برای طراحی پوستر جشنواره ، یعنی ویتترین خود تشکیل دهد که حداقل در نگاه نخست بتواند آبروی چنین جشنواره ای را حفظ کند؟! اگر پوستر جشنواره این است ، باید منتظر بمانیم و ببینیم داوران عزیز بخش عکس و پوستر ، چه آثاری را به عنوان آثار برگزیده انتخاب خواهند کرد ؟

فرهاد ابراهیمی والا - تئاتر فستیوال

دکتر محمدرضا خاکی : " بین المللی شدن جشنواره نیازمند داشتن تخصص و شناخت از تئاتر اروپا است . "

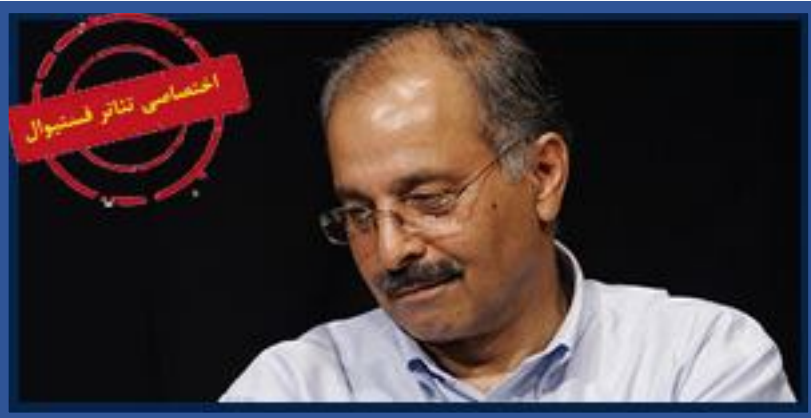
به بهانه اجرای نمایش " دیده بانان " در بخش منتخب مرور آثار تئاتر ایران و مسابقه بین الملل سی و سومین جشنواره تئاتر فجر، گفت و گویی با دکتر محمدرضا خاکی ، کارگردان این نمایش ترتیب دادیم که این مصاحبه را در ادامه می توانید بخوانید :

اجرای نمایش " دیده بانان " در جشنواره بین المللی تئاتر فجر چه تغییری نسبت به اجرای عموم دارد ؟

این نمایش هیچ تغییری نسبت به اجرای عمومی اش نخواهد داشت . همان طور که در شب های پیش ، نمایش " دیده بانان " اجرا می شد امشب هم اجرا خواهد شد .

از اجرای نمایش " دیده بانان " در سالن چهارسو رضایت داشتید ؟

بله به طور نسبی رضایت داشتیم و هماهنگی هایی که صورت گرفت خوب بود . در روزهای اول اجرا ، به دلیل مشکلات ساخت



و ساز در مجموعه تئاترشهر ، با کمی خاک و آثار ساخت و ساز ، روبرو شدیم ولی با همکاری هایی که انجام دادند و بسته شدن درب راهرو که در آن ساخت و ساز بود و به اتاق های گریم راه داشت ، وضعیت بهتر شد و مسیر عبور و مرور بازیگران نیز از طریق دری که در کافه تریای تئاترشهر است انجام گرفت و دیگر از این جهات مشکلی نداشتیم .

چرا این نمایش در بخش مسابقه بین الملل جشنواره تئاتر فجر اجرا می شود ؟

آقای صالح پور ، دبیر جشنواره ، به ما پیشنهاد دادند که می توانید در این جشنواره شرکت کنید و ما قبول کردیم . یک روز ایشان با دوستانشان آمدند و این نمایش را دیدند . در ابتدا قرار بود نمایش در بخش مرور تئاتر ایران باشد ، ولی پیشنهاد کردند که این نمایش هم در بخش مرور تئاتر ایران و هم در بخش مسابقه بین الملل حضور یابد و ما پذیرفتیم . ولی اینکه در چه بخشی باشد را دفتر جشنواره تنظیم و تصمیم گیری کرد . ما فقط پذیرفتیم که نمایش را اجرا کنیم و این کار کاملاً با توافق و هماهنگی صورت گرفت .

از گروه هایی که در بخش بین الملل شرکت کرده اند ، کدامیک را گروه قوی تر و در شأن جشنواره تئاتر فجر می دانید ؟

به طور خاص ، هیچ کدام از این گروه ها مشهور نیستند که بگویم در سطح بین المللی آنها را می شناسم . گروه هایی هستند که خیلی از آنها از لحاظ کیفیت ، ممکن است خوب و یا متوسط باشند ولی یک بخشی از آنها از کشورهای عربی خلیج فارس می آیند ، که به طور معمول ما آشنایی زیادی با تئاتر آنها نداریم .

مسئولین جشنواره تئاتر فجر در مورد تصویر بدی که از برنامه های مربوط به نمایش های خارجی وجود دارد با من مشورت کردند و من تعدادی از این

فیلم ها را دیدم که گروه های خوبی هم حضور داشتند و تئاتر های خوبی هم بودند ، ولی بعضی به دلیل محدودیت زمان و بعضی به دلیل محدودیت هایی که ما برای اجرای نمایش داریم توافق نکردند که در این جشنواره نمایش خود را اجرا کنند ، البته هنوز من به طور دقیق جدول فستیوال را ندیده ام ، ولی امیدوارم که برنامه های خوبی باشد و از ارزش و کیفیت خوبی برخوردار باشند.

البته بعضی ممکن است به لحاظ کیفیت به مراتب از تئاتر امروز ما ضعیف تر باشند به خصوص آنهایی که از منطقه می آیند ، ولی به هر حال یک کنجکاوی وجود دارد که ببینیم در اطراف ما چه نوع تئاتری اجرا می شود و این خود بخشی از اطلاع و دانش تماشاگر ما خواهد بود که بتواند به لحاظ کیفی و کمی وضعیت تئاتر ما را در یک سنجشی قرار دهد و فکر نمی کنم بد باشد . ولی باید این کارها دیده شوند . اما در رابطه با این سوال که گروه هایی که خیلی شهرت بین المللی داشته باشند در این جشنواره هستند و یا نه ؟ باید بگویم که من فکر نمی کنم اینطور باشد . از نمونه هایی که من دیدم ، نمایشی بود که از کشور لهستان می آمد و سه اجرا در روزهای آخر دارد و به نظرم نمایش خوبی بود ولی متأسفانه الان اسم آن در خاطرم نیست.

من فقط یک نکته را می دانم که در شرایط فعلی دشواری ها و مشکلات به خصوص به لحاظ بودجه ای که وجود دارد ، حقیقتاً دست دوستانی را که در جشنواره تلاش می کنند که گروه های خارجی را به جشنواره دعوت کنند ، را می بندد و الزاما باید به این محدودیت ها توجه کرد . من می دانم که همه این دوستان تلاششان در جشنواره در این جهت است که همانند هر آدم تئاتری ، بهترین تئاترها را دعوت کند که به این جشنواره بیایند و بهترین کیفیت ها را داشته باشند ولی در این ها یک محدودیت هایی هم وجود دارد ، یعنی اینطور نیست که این دوستان نخواهند گروه های خوبی در جشنواره باشد ، البته چیزی که به من گفته شده این است که امسال جشنواره بودجه زیادی ندارد . ولی به هر حال این گروه ها بسیار تلاش می کنند که جشنواره ای را برگزار کنند و من امیدوارم به خوبی جشنواره امسال برگزار شود.

نظر شما درباره جشنواره تئاتر فجر امسال چیست ؟

جشنواره ی تئاتر فجر امسال دارای همان مشکلاتی است که جشنواره فجر پارسال و سال های دیگر داشت ، به خصوص در بخش خارجی که یک نقطه ضعف عمده وجود دارد و آن این است که نمی شود در ماه های آخر ، به فکر دعوت از گروه ها افتاد ، لذا جشنواره باید یک دفتر ثابت متشکل از دو سه نفر مشاور داشته باشد ، کسانی که تئاتر اروپا را بشناسند و بتوانند در طول سال برنامه ها را یا از طریق اینترنت دنبال کنند و یا از این طریق که بتوانند به آن کشورها بروند و کار را ببینند و با آنها گفتگو کنند . در واقع باید فرصت کافی داشته باشیم تا برنامه های خوب به کشور بیایند.

من مطمئن هستم که خیلی از کشورها علاقه مند هستند که برنامه های خوبی را به ایران بیاورند و اجرا کنند ولی این اتفاق اول از همه نیازمند اطلاع است و دوم اینکه این اطلاع باید همراه با تخصص و شناخت تئاتر کشورهای اروپایی همراه باشد ، من متأسفم که این را می گویم ولی دوستان جشنواره ما ، همه خیلی شریف و تلاشگر هستند ولی متأسفانه تخصص و دانش اروپا را تنها عده ای در ایران که تعداد آن ها از انگشتان یک دست هم بیشتر نیست، دارند بنابراین آنها باید به این دوستان راهنمایی و همکاری کنند.

به نظرم باید در فرصت و زمان کافی بخش دفتر روابط بین الملل در طول سال فعال باشد و برای جشنواره فجر برنامه ریزی کند ، این نکته ای است که من در سال های پیش هم گفتم و الان هم عرض می کنم و اگر چنین اتفاقی بیافتد نه تنها هزینه بر نیست بلکه می تواند از برنامه های خوب و با کیفیتی دعوت کند . به این دلیل که وقتی این اتفاقات از قبل پیش بینی شود ، می توان خیلی از این برنامه ها را در حوزه روابط فرهنگی بین المللی تعریف کرد که آنچنان هزینه بر هم برای جشنواره فجر نباشد.



کارگردان نمایش «تابوتی له تاوان»: "دریاچه زریوار به سرنوشت دریاچه ارومیه دچار نشود."



به گزارش **تئاتر فستیوال**، اولین نمایش خیابانی «تابوتی له تاوان» به نویسندگی و کارگردانی عزیز زادسر از مریوان، آغازگر بخش خیابانی جشنواره سی و سوم بود که همراه با استقبال مردم، در محوطه تئاتر شهر اجرا شد. از این رو مصاحبه ای کوتاه با کارگردان این نمایش انجام دادیم که می توانید در ادامه بخوانید:

از نمایش "تابوتی له تاوان" برایمان بگویید.

عزیز زادسر هستم، نویسنده و کارگردان نمایش «تابوتی له تاوان» که کاری از گروه "اهورا" است. این گروه بنیان گذار تئاتر روستا در ایران است و بیشتر در روستاها به اجرای تئاتر می پردازد. این نمایش در رابطه با طبیعت و محیط زیست است. محیط زیستی که امروزه خطر آن را تهدید می کند و متأسفانه در حال انقراض است.

ما این نمایش را اجرا کردیم که به مسئولین بگوییم حواستان باشد دریاچه زریوار هم به سرنوشت دریاچه ارومیه دچار نشود و از بین نرود. همین طور کوه های زاگرس هم مثل کویر لوت نشود.

این گروه چند سال است که تشکیل شده و تاکنون چند اجرا داشته اید؟

گروه تئاتر "اهورا" حدود بیست سال به صورت غیر رسمی و در حال حاضر به طور مستمر دوازده سال است که در روستاهای مریوان اجرا می کند. در ایران هیچ گروه دیگری نیست که به این صورت فعالیت داشته باشد. در سال ۱۳۹۰، ۲۹۷ اجرا در روستاها و حتی در نقطه صفر مرزی داشتیم که بدون هیچ کمک مالی انجام شد. ما یک گروه خودجوش هستیم و دوست داریم کار تئاتر انجام دهیم.

بازخورد مردمی کار هایتان چگونه است؟

در شهر خودمان که خیلی عالی ست. چون درد برای آن ها ملموس است. در اینجا هم خوشبختانه بازخورد ها خیلی خوب بود. من خیلی خوشحال شدم که مردم این همراهی را با ما داشتند.

این نمایش قبلا چند بار اجرا شده است؟

قبلا این نمایش در جشنواره خیابانی مریوان برگزیده مقام اول در بخش نویسندگی و طراحی صحنه شد و به عنوان کار برگزیده موفق شدیم به سی و سومین جشنواره تئاتر فجر راه یابیم. پس از این هم قصد داریم اجرایمان در روستا ها را ادامه دهیم.

عکس هایی از نمایش خیابانی "تابوتی له تاوان"



"بیتل ها" ی دانشجویی در جشنواره فجر

یادداشتی بر نمایش "بیتل ها" به بهانه اجرای آن در سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر



"بیتل ها" یک نمایش ضعیف در همه سطوح است.

نمایشی که از یک نمایشنامه ضعیف برخوردار است ، نمایشنامه ای که ساختار قصه اش بسیار شکننده و سطحی است و هیچ مکان و زمان و موقعیت مشخصی ندارد و آدم های قصه ماکت هایی هستند بی رنگ و محو ، ماکت هایی که حتی تیپیکال هم نیستند ، چه برسد که شخصیت پردازی شده باشند . پی رنگ ها و خرده پی رنگ ها نیز ساختگی ، سطحی و اغلب بی معنا و لوس هستند و تعلیق ها و گره ها ساختگی اند . نمایشنامه " بیتل ها " اثر محمد چرمشیر ظاهرا بیشتر یک اتود دانشجویی است که باید در همان سطح دانشجویی نیز اجرا شود ، نه در جشنواره فجر .

کارگردانی مهدی سالاری نیز هیچ کمکی به بهبود شرایط نمی کند . نصف بیشتر نمایش در تاریکی می گذرد ، یک تاریکی بی معنا که نه ترسی را که ظاهرا پرسوناژها با آن درگیرند القا می کند و نه زمان را به خوبی نشان می دهد ، تنها تماشاچی مجبور است نیمی از نمایش را در تاریکی ببیند و تلاش بازیگران نیز در آن دقایق دیده نمی شود و بی معنا باقی می ماند.

هیچ میزانشن معنا داری در این اجرا دیده نمی شود ، میزانشنی که به تعریف شدن پرسوناژها و قصه کمکی کند در کار نیست ، بیشتر ورود و خروج بازیگران است و زمین خوردن های آنها و گیس و گیس کشی دخترانه و لوس شان . آمد و شد ها و درگیری ها بیشتر بر اساس اتفاق هستند تا بر اساس میزانشن های از پیش تعیین شده. دکور و چیدمان آن نشان از یک سهل انگاری است تا یک اثر حرفه ای . آسان ترین چیدمان و بی معنا ترین اکسسوار که باز هم در تعریف زمان و مکان و موقعیت قصه و در شخصیت پردازی نا کار آمد و دم دستی هستند .

موسیقی اثر دو پاره است و ذهن مخاطب را پراکنده می کند و به فضاسازی نمایش آسیب جدی وارد می کند و با پرسوناژها و به ظاهر قصه ای که روایت می شود کمترین ارتباط را دارد.

بازیگران نیز ضعیف هستند و بیشتر در حال مشق کردند تا بازی کردن و علی رغم تلاش زیادی که می کنند ، جز ارائه کلیشه های بازیگری کاری انجام نمی دهند ، ترسیدن کلیشه ای ، شادی کلیشه ای ، گریه کردن کلیشه ای و دعوا کردن کلیشه ای ، بی هیچ خلاقیتی و بی هیچ کمکی به پوشش دادن سایر معایب اثر.

و آخر اینکه " بیتل ها " علی رغم نام معروف نویسنده اش و تلاش مشهود عواملش ، تنها یک اثر دانشجویی است که در جشنواره های دانشجویی قابل ارائه است ، نه در جشنواره ای که مهم ترین رویداد تئاتری کشور است.

دکتر المیرا نداف - نویسنده مهمان

علی شفیعی: "آثار برگزیده ی مناطق از آثار تهرانی قوی تر هستند."



در نخستین روز سی و سومین جشنواره تئاتر فجر یکی از نمایش هایی که به روی صحنه رفت نمایش "کسی دست به عصا در شکم راه می رود" به نویسندگی صابر محمدی و کارگردانی علی شفیعی بود که جزء برگزیدگان تئاتر مناطق بود و از آن طریق به سی و سومین جشنواره تئاتر فجر راه پیدا کرد. خبرنگار **تئاتر فستیوال**، گفت و گویی را با علی شفیعی، کارگردان این نمایش داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید:

بیوگرافی مختصری از خودتان برای ما بگویید.

علی شفیعی هستم کارگردان نمایش "کسی دست به عصا در شکم راه می رود". اولین تجربه ی کارگردانی من است ولی ۱۷ سال است در عرصه ی تئاتر، بازیگری، فعالیت می کنم. گفتیم امسال خودمان را در کارگردانی محک بزنیم. دوستان خیلی کمک کردند و خدا را شکر همه چیز خوب بود.

چه شد که نمایشنامه "کسی دست به عصا توی شکم راه می رود" را برای اجرا انتخاب کردید؟

این اولین متن صابر محمدی است، من هم اولین کارگردانی ام است. صابر این متن را نوشت، یک روز با هم آن را خواندیم. صابر گفت دوست دارم این، کار شود. ما به مدیر گروهمان، آقای نوروزی گفتیم آقای نوروزی شما کار کنید. متن را خواندند، خوششان آمد ولی گفتند من الان در شرایطی نیستم که بخواهم کار کنم چون سمت هایی به ایشان داده بودند. من عضو گروه آقای نوروزی بودم. بلند شدم گفتم من کارگردانی می کنم. متن را هم خوانده ام و خوشم آمده است. از صابر هم اجازه گرفته ام، صابر هم خوشحال شد و این کار را با هم انجام دادیم.

این نمایشنامه، نمایشنامه ای بومی محسوب می شود. می توانید کمی در مورد نمایشنامه برای ما توضیح دهید.

در مورد نمایشنامه باید با خود نویسنده صحبت کنید، من نمی توانم در مورد نمایشنامه آقای صابر محمدی توضیح دهم. ولی در سبک و سوی کار، با استفاده از المان ها و نشانه هایی که داشتیم، می خواستیم بومی بودن منطقه ی خودمان را به تصویر بکشیم و فرهنگی را که قبل از انقلاب جا افتاده بود، رسوم را که قبلا در عشیره و قبیله بوده، ضد خان و مردم گرایی، امروزه هم به آن توجه شود. و آمدیم از طریق نشانه ها آن رسوم و اتفاقات قدیمی را نشان دادیم.

چه مدت برای این نمایش تمرین داشتید و شکل گیری گروه به چه شکل بوده است؟

تمرینات را از اوایل مرداد ماه شروع کردیم. اواسط مرداد ماه به ما گفتند که جشنواره استانی است. کار بازیگری شد و پذیرفته شد. در جشنواره استانی شرکت کردیم، استان کهگیلویه و بویراحمد برگزیده شدیم. به مناطق کشور آمدم. در منطقه چهار کشور، گناوه، بوشهر شرکت کردیم. آنجا هم برگزیده شدیم و از طریق بخش منطقه ای تئاتر فجر وارد سی و سومین جشنواره تئاتر فجر شدیم. آنجا هیئت انتخاب ما را در بخش مسابقه ایران گذاشتند.

تئاتر در شهرستان چه مشکلاتی دارد ؟ شما با چه مشکلاتی روبرو بودید ؟

وقتی که از تئاتر صحبت می کنیم ، از همان اول بسم الله که می گوییم تئاتر مشکل دارد . در مرکزش از نظر بودجه و ... مشکل دارد چه برسد به شهرستان ، آن هم شهرستان محرومی مثل گچساران ، کهگیلویه و بویر احمد . اما همیشه با این محرومیت و این بودجه ی کم ، قطب تئاتر ایران بودیم ، همیشه ما یک پای فجر بودیم . همیشه ، هر ساله در جشنواره ها ، از جشنواره پایین بگیر تا جشنواره سی و سوم فجر ، نماینده از استان کهگیلویه و بویر احمد داریم ولی هیچ وقت هم توجه نمی شود . نماینده داریم نه یکی ، نه دو تا ، همیشه سه تا نماینده داریم . همین امسال سه نماینده داریم ، دو تا از شهرستان خودمان اند ، گچساران . اینجا آوردیم ولی کسی توجه نمی کند ، نه ارگانی ، نه حالا صحبت هایی شده ، قول هایی دادند ، ببینیم چه می شود.

در گچساران سالن تئاتر داریم ؟ استقبال مردم از تئاتر به چه صورت است ؟

وقتی من می گویم آنجا بودجه کم است یا تئاتر کم رنگ است ، از نظر مقامات بالا می گویم که تئاتر کم رنگ است ولی واقعا شهرستان خیلی خوبی داریم که توجه ویژه ای به تئاتر می کنند ، همه تئاتر دوست هستند . تئاتر آنجا جمعیت ویژه و بزرگی را تشکیل می دهد . ما یک اداره ارشاد در شهرستان گچساران داریم ، یک پلاتو داریم که آنجا تمرین می کنیم که تمام گروه ها آنجا تمرین می کنند . بعضی وقت ها برنامه را که می زدند ، می دیدیم یک دفعه ۱۰ ، ۱۲ گروه تمرین دارد ، ۲ ساعت ، ۲ ساعت تمرین دارند تا ۱۰ شب.

نظرتان راجع به سی و سومین جشنواره تئاتر فجر چیست ؟ فکر می کنید آثاری که در این جشنواره شرکت کردند ، از چه کیفیتی برخوردارند ؟

من بسم الله گفتم یعنی اولین اجرا ، اجرای خودم بود . هنوز کار کسی را هم ندیدم ، حتی نرفتم محوطه تئاتر شهر را ببینم . ولی کارهایی که در جشنواره حضور دارند را می شناسم مخصوصا کارهایی که از مناطق آمده اند . کارهایی که از طریق برگزیدگان مناطق بالا آمدند ، واقعا کارهای قوی تری نسبت به کارهای تهران هستند . من حاضرم اسم ببرم و بگویم چه کارهایی هستند . کارهای خیلی خوبی در جشنواره هستند ، کارهایی که از طریق برگزیدگان مناطق بالا آمدند ، ولی پله پله نسبت به سال های قبل شور و شغف آن کمتر می شود.

شما برگزیده مناطق بودید ، با همین تئاتر توانستید در جشنواره های دیگری نیز جوایزی را کسب کنید ، الان که ابتدای جشنواره تئاتر فجر هستیم ، فکر می کنید می توانید یکی از برگزیدگان جشنواره تئاتر فجر هم باشید ؟

من امیدوارم . همین که همان اول که کار را شروع کردم ، هیچ توقعی نسبت به کارم نداشتم فقط دوست داشتم یک تجربه ی کارگردانی داشته باشم . دیدم که خدا در این شرایط سخت دارد به من کمک می کند ، من کشاورزم ، اصلا تئاتری نیستم . رشته ام کشاورزی است ، شغلم کشاورزی است . بعد دیدم دارم همه چیز را می گیرم ، جایزه ها را که می خوانند همه اش اسم کار من و اسم من و گروه من می آید ، همینجور امید ، امید ، امید تا ۳ ، ۴ تا جشنواره گذراندیم و برگزیده شدیم ، آمدیم اینجا . مطمئنا نسبت به کارمان امید خیلی زیادی داریم.

پس چه شد که وارد تئاتر شدید ؟

اتفاقی برای خانواده ام افتاد . یکی از اصلی ترین پایه های زندگی ام ، پدرم را از دست دادم . مجبور شدم زندگی خانواده را خودم بچرخانم . من ۱۸ سال است که تئاتر کار می کنم ولی از ۷ سال پیش که پدرم فوت کرد ، سر زمین کشاورزی کار می کنم و تئاتر را کنار گذاشتم ولی یک دفعه دوباره شروع کردم . در کنار کشاورزی ، برای دل خودم کار تئاتر انجام می دادم.

اگر حرف پایانی درباره تئاتر فجر و کار خودتان دارید برای ما بگویید.

حرف پایانی ندارم ولی دوست داشتم همه بیایند کارم را ببینند ولی تعداد کمی را در سالن دیدم . دوست داشتم تمام تهران بیایند کارم را ببینند.

دکتر شهرام خرازی ها : " نمایشنامه بیتل ها نیاز به دراماتورژی دارد "



یکی از نمایش های اولین روز جشنواره ی بین المللی تئاتر فجر نمایش "بیتل ها " کاری از مهدی سالاری از کرمانشاه بود که دکتر شهرام خرازی ها نیز به تماشای این نمایش نشست . **تئاتر فستیوال** نظر ایشان را در رابطه با این نمایش جویا شد :

دکتر شهرام خرازی ها در رابطه با نام نمایش " بیتل ها " گفت : " من دوست داشتم " بیتل ها " را ببینم ، به خاطر اینکه نمایشنامه اسم جذاب و پرسش برانگیزی دارد . همانطور که می دانید بیتل ها یک گروه موسیقی بودند که در زمان خود شاید بیشتر از سیاستمداران توانستند روی مردم اثر بگذارند . به خاطر همین دوست داشتم نمایش را ببینم و ارتباطش را با بیتل ها کشف کنم ، اما آنچه ما در این نمایش دیدیم نسبتی با بیتل ها نداشت به نظر من نمایش می توانست از اسم گروه های موسیقی دیگری استفاده کنند که به محتوای نمایش و کاراکترها جور درآید " .

وی درباره ی این نمایش افزود : " نمایش چهار کاراکتر دارد که حلقه وصل آن چهار کاراکتر ، شخصیتی است به نام مرتضی که کاراکتر غایب است . متأسفانه

قصه ، قصه ای بدون پیشینه است و اگر هم قصه ای داشته باشد روابط شخصیت ها در آن گم هستند . نمایش از کمبود قصه رنج می برد و بیشتر شبیه به یک دورهمی چهار دختر است که شب تا صبح را با هم می گذرانند " .

دکتر خرازی ها ضمن اینکه ضعف اصلی این اثر را در نمایشنامه ی اثر می دانست افزود : " به نظر من نوشته ی آقای چرمشیر بیشتر شبیه به نمایش های رادیویی است و بسیار بسیار مبتنی بر کلام است . به نظر من تنها حسن این نمایش استفاده ی آقای سالاری ، کارگردان اثر ، از اغراق آمیز بازی کردن بازیگران زن است او با اینکار توانست زهر رادیویی بودن نمایشنامه رادیویی را بگیرد و بازیگران توانستند با درک درستشان از نقش ، ضعف های نمایشنامه را که نوشته آقای چرمشیر است در آورند " .

دکتر خرازی ها ، منتقد تئاتر ، با بیان اینکه یک دراماتورژی درست می توانست به بهبود این اثر کمک کند ، گفت : " به نظر من نوشته های آقای چرمشیر بدون روتوش است و احتیاج به دراماتورژی دارد . نمایش وقتی تمام می شود تماشاگر نمی فهمد که شاهد چه چیزی بوده است به نظر من مرتضی ، همان کاراکتر غایب نمایشنامه ، بهترین کاراکتر نمایشنامه است که متأسفانه پرداخت نشده است " .

کارگردان نمایش "سیارود": از تئاتر روشنفکری خسته شده ام.



سینا شفيعی نویسنده، طراح و کارگردان نمایش "سیارود" ۱۲ سال است که در عرصه ی بازیگری، کارگردانی، نویسندگی تئاتر فعالیت می کند. نمایش او با نام "سیارود" در دومین روز از سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در تماشاخانه ایرانشهر به روی صحنه رفت. خبرنگار تئاتر فستیوال به بهانه ی اجرای این نمایش در جشنواره تئاتر فجر، گفت و گویی با او انجام داده است که در ادامه مطالعه کنید:

ایده شکل گیری نمایش "سیارود" و دغدغه ای که در این اثر مشاهده می شود، از کجا نشأت میگیرد و چه شد که این نمایشنامه را نوشتید؟

"سیارود" از نگاه خودم به هویت من شکل گرفت. احساس کردم تضادهایی بین من و رویاهایم، آرزوهایم، عقده هایم، ایمانم، زندگیم، دیدگاهم وجود دارد که هیچ کدام ربطی به هم ندارند. نمایی دانستم چه چیزی دستخوش چیست "سیارود" طرح یک سوال است که آیا باید با شرایطی که روز به روز آپدیت می شود، عوض می شود، خودمان را وفق بدهیم و اینکه با چه چیزی باید خودمان

را وفق بدهیم. آیا باید واقعا بدانیم که چه کسی هستیم و گذشته ی خودمان را رصد کنیم تا به آرامش برسیم و نیازی به آپدیت کردن خودمان با تغییرات جهان اطرافمان نداشته باشیم یا اینکه نه، هویت ما در لحظه تغییر می کند. احساس می کنم یک حس بدبینی ای به جهان خودم در زمان خودم پیدا کردم که این از فیلتر درام رد شده و به "سیارود" نشسته است و طرح سوال می کند که آیا روزمرگی ما را از فکر کردن به خودمان و رصد گذشته مان غافل می کند.

در کارگردانی "سیارود" شما بیشتر به چه نکاتی توجه داشتید تا مفهومی که مد نظرتان بود را به مخاطب القا کنید؟

متن ما درخوانش ناتورالیستی قلمداد می شود اما وقتی هر کسی اجرای ما را ببیند، متوجه می شود که اصلا به سمت یک اجرای رئالیستی واقع گرایانه صرف یا ناتورالیستی نرفتیم. خیلی المانی کار کردیم و از چیزهایی که در سنت ما مثل فرش، به چشم آشناست، استفاده کردیم. در کارگردانی شخصا خیلی به عنصر ریتم توجه کردم چون کار به زندگی نزدیک است، شناختن ریتم در کار ناتورالیستی و انتقال آن به بازیگر مهم ترین وظیفه کارگردان است. ریتمی که جاری است و قلابی نیست. به نظرم، تجربه ی زیادی می خواهد تا تماشاگر خودش را در صحنه حس کند و احساس کند که دروغ نمی شنود و دروغ نمی بیند و فکر می کنم چنین کاری ریتم خیلی واقعی ای می خواهد. ما برای اینکه به این گفت و گوها برسیم، به شخصه در هر جمعی می رفتیم، صحبت ها را ضبط می کردم که ببینم این ریتم چگونه است. چرا در روی صحنه باور نمی شود اما خودمان باور می کنیم و اینکه از واقعیت متن در صحنه فرار کردم، به تخیل تماشاگر احترام گذاشتم و دوست دارم تماشاگر چیزی را که دوست دارد را در ذهن خود ببیند.

شما در سال های گذشته هم در جشنواره فجر شرکت کردید ؟

من پارسال هم در جشنواره بودم . من برگزیده استان در جشنواره منطقه ای بودم ، امسال هم دوباره برگزیده استان در جشنواره منطقه ای شدم و حالا در جشنواره ی فجر هستم . البته کار پارسال من کم دکورترین کار کل جشنواره بود که فقط یک چوب بود ، یک قاب چوبی خیلی کوچک و دو بازیگر که ۵۰ دقیقه در صحنه بودند . این چوب به ۴۰ آکسسوار تبدیل می شد . از آن نمایش هم خیلی استقبال شد و الان در نوبت اجرای عموم است ولی امسال پر دکورترین کار جشنواره را ما داشتیم که شما می بینید در سالن ایرانشهر باز هم وقتی از کنار هم رد می شویم ، به هم برخورد می کنیم .

کیفیت برگزاری جشنواره را نسبت به سال های گذشته چگونه ارزیابی می کنید ؟

اولین معضل این است که سالن ها مناسب اجراها نیستند . ۹۰ درصد اجراهای جشنواره فجر پلاتویی و در بلک باکس است . کار من در بلک باکس است و به ناچار اینجا اجرا رفتم . تماشاگر گردن درد گرفت ، چون دوست دارد به این آدم ها احاطه داشته باشد ، دوست دارد زندگی خودش را از بالا ببیند . این مسئله اولین ضعف است . خیلی از گروه ها دوست دارند در سالن های دیگری اجرا بروند ، پس اجرای شان ایده آل نمی شود . آوردن گروه های خارجی خوب است ، خیلی خوب است . امسال دو ، سه کار خیلی خوب به جشنواره آمده است که واقعا تئاترند . اما واقعا اگر این پولی که برای اسکان و شرایط کار این گروه ها هزینه می شود ، به گروه های خودمان تزریق شود ، کسی که جوان است ، کار بلد است ، آنوقت کدام یک نتیجه بهتری دارد .

من فکر می کنم مشکلی که امسال وجود دارد ، این است که دآوری بخش مناطق و بخش مرور با هم زیر نظر سه داور انجام می شود . هر سه محترم اند اما دآوری کردن سی و شش کار توسط سه نفر ممکن نیست ، خیلی سخت است . کاری مثل جشنواره مناطق خیلی بومی است ، مشخصات و اولویت های انتخاب خودش را دارد اما کارهای بخش مرور اینگونه نیستند . اگر فستیوال باشد ، بخش مسابقه را حذف کنیم ، همه بیاوند اجراهایشان را بروند ، بهترین حالت اجرا می شود . من می گویم اولین مشکل سالن است و بعد از آن کمبود تنخواه .

به طور کلی جایگاه تئاتر را در شهرستان ها چگونه ارزیابی می کنید ؟ شهرستان ها با چه مشکلاتی در زمینه تئاتر مواجه اند ؟

چند شهرستان هستند که فوق العاده اند . استانی مثل یاسوج عالی کار می کند . چند استان هستند که تافته جدا بافته اند یعنی در سایت تئاترشان تولد تک تک هنرمندانشان تبریک گفته می شود . سیستم وجود دارد . مثلاً شهرستان ما ، کرج . به هیچ اجرای عمومی ای کمک هزینه در طول سال داده نمی شود . من فکر می کنم تئاتر شهرستان ها یک مقدار شعار است . چون بچه هایی که کارشان در شهرستان خوب است ، بچه هایی هستند که در تهران هم کار می کنند ، اینگونه نیست که صرفاً در شهرستان کار کنند . غیر از چند استانی که هنرمندانشان در چند جا کار می کنند ، من فکر نمی کنم هیچ دغدغه ای به اسم تئاتر شهرستان از طرف هیچ مسئولی وجود داشته باشد .

اگر حرف پایانی در مورد سی و سومین جشنواره تئاتر فجر و کار خودتان دارید ، برای ما بگویید .

خیلی دوست دارم برای این کار اتفاق خوبی بیافتد . " سیارود " حرف خودمان است چون این آدم ها تک تک شان در وجود خود من هستند ، زنده هستند و با من به صورت موازی زندگی می کنند . من برای این طبقه جامعه بودم ، زندگی کردم . من دانشگاه تهران رشته تئاتر قبول شدم ولی نرفتم چون احساس کردم در آنجا نمی توانم حرفی که از سر درد و معرفت به آدم های جامعه ات باشد را پیدا کنم . امیدوارم برای این کار اتفاق خوبی بیافتد . جدای از اینکه کار من است ، دوست دارم در تئاتر حرفی زده شود که تماشاگر یا با سوال بیرون برود یا با جواب . واقعا از تئاتر روشنفکری خسته شدم . چنین متن هایی در تهران خیلی زیاد شده است . آقای نیل سایمون تئاتر ما را آباد کردند .

و در پایان : چشمانم ترک دارند / ولی تو را خوب می بینم / که چقدر / اینجا نیستی / پس به انتظارت می نشینم / و از شر نگاه دلبران زمینی / چشم هایم را به بند باز کفش هایم گره می زنم / تا نه زمین بخورم ، نه فریب

ماریه پرووانس ، کارگردان نمایش کودک وحشی : " این نمایش باید بالانویس می داشت . "



نمایش کودک وحشی به کارگردانی "ماریه پرووانس" از کمپانی تئاتر بهشت هفتم در تالار اصلی به روی صحنه رفت. ماریه پرووانس که اولین حضور خود در ایران را تجربه می کند، درباره ی نمایش خود و چرایی شرکت در جشنواره تئاتر فجر با **تئاتر فستیوال** گفتگویی اختصاصی داشت. متن این گفتگو به شرح زیر است:

آیا از اجرای امشب خود راضی بودید؟

من خیلی کنجکاو بودم که بدانم چه اتفاقی قرار است بیوفتد و حدس آن به خاطر زبان ما خیلی سخت بود. مردم چیز زیادی متوجه نمی شدند بنابراین من باید مواردی را تطبیق می دادم . شاید باید صحنه هایی را که ویکتور یا همان کودکی وحشی حضور داشت را بیشتر باز می کردم. این موضوع هم برای من و هم برای بازیگران و حتی شما غافلگیر کننده بود . برای اینکه نمی دانستم چه چیزی در ذهن شما می گذرد . کار ما کاری اقتباسی بود که مطمئن نیستیم مردم آن را قبلا خوانده باشند.

چرا با اینکه کار شما بسیار دیالوگ محور بود از مسئولین جشنواره فجر درخواست زیرنویس یا بالا نویس نکردید؟

این نمایش باید بالا نویس می داشت و در ابتدا من فکر می کردم که زیرنویس داریم . من در شروع جشنواره درخواست زیرنویس دادم ولی هیچ پاسخی به ما داده نشد . شنبه فهمیدم که هیچ زیرنویس یا بالا نویسی برای نمایش در نظر گرفته نشده است.

چه شد که این نمایشنامه را انتخاب کردید؟ این نمایش مربوط به قرن ۱۸ است، فکر می کنید مردم این زمان می توانند با این نمایشنامه ارتباط برقرار کنند؟

من مطمئن نیستم که کارگردانی من قرن ۱۸ را نشان دهد ، هیچ دکوری از قرن ۱۸ در کار من نیست . این داستان فرانسوی است و من در جوانی فیلمی به نام "کودک وحشی" ساخته فرانسوا تروفو دیدم که در فرانسه بسیار معروف است و من عاشق آن فیلم بودم . در اجرای این نمایش من مخصوصا می خواستم در مورد تفاوت های افراد معلول حرف بزنم . برای اینکه فکر می کنم سختی ها و مشکلات تحصیلی در این روزها برای همه یکی است . توقع ما بالا است. در مدارس فرانسه نتایج را ماهانه اعلام می کنند و ما باید در مدرسه خوب باشیم ولی مدرسه آنطور که باید از ما مراقبت نمی کند و این وقتی ضریب هوشی متفاوتی داشته باشید خیلی سخت است. هم برای خود کودک و هم برای پدر و مادران . من میخواستم در این مورد حرف بزنم . وقتی این نمایش را برای کودکان اجرا می کنیم ، در مورد سختی ها و تفاوت ها در یادگیری هم حرف می زنیم . برای اینکه این مسیله در فرانسه مشکل بزرگی است.

چه شد که در جشنواره فجر شرکت کردید؟

سفر به ایران برای من بسیار هیجان انگیز بود. چون من قبلا این کشور را ندیده بودم. ولی تصورات خوبی نسبت به اینجا داشتم. من سینمای اصغر فرهادی را بسیار دوست دارم و نمایشی به نام **time loss** از ایران را در مارسی فرانسه دیده ام و اگر برای نشان دادن اثرم به این کشور دعوت شوم، باز هم استقبال می کنم. من عاشق کارم هستم چون این فرصت را به من می دهد تا با دیگران آشنا شوم و این باعث خوشحالی من است.

تاکنون همکاری ایرانی ها با شما چطور بوده است ؟

من بابت ساخت دکور خیلی اضطراب داشتم و نمی دانستم چه اتفاقی خواهد افتاد. من از علاقه ایرانیان به تئاتر بسیار خوشم آمد و آنها بسیار با من خوش برخورد بودند. ما دیشب به ایران رسیدیم و تنها چهار ساعت خوابیدیم. کار ما سنگین است و نمی دانم که وقت می شود تا مردم ایران را ببینم یا نه. ما زمان کوتاهی برای آنالیز رفتار مردم ایران داریم.

چند روز در ایران اقامت خواهید داشت؟

چهار روز

آیا دوست دارید تئاترهای دیگر جشنواره را ببینید؟

بله، خیلی دوست دارم. ولی فردا باید کار کنیم. چرا که می خواهیم در مورد مواردی که می شود تغییراتی در آن ایجاد کرد تا نمایش برای شما واضح تر شود، فکر کنم.

اگر سال بعد هم به جشنواره دعوت شوید باز هم در جشنواره فجر شرکت میکنید؟

بله، خیلی خوشحال می شوم. این بار برای من تجربه شد و دفعه بعد با ذهنیتی متفاوت خواهم آمد.

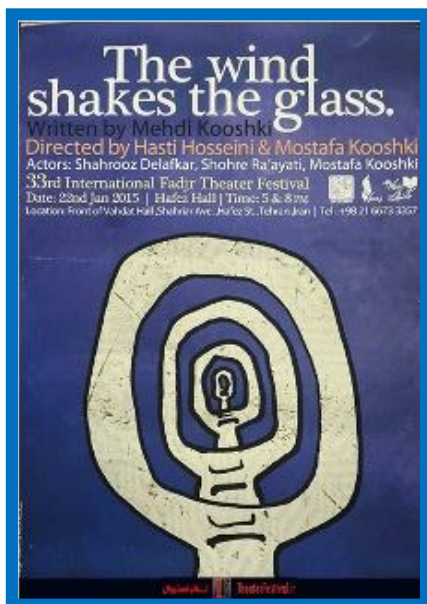
پس شما این را برای خود فرصت مغتنمی می دانید؟

بله، آمدن به اینجا برای من مثل یک ماجراجویی بود. دعوتنامه ها را در دسامبر در زمان کریسمس دریافت کردیم که ما با خانواده های خود در تعطیلات بودیم و سفارت خانه ها هم تعطیل بودند. آمدن به اینجا برای ما سخت بود چون باید سریعاً برای کار دوباره به فرانسه برگردیم. ارتباط با جشنواره فجر به دلیل تفاوت در فهم و روش فکر کردن خیلی واضح نبود بنابراین من کاملاً آماده نبودم. آمدن من به اینجا خیلی اورژانسی بود. بنابراین اگر سال بعد باز هم به اینجا بیایم تجربه قبلی را دارم و با آمادگی بیشتری می آیم.



تاخیر ۵۰ دقیقه ای، رکورد تاخیر در اجراهای جشنواره را زد

اجرای نمایش "باد شیشه را می لرزاند" به کارگردانی مصطفی کوشکی در سالن حافظ، در دومین روز جشنواره تئاتر فجر، حواشی زیادی را با خود به همراه داشت.



به گزارش خبرنگار **تئاتر فستیوال**، مخاطبان برای دیدن این نمایش تقریباً ۴۵ دقیقه ای که مدت آن در جدول برنامه های جشنواره، ۶۰ دقیقه درج شده، ۵۰ دقیقه منتظر ماندند. این درحالی ست که تاخیر در اجرای نمایش ها در ایام جشنواره به یک امر عادی و طبیعی تبدیل شده است ولی می شود گفت که تاکنون این میزان تاخیر در هیچ یک از نمایش های اجرا شده در این دوره از جشنواره رخ نداده است.

تماشاگران این نمایش بعد از ورود به سالن، به دلیل طراحی دکوری که مناسب سالن حافظ نبود، دچار مشکل شدند و در نهایت مسئولین سالن مجبور شدند، عده ای را به بیرون از سالن راهنمایی کنند.

این رفتار، اعتراض یکی از تماشاگرانی که بلیت خریداری کرده بود را در پی داشت و در ادامه مصطفی کوشکی کارگردان نمایش که ایفای یکی از نقش ها را نیز بر عهده داشت، مجبور شد صحنه ی نمایش را ترک کند تا شرایط را کنترل کند و سپس به حالت ایفای نقشش بازگشت.

با پیگیری خبرنگار **تئاتر فستیوال**، به این فرد اجازه داده شد در سانس بعدی به دیدن نمایش بنشیند.

گفتنی ست با تمام اتفاقاتی که در این نمایش رخ داد، هیچ یک از عوامل گروه برای عذرخواهی از مخاطبین اقدام نکردند و تنها دلیل تاخیر، مشکلات دکور و نور در صحنه بیان شد.

مونولوگی خسته کننده به نام "صورت به صورت"

یادداشتی بر نمایش "صورت به صورت" به بهانه اجرای آن در سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

"صورت به صورت" به کارگردانی "محمد درند" و نویسندگی "سیاوش طهمورث" شروع بسیار خوب و پر انرژی دارد. تنها بازیگر اثر، "جعفر دردانه" با مخاطبان احوالپرسی می کند و سپس به تعریف داستان خود می پردازد. داستان هایی که قصد از بیان آنها شناساندن خانواده مرد، که همگی باهم در دورانی در یک خانه زندگی می کردند است. هرکدام از این شخصیت های داستانی دارند که گهگاهی شخصیت های دیگر در آن حضور پیدا می کنند و همین باعث می شود تا بازیگر، داستان دیگر افراد را تعریف کند.



داستانهای که برخی از آنها جذاب و بعضی دیگر مخاطب را به خود جذب نمی کنند که یکی از علت های آن پراکنده تعریف کردن داستان ها است. مشکل دیگر، بازیگر اثر است. در نمایش مونولوگ تمام بار اثر بر دوش بازیگر است و از همه مهمتر بیان و لحن بازیگر که بازیگر این اثر نه لحن آنچنان خوبی داشت و نه بیان خوبی. در خیلی از موارد هم تپق زده ولی گاهی این تپق ها را اصلاح می کرد، با این حال بازیگر توانسته بود از تنها دکور صحنه که یک چهارپایه بود به خوبی استفاده کرده و آن را بخشی از بازی خود کند.

با همه ایرادات گفته شده تنها نقطه جالب این نمایش که مقداری مخاطب را به وجد می آورد تعلیق انتهایی اثر بود که کاملاً برای مخاطب غافلگیرکننده بود که این نیز بیشتر به نمایشنامه بازمی گردد و نه کارگردانی. صورت به صورت نمایشی بود که اگر بازیگر بهتری داشته هم می توانست ریتم بهتری داشته باشد و هم برای مخاطب جذاب تر باشد ولی آنچه از صورت به صورت به نمایش در آمد تنها مونولوگی بود خسته کننده.

آرزو شفق - تئاتر فستیوال

وقتی گروه های شهرستانی ما را به جشنواره فجر امیدوار کردند

یادداشتی بر دو نمایش "کسی با عصا در شکم راه می رود" به کارگردانی علی شفیعی و "سیارود" به کارگردانی سینا شفیعی

گویا قرار است جشنواره امسال محلی باشد برای درخشش گروه های شهرستانی . خوشبختانه تا به امروز که دو نمایش از گروه های شهرستانی را دیده ام ، هر دو نمایش های قابل قبول و امیدوار کننده ای بوده اند ، نمایش هایی که نوید دهنده ی ارتقاء سطح تئاتر در شهرستان ها می باشند . از همین جا می خواهم به سراغ دو نمایش "کسی با عصا در شکم راه می رود" به کارگردانی علی شفیعی از شهرستان گچساران و نمایش "سیارود" به کارگردانی سینا شفیعی از کرج بروم .

نمایش "کسی با عصا در شکم راه می رود" از گچساران نمایشی با المان های قومی منطقه بویر احمد است . از مهمترین شاخصه های این نمایش ، قصه گویی است ، قصه ای مربوط به دوران خان و رعیت . در این نمایش پر بازیگر تمامی بازیگران توانسته اند به خوبی از پس نقش هایشان برآیند و پرسوناژها را برای مخاطب باورپذیر کنند . اگر ضعف هایی نیز دیده شده باشد به دلیل اجرای جشنواره ای قابل چشم پوشی است .

از نکات جالب توجه این اثر طراحی دکور و خلاقیت طراح در به کار بردن مواد



مورد استفاده در دکور همچون پارچه و ... است . دکور تشکیل شده از پرده هایی که دور تا دور سن را فرا گرفته اند ، پارچه هایی انعطاف پذیر که به راحتی شکل می گیرند . کارگردان به خوبی از پس از طراحی میزانش بر آمده و میزانشنی استاندارد و تقریباً بدون نقص طراحی کرده است . یکی دیگر از بخش های قابل توجه نمایش "کسی با عصا ... " موسیقی نمایش است . موسیقی که برگرفته از موسیقی محلی منطقه بویر احمد است و در صحنه های مختلف بنا به موقعیت نمایش از آن استفاده شده است . نمایش "کسی با عصا..." در یک جمله نمایشی سرگرم کننده ، قصه گو و پر اکت است که در نهایت مخاطب ، با رضایت سالن را ترک می کند .

و اما نمایش "سیارود" ، این نمایش نیز همچون نمایش "کسی با عصا ..." جزء برگزیدگان جشنواره مناطق بوده که از این طریق به جشنواره فجر راه یافته است . گرچه شاید این نمایش نسبت به نمایش قبلی ، المان های کمتری داشته باشد اما قصه گو است ، قصه ای که از پس دردی اجتماعی برآمده و حال دراماتیک شده و در برابر چشمان ما بر روی صحنه به نمایش آمده است .

"سیارود" تا انتها مخاطب را با خود به همراه می کشد و هر آن ممکن است با پرده برداشتن از رازی او را غافلگیر کند و این غافلگیری تا انتهای نمایش باقی می ماند . از لحاظ قصه "سیارود" بر روی مسائل اجتماعی چون غیرت و تعصب بی جا متمرکز است .

در این نمایش نیز تمامی بازیگران توانسته اند از عهده وظایفی که به آنها محول شده برآیند . "سیارود" دکوری فعال و پویا دارد و با آنکه دارای دکوری شلوغ می باشد اما کارگردان تلاش خود را کرده که این دکور مشکل ساز نشود و شلوغ بودن جلوی دست و پای بازیگران را نگیرد .

تنهاضعفی که می توان به این نمایش وارد دانست ، مشکل ریتم است . گرچه این ضعف هم به علت اجرای جشنواره ای قابل چشم پوشی است .

قصه ی نمایش مخاطب را تا انتها با خود همراه می کنو اما کش دار شدن برخی از صحنه مخاطب را خسته می کند و این نشان از زائد بودن آن صحنه ها می باشد . دیالوگ نویسی خوب ، بازیهای باورپذیر و قصه گویی نمایش باعث شده است که "سیارود" به یک نمایش خوب بدل شود .

نمایش "سیارود" و نمایش "کسی با عصا توی شکم راه می رود" از آثار موفق سی و سومین جشنواره تئاتر فجر به حساب می آیند که گرچه نام نویسنده یا کارگردانان آنها مشهور نیست اما همین نیروی جوانی آنها بزرگ ترین سرمایه ای است که با خود به همراه دارند و مسئولین باید با بها دادن به این استعدادها زمینه ی ارتقاء تئاتر کشور را فراهم کنند .

فرهاد ابراهیمی والا - تئاتر فستیوال

نقالی به زبان شیرین داستان

یادداشتی بر نمایش "شیرین به روایت امروز" به بهانه اجرای آن در سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر



نمایش « شیرین به روایت امروز » همان طور که از اسمش پیداست ، روایتگر داستان خسرو و شیرین است ولی این بار شیرین داستان پس از سالیان سال از دل قصه بیرون می آید تا پایان قصه اش را تغییر دهد.

شیوه اجرایی این نمایش نقالی است ولی آنچه آن را نسبت به دیگر آثار نمایشی متفاوت می کند خلاقیت و تدبیر کارگردان در نحوه اجراست . نقال داستان « شیرین به روایت امروز » این فرصت را به شخصیت های قصه اش می دهد تا هریک راوی داستان خود باشند و از دل قصه بیرون بیایند تا بلکه بتوانند پایان تلخ زندگی شان را تغییر دهند.

این خلاقیت باعث شده که نمایش خسرو و شیرین که بیش از هر چیز متکی بر نمایشنامه است را به اثری خاص تبدیل کند ، اثری که بتواند با مردم به زبان خودشان سخن بگوید و مخاطب کم حوصله امروز را با ریتم مناسبی که دارد پای نقالی بنشاند ، به طوری که نه تنها این نقالی او را خسته نکند بلکه در هر لحظه از نمایش منتظر باشد تا ببیند تقدیر شخصیت های داستان این بار چطور رقم خواهد خورد.

همگی این نقاط قوت نتیجه نمایشنامه ای خوب و کارگردانی قوی است که توانسته با استفاده درست از متن و خلق کردن موقعیت های دراماتیک و همچنین میزانشن بسیار درست و اصولی از تمام فضای سن به خوبی استفاده کند و اثری را خلق کند که با تکیه بر ادبیات کهن بتواند باعث رضایت مخاطب شود . چرا که آنچه امروز بیش از هر چیز نبودش در آثار نمایشی ما احساس می شود ، کنار گذاشته شدن داستان های کلاسیک و فراموش شدن شخصیت ها و اسطوره هاست.

نمایشنامه خسرو و شیرین از آن دست نمایش هایی است که همگی چند شخصیت اصلی آن را می شناسیم ، بنابراین در این نمایش به دلیل آشنایی که مخاطب با پیشینه داستان دارد ، شخصیت های نمایش « شیرین به روایت امروز » به کمک شخصیت پردازی اثر می آیند و روند داستان را به درستی پیش می برند.

تنها نقطه منفی که می توان به این نمایش اشاره کرد ، طراحی دکور و نورپردازی ضعیف است چرا که هیچ کمکی به روند اجرای نمایش نمی کند و اگر اجرای خوب بازیگران نبود این ضعف ها می توانست آسیب زیادی به نمایش بزند ، بهتر بود برای این نمایش دکوری ثابت طراحی می شد.

در نهایت دیدن نمایش « شیرین به روایت امروز » را می توان فرصتی تازه برای مروری بر داستان خسرو و شیرین دانست.

نسترن داوودی - تئاتر فستیوال

عکس هایی از نمایش خیابانی " قصه نقش "



عکاس : محمد رضا قیماسی TheaterFestival.ir تئاتر فستیوال



عکاس : محمد رضا قیماسی TheaterFestival.ir تئاتر فستیوال



عکاس : محمد رضا قیماسی TheaterFestival.ir تئاتر فستیوال

آبادان در بهشتی خیالی

یادداشتی بر نمایش « بهشت ۵۰ درجه بالای صفر » به بهانه اجرای آن در سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

نمایش « بهشت ۵۰ درجه بالای صفر » نمایشی است که هم از لحاظ فرم و هم محتوا دچار ضعف های اساسی است . نمایش نه در شخصیت پردازی موفق است و نه در بیان قصه .

سوژه اصلی نمایش در رابطه با جنگ و دفاع مقدس است ولی مخاطب باید به سختی مکان ، زمان و موقعیت نمایش را تشخیص دهد چرا که آنقدر کارگردان به جزییات نمایش توجه کرده که از اصول اصلی نمایش اعم از داستان ، شخصیت پردازی ، میزانشن و مهمتر از همه ریتم جا مانده است و اثری خلق کرده با ریتمی بسیار کند و میزانشن های دم دستی که علاوه بر بازی های بی معنی و اغراق شده باعث آزار مخاطب می شود .

نمایش « بهشت ۵۰ درجه بالای صفر » روایتگر قصه مادری است که فرزند جوانش را در جنگ از دست داده و مدام او را در خیالش می بیند ، این توهم و خیال سیر منطقی درستی را دنبال نمی کند همچنین



فلش بک و فلش فوروارد های نمایش نه تنها به فهم درست داستان کمک نمی کند بلکه باعث گیج شدن مخاطب می شود .

نمایش تنها با تکیه بر موضوع جنگ قصد دارد مخاطب را تحت تاثیر قرار دهد ولی بازی بد بازیگران نمایش و انتخاب نادرست آنها به بیان قصه کمکی نمی کند و بیش از هر چیز دیگر مخاطب را کلافه می کند ، برای مثال انتخاب بازیگر زن نمایش که همه او را عمه خطاب می کردند بسیار نادرست بود به این دلیل که ما از نظر فیزیکال بازیگری جوان و چالاک را میبینیم که به کمک گریم تنها موهایش سفید شده ، در حالیکه عمه شخصیتی است که به سختی راه می رود و مدام ناله می کند .

در طراحی میزانشن نمایش آنقدر که کارگردان به جزییات توجه کرده بود ، کلیات را از یاد برده بود و ما تنها المان های جزء به جزی را می دیدیم که هر یک به تنهایی خلاقانه و جذاب بود ولی در کنار هم قرار گرفتن آن ها پازلی چند تیکه را نشان می دهد . دکور نمایش به صورت پلان و کاملاً خلاقانه طراحی شده ولی این خلاقیت سبب شده توجه به میزانشن نمایش فراموش شود و کارگردان برای استفاده از این دکور متفاوت همه چیز را فدای فرم و اجرایی کند که حتی بازیگرانش در آن گیج شوند چه رسد به مخاطب البته عدم نورپردازی صحیح نیز بی تاثیر نیست .

نسترن داوودی - تئاتر فستیوال

عکس هایی از نمایش خیابانی " غذاهای خوشمزه "



آرمین جوان : " شریف ترین جشنواره تئاتری کشور جشنواره تئاتر دانشگاهی است . "



آرمین جوان کارگردان نمایش " قصر " کارهای دیگری چون "مهر ششم" و "نقاب برکش بناپارت" را در کارنامه خود دارد و نمایش "قصر" سومین نمایشی است که وی کارگردانی آن را برعهده داشت . این نمایش در سومین روز از سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان به روی صحنه رفت . خبرنگار **تئاتر فستیوال** به بهانه ی اجرای این نمایش در جشنواره تئاتر فجر ، گفت و گویی را با آرمین جوان انجام داده است که آن را می توانید در ادامه مطالعه کنید .

"قصر" اولین حضور شما در جشنواره فجر است ؟

بله . ولی پیش از این کار در مقام بازیگر در جشنواره شرکت کرده بودم . متأسفانه امسال به دلیل خیلی مسائل ، از این بابت که در جشنواره حضور دارم لذت نمی برم ، من فکر می کنم اگر دوستان اجازه دهند کماکان شریف ترین جشنواره تئاتری کشور ، جشنواره تئاتر دانشگاهی است .

آیده شکل گیری نمایش " قصر " چه بود ؟

ما تلاش می کنیم چیزی را امتحان و تجربه کنیم . البته نه به آن معنی که اکنون به عنوان تئاتر تجربی در کشور ما باب شده است که همه در حال تجربه هستند و تجربه گرا . ما چند جوان تحصیل کرده ی رشته تئاتر هستیم که سعی می کنیم آموخته های خود را با هم به اشتراک بگذاریم و تئاتری را تولید کنیم که جهت علمی و تجربی دارد . ما نه ادعای تجربه گرایی داریم و نه نوگرایی . تنها در گوشه ای کار می کنیم و محصول آن هم این کار و یا کار قبلی است .

لطفا توضیحی یک خطی در مورد کار خود بدهید .

در حقیقت نمی شود یک قصه ی سر راست برای این کار ارائه داد . چون کار از قصر کافکا گرفته شده یک قصه ی خطی دارد ولی این قصه ی خطی با چند قصه ی کوتاه از خود کافکا و عهد عتیق ترکیب شده است .

نمایش "قصر" در چه بخشی از جشنواره شرکت کرده است ؟

نمایش ما ابتدا در بخش مرور آثار بود ولی بعد به بخش مسابقه بین الملل فرستاده شد .

اجرای عموم نمایش " قصر " چه زمانی بود ؟

"قصر" تیر و مرداد ۹۳ در سالن سمندریان ایرانشهر به روی صحنه رفت .

طراحی لباس و طراحی صحنه نمایش شما به چه صورت بود؟

از روز اول چیزی را در نظر نگرفتیم و سعی کردیم تمام متریالی که داریم از جمله متن، در اختیار و خدمت نوعی از هماهنگی و هارمونی در جهت ایده‌ی کلی باشد. در کل، طراحی‌ها به این شکل بود.

نسبت به اجرای عموم کار تغییری داشته است؟

نه. نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم. اصلاً پروسه‌ی پذیرش کار در جشنواره‌ی ما به شدت ضد تئاتر است. من متوجه نمی‌شوم که چطور می‌شود کار ناگهان تغییر آنچنانی داشته باشد.

کیفیت جشنواره امسال را چطور ارزیابی می‌کنید؟

من در رابطه با کارهای جشنواره صحبت نمی‌کنم، این جشنواره برخلاف ادعای مسئولین برگزار کننده آن یکی از پر حاشیه‌ترین جشنواره‌ها است. البته همیشه اینطور بوده است. بعضی اوقات کارهای زشت و زنده‌ای رخ می‌دهد که نه در شأن تئاتری‌ها است و نه مسئولین. همین امروز قبل از اجرا مشکل داشتیم. کاری که اجرای عموم داشته و بیش از ده بار از شورای نظارت مجوز گرفته است باز هم برای مثال به لباس کار ایراد گرفته می‌شود. اگر اینطور است تئاتر برگزار نکنند و راحت باشند و بگذارند ما هم کارمان را انجام دهیم. ما دغدغه‌ی معروف شدن نداریم. من به جرات می‌گویم حداقل گروه من این دغدغه را ندارد.

به نظر شما برای بهتر شدن جشنواره در سال‌های آینده باید چه کرد؟

اول از همه باید کسی باشد که پاسخگو باشد. خودمانی آن این می‌شود که جشنواره باید صاحبی داشته باشد. البته صاحب آن خود ما هستیم به این دلیل که مدیران می‌آیند و می‌روند. ولی باید در قبال این همه سوالاتی که وجود دارد، پاسخگویی باشد یعنی کسی باشد که بتواند جواب قانع کننده بدهد که مثلاً چرا آقای صالح پور که البته ایشان استاد ما هستند و تخصصشان چیز دیگری است باید به این جشنواره بیایند. این‌ها پرسش‌هایی است که باید جواب بدهند به این دلیل که اگر قرار است تئاتر داشته باشیم در درجه اول ما نیازمند یک پاسخگو هستیم. من نمی‌دانم این همه نگرانی برای چیست و کار را به خود تئاتری‌ها بسپارند.

تقدیربازان : یک نمایشنامه ی ضعیف و یک کارگردانی متوسط

یادداشتی بر نمایش " تقدیر بازان " به کارگردانی سیما تیرانداز

در سومین روز جشنواره تئاتر فجر " تقدیر بازان " به کارگردانی سیما تیرانداز و نویسندگی هاله مشتاقی نیا در دو سانس به روی صحنه رفت . نمایشی که با استقبال فراوان مخاطبین در دو سانس رو به رو شد ، اما متأسفانه بسیار ضعیف تر از آن بود که بتوان آن را یک اثر راضی کننده دانست .

نمایشنامه روایتگر سرگردانی انسان های معاصر و عدم پایداری است ، زندگی های سیاه و عدم رضایت از زندگی . متأسفانه نمایشنامه از انتخاب اسم تا محتوا به بیراهه رفته است ، آن چیزی که به هیچ وجه در نمایشنامه دیده نمی شود تقدیر است . بلکه همه چیز بر پایه ی بی بند و باری حاصل از تنوع طلبی شکل گرفته است .

گویا نویسنده خود نتوانسته است از پس موضوع برآید و خود در آشفتگی شخصیت ها مانده است .

کارگردانی " تقدیر بازان " نیز چندان چشمگیر نیست ، شاید یک



کارگردانی درست می توانست اندکی از ضعف های نمایشنامه را پوشش دهد ، اما این اتفاق در ساده ترین حالت ممکن رخ می دهد . سیما تیرانداز ، هرچند که تئاتر را می شناسد و میزانش را خوب می چیند ، اما در ریتم قافیه را می بازد . " تقدیر بازان " یک ریتم کند و یکنواخت دارد ، بدون هیچ فراز و فرودی . تنها هر از گاهی شناخت روابط بین شخصیت ها به کمک اثر می آید اما این لحظه ها آنقدر کوتاه است که نمی تواند نمایش را به ریتم مناسب خود بازگرداند .

انتخاب بازیگران نیز اشتباه صورت گرفته است . بی شک نمی توان چهره ی معصوم نورا هاشمی را به جای شخصیتی نشان داد که نمی تواند یک جا بند شود و با یک نفر بماند . همچنین حضور یک دختر بچه بدون اینکه به روند قصه کمک کنند و یا اینکه اساساً به ماجرا ربطی داشته باشد ، باعث خنده ی تماشاگران شده و روند نمایش را نیز برهم زد .

طراحی دکور و صحنه با خلاقیت صورت گرفته بود ، ساده و زیبا ، اما بی مفهوم ! در واقع دکور نمی توانست هیچ نمادی را به تماشاگر القا کند . پایین و بالا شدن سطح ، نه طبقات آدم ها را مشخص می کرد و نه نماد گذشته ، حال و آینده بود . حال آنکه نمایش در مواقعی نقبی به گذشته می زد و می شد از دکور برای رساندن این مفهوم کمک گرفت .

در نهایت ماحصل " تقدیر بازها " شده است یک طرح اولیه ی خوب ، یک نمایشنامه ی ضعیف و یک کارگردانی متوسط .

سعید خالقی - تئاتر فستیوال

عکس هایی از نمایش خیابانی "نوا"



"قلعه انسانات" روایت درد مشترک همه انسان ها یا یک اثر مشترک موفق!

یادداشتی بر نمایش "قلعه انسانات" به بهانه نمایش آن در سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

"قلعه انسانات" نمایشی است که در عین سادگی، پیچیده است و پر از تعلیق ها و گرہ های معنادار و جذاب. نمایشی که با یک نمایشنامه جهان شمول و با سوژه ای به روز، همراه با فرمی همه و منطبق بر سوژه، تماشاچی را از هر ملیت و با هر عقیده سیاسی و مذهبی خاص، تا آخرین لحظه با خود همراه می کند.

"قلعه انسانات" روایت امروز، دیروز و همیشه تاریخ زندگی آدمیزاد بر روی کره خاکی است. مفاهیم زمان و تاریخ، در نمایش با ابژه مناسب بیان می شوند و مخاطب را بین زمان حال و گذشته و در گذر تاریخ معلق نگه می دارد تا مخاطب از یاد نبرد که از اول حضور آدمیزاد بر روی کره خاکی، کشت و کشتار و جنگ و برادرکشی رخ داده و خواهد داد و مغول و طالبان و داعش و چه و چه را همیشه تاریخ می توان یافت. یک میز چرخان، یک کره کوچک که در طول نمایش در حال چرخش است، چند زبانه بودن اجرا و میزانشن درست و به جای اثر در القا معانی فوق، موفق عمل می کنند.



شخصیت پردازی ها بسیار محکم و استوار است و هر دو پرسوناژ در جای خود قرار دارند و به خوبی معرفی می شوند، حتی در جایی از نمایش که جای دو پرسوناژ با هم عوض می شود باز هم در شخصیت پردازی ایرادی وارد نمی شود. پرسوناژها تیپیکال بوده ولی این طور به نظر می رسد که به صورتی هدفمند در حد تیپ باقی می مانند. هدفمند از این جهت که تماشاچی بپذیرد که همه آدم ها می توانند جای دو پرسوناژ نمایش قرار گیرند، چنانکه آن دو نیز در حین نمایش جایشان را با هم عوض می کنند.

بازیگران نیز علی رغم وجود اکسسوارهای ریز و درشت در صحنه، به خوبی راکوردهای خود را حفظ کرده و از عهده اجرای نقش خود برآمده اند. هر دو بازیگر ایتالیایی، حتی در جایی که نقش هایشان را با هم جا به جا می کنند، سریعاً با پرسوناژ جدید همراه شده و اکت های درست و معنا دار و به جایی را از خود نشان می دهند، اکت هایی که کنترل شده هستند و در خدمت اثر.

حضور راوی القاگر این مفهوم بود که "قلعه انسانات" روایت گر داستانی است که همواره تاریخ رخ می دهد. راوی یک نگاه دانای کل به ماجرا داشت و این همیشگی بودن قصه را بهتر القا می کرد و نیز به علت حجم زیاد بالا نویس نمایش، حضور راوی از زحمت مخاطب برای خواندن بالا نویس ها می کاست، چرا که راوی آن بخش از بالا نویس که افکار پرسوناژ لال بود را برای مخاطب می خواند و این در افزایش تمرکز مخاطب موثر بود.

استفاده از دکور کارآمد و عروسک ها و ماکت های مناسب در تعریف کردن ماجرا توسط شخصیت ها و راوی بسیار موثر بوده و کارگردان در استفاده از اکسسوارهای ساده در القای سوژه مورد نظرش بسیار موفق بوده است.

"قلعه انسانات" به علت سوژه و درد انسانی که بیان می کند اثری است که تمام جهانیان را با خود درگیر می کند و می تواند یک کار مشترک خوب و موفق باشد ، چرا که سوژه و ابژه آن را هر انسانی بر روی کره زمین درک می کند و این کار گروهی ، " درد مشترک " بودن سوژه را بهتر القا می کند.

دکتر المیرا نداف - نویسنده میهمان

افسای: "خیانت همچون ویروسی خطرناک در حال پخش شدن است"

سیامک افسایی نویسنده و بازیگر نمایش "وقتی کنار پنجره می ایستیم" از سقز در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر شرکت داشته است. خبرنگار تئاتر فستیوال به بهانه اجرای این نمایش در جشنواره تئاتر فجر، گفت و گویی را با این کارگردان انجام داده است که آن را می توانید در ادامه مطالعه کنید.



لطفا بطور مختصر خود و نمایش خود را برای مخاطبان معرفی کنید.

سیامک افسایی هستم، نویسنده و یکی از بازیگران این نمایش. این نمایش توسط گروه کتل در تبریز کار شده است. و در بخش تازه های تئاتر جشنواره فجر حضور دارد.

ایده ی شکل گیری نمایشنامه چه بوده است؟

من اعتقاد بر این است که یکی از تهدیداتی که بنیان خانواده را هدف گرفته و همچون ویروسی خطرناک در حال پخش شدن است مسئله خیانت می باشد. این موضوع دغدغه ی من است و در چندین کار از زوایای مختلف به این موضوع پرداخته ام. این هم یکی از کارهای من بود که آقای جمالی خواندند و خیلی خوششان آمد و قرار شد با هم کار کنیم. در طول تمرین نیز تغییراتی در متن ایجاد شد که نتیجه ی نهایی آن چیزی است که الان به روی صحنه رفته است.

باز خورد اثر را چگونه دیدید؟

چیزی که الان به ما می گویند خیلی مثبت است و آنطور که پیش بینی می کردیم پیش رفت. البته امیدواریم اینها تعارف نباشد و واقعاً آن چیزی که در دلشان است گفته باشند.

آیا تجربه بازیگری دیگر نیز داشته اید؟ از نقش خود در این نمایش بگویید؟

تجربه بازیگری زیادی دارم. چون این متن را خودم نوشته ام از لحاظ زوایای روحی و ساختار رفتار شناسی برایم آشنا بود و این کار خیلی راحت بود چون با این نقش زندگی کرده و خودم این شخصیت را خلق کرده بودم. البته در ابتدا نمی خواستم خودم این نقش را بازی کنم و می خواستم تا در کنار کار باشم چون سالهاست که بازیگر هستم. آقای جمالی مرا می شناسند و گفتند خودت این نقش را بازی کن و من هم قبول کردم.

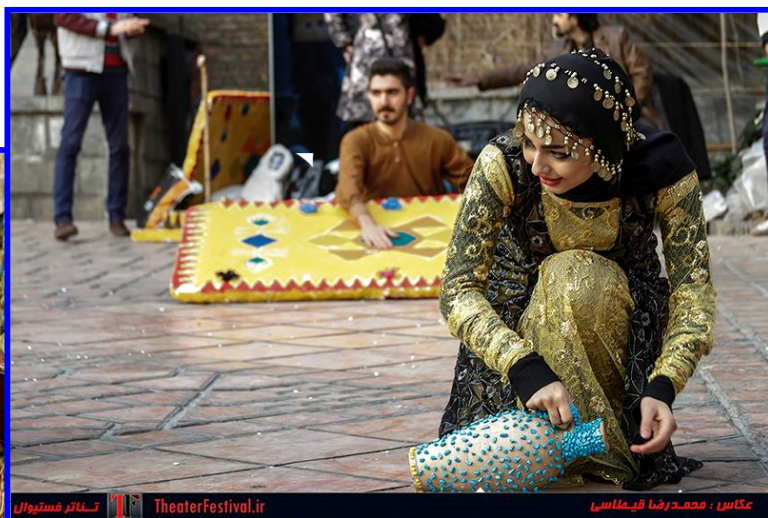
کمی از کارهای دیگری که بازی کرده اید برایمان بگویید.

ما مدام در جشنواره فجر حضور داشتیم. مثلاً با نمایش "درباره ی ماهان" که نوشته ی من بود و خودم نیز در آن بازی می کردم و آقای صدیق جمالی هم کارگردانی کرده بودند. نمایش بازی به کارگردانی خانم "آل رشاد" را نیز در جشنواره فجر داشتیم. گروه کتل در سال قبل با نمایش "سعادت لرزان مردمان تیره روز" در جشنواره حضور داشت. و در واقع هر سال در جشنواره فجر هستیم.

آیا برنامه ای برای اجرای عموم این اثر دارید؟

بله حتما اجرای عموم خواهیم داشت.

عکس هایی از نمایش خیابانی "درخت و باد"



گلاب آدینه و شیرین بینا در مورد نمایش "من" چه گفتند؟

در پنجمین روز از سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر شیرین بینا و گلاب آدینه به تماشای نمایش "من" به کارگردانی فرهاد تجویدی نشستند.



به گزارش خبرنگار **تئاتر فستیوال**، گلاب آدینه، با اشاره به اینکه نمایش "من" یک کار بسیار حرفه ای از یک گروه جوان بود، درباره این نمایش گفت: "من نتوانستم ایرادی به این نمایش بگیرم. البته به نظرم اگر آخر نمایش به گونه ی دیگری بود، بهتر می شد. ولی من واقعاً تمام مدت مبهوت بچه ها بودم. این نمایش می توانست ۷ تا ۸ ساعت طول بکشد."

همچنین شیرین بینا با اشاره به فضای جالب نمایش "من" به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت: خیلی از نمایش لذت بردم. هماهنگی بین بچه ها خیلی خوب بود و به صورت اجمالی اینکه نویسنده و کارگردان، آقای تجویدی بسیار زحمت کشیده بودند و معضلاتی که در ذهنشان به آن فکر می کنند و جامعه ما به آن مبتلا است را اتود زده اند که بسیار زیبا و ظریف و تاثیرگذار شده بود و مشخص است که بسیار زحمت کشیده اند و هماهنگ شده اند. امیدوارم موفق باشند.

ابوالفضل فرهادی: "می خواهیم بدانند که ما هم در شهرستان تئاتر کار می کنیم"

"ابوالفضل فرهادی" متولد سال ۱۳۶۴، با نمایش "کسوف" که اولین تجربه کارگردانی اش در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر حضور یافته است. این نمایش در جشنواره ی استانی شیراز و همچنین جشنواره منطقه ای به عنوان اثر برگزیده شناخته شده است. به همین بهانه **تئاتر فستیوال** با این کارگردان گفتگویی اختصاصی داشته است که متن آن را می توانید در ادامه بخوانید:



چه شد که این نمایشنامه را انتخاب کردید؟

زمانی که این نمایشنامه را خواندم بسیار از آن خوشم آمد. من این نمایشنامه را در یک پایان نامه دانشجویی بازی کردم و وقتی کار آن پایان نامه به اتمام رسید، تصمیم گرفتم که این نمایشنامه را به صورت مستقل اجرا کنم. نمایشنامه خیلی پر کار بود، نقش میمند، ثریا و اتفاقاتی که درباره ی جنگ می افتد، بچه هایی که روی مین رفتند و حالا هم در کردستان سراوان و لب مرز این اتفاق ها می افتد. با توجه به اینکه چند اجرای دیگر از این نمایشنامه به روی صحنه رفته است، از جمله خود آقای ایوب آقاخانی که فکر

کنم سال ۹۱ در همین جشنواره فجر بودند، من و گروه سعی کردیم که یک کار متفاوت تر از آنچه بوده است را به اجرا در آوریم.

چطور توانستید تا این حد به نقش "میمند" نزدیک شوید؟

من "میمند" را دوست دارم و با "میمند" زندگی کرده ام و در زمانی که تمرین داشتم مدت زیادی با برادران افغان حرف زدم. صدای آنها را می شنیدم، تمرین و تکرار می کردم و در نهایت به چیزی که شما امشب دیدید تبدیل شد.

از اجرای امشب راضی هستید؟

من گله ای دارم که احتمالا به گوش کسی هم نرسد. همیشه وقتی در جشنواره ها دو اجرا است، معمولا در اجرای اول که سالن را نمی شناسیم و تا به حال در آن اجرا نرفته ایم، سعی می کنیم کار را جمع و جور کنیم که چیزی که می خواهیم بشود. در اجرای اول با صدا، نور و تماشاگران آماده می شویم و معمولا اجرای دوم داوری می شود. اما ما امروز این شانس را نیاوردیم و کار ما در اجرای اول داوری شد. نمی دانم نتیجه چه می شود. همین اتفاق در جشنواره سال قبل هم برای ما افتاد که ۹ صبح اجرا داشتیم. نمیدانم چه خواهد شد و امیدوارم که شانس هم با ما یار باشد.

کارهای دیگر جشنواره را هم دیده اید؟

یک گله ی دیگر از مسئولین جشنواره نیز این است که گفتند یک روز قبل از اجرا بیایید و یک روز بعد از اجرا هم ترخیص شوید و به خانه هایتان بروید. من از دیروز که به تهران آمدم فرصت زیادی برای دیدن کار نداشتیم و با گروه به دنبال این بودیم که فضای امروز را مهیا کنیم. البته دیشب یک کار در تئاتر شهر دیدم. اگر فرصتی پیش بیاید فردا هم کار می بینم.

وقتی کارگردان اصرار دارد ما زبان بومی را بفهمیم

یادداشتی بر نمایش "کابوس زنی در خواب"



زبان کار ، زبان محلی گچساران بود که بر خلاف نظر کارگردان ، ارتباط ملموسی را با مخاطب برقرار نمی‌کرد . همین مهم ، باعث می شد تا مخاطب با داستان نمایش ارتباط زیادی برقرار نکند. نظر نگارنده بر خلاف نظر کارگردان اثر این است که : "زبان نمایش برای مخاطبان غیر بومی قابل فهم نیست " . داستان کار یا به عبارت دیگر قلم نویسنده متن ، از ضعف‌های دراماتیک بسیاری برخوردار بود.

نمایش به شیوه‌ی روایی اجرا شد و کاراکتر راوی به زبان فارسی سخن می‌گفت . ولی به علت حضور خیلی کم و روایت ناقص ، مسئولیت روایت داستان به عهده‌ی بازیگران بود که با زبان محلی قصه را پیش می‌بردند . "کابوس زنی در خواب" به شدت وابسته به آیین های محلی گچساران مخصوصاً عروسی و عزا است. میزانشن های زیبایی برای بازیگران فرم طراحی شده بود. عدم هماهنگی کامل این بازیگران از زیبایی میزانشن ها می‌کاست. البته بازیگر نقش اصلی کار با وجود ضعف میزانشن ها،

بازی زیبایی را از خود ارائه کرد . اگرچه دلیل میزانشن ها شفاف نبود و احتمالاً ریشه در اطلاعات آیینی کارگردان داشته‌است ، اما زیبایی تصاویر البته از جهت روبرو (من سمت چپ صحنه نشسته بودم) حائز اهمیت بود . کار برای صحنه ی یک سویه آماده شده بود و صحنه ی سه سویه ی تالار حافظ باعث شد تا بیش از نیمی از تماشاگران تصاویر درستی از نمایش در حال اجرا نبینند. البته این اشکال گردانندگان جشنواره است و نمی‌توان خرده‌ای به آقای نارکی (کارگردان نمایش) گرفت . طراحی صحنه و لباس و همچنین مویه‌ها و سرودهای محلی این اثر ، رخوت و ناامیدی را از مخاطب می‌گرفت و می‌توانست تنها دلیل نشستن تماشاچیان تا پایان اجرا باشد.

مجتبی جوادزاده - نویسنده مهمان

چه فرقی می کند ، امشب یا هر شب شام با جلال !!

یادداشتی بر نمایش " امشب و هر شب شام با جلال "



در دومین روز جشنواره تئاتر فجر ، نمایش " امشب و هر شب شام با جلال " کاری از رشت ، به کارگردانی بهزاد عشقی در تماشخانه سنگلج به روی صحنه رفت . نمایشی که در روند قصه گویی و پرداخت پرسوناژها ضعف هایی داشت . داستان حول شخصیتی به نام جلال می گردد که دوست خانوادگی زن و شوهری ست . فردی که قرار است قهرمان قصه باشد و عده ای به دنبال قتل اویند . اما آنچه در نمایش می بینیم ، هیچ یک از پرسوناژها تبدیل به شخصیت نمی شوند . از " جلال " تا " کلفت خانه " و این بزرگترین ضربه را به نمایش می زند . چرا که فرم و انتخاب موسیقی کلاسیک و نحوه آغازین نمایش ، به گونه ایست که مخاطب را منتظر شنیدن قصه ای می گذارد . ولی هرچه که به جلو پیش می رود ، المان هایی که مخاطب را با خود همراه کند را ندارد . نه قصه ای تعریف می کند و نه اتفاقی رخ می دهد . عبور یک خواننده ی دوره گرد و خواندن چندین و چند آهنگ نوستالژی ، نه تنها باعث جذب مخاطب نمی شود ، بلکه خسته کننده نیز هست . مخصوصا بین دو پرده ای که به خاطر تغییر لباس بازیگران ، زمان پخش موزیک هم طولانی تر می شود.

از طرف دیگر انتخاب بازیگر نقش " جلال " ، نه از لحاظ سنی و نه از لحاظ فرم ظاهری درست نیست . بالاخص این که بازی این بازیگر هم مصنوعی و غیر قابل باور برای مخاطب است . ریتم نمایش " امشب و هر شب شام با جلال " کند است و مخاطب را خسته می کند . در نهایت می شود گفت که این نمایش بیش از آن که برای مخاطب حرفی برای گفتن داشته باشد ، برای کارگردان اثر و هم نسلانش ، حسی نوستالژیک ایجاد می کند .

مرجان سادات هاشمی - تئاتر فستیوال

نظر گلاب آدینه و پریسا مقتدی در مورد "قلعه انسانات" چیست ؟

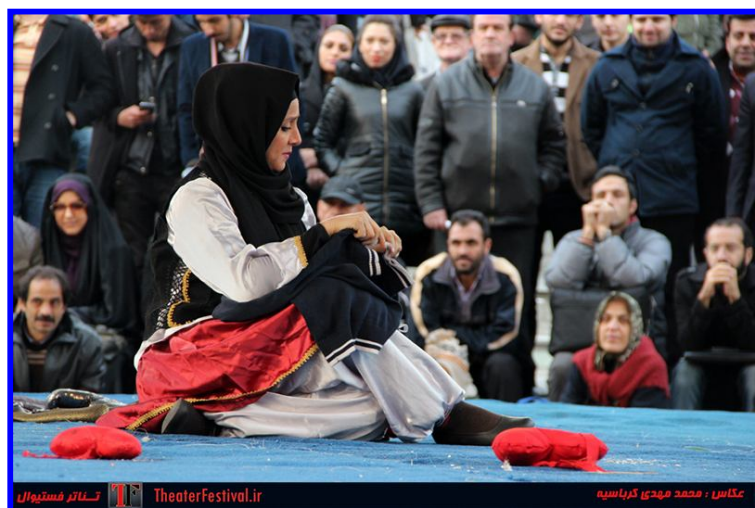
نمایش "قلعه انسانات" به کارگردانی علی شمس در چهارمین روز از سی و سومین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفت. گلاب آدینه و پریسا مقتدی در این روز به تماشای این نمایش نشستند.



به گزارش خبرنگار **تئاتر فستیوال**، گلاب آدینه با اشاره به اینکه نمایش "قلعه انسانات" محصول مشترک ایران و ایتالیا بود، گفت: من خیلی این کار را دوست داشتم، خیلی خوب کار کرده بودند. با المان هایی که وجود داشت، نمایشی پر معنا، گویا و دیدنی با بازیگرانی خوب را تشکیل دادند. او همچنین در مورد ربط موضوع این نمایش به مسائل روز خاورمیانه افزود: این مسائل جهانی است. مانند همان کره ای که در این نمایش وجود داشت و مدام می چرخید تا ما فکر نکنیم که این موضوع حتما برای خاورمیانه است، بلکه متعلق به این روزهای همه جهان است.

پریسا مقتدی نیز در مورد نمایش "قلعه انسانات" به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت: از فضای فرامتنی و فراملی که نمایش داشت، لذت بردم. به نظرم دنیای تئاتر امروز دارد به سمتی می رود که با حداقل کلام و حداکثر تصویر می توان به بیشترین ارتباط با تماشاگر رسید. هرچند در این نمایش کلام هم حرف مهمی را می زد اما بدون آن هم چیزی از اثر کم نمی شد و باز هم می توانستیم با اثر ارتباط برقرار کنیم. من به آقای شمس و همکارانش و هم خانواده های تئاتری مان در ایتالیا خسته نباشید می گویم.

عکس هایی از نمایش خیابانی "نیش کوچه بن بست"



کارگردان "به لی لی پوت خوش آمدید": "ما نیاز داریم در تئاتر به مخاطب نزدیک شویم."



نمایش "به لی لی پوت خوش آمدید" به نویسندگی و کارگردانی حسن میرزایی از شهرستان بابل در پنجمین روز از سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان به روی صحنه رفت. به همین بهانه خبرنگار تئاتر فستیوال، گفت و گویی را با حسن میرزایی، کارگردان این اثر انجام داده است که می توانید آن را در ادامه مطالعه کنید.

بیوگرافی مختصری از خودتان و گروه تان برای ما بگویید.

حسن میرزایی هستم، نویسنده و کارگردان نمایش "به لی لی پوت خوش آمدید". حدود ۱۵ تا ۲۰ سال است تئاتر کار می کنم و حدود ۵ سال است که در عرصه ی کارگردانی فعالیت دارم. کارشناس ارشد سینما از دانشگاه هنر تهران هستم. پارسال نمایشی به نام "نام کوچک املت" داشتم که در مسابقات منطقه ای شرکت کرد، سال قبلش نمایش "کمدی" من، شیرین، وودی آلن، سه سال پیش نمایش "لاک" و چهار سال قبل هم نمایش "ایستگاه" را داشتم. گروه ما گروه صحنه ای بابل است و بازیگرانمان اکثرا از این گروه هستند. البته من از بچه های غیر بابلی هم استفاده کردم. خانم مشرفی

آملی هستند، آقای لاریمی جویباری هستند و دو تا از بازیگرانمان هم از بچه های بابلسراند. حدود ۱۰ ماه تمرین کردیم و در دو جشنواره استانی و جشنواره منطقه ای بندرعباس جوایزی گرفتیم و منتخب جشنواره برای جشنواره فجر شدیم.

شما نویسنده ی کار هم هستید، ایده ی شکل گیری نمایشنامه، این دغدغه ی روانشناسانه از کجا ناشی می شود؟

من گاهی اوقات ایده ی ناظرم را فراموش می کنم. همیشه با یک جرقه هایی شروع می کنم ولی مسیرم با مهندسی کردن متن کاملا عوض می شود. اینکه من بخواهم فکر کنم در ابتدا به چه چیزی فکر می کردم، شاید الان دقیقا نتوانم آن را بگویم. ولی بهر شکل، آن چیزی که در نمایش گفتم یک سری شکاف های اجتماعی است که آن ها را می بینم و لمسشان می کنم و احساس می کنم از این طریق می توان به مخاطب نزدیک شد. ما نیاز داریم در تئاتر به مخاطب نزدیک شویم. مخاطب باید خودش را لمس کند. من احساس می کنم هر چه به مخاطب نزدیک تر شویم، مخاطب خودش را بیشتر لمس می کند و به تئاتر نزدیک می شود. شکاف ها و چالش های اجتماعی ای که مطرح می شود، مخاطب به آن فکر می کند و در یک بازه زمانی کوتاه یا بلند مدت از لحاظ هنری، فرهنگی و حتی علمی در ذهن و روح و روانش تاثیر می گذارد. ما هم به دنبال این قضیه هستیم که ارتباط مستقیم یا تاثیر مستقیم بر مخاطب نگذاریم بلکه مخاطب را برای فکر کردن آزاد بگذاریم. حتی او را برای تعیین یک پایان خوب یا بد برای خودش و زندگی اش آزاد بگذاریم.

در کارگردانی بیشتر به چه المان هایی توجه داشتید که این ارتباط را با مخاطب ایجاد کنید.

چیزی که برای من مهم بود، این بود که من سه المان داشتم، نیمکت که المان خیلی قدیمی ای در تئاتر است. یک سن کوچک ساختم که المانی

است برای نمایش های کلاسیک که رو به کمرنگ شدن می رود و یک در ، یک in put که همیشه محل فاصله ی بین بازیگر از پشت صحنه به داخل صحنه بوده است . من این سه را در یک سازه خیلی کوچک تعریف کردم و بعد هم نظرم این بود که ارتباطم با مخاطب بی واسطه و مستقیم باشد و مطمئنا بدون هیچ اختلاف ارتفاعی . آن ارتفاع هم در واقع یک نماد است . من بخشی از بازی ها را پایین استیج کوچکمان انجام دادم به این دلیل که فقط می خواستم از آن به عنوان نماد استفاده کنم . یک نماد تئاتری که در واقع خیلی راحت تر می توان با آن کنار آمد . سن را می توان حذف کرد و با مخاطب کنار به کنار کار و زندگی کرد .

در سال های گذشته هم در جشنواره تئاتر فجر شرکت داشتید ؟

خیر ، اولین کارم بود .

از کارهای جشنواره ، نمایشی را دیدید ؟

کار ارمنستان را دیدم .

کیفیت آثار جشنواره را چگونه ارزیابی می کنید ؟

کار ارمنستان اصلا در حد جشنواره فجر نبود ، در سطح یک کار بین المللی که به جشنواره فجر دعوت شده ، نبود . شتابزدگی ، عجولانه برخورد کردن ، تصمیم گیری های یکی ، دو ماهه و بودجه های خیلی پایین همیشه مطرح است . وقتی بودجه پایین است ، آنوقت باید خلاقیت هنری مطرح شود که وقتی هنرمند در جایگاه تصمیم گیری قرار ندارد و بیشتر مدیران هستند که تصمیم گیری می کنند ، این اتفاق می افتد .

جایگاه تئاتر را در شهرستان ها چطور می بینید .

بسیار ضعیف . مخاطب بسیار خوب ، پتانسیل بسیار عالی ، مدیران بسیار ضعیف و ناشایست .

برای رونق تئاتر شهرستان ها چه کاری می توان کرد ؟

تئاتر نیاز به حمایت دارد . دولت که حمایت نمی کند ، آنوقت مردم هستند که باید حمایت کنند . دولت لااقل می تواند تئاتر را به مردم معرفی کند که این کار را هم نمی کند یعنی اداره ی ارشاد یک شهر ، دستش را بالا می برد و می گوید من حتی پول ندارم برایت یک بنر نصب کنم . ما به جشنواره منطقه ای رفتیم ، نمایشمان جایزه گرفت ولی ارشاد در شهر یک بنر هم نزد . این در حد یک رویداد خیلی ساده است ، حالا شما در نظر بگیرید آن ها چقدر می خواهند برای تئاتر هزینه کنند .

جواب این سوال واقعا برای من سخت است چون سال هاست از ما می پرسند ، ما ایده می دهیم ، طرح می دهیم ولی هیچگاه اجرا نمی شود . بعد می فهمیم سر کار بودیم ، فقط قرار بود یک بیلان کاری پر شود .

و حرف پایانی .

دنای ما خیلی دنیای قضاوت شده . یک مقداری قضاوت نکنیم و به جای قضاوت کردن تنفس کنیم .

کارگردان نمایش " پرواز بر فراز شهر " از ارمنستان : "چون کار ارزش های بصری دارد ، زیرنویس را حذف کردیم ."

نمایش " پرواز بر فراز شهر " یکی دیگر از کارهای بخش بین الملل سی و دومین جشنواره تئاتر فجر است . "نارینه گورگیان" کارگردان این نمایش خود در نقش اصلی این کار به روی صحنه رفته است . به همین بهانه **تئاتر فستیوال** با این کارگردان مصاحبه ی اختصاصی داشته و متن این مصاحبه به شرح زیر است:



چه شد که برای اجرا سراغ این نمایشنامه رفتید ؟

این متن سفارش خود من بوده است . این کار را با یکی از دوستانم که نمایشنامه نویس جوانی است با هم نوشته ایم و تقریبا می توان گفت ما دو نفر این نمایش را ایجاد کردیم .

از اجرای امشب راضی بودید؟

فکر می کنم اجرای دوم بهتر باشد چون برای اجرای اول تا سه دقیقه باقی مانده به شروع نمایش ، ما در حال لباس عوض کردن بودیم . و تازه در حال آماده کردن خود و بدنمان هستیم .

چند روز قبل از نمایش در ایران بودید؟

دو روز .

چرا کار شما زیرنویس و یا بالانویس نداشت ؟ تماشاچیان چند روز پیش از کار فرانسه به دلیل نبود زیرنویس ناراضی بودند . با اینکه بخش اول کار شما رنگ و نور و موسیقی داشت ولی مشخصا بخش دوم آن دیالوگ محور بود .

وقتی ما در دیگر کشورها مانند کاستاریکا ، ولز و روسیه اجرا داشتیم ، همه به ما پیشنهاد دادند که زیرنویس را حذف کنیم . چون کار ارزش های بصری دارد و خودش حس را می رساند که لازم به زیرنویس نیست .

این نمایش در چند جشنواره بین المللی شرکت داشته است؟ و چه رتبه ای کسب کرده است ؟

در مسکو ، سن پترزبورگ ، بلاروس ، کاستاریکا ، ولز و چند جشنواره دیگر حضور داشتیم . فقط دو جشنواره در این بین بخش مسابقه داشته است که در هر دو جایزه گرفتیم .

در این دو روز که در ایران مستقر بودید ، از نمایش های ایرانی حاضر در جشنواره فجر کاری را دیده اید؟

هنوز نه . از روزی که رسیدیم درگیر کار بودیم و چون بچه هم همراه ما بود نتوانستیم کاری ببینیم .

بعد از اتمام اجراهای خودتان دوست دارند در این جشنواره کار ببینند؟

حتما . به نظر من اشتباه است که کار دیگر کشورها را ببینیم . و من حتما می خواهم کار ایرانی ببینم . به عنوان مثال نمی دانم چرا وقتی مردم به جشنواره ای در انگلیس می رود تصمیم می گیرند کار هندی ببینند و یا در ارمنستان در جشنواره هایفست (Highfest) نمی آیند تا کارهای ارمنستان را ببینند . من به هر کشوری که می روم سعی می کنم که اجرای همان کشور را ببینم .

محمد شهبازی: " همه فقط شعار « تئاتر شهرستان باید حمایت شود »

سر می دهند . "



نمایش « شیرین به روایت امروز » به نویسندگی چیترا نادری و کارگردانی محمد شهبازی در سومین روز جشنواره تئاتر فجر در تماشاخانه سنگلج به روی صحنه رفت. شهبازی که فارغ التحصیل کارگردانی سینماست ، از سال ۱۳۷۴ در تئاتر فعالیت می کند و تجربه کارگردانی ۱۵ نمایش را داشته است . وی از دیده نشدن نمایش اش در این دوره از جشنواره بسیار ناراضی ست . در ادامه گفت و گوی او را با تئاتر فستیوال بخوانید :

از « شیرین به روایت امروز » بگویید .

ما بسیار دوست داشتیم که یک نمایش ایرانی را در جشنواره ی امسال اجرا کنیم و می دانستیم مخاطب خود را دارد . چرا که سالیان سال است چنین کارهایی اجرا نشده است . در این نمایش شیرین از دل پرده بیرون می آید و داستان زندگی خودش را آن گونه که دوست دارد روایت می کند . ولی در نهایت نمی شود از سرنوشت فرار کرد . سرنوشت این آدم نوشته شده است و اگر هزار سال هم تلاش کند ، نمی تواند به فرهاد برسد .

ایده ی شکل گیری نمایشنامه چه بود ؟ آیا اقتباسی صورت گرفت ؟

در نمایشنامه ی اصلی ، تمامی روایت ها بر روی یک پشت بام اتفاق می افتد و همه ی پرسوناژ ها روح هستند و از آن جا ، تمامی اتفاقات را بررسی و با دوره ی تاریخی خودشان مقایسه می کنند .

اما ما با خانم نادری ، نویسنده ی نمایشنامه صحبت کردیم . یک تم از نمایش های قدیم روحی و قهوه خانه در ذهنشان بود . ما این آدم ها را از پرده های نقالی بیرون کشیدیم . پرسوناژ ها از پرده بیرون می آیند و قصه یشان را تعریف می کنند و حرف هایشان را با مردم به صورت رو در رو در میان می گذارند .

این کار متأسفانه در بخش مرور جشنواره شرکت کرده است . ما دوست داشتیم نمایش مان در بخش مسابقه شرکت داده شود . نمی گویم کارمان کامل است . قطعاً ضعف هایی هم چه به لحاظ کارگردانی و چه به لحاظ بازیگری دارد . ولی فکر می کنم استحقاق این را داشتیم که در بخش مسابقه شرکت کنیم .

علتش چه بود ؟ چرا در بخش مسابقه قرار نگرفت ؟

نمی دانم . شاید سیاست و هزینه های جشنواره و دلایل دیگری باعث شد . خود من هم قبلاً در دبیرخانه ی جشنواره های دیگر بوده ام و تجربه این نوع فعالیت ها را دارم . معمولاً یک تعداد محدودی از آثار داوری می شوند . اما انصافاً برخوردشان با ما خیلی خوب بود . این اولین دوره بود که ما به عنوان یک گروه از شهرستان در جشنواره شرکت می کردیم . با این حال چه دبیر جشنواره و مشاورینش و چه مجموعه ی تماشاخانه ی سنگلج ، جناب

استاد آبالان با ما همکاری خوبی داشتند. ولی ارتباط مان با دبیر خانه خیلی ضعیف بود. همین الان هم اگر در سایت جشنواره « شیرین به روایت امروز » را جستجو کنید، هیچ مطلبی راجع به آن نیست و هیچ تعریفی از نمایش برای مخاطب ارائه نشده است. اگر در سایت جشنواره اطلاع رسانی صورت می گرفت، اتفاق خوبی می افتاد.

اجرای عمومی کارتان چه مدت به روی صحنه رفته است ؟

اولین بار، مهرماه سال جاری، به مدت ۱۵ روز در کرج اجرای عمومی داشتیم و مورد استقبال مردمی قرار گرفت. در شهرستان ها، بیشتر همکاران، کارهای یکدیگر را می بینند. ولی این بار دیدیم که کارمان خوب بود و مردم ارتباط برقرار کردند و کار دیده شد. چون فرهنگ این نوع نمایش ها، ریشه در فرهنگ ما دارد. از طرفی ما توقع داریم چنین نمایش هایی نباشد و در عین حال مردم جذب سریال های شبکه های ماهواره ای نشوند. فقط نه کار من، بلکه کار خیلی از دوستان که اجرای بخش هایی از شاهنامه خوانی را اجرا کرده اند، مورد بی مهری قرار گرفته است. این نوع نمایش ها به گونه ای مهجور شده اند. نمی گویم تاریخ مصرفش گذشته ولی یک حس خاصی در بین داور ها و مسئولین، وجود دارد.

چه تغییراتی نسبت به اجرای عمومی تان داشتید ؟

تغییرات کوچکی داشتیم. سعی کردیم زیاده گویی نکنیم. من فکر میکنم ریتم نمایشمان خوب است. عام ترین تماشایی هم با روایت های داستان پیش می رود. سعی نکردیم که با طولانی تر کردن نمایش، مخاطب را خسته کنیم. اگر دقت کنید ورود پرسوناژ ها هم سریع انجام شد تا این ارتباط با تماشایی راحت تر اتفاق بیفتد.

این نمایش در جشنواره های دیگری هم شرکت کرده است ؟

این نمایش قبل از اجرای عمومی، در جشنواره استانی شرکت کرد و در مرحله بازبینی رد شد. بعد از آن ما نقاط ضعف مان را اصلاح کردیم. مشکلی که وجود دارد داورها وقتی کار را می بینند، نه پرده ای وجود دارد و نه لباسی و نه ... بنابراین فکر می کنند آن کار، پارامتر های حضور در جشنواره را ندارد. ولی شما می بینید که رنگ و لعاب و همین طور موسیقی، یکی از بخش های اصلی نمایش ما بود.

جشنواره فجر امسال را چطور ارزیابی می کنید ؟ در سال های قبل هم حضور داشتید ؟

در سال های قبل من به عنوان یکی از عوامل یک گروه نمایشی در جشنواره حضور داشتم. ولی شرایط کارگردان ها را می دیدم که با چه سختی هایی روبه رو هستند. امسال که خودم به عنوان کارگردان شرکت کرده ام تصورم از جشنواره فجر خیلی گسترده تر بود، با تبلیغات بیشتر و بهتر. همه ی ما شعار " تئاتر شهرستان باید حمایت شود " را سر می دهیم ولی در مرحله ی اجرا اتفاقی نمی افتد. کدام یک از مسئولین جشنواره آمدند تا کار ما را ببینند ؟ همین طور خبرنگار های جشنواره، خبری از ما نگرفتند. می دانم سرشان شلوغ است. این ها برای من که می خواهم از شهرستان کار ارائه دهم، درد است. با این حال شرایط مالی جشنواره را می دانم که بد است.

پیشنهادتان برای بهتر شدن جشنواره تئاتر فجر چیست ؟

اطلاع رسانی باید دقیق تر باشد. کارها از قبل تر مشخص شود تا بتوان برای دیدن کارها برنامه ریزی کرد. این شلوغی جدول باعث شد من نتوانم کارهای بسیاری از دوستانم را ببینم. با این حال همکارانم، من جمله خانم تقیانی آمدند و کار رادیدند و این باعث دلگرمی من بود. امیدوارم در سال های بعد اطلاع رسانی بهتری انجام شود.

"بازار"، نمایشی که فراتر از حد انتظار بود

یادداشتی بر نمایش "بازار" کاری از کشور عمان به بهانه ی حضور در سی و سومین جشنواره ی تئاتر فجر

نمایش "بازار" اولین حضور تئاتر عمان در ایران بود. این حضور با حاشیه های زیبای قبل از اجرا شروع شد. بروشورهای دو زبانه و با کیفیت برای معرفی گروه و نمایش در ورودی لابی این احساس را بوجود می آورد که با گروهی حرفه ای طرف هستیم. آنها با پذیرایی ساده، (قهوه و حلوی عمانی) سعی در اشاعه ی فرهنگ عمان در میان مردم ایران داشتند.

پخش خلاصه ی داستان به زبان فارسی در برگه های کوچک کمک شایانی به تماشاگر ایرانی برای لذت بیشتر از اجرای عربی کرد. داستان با درونمایه ی جدال اقوام و عشق و قلمی سنجیده پیش می رفت. کمی کندی ریتم در هر صحنه دیده می شد که تنها در صحنه های عاشقانه می توانست بی دلیل نباشد. دکور بسیار ساده و بی آرایش و طراحی نور خلاقانه و زیبا بود و طراحی لباس پر زحمت و سنجیده به نظر می رسید، و در نهایت بازی ها بسیار زیبا و قابل تحسین بود.

نمایش "بازار" به عنوان نماینده ی تئاتری شناخته نشده خوش درخشید



و به سختی می شد ایراد بزرگی از این اجرا گرفت. یا بهتر است بگوییم از آنها اینچنین انتظار نداشتیم که شد. عمانی ها به بهترین شکل ممکن با "بازار"، فرهنگ خود را برای ما سوغاتی آوردند.

متن با درونمایه های جهان پسند و امروزی، همراه با تم قصه ی رومئو و ژولیت و پر از شوخی های به جا بود. گریم کار نیز به همان قدرت نور و لباس بوده و در مجموع تصاویر زیبایی به خورد تماشاچیان داده شد. استفاده ی کارگردان از نماد در کار دیده می شد. صدای زیبای بازیگر زن در طول اجرا رنگ دلپذیری به صحنه می داد و نوازندگی زیبای دمام و همخوانی سرود های بومی توسط بازیگران، رنگ فرهنگ عربی را رنگ غالب نمایش بازار کرده بود. بازیگران در "بازار"، حضور حرفه ای و کم نقصی داشتند. دست قدرتمند کارگردان در تمام میزانشن های اجرایی به شدت احساس می شد و پیدا کردن میزانشن اشتباه در این کار کمی دشوار بود. جدای از بازی خوب نقش آفرینان، کارگردانی بزرگترین نقطه ی قوت بازار بود.

عمانی ها به عنوان اولین حضور خود در ایران در پیشگاه سفیر کشورشان خوش درخشیدند و سطح توقع ما را از تئاتر کشور خود بالا بردند.

مجتبی جوادزاده - نویسنده مهمان

"پرواز بر فراز شهر" نمایشی استانی نه بین المللی



مطلب زیر از سری نوشته های مخاطبین عزیز است و انتشار آن الزاما مبنی بر تایید **تئاتر فستیوال** نمی باشد . همچنین خوانندگان می توانند هر گونه یادداشتی در تائید یا تکذیب این مطلب را به **تئاتر فستیوال** ارسال نمایند تا در بخش "یادداشت های شما" انتشار داده شود.

محسن وصال طلب - قبل از ورود به سالن خلاصه داستان نمایش در قالب برگه ای در دسترس مخاطب قرار گرفته ، اما مخاطب به سالن تئاتر می رود تا ببیند نه بخواند ، برای خواندن به کتابخانه مراجعه می شود . دیالوگ در این اثر از حجم قابل توجهی برخوردار است و می توان گفت انتقال مفاهیم اصلی نمایش همچون شناخت شخصیت ها ، فهم روابط علت و معلولی و سیر داستان از طریق دیالوگ برنامه ریزی شده و ترجمه نشدن دیالوگ ها باعث عدم ارتباط مخاطب با اثر می شود . برای مثال اگر مخاطب با زبان نمایش آشنا نباشد نخواهد فهمید شخصیت مرد داستان

یک دکتر است.

صحنه اول نمایانگر فضای ذهنی زن نسبت به محیط اطرافش می باشد و اتفاقات همانگونه که او تمایل دارد رخ می دهد . تصویرسازی و بازی نمایشی نسبتا مجذوب کننده زن تنها دلیل نشستن مخاطب روی صندلی و دیدن ادامه نمایش است ، اما به محض شروع صحنه دوم دیگر شاهد بازی نمایشی و تصویرسازی نیستیم . عکس العمل های غیر منطقی مناسب با موقعیت ، بازی نامناسب مرد و دیالوگ ، بر صحنه دوم نمایش کاملا حکمفرماست که به دلیل ترجمه نشدن و مفهوم نبودن اعمال روی صحنه شاهد ترک سالن توسط مخاطبان هستیم .

انتخاب سالن نامناسب برای اجرای نمایش توسط مسئولین برگزاری با فرض اینکه کار متعلق به بخش بین الملل است و شاهد هجوم مخاطب برای تماشای اثر خواهیم بود ، یکی دیگر از ضربه های اساسی را به نمایش وارد کرده است . در کل می توان گفت تئاتر " پرواز بر فراز شهر " اثری در حد و اندازه یک جشنواره استانی است نه جشنواره بین المللی . امید است انتخاب اینگونه نمایش ها برای حضور در جشنواره ای به بزرگی فجر صرفا جهت پرکردن بخش بین الملل نبوده باشد .

نمایش "لندن، رم، تهران، آمستردام"، فرصتی مناسب جهت تقویت زبان

یادداشتی بر نمایش "لندن، رم، تهران، آمستردام" به کارگردانی آرون دشت آرای

نمایش "لندن، رم، تهران، آمستردام" به کارگردانی و نویسندگی آرون دشت آرای در سالن حافظ اجرا شد به طوریکه عده ای از تماشاگران روی زمین نشسته بودند. بعد از ۳۰ دقیقه تاخیر در اجرا، کارگردان که به همراه بازیگران این کار حضور داشت خود را معرفی کرد و با شوخی نسبتاً جالبی کار آغاز شد. البته این کارگردان عزیز قبل از اجرای نمایش توضیح داد که این اثر قصه ندارد.

اولین و مهمترین بخش ادبیات نمایشی همان قصه است. اگر کاری قصه نداشته باشد چه چیز را می خواهد روایت کند؟ این اولین سوالی بود که ذهنم را مشغول کرد. در ابتدای نمایش دو شخصیت میثم و مارین خود را معرفی کردند که این معرفی هیچ کمکی به من مخاطب در شناخت نقش نکرد. کار با آشتفتگی تمام همراه بود. تا آخر نه تنها قصه نداشت، میزانشن هم نداشت، فقط پر بود از رفتارهای اروتیک و حرکات تند بی محتوی. هنر اصلی نمایش میخکوب کردن مخاطب است در حالیکه پس از گذشت مدت زمانی صدای پیچ به گوشم می رسید و افرادی هم گوشی به دست بودند.



این نمایش دارای ضعف ها و چراهای بی پاسخ زیادی بود. در انتقال مفاهیم هم بسیار ضعیف عمل کرد چرا که در تمام نمایش کمتر لغتی فارسی ادا می شد، به جز مواردی که قصد توهین به فرهنگ و ملت ایران را داشت. نمایش در خصوص سو تفاهات فرهنگی بود ولی در من مخاطب سو تفاهم ایجاد کرد که به ملیتم توهین شده است یا نه؟

زمانی که سو تفاهم های ملیت های هلند، ایتالیا یا حتی انگلستان را بیان می کردند، بسیار با طمانینه و دقت ولی زمانی که نوبت به ایران رسید، رقص سنتی ایرانی را به سخره گرفت. کار از همان ابتدا سرشار از غرб زدگی و انتلکت بازی هایی بود که اخیراً مد شده است که بسیاری از کارگردانان ما بدان گرفتار شدند. صرفاً وجود سه بازیگر خارجی، لزوم خوبی و بی نقص بودن کار نیست و نمی شود با این ترفند ها مخاطب را گول زد که ۷۰ دقیقه روی صندلی یا زمین بنشیند برای اینکه فقط بازیگر خارجی ببیند. وقتی نه قصه نه میزانشن نه اکت مناسبی در کار باشد، نام این اثر را چه می توان گذاشت؟

در طول نمایش یک نفر ثابت در سالن اصلی رو به تماشاگران پلک می زد و هیچ عکس العمل یا دیالوگی نداشت و بازیگران از کنار او عبور مرور می کردند و تا آخر نفهمیدم این برای چه اینجا ایستاده، هیچ ربطی به نمایش نداشت تا اینکه در آخر با یک حرکت لوس خود را به زمین انداخت. میزانشن بود که بی ربط با نمایش بود و اکت ها نه تنها جدی و تاثیر گذار نبود بلکه بیشتر اروتیک بود و قرار دادن یک بازیگر مرد در میان شش زن این حالت را تشدید می کرد. در پشت بازیگران توسط ویدئو پروجکشن صحنه هایی از زندگی روزمره

افراد خارجی پخش می شد و برای لحظاتی حرکت بازیگران قطع می شد اما دلیلش مشخص نبود . شاید با اینکار قرار بود به مخاطب بفهماند که قرار است ملیت سوتفاهمات عوض شود ولی باز بازیگران به زبان انگلیسی و تا حدی فرانسوی و ایتالیایی مخلوط صحبت می کردند و نمی شد حدس زد که چه شده و البته ما به عنوان مخاطب این حق را نداریم که با قانع کردن خودمان برای خودمان تصویر سازی کنیم و قصه بگوییم . این اولین وظیفه ایست که نویسنده در مقابل ما دارد . این کار بسیار ضعیف بود هرچند کار دیگری هم از این کارگردان دیده بودم و اصلاً انتظار چنین کار لوس و بی محتوایی از ایشان نداشتم . در آخر هم از تماشاگران خواستند که به کمپین (درباره تصویر من تجدید نظر کن) بپیوندند . مخاطب را که نمی شود اینگونه جذب کرد و تئاتر را هم به صورت ابزاری برای جذب لایک و کامنت در شبکه های اجتماعی به کار گرفت . انتظار زیادی نیست اگر درخواست کنیم لطفا خواب آشفته و تراوشات پراکنده را با ادبیات نمایشی مخلوط نکنید . اگر هنرمندید با آنها برایمان قصه بگویید اگر نه اینگونه با فرهنگ ، با تئاتر ، با ایران شوخی نکنید!!!

شهرزاد وکیلی - نویسنده مهمان

هانی النصر : " کارهای من در مورد وضعیت مسائل سیاسی کنونی در کشورهای عربی است . "



نمایش "ضربه فنی" ۵ بهمن ماه در پنجمین روز از سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر ، در تماشاخانه سنگلج به روی صحنه رفت . نویسندگی و کارگردانی این نمایش را که از کشور کویت به بخش مسابقه جشنواره راه یافته است ، هانی النصر بر عهده دارد . خبرنگار **تئاتر فستیوال** به بهانه حضور "ضربه فنی" در جشنواره تئاتر فجر گفت و گویی را با هانی النصر انجام داده است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .

از تاریخچه شکل گیری گروه "TYATRO" برای ما بگویید .

گروه "TYATRO" از ۱۰/۱۰/۲۰۱۰ تشکیل شده و تاکنون علاوه بر اجرا در کشور کویت ، در جشنواره های بین المللی از جمله مصر و امارات نیز شرکت کرده و جایزه برده است . من در دانشگاه های کشور لبنان رشته نمایش خوانده ام و مدرک دکتری تئاتر دارم .

موضوع نمایش "ضربه فنی" چیست و چرا اجرای شما زیرنویس نداشت ؟

موضوع این نمایش مراحل زندگی یک انسان در کشوری عربی است . داستان از زبان شخصیتی نقل می شود که به دلیل پخش اعلامیه به زندان افتاده و از زندگیش برای ما می گوید . ما متن نمایش را به دبیرخانه جشنواره داده ایم ولی نمی دانیم چرا آن را در اختیار تماشاگران قرار ندادند .

تاکنون روی چه موضوعاتی کار کرده اید و اجرا داشته اید ؟

من ده ها متن دارم که در مورد وضعیت سیاست در جامعه عربی است و بسیاری از آنها را به روی صحنه برده ام . کارهای من همیشه در مورد مسائل سیاسی در کشورهای عربی در وضعیت کنونی آنها است .

چند مدت برای این نمایش تمرین داشته اید ؟

یکسال تمرین داشتیم و در هر کشوری که اجرا کرده ایم ، نمایش با اندکی تغییرات روی صحنه رفته است .

آیا به راحتی می توانید در مورد موضوعات سیاسی در کویت کار بسازید ؟

بله ، کویت کشوری است که مجلس ملی دارد و در آن آزادی بیان وجود دارد .

آیا زنان هم در تئاتر کویت حضور دارند ؟

بله ، نویسنده این کار که نامش در بروشور آمده است خانم "فلول الفیلکاو" نام دارد که نویسنده متن اجرا شده ما هستند و در جشنواره "مهرجان مسرح بلا انتاج" مصر ، سال ۲۰۱۴ ، جایزه گرفتند .

فرهاد تجویدی: "من خودم می گویم که می خواهم شعار بدهم."

فرهاد تجویدی کارگردان و نویسنده ی نمایش "من" در بخش مسابقه بین الملل است. این نمایش با بیش از ۵۰ بازیگر و از دل کلاس بازیگری فرهاد تجویدی شکل گرفته است. **تئاتر فستیوال** در مصاحبه ی اختصاصی با این کارگردان از چگونگی شکل گیری این نمایش پرسیده است. متن این گفتگو به شرح زیر است:

دلیل شرکت نمایش "من" در جشنواره تئاتر فجر چه بود؟

این کار در یکی از مشهورترین سالن های تهران مورد استقبال فراوان قرار گرفت و اهل فن هم از کار خوششان آمد و در جشنواره در بخش مرور آثار پذیرفته شد. در نهایت این نمایش به بخش مسابقه بین الملل انتقال یافت.

این گروه چگونه شکل گرفت؟

این گروه ۵۵ نفره بچه های کلاس بازیگری من هستند. خروجی کلاس های من یک کار است. در همان ابتدا که با گروه کار میکردم و عناصر بازیگری را یاد می گرفتند، قرار شد بعد از اتمام کار روی یک متن کار کنیم. این اتفاق مورد غضب عده ای واقع

می شد که چرا من نقش ندارم. در این حالت من باید هفت یا هشت متن در دست می گرفتم. گفتم دغدغه هایتان را بگویید. و این دغدغه ها را به صورت نمایش درآوردیم.

بسیاری فکر می کنند که این متن ساختار ندارد. من اصلاً دنبال متن ساختارمند نرفتم. چون در اینجا کار بصورت کارگاهی پذیرفته نمی شود من اسمم را به عنوان نویسنده در کار آوردم. اما "من" در واقع دغدغه های گروه است و من تنها آنها را جمع آوری کردم. بعضی ها فکر می کنند که شعار داده میشود. من خودم می گویم که می خواهم شعار بدهم، کسی نمی تواند به من بگوید چرا شعار داده ای. خیلی دوست دارم که وقتی یک اثر توسط منتقدین نقد می شود، نقد آن منتقد نیز توسط تماشاگران نقد شود. منتقدین باید به این نتیجه برسند که چرا این برداشت را دارند، آیا این کارشناسانه است؟ و یا این چیزی که من در یک یا دو نقد خوانده ام می توانم آن را به همه کارها بسط بدهم.

تهیه کننده ای خارجی این کار را دیدند، همچنین خانم بوردن از هلند نیز به تماشای این کار نشستند. این افراد شکل دیگر کار را می دیدند. من تصویری از اتفاقاتی که گذری از کنار آنها رد می شویم را کار کردم و اصلاً مهم نیست که این اتفاقات به هم ربط داشته باشد. من خواستم بگویم که در جامعه هرکس درد جداگانه ای دارد که در واقع مشترک است. بعضی ها فکر می کنند این من، "ما" نمی شود اما این درد مشترک ماست. تمام دردهایی که نشان دادم برای ما است، درد مشترک همه ی ما نه برای من برای او. منظور از "من" این است که هر کسی فکر می کند که باید خودش دیده شود و این درد فقط برای اوست و همه باید این درد را ببینند. در حالیکه در اینجا می خواهیم بگوییم این درد مشترک است، درد ما است. زلزله، یک درد مشترک است، همه ما شدیم، کمک نمی کردیم خیلی ها زیر آوار می ماندند. خیلی ها نظرشان این بود که من باید تنها به دو مورد

عمق می دادم و فقط به همان می پرداختم. هرکسی از ظن خود یار این نمایش می شود، یکی دغدغه ی کتاب نخواندن جامعه را دارد می گوید، دیگری بحث فوتبال دارد و آن صحنه را انتخاب می کند. این نمونه ای بود برای اینکه بگوییم ما درگیر این مسائل هستیم.

کنار هم قرار گرفتن ۵۵ نفر در این گروه چه سختی هایی را با خود به همراه داشت؟

شما از کسی که با چهار نفر کار می کند بپرسید که چقدر کار سخت است. حال با ۵۵ نفر کار کردن چقدر می تواند سخت باشد؟ جالب این است که ۲۵ نفر آنها تنها دو هفته است که به جمع اضافه شده اند.

پس بازیگرها برای جشنواره فجر تغییر کرده اند؟

بله. خیلی چیزها نیز به کار اضافه و از هرکس بر اساس توانایی اش استفاده کرده ام. برای این گروه به اینگونه ذهنیت شکل گرفت که تئاتر یعنی ما. تئاتر من نیست، تئاتر ما است.

آیا سالهای گذشته در جشنواره شرکت کرده بودید؟

بله، پینوکیو دروغ بگو، بوق.

امسال کیفیت جشنواره را چگونه ارزیابی می کنید؟

من هنوز کاری ندیده ام اما تمایزی که این جشنواره دارد این است که تعداد آثار بخش مرور زیاد شده و من فکر می کنم اینگونه بهتر است. امسال در بخش مرور خیلی ها اجرا رفتند و به نظرم توازن برقرار است.

برای بهبود جشنواره در سال های بعد چه پیشنهادی دارید؟

فکر میکنم بخش مرور خیلی خوب است و انگیزه ای می شود برای دیگران که کار کنند و کار پخته تر روی صحنه بیاورند. نه اینکه یک کار عجولانه را به جشنواره بیاورند. من اگر بخواهم جشنواره ای راه بیندازم از هر گروهی که در طول سال کار کرده اند، دعوت میکنم تا بیابند و کارشان دیده شود. در این شرایط کسی معترض نیست که تنها دو ماه وقت داشته است. پلاتو نداشتم و نتوانستم تمرین کنم. وقتی بخش مرور باشد، سه ماه تمرین می کنند و یک ماه هم اجرا میرود و دیگر بهانه ای ندارد.

حرف پایانی؟

من خوشحالم که به بچه های "من" ثابت شد که اگر برای همدیگر کار کنند و به همدیگر کمک کنند، میشود و بدانند که تعهد اخلاقی شان نسبت به جامعه چیست. حتی اگر متنی نباشد دغدغه و تعهد داشته باشند که کار شکل بگیرد. اساسا ذات تئاتر همین است. این دغدغه ی فردی بعد به جمعی و بعد به نمایش بسط پیدا کرد. کسی نمی تواند روی صحنه خودنمایی کند. این مقداری سخت است چون همه می خواهند تلاش کنند که دیده شوند. به همین خاطر بدون اینکه به کسی باج اخلاقی بدهید و بدون اینکه از حیثیت خود افت کنید می توانید در یک عرصه ی بین المللی شرکت کنید و ببینید که این اتفاق می افتد.

کسوف ، نمایشی که تاریخ انقضا ندارد

یادداشتی بر نمایش " کسوف " به بهانه ی اجرای آن در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

آیا آدم پودر می شود ؟ آری آدم پودر می شود . آدم های بی گناهی که به ناحق ، در عین معصومیت تنها و تنها به این دلیل که در زمانی نادرست در مکان نامناسبی قرار گرفته اند ، پودر می شوند . فرقی نمی کند که چه سن و سالی دارند ، فرقی نمی کند که چه جنسیت و چه نژادی دارند . این آدم ها، بی گناه بی گناه پیش چشم عزیزانشان پودر می شوند و روز را برای آنها شب می کنند ، گویی که کسوف شده باشد و من امروز کسوف را در پیش چشمانم دیدم . کسوفی که در سالن تئاتر رخ داد.

کسوف نمایشی است که با نمایشنامه خوب " ایوب آقاخانی " و کارگردانی بهتر " ابوالفضل فرهادی " و بازی عالی همین کارگردان به روی صحنه رفت.

ابوالفضل فرهادی در نقش " میمند " ، مرد افغانی که عاشق دختر کولی ایرانی به نام ثریا شده بود به روی صحنه رفت . بازی عالی فرهادی که گویی خود افغانی است یکی از چندین نقاط قوت این نمایش است.

قصه خوب و منطقی که کاملاً به همه سوالات مخاطب پاسخ داد و با محتوایی ضد جنگ و در مورد کودکانی که بی گناه به روی مین می روند ، نشان داد که با تمام اتفاقاتی که حال هم رخ می دهد این قصه تاریخ انقضا ندارد . قصه این نمایش از ریتم مناسبی برخوردار بود ، ریتمی که مخاطب را تا انتها با همان هیجان اولیه با خود همراه کرد.

کسوف نمایش بی ادعایی است که با دکور ساده و در عین حال کار آمد خود و همینطور موسیقی زنده توانست حس و حال داستان را به خوبی به مخاطب القا کند.

البته این اجرا ایراداتی در میزانشن خود داشت . به عنوان مثال نور با جایگیری بازیگران کاملاً هماهنگ نبوده و در بعضی از پرده ها با چند ثانیه تاخیر و کمی جابه جایی با بازیگران هماهنگ می شد.

و این نمایش جمع و جور و بی ادعا ، نمایشی است قابل قبول و قابل اعتنا که به راحتی می تواند بدون شعار دادن حرف خود را به مخاطب برساند.

آرزو شفق - تئاتر فستیوال

داریوش شهبازی: "برای معرفی رادیو تئاتر بهترین راه آموزش و اطلاع رسانی است."



در کنار نمایش های خیابانی و صحنه ای که در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر اجرا شدند ، بخش دیگری نیز به رادیو تئاتر اختصاص دارد که همه روزه یک نمایش رادیویی در این بخش برای علاقمندان اجرا می شود . نمایش "خانه احمق ها" به نویسندگی امین رهبر و کارگردانی داریوش شهبازی در پنجمین روز از سی و سومین جشنواره تئاتر شهر در تماشاخانه سه نقطه اجرا شد. خبرنگار **تئاتر فستیوال** به بهانه ی اجرای این نمایش رادیویی گفت وگویی را با داریوش شهبازی انجام داده است که می توانید آن را در ادامه مطالعه کنید.

در ابتدا خودتان ، کارتان و گروهی که تشکیل داده اید ، را برایمان معرفی کنید.

تا الان چند کار رادیویی مانند تهیه کنندگی "الفبای نمایش" که در شبکه رادیویی نمایش پخش شد را برعهده داشتیم . "خانه احمق ها" اولین کاری بود که آن را کارگردانی کردم.

پارسال برای تهیه کنندگی نمایش "عکس اتفاق عزیز" در جشنواره فجر کاندید شدم ولی امسال تهیه کننده و کارگردان "خانه احمق ها" خودم بودم . عوامل کار بچه های حرفه ای هستند ، چند نفرشان بچه های رادیو نمایش هستند ، چند نفرشان هم بچه های تئاتر اند . داستان نمایش در روسیه اتفاق می افتد . یک تیمارستان روانی است که سه دیوانه در آنجا زندگی می کنند . چچنی ها به آنجا حمله می کنند و حالا اتفاقاتی که رخ می دهد.

کارگردانی نمایش های رادیویی چه تفاوت هایی با کارگردانی نمایش هایی که به صورت صحنه ای اجرا می شوند ، دارد ؟

یک سری نقاط اشتراک دارند و نقاطی دارند که این ها را از هم جدا می کند . در رادیو المان صدا اهمیت بیشتری نسبت به تئاتر صحنه ای دارد . ولی در فرمت جدیدی که ما آن را اجرا می کنیم که رادیو تئاتر است ، باید یک سری المان های تئاتری داشته باشیم و یک سری المان های رادیویی و این کار را سخت می کند . ما باید به گونه ای حرکت کنیم که نه کاملا به سمت تئاتر برود و نه کاملا به سمت رادیو . باید یک نمایش رادیویی باشد که برای بیننده جذاب باشد و خسته کننده نباشد.

از چه المان هایی می توانیم استفاده کنیم که این جذابیت برای مخاطب بیشتر شود ؟

من خودم به شخصه ترجیح می دهم از نور کمک بگیرم ، چونکه ما در صدا نور نداریم ، دوری و نزدیکی صدا ، افکت و صدای محیط را داریم . المان هایی مثل نور و لباس بازیگر را نداریم . می توانیم یک سری نماد به کار اضافه کنیم.

استقبال مخاطبین از نمایش شما چطور بود ؟

من از استقبال مخاطبین راضی بودم.

در طول سال نمایش های رادیویی در رادیو نمایش پخش می شود ، چه کاری می توان کرد که مخاطبان بیشتری را به سمت نمایش های

رادیویی جذب کرد ؟

رادیو تئاتر یک مدیوم جدید است که تازه پا گرفته و هنوز خیلی ها آن را نمی شناسند . در واقع رادیو تئاتر یک شاخه از نمایش است ولی چون یک مدیوم تازه پا گرفته است ، خیلی ها اطلاع ندارند . به نظرم بهترین راه آموزش و اطلاع رسانی است .

در طول سال به این صورت ، نمایش های رادیویی اجرا می شوند ؟

جشنواره دانشجویی و جشنواره ی دیگری نیز هست که نامش به خاطر نمی آید.

به صورتی که تئاترهای صحنه ای اجرای عموم می روند ، این کارها اجرا نمی شوند ؟

یک سری بچه های رادیویی و تئاتری به صورت خصوصی گاهی این کار را در سالن های مختلف انجام می دهند.

آروند دشت آرای: "خودمان را با تماشاگر می‌سنجیم."

نمایش "تهران، رم، لندن، آمستردام" به کارگردانی "آروند دشت آرای" در روز ششم جشنواره تئاتر فجر در تالار حافظ به روی صحنه رفت. به همین بهانه، **تئاتر فستیوال** گفتگویی اختصاصی با این کارگردان داشته است که می‌توانید متن آن را در زیر بخوانید:

آیا از اجرای "تهران، رم، لندن، آمستردام" راضی بودید؟

بله. اجرای اول به این دلیل که بازیگر جدید داشتیم و تغییراتی هم ایجاد شده بود کمی کند پیش رفت اما اجرای دوم خیلی خوب بود.

نمایش نسبت به اجرای عموم چه تغییراتی کرده بود؟

تغییرات زیادی داشتیم. بازیگرمان عوض شد، ایده، میزانشن، خیلی تغییرات زیادی داشتیم. وقتی بازیگر دیگری جایگزین یک بازیگر می‌شود، آن فرد با خودش چیزهای جدیدی را به کار اضافه می‌کند و حرفهای آن فرد در کنار حرف‌های دیگران قرار می‌گیرد.

استقبال چگونه بود؟

خیلی خوب بود. ۶۰۰ نفر در دو اجرا نمایش را دیدند. در واقع سه ردیف روی زمین نشسته بودند.

راجع به کارتان حرف خاصی دارید؟

فکر می‌کنم این نمایش ذاتش نمایشی در روند است و دائماً در حال تغییر است و در واقع خودش، خودش را تغییر می‌دهد. من این کار را یک پروژه ۵ ساله می‌دانم که در دراز مدت کامل و بهتر می‌شود. تئاتر ما تجربه‌ی آزمایشگاهی متفاوتی است، تئاترهای ما بیشتر تئاترهای کامل و تمام شده است ولی این تئاتر ذاتش تغییر می‌کند. مثلاً الان که بازیگرهای جدیدی هم به کار اضافه شده‌اند، تئاتر ما به چیز دیگری تبدیل می‌شود. من فکر می‌کنم که این به ما کمک می‌کند که خودمان را با تماشاگر بسنجیم و کامل کنیم.

آیا بعد از جشنواره برنامه‌ای برای "تهران، رم، لندن، آمستردام" دارید؟

ما دوباره تمرین خواهیم کرد، از یک ماه آینده این پروژه تمرین خودش را با بازیگران جدید و قدیمی خودش ادامه خواهد داد و در هلند اجرا خواهد داشت.

برای حضور در جشنواره‌های خارجی چطور؟

صحبت‌هایی شده است که هنوز هیچ کدام قطعی نیست. قرار است در شهرهایی که اسمشان در تئاتر برده شده است، این کار اجرا شود.

جشنواره را از لحاظ مدیریت و کیفیت آثار معرفی شده چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من جشنواره‌ی امسال را خیلی شتاب زده می‌دانم. فکر می‌کنم هیچ چیز سر جای خود نیست، می‌توانست باشد، ولی نیست. تصور می‌کنم که حال و هوایی که همیشه در جشنواره‌ی تئاتر فجر بود سالهاست که از جشنواره رفته و امسال هم به همین شکل است. دید من نسبت به جشنواره‌ی امسال مثبت نیست. البته فکر می‌کنم شرایط شدیداً تاثیرگذار بوده است، جشنواره‌ای که با بودجه‌ای کمتر از سالهای پیش برگزار می‌شود قطعاً مشکلاتی دارد.

کارگردان نمایش "اقیانوس آرام" : " دولت باید از تئاتر به عنوان یک کالای فرهنگی حمایت کند . "

نمایش " اقیانوس آرام " به نویسندگی و کارگردانی علی حاتمی نژاد در ششمین روز از سی و سومین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفت . علی حاتمی نژاد که چند سالی است با گروه تئاتر "کربن" در مشهد مشغول کار تئاتر است ، کارگردان این نمایش است . خبرنگار **تئاتر فستیوال** ، به بهانه ی حضور او در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر گفت وگویی با وی انجام داده است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



ایده ی شکل گیری نمایشنامه " اقیانوس آرام " ، از کجا نشئت می گیرد ؟

بحث نمایش در مورد مهاجرت است ، چیزی که این روزها خیلی باب شده و من خودم آن را تجربه کردم و دیدم این دغدغه در جامعه ی ما هنوز خیلی وجود دارد و به نوعی درگیر این مسئله هستند . یکی این مطلب و دیگر ، نگاهی است که من دوست داشتم به فرهنگ منطقه خراسان داشته باشم ولی نه با نگاه آیینی . می خواستم به روزش کنم یعنی امروز این اتفاق می افتد . این دو دغدغه ی اصلی من برای نگارش این متن بود .

در کارگردانی سعی کردید بیشتر به چه المان هایی توجه کنید تا مفهومی را که مد نظرتان بود ، بهتر به مخاطب منتقل شود ؟

یکی از سختی های متن این بود که تعدد لوکیشن داشت . بنابراین در کارگردانی سعی کردم با توجه به لوکیشن که عوض می شد ، از تصویر استفاده کنم . اما زیاد از تصاویر رئالیستی استفاده نکردم ، نشان دادن موقعیتی از فضا ، برای من کافی بود . برای بحث سرگردانی از مرغ های دریایی استفاده کردیم که همیشه در حال مهاجرت اند . سرگردانی ، معلق بودن ، این که از سرزمینی که در آن زندگی می کنی ، به جای دیگر می روی و قطعا دیگر آن آدم قبلی نیستی . این حالت سیال بودن را سعی کردم در کارگردانی نشان دهم .

سال های گذشته هم در جشنواره تئاتر فجر شرکت داشتید ؟ با چه کارهایی ؟

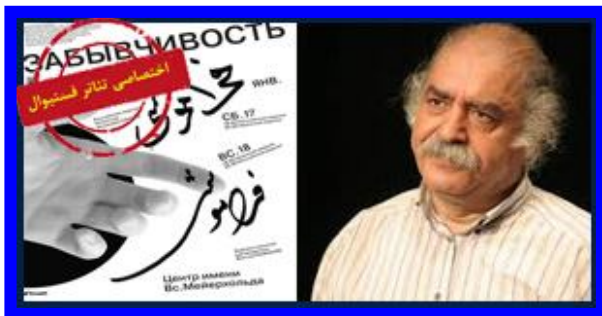
بله . به عنوان نویسنده و کارگردان با کار امسال ، چهار کار به نام های " طبقه همکف " ، " بگذار گاهی در حوالی خیالات پرسه بزنم " ، " بگذار آفتاب گاهی بر دریچه چشمانت ببارد " و در مقام نویسنده هم با سه کار به نام های " من ایرجم ، پسر فریدون " ، " سه قطره خون روی یخ " و " من تمامی مردگان بودم " ، در جشنواره شرکت داشتم . عبدالله برجسته دو کار را کارگردانی کرده است که در بخش مسابقه بین الملل اجرا شد .

کیفیت برگزاری سی و سومین جشنواره تئاتر فجر را چگونه ارزیابی می کنید ؟

همچنان بحث مالی و بودجه که دارد کمتر می شود و این مسئله واقعا به همه لطمه می زند . هم به مسئولین ، هم به هنرمندان و فکر می کنم باید یک آسیب شناسی جدی در مورد این قضیه شود و بعد این که حفظ شأن هنرمند خیلی مهم است . ولی فعلا که بودجه دارد خیلی کم می شود و دست دبیر جشنواره هم نیست ، دست مقامات وزاتخانه است که متأسفانه سال به سال دریغ از پارسال است .

بهزاد فراهانی: "نمایش" فراموشی " کاری بسیار زیباست . "

نمایش " فراموشی " به نویسندگی داریوش رفیعی و کارگردانی اسکندر اسکافی ، محصول کشور روسیه که در بخش مسابقه بین الملل سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر حضور دارد ، در ششمین روز جشنواره در سالن باران به روی صحنه رفت . به این بهانه پس از اجرای این نمایش خبرنگار **تئاتر فستیوال** نظر بهزاد فراهانی را در رابطه با نمایش جویا شد که در ادامه می توانید بخوانید .



بهزاد فراهانی در رابطه با نمایش " فراموشی " کاری از کشور روسیه گفت : من نظرم را راجع به نمایش نمی گویم بلکه در مورد کم کاری و بی توجهی آقایان می گویم ، این افرادی که این آثار را انتخاب می کنند ، نمی فهمند که در فستیوال ، زبان فرنگی پی اس دیالوگ نباید انتخاب می شود .

وی افزود : نمایش " فراموشی " کاری سراسر دیالوگ است و وقتی تماشاگر هیچ چیز از آن نمی داند طبیعی است که عکس العمل بد نشان دهد ، لازم است که یک کارشناس تئاتر قیل از اجرا بیاید و در رابطه با سبک اثر ، نوع درام و شکل کار برای مخاطب حرف بزند و قصه نمایش را توضیح دهد تا مخاطب بتواند نمایش را تماشا کند .

این بازیگر پیشکسوت تئاتر در رابطه با این نمایش گفت : هر چیزی که در شکل کار بود بوی نادانی و بی توجهی می داد و گر نه نمایش " فراموشی " کار بسیار زیباست و من واقعا از دو بازیگر فوق العاده این کار تشکر می کنم .

کارگردان "بوی خوش سیمرغ" : "مردم باید بزرگان و فلسفه ی فکری آن ها را بشناسند."



نمایش "بوی خوش سیمرغ" کاری از گروه آزاد شیراز در هفتمین روز از سی و سومین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفت. این نمایش که نویسندگی و کارگردانی آن را علی نقی رزاقی بر عهده دارد، به منطق الطیر عطار می پردازد. خبرنگار **تئاتر فستیوال**، به بهانه ی حضور این نمایش در جشنواره تئاتر فجر گفت و گویی را با علی نقی رزاقی انجام داده است که می توانید آن را در ادامه مطالعه کنید.

از ایده ی شکل گیری نمایشنامه "بوی خوش سیمرغ" برای ما بگویید.

من در سه ژانر مختلف می نویسم، یکی در ارتباط با ادبیات خودمان است که باید شناسانده شود، ارزش هایش مشخص شود. یک سری کارهای اجتماعی دارم مثل نمایش "قاب بی تصویر" که جایزه بهترین نویسندگی و کارگردانی را برای آن گرفتم و آقای پاک نیت، جایزه بازیگر اول مرد و دخترم جایزه بازیگر اول زن را گرفت و یک سری کارهای علمی تخیلی نیز به صورت نمایش دارم.

فکر می کنم ما مدیون بزرگان خودمان هستیم و باید سعی کنیم که ادبیات خودمان را از حصار دانشگاه ها بیرون بیاوریم، آن ها برای خودشان باشد. مطالعاتی که دارند بسیار خوب است اما مردم عام به صورت عادی هم باید بزرگان خودشان و فلسفه ی فکری آن ها و تمام ارزش های ذهنی ای که دارند را بشناسند و بیشتر به این بزرگان نزدیک شوند چون حرکتی که ماهواره دارد، خیلی چیزها را از ذهن مردم پاک می کند و بسیار نگران این مسئله هستیم که این لطمه کم تر شود و ما هم داشته هایمان را مطرح کنیم.

این نمایش در شیراز اجرای عموم رفته است، اجرای عموم و اجرای جشنواره نمایش "بوی خوش سیمرغ" چه تفاوت هایی با هم داشته اند؟

ما در بهترین تالار شیراز، ۱۵ شب اجرا داشتیم و خیلی هم استقبال شد. سعی کردیم تغییراتی پیدا نکنند، منتهی در اجرای جشنواره عذر پرندگان را مقداری کمتر کردیم که مدت نمایش به ۲ ساعت برسد، در شیراز تقریباً ۲:۳۰ دقیقه بود. منتهی به اصل مسئله لطمه ای نخورد، خدشه دار نشد چون هدفم این بود منطق الطیر عطار را بدون آنکه بخواهم دستکاری کنم، روی صحنه بیاورم، نه اینکه ایده ها و فکرهای خودم را هم روی آن بگذارم. می خواستم آن چیزی را که عطار در مورد سیمرغ گفته را نشان دهم. این موضوع را بزرگان زیادی کار کردند، پیترو بروک فرانسوی و آقای قطب الدین صادقی را داریم. اما این نمایش می تواند بدین لحاظ که دقیقاً خود نگاه عطار است، اعتبار خوبی داشته باشد.

چه مدت برای این نمایش تمرین داشتید؟

حدوداً ۸ ماه، چون بیشتر بچه هایمان اولین کارشان است. من سعی کردم جوان هایی که آنقدر علاقمندند و در تست های زیادی که دادند، قبول شدند، در اولین کارشان یک کار حرفه ای انجام دهند. امیدواریم مطلوب تماشاچیان قرار گرفته باشد.

در کارگردانی بیشتر به چه المان هایی توجه کردید که مفهومی را که مد نظرتان بود را بهتر به مخاطب منتقل کنید؟

یکی حرکات موزون بود که بتواند جذبه های خاص خودش را داشته باشد، جاذبه هایش بسیار بالا باشد و دیگر این که از حکایات عطار برای تفهیم بهتر

گفته های بسیار اندیشمندانه ی عطار استفاده کردیم تا بگوییم اگر الان عطار اینجا بود ، بزرگترین نمایشنامه نویس ایران بود.

سی و سومین جشنواره تئاتر فجر را از لحاظ مدیریت و کیفیت آثار چگونه ارزیابی می کنید ؟

تا الان بسیار خوب بود . همه در نهایت حس مسئولیت کارهای خودشان را انجام می دهند.

و حرف پایانی.

من فقط به این لحاظ دلم می خواهد این کار در تهران اجرا شود که ما بتوانیم ، به مخاطبین نا آشنا ، مکتب عرفان و مکتب عطار را بشناسانیم و به وسیله ی نمایش طیف بیشتری را به سمت بزرگان جذب کنیم تا این بزرگان را بشناسند.

منوچهر اکبرلو: "با ساختار کنونی امکان تغییر در تئاتر فجر وجود ندارد."

مصاحبه ی اختصاصی **تئاتر فستیوال** با "منوچهر اکبرلو" به بهانه ی برگزاری سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

کیفیت آثار ارایه شده و نحوه ی مدیریت جشنواره را چگونه می بینید ؟

نظم جشنواره را به نسبت خوب تلقی می کنم . البته هنوز برای قضاوت نهایی زود است . همینطور درباره ی کیفیت آثار ، از آنجایی که بسیاری از کارها تولیدات طول سال و یا برگزیده ی دیگر جشنواره ها هستند بنابراین کیفیتشان ارتباطی با جشنواره ندارد . مثلاً اگر در بخش منتخب جشنواره ها کارهای خوبی ببینیم این بدین معناست که در طول سال کارهای خوبی برای جشنواره تولید شده است و یا برعکس اگر کارهای خوبی ندیدیم بدین معنا نیست که کارهای جشنواره ی فجر خوب نیستند . به هر حال جشنواره ی فجر ، جشنواره ای است که از انواع مختلف تئاتر که در ایران وجود دارد انتخاب می کند . بخش بین الملل هم همچون سی و سه دوره ی گذشته واجد هیچ هویت و یا ویژگی مشترکی نیست . یعنی نمی توانیم بگوییم در هیچ دوره ای تمرکز نمایش های خارجی بر روی محتوی خاصی بوده است و یا مثلاً در دوره ای نمایش هایی که تکنولوژی خاصی یا ویژگی های فرمی خاصی داشته اند حضور پیدا کرده اند و یا دوره ای کارهایی از کشور های خاصی توسط جشنواره انتخاب شده است که دلایلی دارد که همگی می دانیم . بنابراین بخش بین الملل هیچ وقت توقع ما را از دیدن یک نمایش خارجی برآورده نمی کند . ممکن است به صورت موردی یک نمایش کیفیت ویژه ای داشته باشد اما الزاماً کارهای خارجی آن چیزی نیست که در جریان روز تئاتر دنیا یا آسیا شاهد آن هستیم.



کیفیت جشنواره ی امسال نسبت به سال گذشته چطور است ؟

تمام سی دوره ای که من درگیر جشنواره ی تئاتر بودم کیفیت جشنواره تقریباً به همین شکل بوده است . چرا که ساختار برگزاری جشنواره اجازه ی افزایش کیفیت را نمی دهد و از طرفی گروه هایی که قبلاً اجرا داشته اند به دلیل اینکه گروه های ثابتی نیستند نمی توانند همه ی عوامل اجرای عمومی خود را در جشنواره همراه خود داشته باشند و امکان جمع شدن و تمرین جدی برای اجرای مجدد ندارند . کارهای جدید هم ، چون سالنشان مشخص نیست و دقیقاً نمی دانند که در جشنواره حضور دارند یا خیر انگیزه و کیفیت لازم را برای اجرای جدی ندارند . مجموعه ی این عوامل باعث می شود که جشنواره همیشه به این شکل شتاب زده ، ناقص و غیر حرفه ای اجرای نمایش ها را تکرار کند . بنابراین تفاوت جشنواره ها به چند تغییر کوچک و سطحی مانند کوچک یا بزرگ بودن جدول اجرا ها ، نظم و یا برخورد مودبانه با تماشاگران تبدیل می شود و در نهایت امکان تغییر و تحول با ساختار کنونی در آن وجود ندارد.

محمد هادی قمیشی: "گروه های شهرستان به نبوغ کاری شان رسیده اند."



نمایش "عبور از مه" به نویسندگی و کارگردانی مجید کاظم زاده مژده‌ی از رشت ، در ششمین روز جشنواره تئاتر فجر در سالن تماشاخانه مهر به روی صحنه رفت . خبرنگار تئاتر فستیوال گفت وگویی کوتاهی ترتیب داد با محمد هادی قمیشی ، بازیگر پیشکسوت عرصه ی سینما و تئاتر که به تماشای این نمایش نشست .

نظرتان در رابطه با نمایش "عبور از مه" چیست ؟

نمایش خوبی بود و من خوشم آمد . نمایشی اعتقادی با نگاهی نو به مسئله اجتماعی و اعتقادی داشت و به نظرم در اجرا هم موفق بودند .

این نمایش در اجرا چقدر بر مخاطب تاثیر گذاشت ؟

آن چیزی که من امروز دیدم ارتباط خوب نمایش با مخاطب بود . آن مفهومی که در ذهن نویسنده بود توسط اجرای خوبی که بازیگران ارائه دادند ، صورت گرفت . آن طور که آقای مژده‌ی به من گفتند این نمایش در رشت هم اجرا شده و مورد استقبال قرار گرفته است و تماشاگر با آن ارتباط برقرار کرده است . اعتقادی که در کار داشت را توانست به مخاطب نیز منتقل کند و موفق بود .

نمایش های تئاتر فجر امسال را از لحاظ کیفیت آثار چگونه دیدید ؟ چه کارهایی خوب بودند ؟

حدودا چهار یا پنج نمایش دیدم و نظرم نسبت به کارهای شهرستان تغییر کرد . آثار نسبت به سال های گذشته خیلی بهتر بودند . من از این نمایش خوشم آمد . همین طور از نمایش "کسی دست به عصا توی شکم راه می رود" از گچساران که کار آیینی خوبی بود . به نظر من گروه های شهرستان به نبوغ کاری شان رسیده اند و واقعا با این که امکانات کمی در اختیار دارند ، خیلی خوب کار می کنند . حیفا ، امکاناتی که در تهران هست ، در شهرستان خیلی کم است . امیدوارم گروه های جوان را دریابند و امکانات در اختیارشان قرار دهند تا آنها بتوانند کار کنند .

اگر بخواهید مقایسه ای داشته باشید بین جشنواره امسال نسبت به سال های گذشته ، نقاط قوت و ضعف را در چه می بینید ؟

به طور کلی جشنواره مشکلات زیادی دارد . چرا که ما سی و سه سال است داریم جشنواره برگزار می کنیم و متاسفانه در مسائل اولیه هنوز مشکل داریم . مثلا سالنی که برای نمایشی از آبادان انتخاب شد ، درست نبود و مجبور شدیم روی سن تالار هنر بنشینیم و سن پر از خاک و کاه شده بود . یعنی ما هنوز نتوانسته ایم حتی مسائل اجرایی را در تئاتر حل کنیم و این مسئله واقعا جای تاسف دارد . امیدوارم که بعد از سی و سه سال ، به صورت زیر بنایی به برنامه جشنواره نگاه کنیم و نگاه اساسی به تئاتر داشته باشیم . نه این که خیلی زودگذر در یکی دو ماه مانده به جشنواره یادمان بیاید .

اگر سخن پایانی دارید بفرمایید .

ممنونم . امیدوارم دوستان و دست اندر کاران اجرایی جشنواره موفق باشند و بتوانند راهکار های درستی برای سال آینده لحاظ کنند .

رضا آشفته: "هنوز در جشنواره کار شاخص نداشته ایم."

مصاحبه اختصاصی **تئاتر فستیوال** با "رضا آشفته" منتقد تئاتر، به بهانه ی برگزاری سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

تا به امروز چه نمایش هایی را در جشنواره امسال دیده اید؟

چند کار خارجی و چند کار ایرانی دیده ام. یکی از نمایش های خوبی که در جشنواره امسال اجرا شد، نمایش "یکی دست به عصا توی شکمم راه می رود" کار آقای "علی شفیعی"، جوان ۲۴ ساله گچسارانی است. این اولین کار کارگردان است که در جشنواره استانی جایزه گرفته و اول شده است و بعد به جشنواره منطقه ای رسید و امسال در جشنواره فجر در بخش مرور قرار گرفته است.

نمایش به ظاهر درباره ارباب و رعیت است ولی در واقع و در باطن درباره زن است. زنی که در جامعه مرد سالار، چه در شکل سنتی و چه در شکل مدرن خود تحت ظلم و ستم است و مثال مدرن آن مرلین مونرو، زنی آسیب دیده و نمایشنامه نویس است. اما فرجام کار این هنرپیشه و ستاره خودکشی است و نمونه سنتی آن زنانی اند که تحت سیطره خان و یا تحت سیطره نظام مردسالار هستند و با کوچکترین سوء ظنی امکان دارد که جان خود را از دست دهند.

نمایش از بوم و اقلیم خودش می آید و به فرهنگ ایل توجه می کند اما در شکل اجرا سعی بر آن دارد تا تمام این مواد و متریکال فرهنگی را تبدیل به یک اثری امروزی تر کند و اشاعه گر یک اثر مدرن شود. در این نمایش موسیقی جاذبه خاصی دارد و به ریتم و ایجاد فضا



خیلی کمک می کند، سعی بازیگران نیز بر آن است تا به یک بازی طبیعی از آن شرایط اقلیمی برسند، یعنی کسی که دعا نویس است، کسی که جن و کسی که چوپان است و یا زن خان است و همه ی چیزهایی که در ایل تجربه می شود و سعی بر این است که اینها ارائه شود. ما شکل ارائه آن کاملاً هم طبیعی نیست. بلکه نوع اقرار هم در رفتار و در گفتار و در ارائه بازی مشکوک است، اما این لطمه ای نمی زند و ما به ازای بیرونی آن را در نظر می گیریم و وجه درونی قضیه حفظ می شود. اما در بیرون با توجه به شاکله اثر که یک کار تئاتری است، سعی بر آن است که در رفتار و ژست آن جنبه های اغراق آمیز را هم رعایت کنند. در مجموع یکی از کارهای خوبی است که به ما گوشزد می کند که در شهرستان ها هم، می شود بومی بود و هم در عین حال به یک اثر جهان شمول دست پیدا کرد. یک اثر شاعرانه که در هر جایی ممکن است مخاطب خاص خود را داشته باشد. این اثر شاعرانه خشونت را با یک دید تضعیف شده به تماشاگر ارائه می کند.

جشنواره امسال را چگونه دیدید؟

جشنواره در این چهار شبی که پشت سر گذاشته هنوز به یک اتفاق شاخص نزدیک نشده است. اگر چند کار هم بوده، بیشتر کارها خوب بوده تا شاخص. "مرگ فروشنده" نادر برهانی مرند و یا "دیده بانان" محمدرضا خاکی و یا "بهشت ۵۰ درجه بالای صفر" علی حیدری و "من" فرهادی تجویدی نمونه های خوب هستند. و یا "قلعه انسانات" علی شمس کار مشترک ایران و ایتالیا. هنوز یک کار شاخص پیدا نکردیم که در راستای آن کار شاخص بتوانیم بقیه کارها را مورد سنجش قرار دهیم و پس از آن بگوییم جشنواره دقیقاً در چه سطحی است.

نظر شما درباره نحوه مدیریت چطور بود ؟

اکنون برای پاسخ دادن به این سوال زود است اجازه دهید درباره این موضوع روزهای آخر صحبت کنیم.

کیفیت آثار را تا اینجا متوسط ارزیابی می کنید ؟

بله کارهای معمولی و کم و بیش کارهای خوب . عموماً کارها متوسط هستند . آن مثال هایی که زدم کارهای خوبی هستند ولی کارهای بسیار عالی و یا بسیار شاخص هنوز نداشته ایم .

کوروش نریمانی : " نمایش ترانه های تلخ تارا نمونه ای خوب و موجز است . "

" کوروش نریمانی " نویسنده و کارگردان تئاتر در هفتمین روز جشنواره فجر به دیدن نمایش " ترانه های تلخ تارا " نشست . پس از اجرای این نمایش خبرنگار تئاتر فستیوال نظر وی را در رابطه با نمایش جویا شد که در ادامه می توانید مطالعه کنید .



کوروش نریمانی در رابطه با نمایش ترانه های تلخ تارا گفت : نمایشنامه "ترانه های تلخ تارا" اغلب ویژگی هایی که یک کمدی ایرانی باید داشته باشد را در خود دارد . وی در ادامه گفت : به علاوه خلاقیت و انعطاف و همراهی بازیگران نمایش به عقیده من می تواند یک نمونه موجز و بسیار خوب برای معرفی نوعی از بازی و اجرای نمایش ایرانی باشد و نه نمایشنامه های ایرانی .

نریمانی با اشاره به کمدی بودن کار گفت : در بخش کمدی ، این کار با بهره گرفتن از خلاقیت فوق العاده بازیگرانش توانست ارتباط خیلی خوبی با تماشاگر برقرار کند و به عقیده من کار بسیار موفق است . وی در ادامه در رابطه با کیفیت جشنواره فجر گفت : جشنواره به این دلیل که گردهمایی برای گروه های تئاتری است خیلی خوب است ، اما متأسفانه زمانی که مسابقه و رقابت در آن پُر رنگ می شود جشنواره از اهداف خود دور می گردد . امیدوارم جشنواره مجال خوبی باشد برای معرفی جوان تر ها و معرفی تئاتر ناب شهرستان در کشور .

عکس هایی از نمایش خیابانی "عروس باران"



یک تراژدی سنتی

یادداشتی بر نمایش "بوقلمون" اثر خیرالله تقیانی پور به بهانه نمایش آن در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر



"بوقلمون" یک نمایش سرگرم کننده بود. یک نمایش سرگرم کننده برای همه، از مخاطبین ایرانی اش گرفته تا مخاطبین غیر ایرانی.

یک نمایش ایرانی تمام عیار، با همه مشخصه های نمایش سنتی ایران. همان قهرمان های همیشگی و ضد قهرمان های آشنا، لوطی ها و پهلوان ها و مرید ها و مرشدها. اما این تکراری بودن ها با یک نمایشنامه قوی و به روز و یک کارگردانی هوشمندانه، همراه با بازی بی نقص بازیگران، توانست مولد یک اثر جذاب و دیدنی باشد. نمایشنامه ای که در آن پرسوناژهای خوب و بد قصه به اندازه دیده می شوند و هر یک در جای خود، گرچه تیپیکال، اما واضح و مشخص بودند و یک ساختار شکنی نیز به این شخصیت پردازی ها اضافه کنید و آن اینکه همه پهلوان ها، قهرمان نیستند و پهلوان های سیاه و یا خاکستری نیز در قصه دیده می شود و همه لوطی ها و نوچه ها هم سیاه نیستند و گاهی هم خاکستری هستند، شخصیت سفید قصه نیز زنی است که قهرمان قصه است و سفید می ماند و نهایتاً هم تراژیک می میرد.

نحوه روایت قصه (از زبان زن قهرمان قصه) به گونه ای است که ریتمی سرگرم کننده به نمایش می دهد و مخاطب را با خود همراه می کنند. میزانشن نیز هوشمندانه است و اینگونه القا می کنند که گویی همه ی بازیگران در گود زورخانه هستند و تماشاچی خارج از گود ناظر ماجرا است.

"بوقلمون" اما روایت شخصیت های سیاه و سفید و خاکستری نیست، بلکه روایت انسانی است که گاهی سفیدند و گاهی سیاه و گاهی خاکستری و همین ها هستند که قهرمان قصه را مجبور به پذیرش شکست می کنند.

"بوقلمون" یک نمایش واقعی است، سرگرم کننده، قصه گو و راوی مسائل روز، همراه با میزانشن های درست اما صادق و همه فهم و دارای ریتمی روان و شخصیت پردازی درست و تعدا تیپیکال و موسیقی و نور پردازی دارای شخصیت.

"بوقلمون" نمونه یک اثر تراژیک موفق در نمایش سنتی ایران است، با همه المان های یک اثر تراژیک، همراه با مشخصه های تئاتر سنتی ایران.

دکتر المیرا نداف - نویسنده مهمان

افسانه ماهیان : " هم هوایی " حمایت دولتی نداشت .

نمایش " هم هوایی " به کارگردانی افسانه ماهیان در دو بخش مسابقه بین الملل و مرور تئاتر ایران در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر حضور دارد ، به این بهانه می توانید مصاحبه اختصاصی خبرنگار تئاتر فستیوال را با ایشان در رابطه با جشنواره فجر بخوانید .
آیا نمایش " هم هوایی " نسبت به اجرای عموم تغییراتی داشته است ؟
خیر .



بازیگران خانم کوثری هستند یا خانم بهرامی ؟
خانم کوثری ، اجرای عموم با ایشان بودیم در جشنواره هم با ایشان هستیم .
جشنواره امسال را چگونه ارزیابی می کنید ؟
فعلا کاری ندیده ام و نمی دانم کیفیت آثار جشنواره چگونه است ، در واقع فرصت دیدن کاری را نداشته ام . اما جشنواره مثل همیشه است ، مثل همیشه ضعف و کمبود دارد ، مثل همیشه بی برنامه‌گی دارد و تغییری نکرده است .

شما که در جشنواره اثر ارایه داده اید از لحاظ مدیریت ، جشنواره را چگونه دیدید ؟
متاسفانه جشنواره سیر دائمی و برنامه های بلند مدت ندارد ، یک مدیر می آید و در یک دوره همه تلاشش را می کند تا کارهایی انجام دهد ولی این ها همه مقطعی است . دوباره سال دیگر چهار ماه مانده به

جشنواره فراخوان می دهند ، متن می گیرند ، بازبینی می کنند و دوباره همین اتفاقات تکرار می شود . این وضعیت تئاتر ماست . چون برنامه های بلند مدت ندارد ، مسئولان کلان فرهنگی معمولا توجه ویژه ای به تئاتر ندارند ، این است که نقصان ها و کمبود هایی که در جشنواره فجر است مثل همان مشکلاتی است که در تئاترمان وجود دارد .

آیا سال آینده نیز در جشنواره فجر شرکت می کنید ؟

نمی دانم . مگر می شود در این شرایط برای یک ماه آینده هم برنامه ریزی کرد ! چه برسد به سال آینده . سال آینده معلوم نیست چه اتفاقاتی بیفتد .

اگر حرف خاصی در رابطه با نمایش " هم هوایی " دارید بفرمائید ؟

خوشحالم که هم هوایی در دو نوبت اجرا شد . ما ۴۵ اجرا در تالار شمس داشتیم که استقبال مخاطبان واقعاً کم نظیر بود . هم هوایی در یک پروسه تولید خصوصی انجام شد و حمایت دولتی نداشت . در واقع تقریباً ما با مرکز هنرهای نمایشی دیگر هیچ کاری نداریم چون خودمان تولید می کنیم و خودمان هم جایی را پیدا می کنیم که در آن اجرا ببریم .

اشتباه من این بود که برای جشنواره فجر گذشته ، متنی از خانم نغمه ثمنی دادم ولی اکنون که یک سال از آن گذشته است هنوز اجرای عمومی نرفته ایم . واقعاً آدم به این نتیجه می رسد که برای جشنواره فجر دیگر تولیدی نداشته باشد . چرا که بی سرانجام می ماند . یعنی گروه ها باتکلیف می شوند و معلوم نمی شود که بعد از جشنواره اجرای عموم دارند یا خیر . همه این مشکلات وجود دارد . پارسال من خودم این اتفاق را تجربه کردم . به جشنواره کار ارائه دادم اما هنوز اجرای عموم نگرفته ام . هم هوایی را نیز به این دلیل که کار آماده بود به جشنواره ارائه دادم یعنی برای فجر این کار را تولید نکردم . این کار دو سری در تالار حافظ و در تالار شمس اجرای عموم داشت و با استقبال خوبی مواجه شد ، اکنون در جشنواره فجر شرکت کردیم و تماشاگر بیشتری می توانند کار ما را ببینند . وگرنه امسال برای جشنواره فجر تولید جدیدی نداشته ام .

عشق هایی که به اشکال هندسی ختم می شوند!

یادداشتی بر نمایش "وقتی کنار پنجره می ایستیم" به کارگردانی یعقوب صدیق جمالی

گویا پای عشق های مثلثی و مربعی و ضربدری به تئاتر هم باز شده است. گاه گذاری نمایش هایی را می بینیم که به خیانت و مسائل اینچینی می پردازد اما برای نخستین بار نمایشی را در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر دیدم که انواع مختلف خیانت ها همچون عشق های ضربدری، مثلثی و ... را به تصویر می کشید، آن هم با قصه ای آبکی، پرداختی ضعیف که در انتها لااقل نتیجه گیری نمی کند که مثلاً خیانت بد است و آخر و عاقبت ندارد.

نمایش "وقتی کنار پنجره می ایستیم" کاری از شهرستان تبریز به موضوع خیانت می پردازد. نمایش در دو اپیزود اجرا می شود. هر اپیزود قصه ای جداگانه دارد قصه ای که به دلیل عدم پرداخت مناسب و دراماتیک نشدن، تاثیری بر مخاطب نمی گذارد و تنها حوصله او را سر می برد.

نمایش که شروع می شود زن و مردی در حمای که حال تبدیل به انباری شده است، مخفی شده اند تا کسی که آنسوی در است پی به حضور آن ها در خانه نبرد. در اپیزود دوم دکور با چرخشی ۱۸۰ درجه طرف دیگر در را البته با داستانی مجزا به نمایش می گذارد.



طراحی چنین دکوری که با چرخش فضا را عوض می کند نکته ای مثبت در این نمایش به حساب می آید اما چون رکن اصلی نمایش یعنی قصه، خوب پرداخت نشده و دارای نواقص بسیاری است که در پی آن عدم شخصیت پردازی پرسوناژ هارا نیز شاهدیم، دکور به مسئله ای فرعی تبدیل می شود که توجه چندانانی را برنمی انگیزد. بازیگران ضعیف عمل کرده اند. نتوانسته اند پرسوناژی را که بازی می کنند، برای مخاطب باورپذیر سازند. جدای از بازی ضعیف انتخاب **cast** نیز ضعف دارد، به طور مثال فردی که نقش مانی را بازی می کرد به هیچ عنوان با پرسوناژ مورد نظر چه از لحاظ سن و چه از لحاظ فیزیک ظاهری همخوانی ندارد. حاصل تمام ضعف هایی که ذکر آن گذشت، نمایش ضعیفی همچون "وقتی کنار پنجره می ایستیم" است که حضور آن در سطح جشنواره ای همچون جشنواره فجر نیست!

فرهاد ابراهیمی والا - تئاتر فستیوال

نگاهی جدید به الیور توئیست !

یادداشتی بر نمایش " الیور توئیست " به نویسندگی و کارگردانی اصغر خلیلی به بهانه سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

در هفتمین روز از جشنواره تئاتر فجر نمایش " الیور توئیست " در دو سانس به اجرا در آمد . نمایشی نسبتاً خوب و قابل دیدن . هر چند این داستان بارها و بارها به صورت فیلم ، انیمیشن ، تئاتر و ... ساخته شده و اکثراً می دانیم که داستان نمایش چیست ، اما این اثر باز آفرینی و ایرانیزه شده و شوخی های اجتماعی و چالش کشیدن مد های جدید غلط زندگی امروز را در خود جا داده ، برای مثال صحنه ای که جیب آقایی برانلا را می زنند و دزد فرار می کند ، عابری الیور را در حالیکه توسط یکی از رهگذران کتک می خورد محاصره کرده و در حال فیلمبرداری هستند یا این که در صحنه ای دیگر مسئولین با خود دستگاه خودپرداز به همراه دارند که البته در طول نمایش از این دست شوخی ها بسیار است .

داستان الیور توئیست هیچ وقت پایان نیافته و این اختلافات طبقاتی همچنان در جوامع حضور دارد . داستان کودکی که در نوانخانه با سختی و فقر آموزشی و ... دست و پنجه نرم می کند فراز و نشیب های زیادی را طی می کند و همچنین تنبیهات و تحقیرهایی را به خاطر اعتراض به وضع موجود متقبل می شود . در نهایت توسط شخصی نیکوکار حمایت می شود و زندگی عادی را آغاز می کند .



اصغر خلیلی با کارگردانی و نویسندگی این نمایش اثری قابل قبول را در کارنامه کاری خود ثبت کرد . ریتم متناسب و میزانشن جذاب این اثر گذر زمان را برای تماشاگر سخت نکرد و این اثر نه تنها تمام اصول اولیه یک نمایش قابل قبول را شامل می شد بلکه (cast) انتخاب صحیح بازیگر و درک درست عوامل (بازیگران) از نمایشنامه باعث خلق درام شد و توانست همراه با انتقال مفاهیم ، انتقال حس درستی به مخاطب القا کند (صحنه ی مربوط به شلاق خوردن الیور) یا (صحنه ی مربوط به مسئول نوانخانه در حال چاپلوسی برای پول گرفتن) .

در این نمایش کارگردان با استفاده از رمپی ساده بین ردیف تماشاگران از تمام فضای موجود استفاده بهینه کرد ، هر چند عبور و مرور برای نشستن در جایگاه تماشاگران دشوار شد ولی حرکت بازیگران از میان جمعیت باعث ایجاد فضای صمیمی بین نمایش و مخاطب شد .

البته ایراداتی هم بود ، مثلاً با وجود حضار خارجی در جمع تماشاگران بالا نویسی در ابتدا با تاخیر جملات را به صورت دست و پا شکسته نشان می داد و بعد از مدتی کوتاه به طور کلی قطع شد . بازیگران نیز تیپ هایی در حین کار می زدند (زمانی که بازیگران با توپ وارد صحنه شدند) که البته با مهارت خوبی تیپ های خود را اصلاح می کردند .

در این نمایش هم مانند اکثر نمایشهای امسال جشنواره کمبود یا نبود بروشور حسرت خاطره بازی را به دلمان گذاشت. به طور کلی تسلط بازیگران، کارگردانی درست، دکور ساده اما کارآمد، خلاقیت در میزانشن از نکات مثبت این اجرا به حساب می آید و برای ما که این روزها ابتدایی ترین اصول یک نمایش قابل قبول تئاتر، آرزویمان شده است.

شهرزاد وکیلی _ نویسنده مهمان

«غزل پری دریایی»: غلبه ی فرم بر متن

یادداشتی بر نمایش «غزل پری دریایی» به کارگردانی علیرضا داوری

علیرضا داوری از استان هرمزگان پارسال نمایش موفق «بی بری» را در جشنواره داشت؛ او امسال با همان گروه سال گذشته، با «غزل پری دریایی» به فجر سی و سوم آمده است. علیرضا داوری در کار جدید خود به سراغ اسطوره «سیرن» ها و اسطوره «ملمداس» رفته است و سعی کرده تا با دراماتیزه کردن افسانه پری دریایی، نمایشی برخاسته از فولکلور خطه جنوب و سرشار از جلوه های آئین های محلی را تدارک ببیند.

«اکت»، «موسیقی» و «نور» سه رکن اصلی نمایش هستند. «نور» این سه رکن را احاطه کرده و جهت داده است. «فرم» در «بی بری» به وضوح بر «متن» غلبه دارد که البته این غلبه، نقطه قوت نمایش محسوب می گردد. نموده های فرم را می توان در حرکات، سایه بازی، «ایست» های هدفمند و از قبل طراحی شده نقش آفرینان جستجو کرد. موسیقی در بسیاری از لحظات به ابزاری صوتی برای ترجمان احساس آدم های نمایش تبدیل می گردد ضمن آن که به حرکات و ایست ها، معنای عمیق تری می بخشد. نمایشی کردن خلجان و نابسامانی های روانی شخصیت ها کار بسیار دشواری است که داوری در «غزل پری دریایی» از پس آن به خوبی بر آمده است.



نقصی اگر هست در قصه نمایش است که بیش از حد و تمعدا پیچیده جلوه داده شده و شاخ و برگ پیدا کرده است؛ این ایراد بر «بی بری» هم وارد بود. شکستن زمان و مبهم گویی، ارتباط مخاطب با نمایش را شکننده کرده و تا آستانه از هم گسیختگی برده است. آن چه که ممکن است تماشاگر را تا پایان با نمایش همراه کند بی شک فرم است نه محتوا. داوری باید در کارهای آتی خود به این نکته توجه داشته باشد که پیچیده نمایی و مبهم گویی برای آثارش تشخیص نمی آفریند بلکه این روان گویی (و نه ساده گویی) و بهاء قائل شدن برای قصه است که نمایش های آئینی و فولکلوریک از جنس «بی بری» و «غزل پری دریایی» را ارتقاء می بخشد. ای کاش کاراکترها قدری از آن چه که از گذشته روایت می کردند را در اجرا به نمایش می گذاشتند. رقص ها و همخوانی ها بسیار خوب از آب در آمده اند و هویت بومی و تشخیص اقلیمی نمایش را ارتقاء بخشیده اند. اگر چه حرکات موزون پری دریایی و دیگر کاراکترهای زن نمایش کاملاً در خدمت قصه نمایش هستند اما باید به این نکته هم دقت داشت که ساجده حاجی زاده در مقام رقصنده، همان رقص «بی بری» را در این نمایش هم اجرا می کرد. لازم است این رقصنده با استعداد، کمی بر تنوع حرکاتش بیافزاید و از اجرای کورئوگرافیک تکراری بپرهیزد در غیر این صورت به تکرار کشیده خواهد شد. علیرضا داوری باید به این نکته دقت داشته باشد که اقلیم جنوب، سرشار از ناگفته ها و کم گفته هایی است که واجد پتانسیل های نمایشی بسیار غنی هستند. او باید از این پتانسیل با دقت بیشتر و زبانی عامه فهم تر سود جوید. من مطمئنم که آینده درخشانی در انتظار داوری است و کارهایش بیش از پیش دیده خواهند شد.

دکتر شهرام خرازی ها - نویسنده میهمان

کارگردان "فراموشی": "شاید شیوه ی اجرایی ما نتوانسته با مخاطب ارتباط برقرار کند."



نمایش "فراموشی" به کارگردانی "اسکندر سکایف" با دو اجرا در سی و دومین جشنواره فجر به روی صحنه رفت. **تئاتر فستیوال** به همین بهانه به سراغ این کارگردان و آقای حسین نورشرق یکی از عوامل پروژه ی "نمایشنامه ی ایرانی" رفت تا با آنها گفتگویی اختصاصی داشته باشد. متن این گفتگو به شرح زیر است:

از پروژه ی "نمایشنامه ی ایرانی" بگویید.

نور شرق: پروژه ی "نمایشنامه ی ایرانی"، پروژه ی مشترکی بین "مرکز فرهنگ موسیقیایی ملل کنسرواتواری مسکو" و "مرکز تئاتری میرهولد" است. این پروژه، پروژه ای سه ساله در شش گام است. برنامه ی این پروژه بر این است که یک سری آثار از صفر تا صد چه در حوزه نگارش و چه در اجرا تولید بشود و پروژه ای بینا فرهنگی بین ایران و روسیه است. منتهی نوشته ی فراموشی به عنوان نوشته ای که از قبل نوشته شده بود بصورت اتفاقی وارد این پروژه شد.

این نمایشنامه که نوشته ی آقای داریوش ربیعی است، ترجمه شد و به صورت اتفاقی به دست دوستانمان در مرکز میرهولد و آقای "اسکندر سکایف" که به عنوان کارگردان در

آنجا مشغول بکار هستند رسید. نوشته را دوست داشتند و تصمیم گرفتند این نمایشنامه را اجرا کنند. بعد این نمایش کم کم به عنوان قدم اول در پروژه ی ما وارد شده و بعد هم به فستیوال فجر دعوت شد.

آقای سکایف چه شد که این نمایشنامه را انتخاب کردید؟

سکایف: این نمایشنامه از طرف حسین نورشرق و خانم مارگاریتا به دست من رسید. این کار که در مورد رنج انسان معاصر بود را دوست داشتم و علاقه داشتم که این نمایشنامه را اجرا کنم.

استقبال از نمایش "فراموشی" را چگونه دید؟

سکایف: چون دیروز ما تازه رسیده بودیم و بلافاصله باید برای اجرا آماده می شدیم، نمایش مقداری به سختی اجرا شد. امروز اجرای بهتری داشتیم. در صحنه هایی مخاطب با کار ارتباط خوبی برقرار کرد و در صحنه هایی هم نه و این طبیعی است. اگر در جایی کار با مخاطب ارتباط برقرار نکرد، نمی شود گفت که مشکل صد در صد از نمایشنامه است، حتما در شیوه ی اجرایی ما، آن لحظات نتوانسته است با مخاطب ارتباط برقرار کند. ولی در اصل نوع ارتباطات بر اساس نوشته یک روابط خشن را نشان می دهد که اجتناب ناپذیر بوده است و شاید این خشونت که در ارتباط این آدم ها وجود داشت در لحظاتی از طرف مخاطب قابل پذیرش نبوده و این طبیعی است که کاری از جانب عده ای از مخاطبان مورد توجه قرار بگیرد و از جانب عده ای دیگر نه.

در اجرای اول کار بالا نویس نداشت. ولی در اجرای دوم مخاطب کار را با بالانویس دنبال می کرد. آیا به دلیل نارضایتی مخاطب برای کار بالانویس تهیه شد و اینکه شما به بودن بالانویس اعتقادی ندارید؟

سکایف: به نظر من تیتراژ فضا و اتمسفر کار را خراب می کند و بیشتر با هدفون موافق هستم. ولی چون این امکان وجود نداشت، دیروز کار بالانویس نداشته و خلاصه داستانی نوشته شد که مخاطب آن را مطالعه کند.

ولی دیروز خلاصه ی داستان به دست مخاطبان نرسیده بود.

نورشرق: دیروز هم خلاصه ی داستان روی میز ورودی بود و خود ما این خلاصه ها را از مسکو به زبان روسی و انگلیسی ترجمه کردیم و به اینجا آوردیم. ولی امروز به این نتیجه رسیدند که بالانویس برای کار گذاشته شود.

لطفا خیلی کوتاه از تکنیک اجرای این نمایش (عناصر میرهولد) بگویید.

سکایف: اساس این کار بر اساس یک تقابل و یک تضاد ساخته شده است. نوشته آنالیز خیلی قوی از رابطه ی دو انسان دارد. سطحی نیست و خیلی عمیق به آن پرداخته شده است. از طرف دیگر شیوه ی میرهولد به عنوان شیوه ی اجرایی که خیلی مشروط است به این کار اضافه شده و تقابلی که در نوشته هست با این شیوه ی مشروطی که در اجرا وجود دارد برخوردی بوده که برای من جذاب بوده است و من از آن استفاده کردم.

در این جشنواره چه نمایشی را دیده اید و آیا از کار راضی بودید؟

سکایف: دیروز یک نمایش ایرانی به نام "خانه واده" را دیدم و خیلی از کار خوشم آمد. نمایش خیلی واقعی و پر از تئاتر بود. دوست دارم کارهای به این سبک را بیشتر ببینیم و حتی خودم کار کنم. و از اجرای دیروز "خانه واده" خیلی لذت بردم.

نمایشنامه خوانی "آسمان روزهای ابری" موفق تر از اجرای آن خواهد بود.

مطلب زیر از سری نوشته های مخاطبین عزیز است و انتشار آن الزاما مبنی بر تایید تئاتر فستیوال نمی باشد. همچنین خوانندگان می توانند هر گونه یادداشتی در تایید یا تکذیب این مطلب را به **تئاتر فستیوال** ارسال نمایند تا در بخش "یادداشت های شما" انتشار داده شود.

محسن وصال طلب - "آسمان روزهای ابری" ۸ بهمن ساعت ۱۶ و ۱۸ در تماشاخانه مهر حوزه هنری به روی صحنه رفت. تئاتری که با استقبال کم از سوی مخاطبان جشنواره بین المللی تئاتر فجر مواجه بود. اثر دو مرحله از زندگی یک خانواده شمالی در اوایل جنگ ایران و عراق و دهه نود را روایت می کند.

داستان اثر متشکل از چند خرده داستان است که به سرانجام نمی رسند و در پایان به یکدیگر پیوند نمی خورند بلکه یکی سبب رسیدن به دیگری می شود، می توان گفت متن اثر در همان ایده اولیه باقی مانده و نویسنده به دور از طراحی داستان و پرداخت با اضافه کردن چند جریان موازی متن را پیش برده تا به مقصود برساند. جدای از پرداخت ضعیف، جز در ابتدای نمایش شاهد دیالوگ ها و حوادثی نیستیم که باعث



گره افکنی و ایجاد تعلیق در داستان گردد. عدم وجود روابط منطقی بین اجزای داستان منجر به عدم باورپذیری نمایش از سوی مخاطب می شود، برای مثال دختر در اوایل جنگ به دنیا آمده، هنگامی که داستان به مرحله تاریخی بعد وارد می شود باید با دختری حدودا ۳۰ ساله مواجه باشیم در حالی که نه تنها بازیگر نقش بلکه دیالوگ و اعمال وی نیز گواه از چنین سنی برای او ندارد.

طراحی صحنه خلاقانه، جذاب و زیبا در عین حال غیر کاربردی و خسته کننده که با اصرار بر تغییر چند حجم مکعبی جلوی سن در هر صحنه همراه است، نه تنها به انسجام اثر کمک نمی کند بلکه به مشوش بودن آن می انجامند و مخاطب شاهد تکراری یک نواخت و طراحی صحنه ای ثابت برای ۳۰ سال است.

بازی بازیگران و حرکت روی صحنه اغلب شامل میزانشن هایی غیرضروری و تکراری است، که حذف آنها نه تنها لطمه ای به اثر نمی زند بلکه بهتر می شود، در این باب پیشنهاد دیدن تئاتر "بهترین مامان این حوالی" کاری از "محمد رضا کوهستانی" و "مجید امیری" به عوامل تئاتر "آسمان روزهای ابری" خالی از لطف نخواهد بود. در هنگام ورود به مرحله زمانی دوم اثر شاهد گریم بازیگران روی صحنه همراه با پخش طولانی یک موسیقی دارای متن هستیم، قسمتی که مخاطب را از جریان نمایش جدا می کند و شاهد استرس بازیگر در حین گریم سریع است، گریمی که هیچ فایده ای در بر ندارد.

در کل می توان گفت نقش آفرینی در یک تئاتر با عنوان بازیگر نقش اول مرد، کارگردان و طراح صحنه و لباس بسیار سخت است و باعث می شود شاهد اثری باشیم که نمایشنامه خوانی آن به مراتب موفق تر از اجرا خواهد بود.

"رویش ناگزیر دخی ها در حاشیه"، موفق ترین نمایش شهرستانی فجر سی و سوم

نقد نمایش «رویش ناگزیر دخی ها در حاشیه» به کارگردانی مهدی محمدی



"رویش ناگزیر دخی ها در حاشیه" یک غافلگیری بزرگ در جشنواره تئاتر فجر امسال است. این نمایش که از کرمانشاه به جشنواره آمده، حکایت مادری است که پنج دخترش را در خانه نگه داشته و قصد دارد به آن ها درس زندگی بیاموزد. یکی از دخترها می خواهد خانه را ترک کند اما مادر مانعش میشود و این حکایت همچنان ادامه پیدا می کند تا آن جا که به سرنوشت محتوم زن ایرانی در تاریخ پیوند می خورد. «رویش ...» با همخوانی و حرکات گروهی ریتمیک بازیگران آغاز شده و این روند موزیکال و پرتحرک تا پایان نمایش حفظ می گردد. ریتم نمایش بسیار سریع است آن قدر سریع که فرصت استراحت و چشم برهم زدن به تماشاگر نمی دهد و نفس را در سینه او حبس می کند.

رضا شاهبداغی قالب بسیار دشواری را برای نگارش نمایشنامه برگزیده است. کار با دیالوگ ها و منولوغ های آهنگین و موزون، قـافیه پردازی

نمادسازی های پی در پی برای تمام بخش های نمایشی انرژی ذهنی زیادی را از نویسنده می برد. حاصل کار شاهبداغی واقعا درخشان و قابل دفاع است. متنی که او در اختیار محمدی قرار داده، امکان مانور زیادی برای کارگردانی و بازیگری فراهم آورده است. هر شش بازیگر نمایش راه سخت و توان فرسایی را پیش رو داشته اند. آن ها در اجرای رقص ها بسیار موفق به نظر می رسند و مشخص است که مدت ها برای هماهنگ شدن با یکدیگر تمرین کرده اند. بده و بستان های حسی بازیگران و تسلطشان بر رد و بدل کردن جملات شعرگونه بسیار قاعده مند، تمرین شده و حرفه ای است.

تغییر سریع جا در صحنه، فیگور گرفتن های متنوع و پرشتاب و هماهنگ کردن کلام با حرکت از جانب بازیگران بسیار خوب پیش رفته است. هدایت بازیگران توسط کارگردان نیز بی آن که به رخ کشیده شود، واقعا عالی است و می تواند جنبه آموزشی برای دانشجویان تئاتر داشته باشد. طراحی نور نمایش کاملا در خدمت متن است و در انتقال احساسات کاراکترها به تماشاگر نقش کلیدی دارد. ایده استفاده از قاشق و ظروف، بسیار ایده بدیع و بکری است که به خوبی بر بستر نمایش به ثمر نشست است. آزاد بودن چهارسوی صحنه، حذف دیوار چهارم و محصور بودن کاراکترها در محدوده ای سیم کشی شده، موقعیت متناقضی را پدید آورده که القاگر مفهوم «اسارت واقعی زن بر بستر آزادی کذایی» است.

با آن که «رویش...» هیچ کاراکتر مذکری ندارد اما حضور مردان و سلطه ایشان بر جهان زنانه نمایش کاملا محسوس و غیرقابل انکار

است که این نکته از امتیازات شاخص قلم آقای شاهبداغی است. زنان نمایش، می زنند، می رقصند و می خوانند اما صلیب اسارت شان را بر دوش حمل می کنند. این تناقض هم چون تناقض پیشگفت بسیار ظریف و هنرمندانه دراماتیزه شده و بر صحنه جان گرفته است. همین ظرافت های ساختاری و ایده های بکراست که «رویش...» را به یکی از بهترین نمایش های موزیکال و زنانه جشنواره تئاتر فجر امسال تبدیل نموده است. قطعاً در آینده ای نه چندان دور از رضا شاهبداغی و مهدی محمدی بسیار خواهیم شنید.

دکتر شهرام خرازی ها - نویسنده میهمان

محمود پاک نیت: "نمایش" بوی خوش سیمرغ "نمایشی گِیرا و دلنشین بود."

نمایش "بوی خوش سیمرغ" به نویسندگی و کارگردانی علی نقی رزاقی کاری از شهرستان شیراز در هفتمین روز از سی و سومین جشنواره تئاتر فجر در تماشاخانه سنگلج به روی صحنه رفت. محمود پاک نیت، بازیگر تئاتر و سینمای کشور در این روز به تماشای این نمایش نشست. نظر او را در مورد این نمایش جویا شدیم:

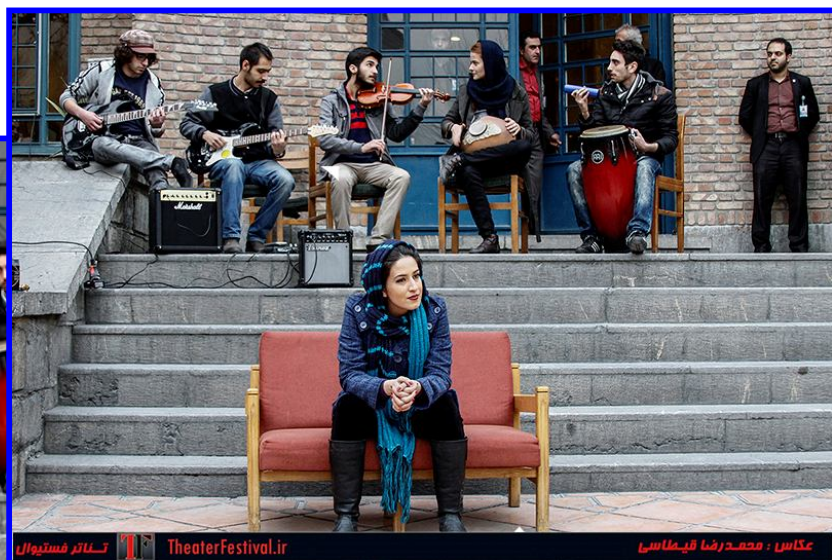


به گزارش خبرنگار **تئاتر فستیوال**، محمود پاک نیت با اشاره به اینکه نمایش "بوی خوش سیمرغ" نمایشی عرفانی و دینی است که هفت مرحله ی عرفان را نشان می دهد، گفت: در واقع می توان گفت کار جذابی بود، در عین حال که لحظاتی احساس کردم خسته کننده است. کار لحظاتی از ریتم می افتد و خیلی شاخه به شاخه می پرد، در حالی که می توانست از نظر زمانی کمتر باشد و تماشاگر از این کار بیشتر لذت ببرد. کار از جایی به بعد، از زمانی که مراحل هفتگانه شروع شد، روی روال افتاد و تداوم و جذابیت پیدا کرد یعنی من خودم احساس کردم نسبت به اوایل بیشتر به کار جذب شدم. این مسئله مقداری به جوان بودن بچه ها برمی گردد، شاید به خاطر اینکه تجربه ی کافی ندارند. البته این طور که من شنیدم این کار

قبلا چند اجرا داشته و به نظرم بچه ها می توانند بهتر از این باشند، می توانند جذاب تر از این کار کنند، می توانند دلنشین تر از این باشند. آقای رزاقی باید بیشتر مراقب چفت و بست کار باشد، به گونه ای باید این هماهنگی را بین بچه ها به وجود بیاورد. از نظر بیانی هم یک مقدار ضعف وجود دارد، یکنواخت بودن صدا، آهنگ هایی که به صدا و کلام می دهند، بعضی وقت ها تماشاگر را آزار می داد ولی در کل کار بسیار جذاب، گِیرا و دلنشینی بود.

این بازیگر پیشکسوت عرصه تئاتر همچنین درباره جشنواره تئاتر فجر به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت: به نظرم در کل همه ی جشنواره ها، فرصتی است تا گروه هایی که از شهرستان های مختلف دور هم جمع می شوند، بتوانند کار گروه های دیگر را ببینند و آن چیزی را که خودشان ندارند از گروه دیگری بگیرند و این مسئله می تواند الگویی برای کارهای بعدی گروه باشد. نقدهایی که در هر جشنواره ای نوشته می شود، برای گروهی که می آید کارساز است. بین این گروه ها که همدیگر را در طول سال نمی بینند و در این ایام دور هم هستند، تبادل نظر و هم فکری می شود. بعد از اجراها همدیگر را می بینند و راجع به کار هم با یکدیگر صحبت می کنند. منتهی در این صحبت ها نباید غرض ورزی باشد، باید همه با عشق با یکدیگر حرف بزنند تا حرفشان دلنشین باشد و برای گروه های دیگر هم بتوانند الگو باشند. زمانی که هر گروهی برای گروه دیگری الگو باشد، تفاهم به وجود می آید یعنی عشق به کار نه خودنمایی. وقتی عشق به کار به وجود آمد، در عشق گذشت هست. زمانی می گویند کسی عاشق است که گذشت کند، در این کار هم ما دیدیم که معنای عشق، گذشت است. اینکه بگویم من عاشقتم، عشق نیست این یک دروغی است که به هم می گوئیم ولی اگر توانستیم در ارتباط با یکدیگر گذشت داشته باشیم مطمئنا این همان عشقی است که باید رهائش نکنیم و در کار هنر تئاتر هم اگر آن عشق وجود داشته باشد، هماهنگی خوبی بین گروه ها به وجود می آید و از این جشنواره چیزی یاد می گیرند و دست پر بر می گردند.

عکس هایی از نمایش خیابانی " رابطه "



زیبا مهر عزیزاده ، بازیگر نمایش "بوی خوش سیمرغ" : " برنامه ی جشنواره امسال خیلی منظم بود . "



نمایش " بوی خوش سیمرغ " کاری از گروه تئاتر شیراز به نویسندگی و کارگردانی علی نقی رزاقی در هفتمین روز از جشنواره تئاتر فجر در تماشاخانه سنگلج به روی صحنه رفت . زیبا عزیزاده در این نمایش علاوه بر اینکه ایفاگر سه نقش مختلف می باشد ، دستکاری کارگردان را نیز بر عهده دارد . خبرنگار تئاتر فستیوال گفت و گویی را با وی انجام داده است که آن را می توانید در ادامه مطالعه کنید .

در ابتدا بیوگرافی مختصری از خودتان و کارهای قبلی تان برای ما بگویید .

زیبا مهر عزیزاده هشتم ، ۱۵ سال است در خدمت گروه تئاتر آزاد شیراز به سرپرستی آقای علی نقی رزاقی هستم . نمایش های مختلفی داشتیم که به ترکیه و کشورهای دیگر رفته است . در بیست و دومین جشنواره تئاتر فجر شرکت داشتیم . " خسرو ، شیرین و فرهاد " ، " رقص در آتش " ، " رویای شب نیمه ی تابستان " ، " رامین و ژاله " بر اساس رومئو و ژولیت شکسپیر که ایرانیزه شده بود و " گوته ، حافظ و زولیکا " را کار کردیم که معمولا نقش اول را بازی می کنم . در نمایش "بوی خوش سیمرغ" هم نقش اول همدرد را داشتیم که متاسفانه به دلیل بیماری نتوانستم در آن بازی کنم .

تعدادی هم کار تصویری داشتم ، " زیر یک سقف " که سیزده قسمتی بود ، " مشیت الهی " که شش قسمتی بود ، " حاصل عمر " که بازسازی زندانیان سیستان و بلوچستان است و " باز این قند پارسی که به بنگالی می رود " که در شیراز و ترکیه اجرا داشتیم . همچنین در زمینه ی طراحی لباس ، گریم ، دوخت لباس و نریشن و صداگذاری روی فیلم و انیمیشن نیز فعالیت می کنم .

در مورد نقش هایی که در این نمایش بر عهده داشتید به ویژه نقش دیوانه ، برای ما بگویید . سعی کردید در فرم بازی تان به چه نکاتی توجه کنید تا تاثیر بیشتری بر مخاطب داشته باشید ؟

متاسفانه به خاطر بیماری نقش اول نمایش را به دوست عزیزم سپردم . برای این نقش هایی که در این نمایش بازی کردم ، بیشتر از دو بار تمرین نکردم . و اما نقش دیوانه ، کلا کار یک کار عرفانی است یعنی تمام نقش ها ، کنیز یا غلام در سایه عرفان در حال اتمام است و این دیوانه طبیعتا با دیوانه ای که در کوچه و بازار می بینیم ، متفاوت است . چون کار سراسر عرفان است ، می توان گفت دیوانه ، دیوانه ی بهلول وار است یعنی نمی توان آن رفتار و اداهای دیوانه ای که در خیابان می بینیم را انجام دهیم . من سعی کردم که در این مدت کم و تمرین کم بتوانم در شخصیت دیوانه آن عرفانی را که در نمایش وجود دارد ، هفت شهر عشق عطار را که وادی هفتم به خودشناسی و خداشناسی می رسمیم ، پیاده کنم و تماشاچیان این دیوانه را با دیوانه ی در خیابان متفاوت ببینند . امیدوارم که توانسته باشم این کار را انجام دهم .

کیفیت برگزاری و مدیریت سی و سومین جشنواره تئاتر فجر را چگونه ارزیابی می کنید ؟

من فکر می کنم کارها خیلی مرتب تر از سال های قبل بود ، دارای یک نظم خاصی بود . از نظر من عالی بود ، مسئولین نور ، صدا ، گریم و ... این سالن بسیار همکاری کردند . برنامه ی جشنواره خیلی منظم شده بود . فکر نمی کنم کم و کاستی بوده باشد .

مریم معترف: "مشکل جشنواره تئاتر فجر، نبود برنامه ریزی مستمر است."



مریم معترف، بازیگر و کارگردان تئاتر کشور، پیش از جشنواره تئاتر فجر نمایش "داستان پرماجرایی به شوی رفتن بانو گشتست دختر رستم دستان" را در تماشاخانه سنگلج به روی صحنه داشت که متأسفانه این نمایش در بخش مرور آثار جشنواره قرار داده نشده است. خبرنگار تئاتر فستیوال به بهانه ی سی و سومین جشنواره تئاتر فجر گفت و گویی را با او انجام داده است که می توانید آن را در ادامه مطالعه کنید.

کدام یک از کارهای جشنواره را دیدید؟

چون خودم درگیر کار بودم، بیشتر از دو، سه کار نتوانستم ببینم، آن هم کارهایی که در بخش مرور بودند و نتوانسته بودم در سال گذشته ببینم.

کیفیت برگزاری جشنواره، چه از نظر مدیریت و چه از نظر آثار ارائه شده را چگونه ارزیابی می کنید؟

من ترجیح می دهم الان چیزی نگویم. جشنواره که تمام شود، خیلی چیزها مشخص می شود، آن موقع می توانم در خدمتان باشم.

نمایشی را برای اجرای عموم در دست دارید؟

قبل از جشنواره، نمایش "داستان پرماجرایی به شوی رفتن بانو گشتست دختر رستم دستان" را برای اجرای عموم داشتم که در تالار سنگلج روی صحنه بود. نمایش ایرانی است و فکر می کردیم برای بخش میهمان یا مرور جشنواره انتخاب شود، تقاضا هم کردیم ولی جوابی به ما ندادند. سه روز اول بهمن هم آنجا اجرا کردیم، چون استقبال خوب بود، مدیریت سالن پیشنهاد کردند که اجرا را ادامه دهیم یعنی ما از روز سیزدهم بهمن دوباره اجرای آن را در سنگلج ادامه می دهیم.

به طور کلی اگر ادوار مختلف جشنواره فجر را در نظر بگیریم، نقاط ضعف جشنواره را در چه می دانید؟

مسائل زیادی است. در این چند سال اخیر را می توانم برایتان بگویم، پارسال ۱۰ روز مانده به جشنواره، دبیر جشنواره عوض شد، امسال سه ماه مانده به جشنواره دبیر انتخاب کردند، کمبود بودجه، هزینه زیاد از مشکلات دیگر است. جشنواره تئاتر هزینه ی زیادی می طلبد در نتیجه به دلیل کمبود بودجه نمی توانند گروه های خوب تئاتری را دعوت کنند. چون اسمش جشنواره ی بین المللی است، نمی توانند گروه های خوب بین المللی را دعوت کنند چون آن ها هزینه خاصی را می خواهند، پذیرایی می خواهند، به این جهت فکر می کنم جشنواره به جای اوج گرفتن، در حال افول است. من اینجور فکر می کنم، شاید اشتباه فکر می کنم. دیدیم که امسال استقبال هم کمتر بود. دلایل مختلفی دارد که وقتی جشنواره تمام شود، می توانیم آن را تحلیل کنیم، کاری کنیم که سال بعد بهتر شود و سال های بعد بهتر و بهتر.

پیشنهادی دارید که بتوانیم اوضاع جشنواره تئاتر فجر را بهبود ببخشیم؟

پیشنهاد من که دیگران هم حتماً آن را گفته اند، این است که ستاد دائمی جشنواره داشته باشیم، برنامه ریزی سالانه شود، هر مدیری که می آید و می رود و هر دبیر جشنواره ای که عوض می شود، همه چیز عوض نشود. دبیرهای فستیوال های بزرگ دنیا معمولاً ثابت اند. اهداف و برنامه ریزی ای وجود دارد. از اول سال برنامه ریزی می کنند، چند ماه مانده به جشنواره کارها مشخص است حتی جدول بسته شده، آماده است ولی اینجا متأسفانه اینگونه نیست. سه روز مانده به جشنواره تازه جدول را می بندند. یکی از مشکلات، نبود برنامه ریزی مستمر است که مطابق سیاست هر کسی که می آید، اهداف و برنامه جشنواره عوض می شود و این قضیه به هر جشنواره ای لطمه می زند، از جمله جشنواره تئاتر فجر که بزرگترین جشنواره تئاتری ایران است.

رضا جوشعار : " در جشنواره فجر برای کار کودک هیچ فکری نشده است . "

"مسافر راه شیری" به کارگردانی "رضا جوشعار" به نمایندگی از بندرعباس در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفت . **تئاتر فستیوال** به همین بهانه به سراغ این کارگردان رفته و مصاحبه ای اختصاصی با او داشته است :

ایده شکل گیری و نحوه ی راه یابی نمایش " راه شیری " به جشنواره فجر را توضیح دهید .

نمایش " مسافر راه شیری " برای اولین بار در جشنواره تئاتر کودک و نوجوان جشنواره رضوی شرکت کرد . کارهایی که در جشنواره رضوی شرکت می کنند اصولا و اساسا به مضامین رضوی مرتبط هستند ، در واقع شکل گیری این نمایش به دلیل حضور در جشنواره رضوی بوده و این کار برگزیده بخش صحنه ای جشنواره هشتم رضوی است . مدت تمرین گروه تقریبا ۵ ماه بود ، ضمن اینکه این کار در جشنواره کودک و نوجوان همدان هم جزء هشت کار برگزیده بخش کودک شد و در آنجا اجرا داشت . این گروه در واقع پانزده سال است که به صورت تخصصی کار کودک انجام می دهد .



در جشنواره رضوی رتبه ای کسب کردید ؟

بله . سه جایزه در بازیگری ، طراحی صحنه ، کارگردانی و نویسندگی گرفتیم و کار برگزیده جشنواره بودیم . در کار کودک و نوجوان همدان نیز دو جایزه بازیگری گرفتیم و امسال هم که در بخش مرور جشنواره شرکت کرده ایم .

این کار در تهران اجرا شده است ؟

نه متأسفانه در تهران اجرا نداشتیم .

اجرای عموم این نمایش کی بود و در جشنواره فجر چه تغییراتی کرده است ؟

نام نمایش در دو جشنواره قبلی "قلی قلمبه" بود . ولی در جشنواره فجر اسم نمایش تغییر کرد ، ما همچنین کمی فرم و ساختار را نیز در این جشنواره تغییر داده و موسیقی را به کل بازیگران نمایش تعمیم دادیم . همانطور که مشاهده کردید موسیقی کار با سازهای غیر متعارف مانند سنگ ، قاشق ، چنگال ، بطری ، ظرف و ظروفی که دم دستی بودند ، کامل شد .

کم توجهی به تئاتر کودک را چگونه می شود جبران کرد ؟

این مشکل ، درد مشترک است و به نظر من خیلی به کار کودک و بزرگسال برنمی گردد . ولی چیزی که وجود دارد این است که کار کودک مورد ظلم قرار گرفته و مقداری مهجور است . به این خاطر که کار کودک یک کار زیربنایی و آموزشی است و اگر بیشتر به کار کودک توجه شود فکر می کنم ضرورت وجود نمایش در دل مدارس بیشتر درک می شود و نسل های بعد کمتر دچار اشکال می شوند . اگر در جشنواره فجر هم نگاه کنید می بینید که برای کار کودک هیچ فکری نشده است . خیلی راحت می توانستند برای کارهایی که چه در بخشش مرور است و چه در بخش های دیگر که ویژه

کودک و نوجوان است برنامه ریزی کنند. ما باید یک برنامه ریزی برای مدارس و دانش آموزانی که رده سنی آنها مناسب اجرا است، بگذارند تا آنها استفاده بیشتری کنند.

متأسفانه در این باره خیلی فکر نمی شود. اساساً حضور در همین جشنواره فجر فقط صرف حضور و اجرا بوده و برنامه ریزی برای آن وجود نداشته است. فکر می کنم اگر آموزش و پرورش یک مقدار دخالت بیشتری کند، در جشنواره کودک و نوجوان امسال در همدان این اتفاق برای اولین بار افتاد و جشنواره دانش آموزی برگزیدگانش را به جشنواره کود و نوجوان آورد، برای اولین بار دیدیم که دانش آموزان هم نمایش های خود را آوردند و اجرا کردند، که فکر می کنم اتفاقات خوبی در این زمینه در حال رخ دادن است.

در سال های گذشته در جشنواره فجر شرکت داشتید؟

من در دو دوره پیش جشنواره فجر با نمایش "کفتر طلا" و با "بلاش آبادی" در سه دوره پیش جشنواره فجر حضور داشتم.

از تخصصی که در تئاتر کودک دارید بگویید.

در رابطه با گروه باید بگویم که در این ۱۵ سال گذشته بیش از ۹ نمایش کودک کار کرده ایم و اساساً در تمام جشنواره هایی که مرتبط به کار کودک هستند، بچه ها حضور داشتند و جوایز خوبی را هم گرفتند. ما مقداری تخصصی تر به مقوله کودک نگاه می کنیم و من بیشتر به تئاتر خلاق برای کودک علاقه مند هستم و همانطور که دیدید کار ما اصلاً دکور نداشت و بیشتر مبتنی بر بدن بازیگر و ابزار آلاتی که از آن استفاده می کردیم بود. این کار را خیلی راحت می شود در مدارس انجام داد، یعنی می شود به راحتی بچه ها را درگیر کار کرد، با آنها بازی کرد و از آنها کار کشید. یعنی شیوه کار ما در این چند سال به این شکل بوده است.

برای بهتر شدن جشنواره و توجه بیشتر به تئاتر کودک در سال های آتی باید چه کرد؟

من فکر می کنم اگر آموزش و پرورش، همانطور که در جشنواره های دیگر این کار را می کند، برگزیدگانش را در بخش کودک داشته باشد و یک بخشی به آموزش و پرورش داده شود تا نظارت کند و یا تحت نظر مرکز هنرهای نمایشی نگاه تخصصی تری به آن شود و اجراها کاملاً برنامه ریزی شده باشد و مخاطب کودک و نوجوان بیاید و بنشیند کار را ببیند، به این دلیل که کار اساساً برای بچه هاست و اگر قرار باشد مخاطب بزرگسال بیاید و بنشیند، در واقع ما کاری برای کودکان نکرده ایم. به این دو بحث اگر توجه شود به نظر من توفیقی حاصل می شود.

اگر حرف پایانی دارید بفرمایید.

آرزوی موفقیت برای همه همکاران و دوستان دارم.

دکتر شهرام خرازی ها : « بوقلمون » حرف امروز را با دیدی انتقادی مطرح می کند .

نمایش « بوقلمون » به نویسندگی و کارگردانی خیراله تقیانی پور در هفتمین روز از سی و سومین جشنواره تئاتر فجر در دو بخش بین الملل و مسابقه تازه های تئاتر ایران اجرا شد . در ادامه می توانید گفتگوی اختصاصی **تئاتر فستیوال** را با دکتر شهرام خرازی ها بخوانید :



دکتر شهرام خرازی ها درباره نمایش « بوقلمون » اظهار داشت : « بوقلمون » نمایشی است بسیار سرگرم کننده که با ایجاد فضایی گرم ، شاد و صمیمی تماشاگر را بی هیچ خستگی تا انتها به دنبال خود می کشاند . وی گفت: تقیانی پور در « بوقلمون » حرف امروز را در قالب داستانی مربوط به روزگار گذشته ، زمانی که پهلوان ها ، عیاران و لوطی ها که داد مظلومان را از ظالمان می ستانند ، با دیدی انتقادی مطرح می کند . دکتر خرازی ها ضمن اشاره به کورئوگرافی (طراحی حرکت) مناسب و قابل توجه این نمایش گفت : کارگردان شناخت درستی از رقص ، موسیقی و سبک روحی داشت و نوع خاصی از طنز کلامی و طنز حرکت را در « بوقلمون » پیاده کرده بود .

این منتقد تئاتر در ادامه خاطر نشان کرد : کاراکترهای « بوقلمون » از گزمه چی و کولی گرفته تا پهلوان اکبر و مرشد همگی برای مردم آشنا هستند و مشابه آن ها را در جامعه امروز نیز می توان پیدا کرد . وی بر این اعتقاد است که : هنرپیشگان « بوقلمون » بخش عمده ای از موفقیت خود را مدیون گروه موسیقی نمایش هستند که سازها را هماهنگ با حرکات ، رقص ها و گفتار آن ها نواختند . رقص زن پوش های نمایش بسیار حرفه ای بود و باید زمان بیشتری به این رقص اختصاص می یافت زیرا این رقص کاملاً در خدمت داستان نمایش بود و بر جذابیت اجرا می افزود . دکتر خرازی ها در پایان به نقش آفرینی تأثیرگذار تیم بازیگری این نمایش اشاره کرد و گفت : همان طور که انتظار داشتم ، سیروس همتی از تمام بازیگران بهتر بازی کرد ، کاملاً بر نقش مسلط بود و مثل همیشه چیزهایی ورای متن به نقش اضافه کرد که سبب بهتر شدن کار شد . خانمی که نقش کولی را بازی می کرد، از انعطاف خوبی در حرکات و ژست ها برخوردار و کاملاً با فن بیان آشنا بود؛ ایشان آینده خوبی در حیطه بازیگری خواهند داشت .

کافه سایه ، دوراهی عشق و خیانت !

یادداشتی بر نمایش " کافه سایه " به بهانه ی اجرا در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

نمایش کافه سایه با ریتمی مناسب و داستانی جالب در خصوص دو راهی عشق و خیانت ، در سه برهه تاریخی به اجرا در آمد . خلاقیت های موجود در فواصل اپیزودها به همراه اجرای موسیقی زنده و تبدیل تیپ ها به شخصیت ، فضای نمایش را بسیار تاثیر گذار کرد.

نمایش چالشی است برای انتخاب علایق یا اجرای عدالت ، برای مخاطب این تردید را ایجاد می کند که از نظر اخلاق کدام درست تر است و در نهایت گذر از عشق و دوست داشتن و پایبندی به اخلاق ، پیروز ماجرا بود!

نکته جالب توجه اجرا ، استفاده از عروسک است که بر خلاف نمایش " ملاقات بانوی سالخورده " عروسک ها بخشی از اجرا بوده و انتقال مفاهیم را به درستی انجام می دادند ! این اتفاق در حالی است که با وجود عروسکهای شخصیت دار ، این نمایش ، در جشنواره عروسکی شرکت نکرد.



میزانسن در عین سادگی بسیار کارا بود ، ولی پر بازی (full action) نبود که البته نیازی هم به آن احساس نمی شد ! بازیگران (cast) به درستی انتخاب شده بودند و بر خلاف دیالوگ محور بودن اثر انتقال حس و مفاهیم به درستی صورت گرفت . نکته مثبت دیگر این نمایش ، پرهیز از زیاده گویی و رساندن مفهوم در شصت دقیقه بود که با موفقیت انجام شد.

شهرزاد وکیلی - نویسنده مهمان

حسین رحیمی: "دیران دوره های گذشته باید با هم بنشینند و جشنواره را مهندسی کنند."

مصاحبه ی اختصاصی **تئاتر فستیوال** با "حسین رحیمی" کارگردان تئاتر در باب ماهیت سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

آیا از نمایش های جشنواره امسال کاری دیده اید؟

متأسفانه خیر من گرگان بودم و تازه امروز به تهران آمده ام.

کیفیت جشنواره ی فجر و نحوه برگزاری آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

اگر بخواهیم در کشور جشنواره برگزار می کنیم، باید به دنبال این باشیم که بدانیم ماهیت قضیه چیست و در واقع اگر جشنواره خروجی داشته باشد ما به آن جشنواره از لحاظ کیفی نمره بالایی می دهیم. در همه جهان نیز به همین شکل است، اما در جشنواره فجر امسال برخلاف سالهای گذشته، اعلام شده است که گروه ها اجرای عمومی نخواهند گرفت، در صورتی در سال گذشته جشنواره، خروجی نیز داشته است، گروه ها اجرای عمومی می رفتند و به این اجرای عموم دلخوش بوده اند. ولی در واقع برای اجرای عمومی تضمینی نیست. این مسیری است که بچه ها برایش تلاش می کنند اما خروجی، خروجی مناسبی نیست و در واقع آینده ای ندارند. این مسئله ای است که مسئولین باید به فکر آن باشند. ما باید بتوانیم تفکیک کنیم. در واقع ما تماشاخانه ایرانشهر را نداریم، چرا که ایرانشهر فقط به لحاظ جذب مخاطب و فروش موفق بوده است اما از لحاظ تولید تئاتر های فاخر، درجه کیفی بسیار کمی دارد. در واقع فقط یک تئاتر شهر می ماند، که چرا آن هم، نباید در اختیار جوان ها قرار بگیرد. مسئله مهم تر این است که ما نباید فراموش کنیم که در هر کشوری ده ها جشنواره برگزار می شود. یک جشنواره، جشنواره ای است که ویتترین کارهای خودش است و در واقع بهترین کارهایی که در آن کشور اجرا شده در آن جشنواره قرار می گیرد.



سوالی که وجود دارد این است که آیا واقعاً در جشنواره فجر نیز این اتفاق می افتد؟ آیا دوستان به دنبال کارهای خوب رفته اند و یا به دنبال این بوده اند که فلان خانوم و فلان آقا در جشنواره کار بیاورند آن هم به این خاطر که اسم و رسم دارند. آیا کارهای خوب در همین پلاتوهای خصوصی اجرا نشده است؟ آیا آن کارها دیده شده است؟ مسئله ای که خیلی در جشنواره فجر به چشم می خورد، تکرار بیش از حد نوع برگزاری جشنواره است، یعنی ما بخش مرور داریم، بخش خیابانی داریم و بخش صحنه ای داریم و... اما هیچ وقت نگاه ویژه ای نداشتیم. هیچ کدام از مدیران ما وقت این را نداشته اند که بنشینند و طراحی و مهندسی جدیدی برای جشنواره داشته باشند. البته آن ها می خواهند که کارهایی را برای بهبود جشنواره انجام دهند، مثلاً اینکه یک سال تئاتر ها را به شهرستان می فرستند و سال دیگر نمی فرستند. ولی این ها مهندسی نیست، این ها به این خاطر است که جشنواره ما با جشنواره دبیر سال گذشته متفاوت باشد. مهندسی جشنواره به مهندسی گفته می شود که خروجی آن به لحاظ کمی و کیفی تأثیرگذار و متفاوت باشد. اما متأسفانه این اتفاق نمی افتد، به همین خاطر است که رغبت آنچنانی نسبت به جشنواره شکل نمی گیرد. خیلی از جوان ها بعد از یکی دو سال که در جشنواره شرکت می کنند دیگر تمایلی به شرکت در آن ندارند، چون کارشان دیده نمی شود.

آیا پیشنهادی برای بهبود این روند دارید؟

پیشنهادم این است که از همین دوازدهم بهمن ماه که جشنواره تمام می شود باید تمامی دبیرهای دوره های گذشته با هم بنشینند و جشنواره را مهندسی کنند. ولی تا زمانی که جشنواره مان سلیقه ای پیش برود، وضع ما به همین شکل خواهد بود. یعنی اگر سلیقه ای کاری انجام دهیم راندمان کاری مان هیچ تغییری نخواهد کرد. زمانی این وضع بهبود می یابد که بستر سازی کنیم و بدانیم که قرار است سال آینده جشنواره ای داشته باشیم که فلان بخش ها را داشته باشد و در واقع ما باید به خروجی برسیم، خروجی یک سال فعالیت گروه های مختلف است. اگر مهندسی شده کار کنیم مسلماً جشنواره مان از لحاظ راندمان متفاوت خواهد بود. نباید به این شکل باشد که ۴ ماه مانده به جشنواره، دبیر مشخص شود، به همین دلیل است که دبیر هم بر سر اصحاب هنر منت می گذارد که هیچ کس دبیری را قبول نمی کرد ولی من قبول کردم. ولی باید گفت که اگر شما قبول کردید، حتما چیزی در خودتان دیده اید و حال که قبول کرده اید باید راندمان

و کیفیت جشنواره تان متفاوت باشد ، چه به لحاظ خروجی کمی و چه کیفی . اما ما هیچوقت شاهد این اتفاق نیستیم . آن ها باید به این فکر کنند که باید جشنواره فجر را از این حالت روتین در بیاورند و متحول کنند . در آن صورت ما جشنواره بهتری خواهیم داشت . من در جشنواره سال گذشته ، قریب به هشتاد درصد کارها را دیدم و در جریان نحوه برگزاری جشنواره نیز بودم ، اما واقعا نسبت به ۱۰ سال پیش جشنواره هیچ تغییری نکرده به این دلیل که نوع نگاه مدیریت عوض نشده است .

عزیز شنگال و مسئله ما

یادداشتی بر نمایش " عزیز شنگال " به کارگردانی قطب الدین صادقی



تئاتر هنر زنده و پویایی است و شدیداً انسانی. و انسان با تفکر معنا پیدا می کند و هر تفکری قطعاً با مسائل. تئاتر بدون مسئله یعنی هیچ برای هیچ. و مسئله است که هم فرم را می سازد، هم محتوا. تئاتر هنر دیروز و امروز نیست، هنر " هر روز " است، چه نمایشنامه ای باشد با قدمت چند صد ساله و چه به روز باشد و مبتکرانه. تئاتر هنر زیستن و چگونه زیستن است. " عزیز شنگال "، آخرین اثر دکتر قطب الدین صادقی، بی شک یکی از به روز ترین و مسئله دار ترین نمایش هایی است که در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر شاهدش بودیم. نمایش " عزیز شنگال " در واکنش به حمله دد مناشانه گروهک تروریستی، تکفیری داعش بود. گروهکی دیو صفت و افسار گسیخته و ناجوانمرد. که نه ترک برایشان مهم است، نه کرد، نه فارس و نه ترکمن. نه مسیحی نه شیعه و نه حتی سنی.

حمله وحشیانه این بی دین های بی خدا به کردستان عراق و برده گرفتن زنان و تجاوز به آنها و سر بریدن های پی در پی، فکرم را نا خودآگاه به سمت حمله وحشیانه مغول ها هدایت می کند، حمله ای که بی شک هزاران بار رقت انگیزتر و کریهانه تر است. نمایش دکتر قطب الدین صادقی هوشمندانه کلام ندارد. چرا که با هیچ کلامی نمی توان تصویر رقت بار آن حرامیان را بیان کرد و شیوه انتخاب کاملاً به جا و تاثیرگذار رنگ ها نیز مجال به هیچ نماد و نمادبازی را به مخاطب نمی دهد. سر راست و دقیق دردش و مسئله اش را در قالب قصه ای مبتکرانه بیان می کند. قصه ای کاملاً کلاسیک و موثر در منقلب کردن تماشاگر. دکتر صادقی در " عزیز شنگال " با آنکه به دلیل کمبود امکانات، چه در مجموعه تئاتر شهر و چه در جشنواره امسال و با کمال تأسف همه سال، به گفته خود در ابتدای نمایش نتوانست همه میزانشن های مد نظرش را به اجرا بگذارد، اما در همین اجرا نیز با میزانشن هایی موثر و ساده توانست مسئله و درد خود را با تماشاگر در میان بگذارد. مسئله اکراد و کوبانی مسئله همه ما است. و داعش محصول حرامزادگانی است که به خوبی می دانند چگونه جایگاه اسلام و انسان را متزلزل و پست نشان دهند. بنابراین کارگردان محترم با درایتی خاص استفاده از پرچم حقیقی آنان که با جمجمه ها مزین شده است - نه اسامی متبرکه -، پرده از ماهیت شوم آنان بر می دارد. در این نمایش کودکی وجود دارد که به مانند همه تماشاگران با بهت به مسائل می نگرد و معلول شرایطی می شود که قبل از آن نیز به

انواع مختلف زخم هایی با خود به همراه داشته است . کودک کرد نمایش از همان ابتدا لنگ می زند و لنگ زندنش حکایت از معلولیت های ناخواسته پیشین او دارد . اما کودک توانسته با همان اوضاع ناخواسته قبلی اش به زندگی و کودکی کردن رضایت دهد . ولی کودکی کودک نیز بعد از حمله آن جانیان به اتمام می رسد و تمام زندگی اش تباه می شود . به تصویر نشان دادن حرامیان و تکفیری های داعش نیز به بهترین شکل صورت می گیرد و حضور بازیگران زن نیز در نقش داعشی ها اشاره خوبی است به حضور افراد مختلف ، از همه اقشار و جنسیت ها در این گروهک تکفیری ، به خصوص که رهبری آنان را فردی بدون نقاب و با ظاهری غیر عرب به عهده دارد که این نشان از هدایت این افراد توسط امپریالیسم دارد و دکتر صادقی نیز به خوبی این گروهک تکفیری و وحشیگری های آنان را با زبان نمایش نشان می دهد .

اما با همه خوبی های فوق الذکر ، در نمایش " عزیز شنگال " دو نکته اساسی به چشم می خورد که تذکر آنها به کارگردان محترم خالی از لطف نیست .

نخست : افتادن " عروس کرد " در نمایش ، که عروس بعد از تجاوز داعشی ها خود را به بالای صخره ای می رساند و تن به خودکشی می دهد ، فارغ از اینکه ای کاش قبل از تجاوز برای حفظ شرف خود ، این کار را می کرد . ای کاش با پرتاب - واقعی - خود بر روی زمین تماشاگر را با خود بهت زده می کرد ، اما افتادن بر روی شانه های زنان دیگر ، به هر دلیلی اثر را از تاثیرگذاری دور می کند .

و دوم این که : ای کاش نمایش می توانست اشاره ای نیز به نیروهای شجاع و قهرمان ایران عزیزمان نیز می کرد که نه تنها در این غایله مردم کرد را تنها نگذاشتند ، بلکه با انواع کمک های نظامی و مردمی برای نجات بشریت قیام کرده و هزینه های زیادی نیز در این راه داده اند .

البته اجرای نمایشی این چنینی در جشنواره ، دلیل بر کامل بودن آن نیست . یقیناً دکتر قطب الدین صادقی برای کامل کردن این اثر راه حلی در نظر دارد . که با کمبود های سالن های تئاترمان نیز به تداخل بر نخورد .

باید منتظر ماند و " عزیز شنگال " را در اجراهای عمومی دید . انشاء...

علی محمد مطلق - نویسنده میهمان

دکتر محمد رضا خاکی: "هم هوایی" یکی از بهترین نمایش های سال گذشته است



بعد از دو اجرای عمومی نمایش "هم هوایی" به کارگردانی افسانه ماهیان، این نمایش بار دیگر در هشتمین روز جشنواره تئاتر فجر در تالار حافظ اجرا شد و مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت. دکتر محمدرضا خاکی که خود نیز نمایش "دیده بانان" را در بخش مرور تئاتر جشنواره ی امسال به روی صحنه برد، به تماشای این نمایش نشست. خبرنگار **تئاتر فستیوال** در گفت و گویی کوتاه نظر این کارگردان پیشکسوت را راجع به نمایش "هم هوایی" پرسید که در ادامه ی صحبت، پای نمایش های بخش بین الملل هم به میان آمد. وی پیشنهاداتی در جهت ارتقاء این بخش از جشنواره داد. در ادامه می توانید این گفت و گوی خواندنی را بخوانید:

دکتر خاکی با بیان اینکه متأسفانه به دلیل درگیری های کاری، نتوانست در اجرای عمومی "هم هوایی" را ببیند، درباره ی آن گفت:

خوشحالم که امشب در جشنواره توانستم این نمایش را ببینم. به نظر

من، این نمایش شاید یکی از بهترین نمایش های سال گذشته باشد. از هر لحاظی که بخواهم بسنجم در مجموعه ی تئاتری مان در شرایط موجود، به لحاظ فکر، ایده ی متن، اجرا، میزانشن و بازی ها یک کار کاملاً قابل توجه بود و با یک تمرکز خیلی خوب اجرا شد. از یک میزانشن خیلی ساده و خوب و فکرشده برخوردار بود. به نظرم یک کار خیلی خیلی خاص و به یادماندنی بود. با حضور سه بازیگر خوب و یک کارگردان خوب و هر چهار تا خانم و هوشمند."

او همچنین ادامه داد: "من خیلی خیلی خوشحالم که امشب این نمایش را دیدم. به همه خسته نباشید می گویم. امیدوارم که شاهد نمایش های خوب و بهتر در تئاتر کشورمان باشیم که باعث خوشحالی همه شود."

وی در ادامه در پاسخ به این سوال که چه نمایش هایی را تاکنون در جشنواره دیده اند و آیا کاری مورد توجه شان قرار گرفته است، گفت: "من فرصت خیلی زیادی نداشتم. تعدادی نمایش را کمابیش دیدم. متأسفانه به دلیل گستردگی و تعداد کارها و گرفتاری هایی که داشتم، نمی توانم قضاوت کنم."

کارگردان و مترجم با سابقه تئاتر کشورمان در باره ی اجراهای بیشتر نمایش "هم هوایی" پیشنهاد کرد: "امیدوار هستم این فکر به طور کلی در وضعیت تئاتری مان به وجود بیاید، به خصوص این پیشنهاد را می دهم و نمی دانم چه کسی گوش خواهد کرد ولی کارهایی مثل "هم هوایی" که قابلیت تامل و تمرکز دارند، بهتر معرفی شوند. همین طور در شهرستان هم بروند و اجرا کنند. این نمایش

قابلیت های بیشتری برای دیده شدن دارند . چون ما در حوزه ی اجرای تئاتر ایرانی و متن خوب ایرانی همچنان با کمبود های جدی روبه رو هستیم . و وقتی یک نمونه ای دیده می شود که قابل توجه است ، باید هنوز فضا و شرایطی ایجاد کرد که واقعا دیده و معرفی شود " .

وی در ادامه درباره رضایت از اجرای نمایش " دیده بانان " که در اولین روز جشنواره در سالن چهارسو اجرا شد ، افزود : " در ادامه ی اجرا هایمان ، جشنواره این پیشنهاد را داد که روز آخر اجرایمان مصادف شود با اولین روز جشنواره و ما یک اجرا کردیم . این را باید از تماشاگرانی که کار را دیدند پرسید که آیا خوششان آمد یا نه ؟ ولی در مجموع می شود گفت که گذشت و تمام شد . باید به برنامه ی دیگر ، اگر عمر و وقتی باشد ، رسید " .

دکتر خاکی درباره ی پروژه ی بعدی اش که قرار است در تماشاخانه ایرانشهر اجرا شود ، توضیح داد : " من یک نمایشی را چند سال پیش اجرا کردم که با استقبال خوبی از سمت تماشاگران رو به رو شده بود . ولی زمان اجرای آن مناسب نبود و خیلی ها آن را ندیدند . به همین خاطر خیلی ها پیشنهاد کردند که مجددا اجرا کنم . نمایشی به اسم " روال عادی " که ژان کلود کرییر (Jean-Claude Carrière) نوشته و آقای نوری آن را ترجمه کرده است و من آن را کار کردم . این یک نمایش جمع و جور ست " .

او افزود : " چون با جام جهانی فوتبال دو دوره قبل همزمان شده بود و ساعت اجرا هم ساعت بازی های فوتبال بود ، خیلی ها آن را ندیدند . به همین دلیل یکی از پروژه های نزدیک من ، اجرای نمایش " روال عادی " خواهد بود که احتمالا در اردیبهشت یا خرداد ماه سال آینده در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر اجرا خواهد شد " .

وی درباره ی کیفیت جشنواره امسال چه از لحاظ مدیریت و چه از لحاظ آثار راه یافته به آن ، اذعان داشت : " یک ضرب المثل فارسی داریم که می گویند جوجه را آخر پاییز می شمارند . موضوعی که سال های پیش هم گفته ام ، امیدوارم امسال اتفاق بیفتد این است که جشنواره با همه ی کمبود ها ، خوبی ها و بدی هایش ، می گذرد و تمام می شود . ولی یک چیز ، خیلی مهم است ، این که مسئولان جشنواره بعد از برپایی ، بین کسانی که می توانند در جهت بهبود جشنواره ، نظراتی داشته باشند ، یک نشست هایی برگزار کنند و جنبه های مختلف را بررسی کنند . این کاری ست که در همه ی دنیا انجام می دهند . متاسفانه با این که این حرف را من بارها در سال های گذشته هم تکرار کرده ام ، اتفاق نمی افتد . مثل این که وقتی جشنواره تمام شد همه یک نفسی می کشند که آخی!! جشنواره تمام شد! مثل پشت کامیون ها که نوشته اند " این نیز بگذرد ... " . جشنواره نیازمند یک سری چیزهایی ست که می شود به آن فکر کرد " .

در همین راستا ، وی در جهت بهبود کیفیت جشنواره در بخش بین الملل افزود : " جشنواره یک دفتر کوچک ثابت می خواهد که در طول سال کار کند . به خصوص در بخشی که می خواهد میزبان گروه های خارج از کشور باشد . باید کار ها را با فرصت ببیند و انتخاب کند و زمان بگذارد . تعداد زیادی علاقه مند ، دانشجو و تماشاگر تئاتر داریم که همه ی این ها کنجکاو و علاقه مندند که نمونه های تئاتری را ببینند تا یک چیزی به آن ها اضافه کند و یک تجربه جدیدی برای آنها باشد یا یک دریافت ، یک معنی جدید یا تازگی هایی پیدا کنند . متاسفانه خیلی وقت ها به خصوص در این بخش چون این اتفاق ها دقیقه نود اتفاق می افتد ، رضایت چندانی در این بخش نیست یا رضایت کمتری هست . این یکی از نکاتی ست که به عنوان مثال می شود به آن فکر کرد " .

وی راجع به کارهای بین المللی که امسال در جشنواره بودند اذعان داشت : " من چند نمونه را دیدم . نمونه هایی را هم که برای جشنواره پیشنهاد شده بود را به صورت فیلم دیدم . این دو نمونه ای که دیدم برای من به عنوان تماشاگر بسیار ضعیف بودند و قانع کننده نبودند . من فکر می کنم که جشنواره فجر ، از یک سو به لحاظ قدمتش که کمابیش یک جشنواره شناخته شده است و مهم ترین جشنواره تئاتر خاورمیانه (اگر نخواهم بگویم آسیا) است ، نیازمند این است که بیش از این به آن توجه شود . نمونه هایی که به عنوان تئاتر خارج از کشور در جشنواره نشان می دهیم ، خیلی نمونه های درخشانی نبودند ، حداقل در این دو نمونه ای که من دیدم .

وی در پایان با ابراز امیدواری از این که این کاروان راه خودش را خیلی خوب برود ، گفت : " امیدوارم تئاتر ما روز به روز دقت نظر ، ایده و فکرهای بهتری را بتواند نشان دهد و این تلاش های بسیار زیادی که بخش مهمی از آن تلاش هایی از روی عشق و نیروی جوانی است بتواند درست ، هدایت و تشویق شود و یک دفعه رها نشود " .

کارگردان "امیر کبیر": جشنواره ی تئاتر فجر هیچ وقت رویکرد روشنی ندارد

نمایش "امیر کبیر" به نویسندگی و کارگردانی محمد رضا شاهمردی از شهر قم، در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر، در سالن مهر، اجرا شد. خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی را با این کارگردان جوان که چندین سال به عنوان مدیرعامل تئاتر طراوت در شهر قم به صورت تخصصی در زمینه تئاتر فعالیت می کند، ترتیب داد که می توانید در ادامه بخوانید:

ایده ی شکل گیری نمایشنامه چگونه به ذهن تان رسید و اجرا شد؟

همیشه یکی از دغدغه های من، ترکیب دین و سیاست است. همان طور که آیت الله مدرس گفت: "سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست." "شهر ما، شهر قم هم یک شهر استراتژیک در حوزه ی دین است. همیشه این دغدغه را داشتم که در این حوزه چگونه می شود نمایشی با این مضمون ساخت.

به واسطه ی داستان نمایش "امیرکبیر" که روایت انتقال جسد او از کاشان به کربلاست، ما تحلیلی می کنیم از عناصری که در زمان ناصرالدین شاه اتفاق می افتد و استفاده ابزاری او از دین. اما برعکس امیرکبیر کاراکتری ست که شاید ظاهرا به مسائل دینی عمل نکند، اما در باطن به بسیاری از مبانی دینی پایبند است.



آن چیزی که من در این نمایش می خواستم بگویم، تفاوت چیزی است که به عنوان استفاده ی ابزاری از دین عنوان می شود. در آن برهه ی تاریخی بیشترین استفاده ی ابزاری از دین می بینیم. ناصرالدین شاه به اسم امام حسین بسیاری از رفتارهایش را موجه جلوه می دهد. و مهم ترین کاری که انجام می دهد تاسیس تکیه دولت است که من سعی کردم در تئاترم بازتاب دهم. اصلی ترین دغدغه ی من این بود.

چگونه به این فرم اجرایی در کار رسیدید؟

فضای کار، کاملاً فضای قبرستان است. عزت الدوله وقتی می خواهد، جسد امیرکبیر را از قبر بیرون آورد، متوجه می شود که جسد در قبر نیست و اتفاقاتی که بعد از آن می افتد. بنابراین ما چندین و چند بار در مرور اجرا حس کردیم فضای قبرستان می تواند برای دکور فضای کلی باشد. این فضایی که ما الان در کار ایجاد کردیم و این بالا و پایین رفتن آدم ها به مثابه بیرون آمدن و به داخل قبر رفتن است و نکته ی بعدی این است که چون ما قبل و دوران صدارت امیر کبیر و عزل او و قتلش را بررسی می کنیم این دکور به ما امکان سر خوردن در لایه های تاریخ را می دهد و ما مدام در لایه های تاریخ بالا و پایین می رویم و آن را مرور می کنیم.

چه مدت زمان برای آماده کردن نمایش خود وقت صرف کردید؟

ما مهر سال ۹۲ شروع به تمرین کردیم و اسفند همان سال، به مدت بیست شب در قم اجرای عمومی داشتیم و مهر ماه امسال در شانزدهمین جشنواره ی استانی تئاتر قم شرکت کردیم و جوایز متعددی را کسب کردیم و به عنوان تنها برگزیده ی قم به بیست و ششمین جشنواره ی تئاتر منطقه ی یک

کشور راه پیدا کردیم و آنجا هم به عنوان یکی از دو نمایش برگزیده راهی جشنواره ی تئاتر فجر شدیم.

از نظر شما کیفیت جشنواره ی امسال چطور بوده است و آیا دیگر نمایش های جشنواره را دیدید ؟

یک یا دو کار بیشتر ندیده ام . صادقانه باید بگویم که هیچ وقت در مورد کیفیت جشنواره ی فجر نمی شود حرف زد.

نحوه ی مدیریت چطور ؟

من به عنوان هنرمندی که از شهرستان ، جشنواره را دنبال می کردم همیشه بزرگترین مسئله ای که هر سال با جشنواره ی فجر داشتم این بوده است که جشنواره ی تئاتر فجر هیچ وقت رویکرد روشنی ندارد و اگر الان از بخش عمده ای از تئاتری های ایران بپرسیم که چرا فجر در ایران برگزار می شود جواب روشنی ندارند . صرفا اتفاقی است که باید هر سال بیوفتد و بیلان کاری برای خیلی از آقایان باشد.

ولی من فکر می کنم که جشنواره ی تئاتر فجر باید مثل خیلی از جشنواره های بزرگ دنیا مثل ادینبورگ و ... حتما باید صاحب یک رویکرد ویژه باشد . یا این رویکرد ، رویکرد برنامه ای است و یا کارنامه ای . اگر رویکرد کارنامه ای است و ما می خواهیم بعد از یکسال کار تئاتر در ایران بگوییم فجر کارنامه ی یک سال تئاتر ایران است یا اینکه رویکرد برنامه ای است و فجر به ما چشم اندازی می دهد که می خواهیم در یک سال بعد چه کنیم . فکر می کنم جشنواره ی تئاتر فجر یک چیزی بین این دو ، پا در هوا مانده است و در هیچکدام راه روشنی را ندارد.

و صحبت پایانی ؟

من از آقای صالح پور ، دبیر جشنواره و خیلی از دوستان دیگری که زحمت کشیدند تشکر می کنم . این را هم این طور می پذیریم که چون دولت جدید ، تازه روی کار آمده است کم و کاستی های جشنواره را به همین شکل می پذیریم و از دولت آقای دکتر روحانی که ما جوان ها به او رای داده ایم و هنرمند ها دولت آقای روحانی را دولت خودشان می دانند ، انتظار داریم سال آینده ، جشنواره تئاتر فجر و تئاتر ایران توسط دولت ، خیلی جدی تر گرفته شود.

عکس هایی از نمایش خیابانی " صفر مرزی "



نویسنده و کارگردان "عبور از مه": نحوه ی برگزاری جشنواره های تئاتر، در ایران غلط است.

مجید کاظم زاده مژده‌ی، نویسنده و کارگردان نمایش "عبور از مه" و سرپرست گروه تئاتر جهش است که این نمایش را در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر در سالن مهر به روی صحنه برد.

این نمایش برگزیده ی جشنواره مناطق و سراسری سوره ی ماه است که به این طریق به جشنواره فجر معرفی شد. خبرنگار تئاتر فستیوال مصاحبه ای کوتاه با این کارگردان اهل رشت انجام داد که می توانید در ادامه بخوانید:

ایده ی شکل گیری نمایشنامه چه بود و چگونه به مرحله ی اجرا رسید؟

در سال ۱۳۸۲ در یکی از توابع رشت، به نام سنگر، امامزاده ای دروغین، معروف به امامزاده های دو قلو پیدا شد که از سرتاسر ایران به زیارت این امامزاده ها می آمدند. بعد هم این امامزاده ها جعلی از آب در آمد و به دستور امام جمعه برجیده شد. یک سال پس از آن، برف شدیدی در رشت آمد و اغلب مردم محل گفتند که این به خاطر خراب کردن آن امامزاده هاست. داستان این نمایش به کسی که این امامزاده را جعل کرده هست بر می گردد که بعد از آن زمین های اطراف را به چند برابر قیمت واقعی اش فروخته است. الان هم در محله ی گلسا که محله ی بالاشهر رشت است، خانه و آتلیه زده است و می خواهد فیلم مستندی از آن واقعه بسازد. مهمانی به خانه اش می آید و این میهمان نشانه هایی با خودش دارد که باعث تحول شخصیت این فرد جاعل امامزاده می شود.

این یک ماجرای واقعی ست که همه ی مردم آن جا با آن درگیر بودند. و این نمایش، واکنش من به عنوان نویسنده و کارگردان، نسبت به واقعه ای که همه ی مردم از آن مطلع اند و در آن سال ها درگیر این موضوع بودند، است. بر اساس آن واقعه حقیقی، این نمایش را ساختم.

اجرای عمومی هم داشتید؟

این نمایش سه بار اجرای عمومی شد و شاید باز هم اجرا شود. چرا که قصه یک قصه ی بومی ست. مردم داستان را شنیده اند و برایشان جذابیت دارد.

از طرفی ما در کنار این داستان به فکر ایجاد اتفاقات و فکر جدید هستیم. این نمایش را من یکبار در تابستان اجرا کردم و همان طور که دیدید قصه ی نمایش در فصل زمستان اتفاق می افتد. برای مخاطبین بسیار جالب و جذاب بود. این نمایش یک بار ۱۲ شب اجرا شد و مجدد ۹ شب اجرا کردیم و بعد از آن ۳ شب دیگر به روی صحنه بردیم. چرا که مخاطبینی که نمایش را ندیده بودند مایل بودند آن را ببینند. به من مدام پیشنهاد داده می شد که اجرای مجدد برویم.

در اجراهای مجدد تغییری نسبت به اجرای اول داشتید؟

هر شب خود بازیگر و گروه اجرایی به چیزهای جدیدی می رسد و فضای جدیدتری پیدا می کند. چون مکان اجرا هم تغییر می کند، با خودش تغییراتی را به همراه می آورد. البته این تغییرات بسیار جزئی هستند. چون خود نمایش هم یک رئالیسم جادویی ست. بنابراین آن حقیقتی که قرار

است در کنار آن اتفاقات ماورایی بیفتد ، باید خیلی باورپذیر باشد . هر چقدر این اجرا بیشتر باشد ما مسائلی پیدا میکنیم که آن فضای واقع گرای کار پر رنگ تر شود.

از تجربه های قبلی تان برایمان بگویید .

من در زندگی ام هیچ کار دیگری به غیر از کار کردن در تئاتر ندارم . به همین خاطر در سال ، ۷ یا ۸ کار حتی ده کار برای اجراهای عمومی و جشنواره ها آماده می کنم . در امسال در تمام جشنواره های کشور حضور داشتیم . گروه ما دو نمایش در بخش مرور امسال دارد که هر دو کار را من نوشتم . هر دو کار هم برگزیده دو جشنواره ی دیگری هستند.

کار دوم را معرفی می کنید ؟

کار دوم دو روز دیگر در همین تالار اجرا می شود به نام " آسمان روزهای ابری " که آقای رسائی که بازیگر این نمایش هستند ، آن کار را کارگردانی کردند و من هم نویسنده ی آن کار هستم.

نظر تان در باره جشنواره امسال چیست ؟

به طور کلی ، به اعتقاد من ، نحوه ی برگزاری جشنواره های تئاتر در ایران غلط است . به نظر من در جدول جشنواره بهترین کارها را می توان در بخش مرور جشنواره دید و چقدر خوب است که بخش های دیگر حذف شوند . ما می توانیم در جشنواره ، مروری از اتفاقات تئاتری سال را مثلاً در یک ماه شاهد باشیم . این کار هم باید برای خودش ادله داشته باشد . وقتی در هر دوره ای دبیر عوض می شود ، کسی مثل من که بر حسب ارتباطی که آن دوره ، با دبیر جشنواره خواهم داشت ، باعث می شود ، در جشنواره ی بعد با عوض شدن دبیر ، نه او را بشناسم و نه هیئت انتخاب کار ها . چگونه می شود که یک هیئت بازخوان ، ظرف مدت ده روز ، چهارصد نمایشنامه را بخوانند و مورد قضاوت قرار دهند و بین شان انتخاب کنند . چنین کاری چگونه اتفاق می افتد ؟ این یعنی اینکه عدالت برقرار نمی شود .

همه ی فستیوال های دنیا ، هیئت های کارشناسی شان اتفاقات مهم دنیا را رصد می کنند . از پدید آوردندگان تئاتر دنیا دعوت می کنند که کاری برای جشنواره شان تولید کنند . چه قدر خوب است که روزی ما ببینیم جشنواره در ایران به این سمت رفته است . فراخوان ندهند ، بازخوانی نکنند و بازبینی نکنند ، بلکه هیئت کارشناسی داشته باشند مثل رسانه های مختلف از جمله وبسایت ها و خبرگزاری ها . وقتی می شنوند که یک نمایشی در شهری ، اتفاقی ایجاد کرده است ، بروند و در اجرای عمومی آن کار را ببینند و به گروه سفارش کار جدیدی برای جشنواره بدهند . این بهترین پیشنهادی ست که می توانم بگویم.

همه ی جشنواره های معتبر جهان که من می دانم ، شیوه انتخابی شان این گونه است . در جشنواره فراخوانی می دهند و یک عده کارها را می خوانند و بعد بازخوانی می کنند و بعد شعبده بازی می شود و مثلاً هفتصد متن را در پنج روز می خوانند . یا در جشنواره فیلم هم ، هشتاد کار را در چهار روز می بینند . چگونه این ها این تعداد کار را می بینند و قضاوت می کنند ؟ شاید اگر من منتخب دو جشنواره نمی شدم انتظار داشتم ، نمایشی که در شهر خودم اجرای عمومی کردم و به نظرم یک اتفاق تئاتری در شهر من بود ، به جشنواره راه پیدا کند . نمایش " توتو " را در بخش مرور فرستادم ولی انتخاب نشد . البته کار دیگری انتخاب شد که واقعا شایسته بود . کاری از آقای عشقی که بعد از بیست سال به تئاتر برگشته بود . و با خودش مخاطب بسیاری آورد . آن نمایش هم اتفاق مهمی بود . من انتظار داشتم در بخش مرور جشنواره ، آن کارم اجرا شود . از طرفی چون دو تا از بخش های جشنواره تلفیق شد و بخش جشنواره ی جشنواره ها حذف شد ، ما با این دو اثر در جشنواره حضور داریم.

وقتی "اولیور توئیست" مدرن می شود

نقد نمایش «اولیور توئیست» به کارگردانی "اصغر خلیلی"

"چارلز دیکنز" نویسنده نامدار و پرکار انگلیسی رمان «اولیور توئیست» را در فاصله سال های ۱۸۳۷ تا ۱۸۳۹ به صورت پاورقی برای ماهنامه "Bentleys Miscellany" نوشت. این رمان دومین اثر وی بود. شخصیت اصلی رمان پسر بچه یتیم و بی کسی است که ماجراهای پرفراز و نشیب بسیاری را پشت سر گذاشته و در پایان عاقبت به خیر می شود.

این رمان به واسطه قابلیت های دراماتیکش بارها مورد توجه دست اندرکاران سینما، تئاتر و تلویزیون قرار گرفت و از روی آن ده ها فیلم، نمایش، سریال، انیمیشن و ... ساخته شد. بیش از یک قرن از شهرت جهانی و فراگیر «اولیور توئیست» می گذرد و این رمان همچنان به عنوان یک منبع اقتباس مورد استفاده فیلمنامه نویس ها و نمایشنامه نویس ها قرار می گیرد. شناخته شده ترین اقتباس سینمایی از این رمان، فیلمی است که "دیوید لین" در سال ۱۹۴۸ با بازی "الگ گینس" در نقش فاگین ساخت. اقتباس "رومن پولانسکی" از این رمان در سال دو هزار و پنج نتوانست موفقیت «اولیور توئیست» "لین" را تکرار کند.



"اصغر خلیلی" با نمایش «اولیور توئیست» تلاش کرده تا اجرای مدرنی از رمان معروف دیکنز ارائه دهد. او با بهره گیری از المان های دنیای مدرن همچون موتورسیکلت، تلفن همراه، ماشین حساب، دستگاه پوز و ... پیام نمایش و محتوای منبع اقتباس را به روزگار فعلی تسری می دهد و بر این نکته تأکید می ورزد که هنوز هم اولیورهای زیادی در سرگردانی و نابسامانی به سر می برند و نسل بچه یتیم هایی که محتاج یک لقمه غذا هستند نه تنها منقرض نشده بلکه تکثیر هم یافته است. جک در جایی از نمایش می گوید: «برای زندگی دو تا چیز لازمه: یکی جای خواب، یکی غذا...»؛ این واقعیتی است که بر سرتاسر نمایش «اولیور توئیست» سایه می افکند و یادآور نظریه معروف "آبراهام مازلو" معروف به نظریه «سلسله مراتب نیازها» است که به این نکته اشاره دارد که تا نیاز انسان به غذا و در مرحله بعد نیاز به سرپناه برطرف نشود، نمی توان از او انتظار داشت که شخصیتش رشد و تعالی حاصل کند. "خلیلی" این میل مفرط و اجتناب ناپذیر به سیر کردن شکم را خیلی خوب به نمایش می گذارد چه در صحنه هایی که بچه های یتیم خانه به غذا حمله ور می شوند و چه در صحنه ای که اولیور (الهام شعبانی) کف خیابان به لقمه نانی که جک برایش پرتاب کرده، گاز می زند.

نمایش زیاد از کتاب فاصله نمی گیرد. ترتیب رخدادها تقریباً به همان گونه ای است که در کتاب آمده و بخشی از وقایع پایانی هم حذف شده است. "خلیلی" خیلی خوب رمان را خلاصه و فشرده کرده و از میدان دادن به ماجراهای جانبی و فرعی پرهیزی آشکار داشته که این رویکرد به سریع شدن ریتم نمایش انجامیده است.

مدیریت زمان کارگردان از صحنه افتتاحیه تا قبل از صحنه مکالمه برانلو (منوچهر علیپور) با مستخدمش مناسب است اما از این صحنه به بعد مدیریت زمان از دست کارگردان رها شده، نمایش از ریتم افتاده و صحنه‌ها بیش از اندازه به طول می‌انجامند.

روند تبدیل «رمان» به «نمایشنامه» و نمایشی کردن ماجراها قابل دفاع است. نقش‌ها به تبعیت از رمان در قالب «تیپ» پرورانه شده و گسترش یافته‌اند، نه در قالب «شخصیت»؛ این آدم‌ها بیشتر به جهان نمایش تعلق دارند تا به ادبیات و رمان دیکنز. «اولیور تویست» از آن دست رمان‌هایی است که تیپ/پرسوناژهای منفی‌اش بسیار قابل بحث و پر قدرت‌تر از پرسوناژهای مثبت آن هستند؛ فاگین چه در رمان دیکنز چه در بسیاری از تولیدات نمایشی و تصویری اقتباس شده از این رمان از نظر دراماتیک پرسوناژ قوی‌تر، پیچیده‌تر و نمایشی‌تری نسبت به اولیور دارد. فاگین یکی از بهترین تیپ/پرسوناژهای منفی در ادبیات کلاسیک محسوب می‌گردد که جاودانه شده و همچنان به عنوان یک تیپ یا کلیشه برای خلق مرد شارلاتان حریص در سینما، تئاتر و سایر هنرها مورد الگوبرداری قرار می‌گیرد. فاگین در نسخه سینمایی «دیوید لین» با ظاهر خاص و رفتار دافعه برانگیزش به عنوان یک یهودی که سلطان جیب برها است، معرفی می‌شود، این نکته اعتراض یهودیان را برانگیخت و تهیه‌کننده مجبور شد هفت دقیقه از کلوزآپ‌های «الگ گینس» را حذف کند، گروه بعدی همجنس‌بازها بودند که نسبت به ادا و اطوارهای گینس اعتراض داشتند به این ترتیب فاگینی که لین و گینس خلق کردند به قدری حساسیت برانگیز شد که نمایش فیلم تا سال ۱۹۵۱ به تعویق افتاد. «خلیلی» در نمایش «اولیور تویست» ضمن حفظ تیپ فاگین سعی کرده ویژگی‌های نمایشی ابداعی و جدید مورد نظر خودش را نیز به این شارلاتان پیر اضافه کند، اما در مورد نانسی (رامونا شاه) و اولیور او همان نانسی و اولیوری را به ما نشان می‌دهد که پیش‌تر از این در فیلم «دیوید لین» و انیمیشن‌ها و کمیک استریپ‌ها (کتاب مصور کودکان و نوجوانان) دیده ایم. در رمان، رابطه عاطفی نانسی و اولیور به قدری عمیق است که به رابطه مادر و فرزندی تبدیل می‌شود؛ دیکنز این رابطه را خوب و باورپذیر از آب در آورده است اما متأسفانه در نمایش این رابطه خیلی خلق الساعه و بدون پیش زمینه شکل می‌گیرد که احتمالاً ناشی از محدودیت زمانی و اصرار بر حفظ ریتم بسیار تند نمایش بوده است. بیلی سایکس (علیرضا مهران) و برانلو چندان مورد توجه نمایشنامه‌نویس نبوده‌اند و در مقایسه با رمان، شبی از آن‌ها در نمایش باقی مانده است. یکی از بزرگ‌ترین ایرادات وارد بر رمان دیکنز، عاقبت به خیر شدن اولیور به واسطه آشنایی با برانلو است؛ «خلیلی» با کمرنگ کردن «Happy End» رمان و جایگزین کردن آن با فینالی تفکر برانگیز و نه چندان خوش بینانه موفق شده تا بر این نقطه ضعف غلبه کند. نمایش در نقطه‌ای پایان می‌یابد که انگار هنوز هم آینده اولیور و همتایانش متلاطم و با تهدیدهایی مواجه است.

تلاش «خلیلی» برای نمایشی کردن رمان دیکنز و نوآوری‌هایش کاملاً مشهود است اما حاصل کار خالی از ایراد نیست. حرکات ریتمیک دسته جمعی بازیگران، اجرای قابل قبول، زمانبندی مناسب و تطابق درستی با موسیقی دارد. اجراکنندگان حرکات ریتمیک در برخی صحنه‌ها از خط خارج می‌شوند. با کمی هدایت، کنترل و تمرین بیشتر می‌شد هماهنگی بهتری برقرار کرد. ورود پرسوناژها از چهار جهت به صحنه پویایی خاصی به نمایش بخشیده است و فضا و موقعیت‌ها را طبیعی‌تر جلوه می‌دهد. در صحنه نشست مطبوعاتی محل استقرار دو مأمور عینکی نسبت به بامبل صحیح نیست، در چنین نشست‌هایی معمولاً مأموران بسیار نزدیک‌تر از آن چه که در نمایش می‌بینیم کنار شخص اصلی می‌ایستند. بخش عمده‌ای از باورپذیری تیپ‌ها مدیون بازی حرفه‌ای بازیگران و چهره پردازی بسیار حرفه‌ای نمایش است.

«خسرو شهراز» که در سال‌های اخیر بسیار پر کار شده و نقش‌های به چشم‌آمدنی و خاصی را می‌پذیرد، این بار در نقش فاگین خوش درخشیده است. او صدای انعطاف‌پذیر و بیان بسیار خوبی دارد و آنقدر بر میمیک مسلط است که می‌تواند زیر گریم سنگین هم احساسات و عواطف را در چهره‌اش بازتاب دهد. «نوشین تبریزی» یکی از خوش‌شانس‌ترین بازیگران این نمایش است زیرا موفق

شده یکی از به چشم آمدنی ترین نقش های نمایش (خانم مان) را از آن خود کند. رامونا شاه «ژست» های حساب شده ای دارد، بالاخص ژست نشستنش کاملاً دقیق و منطبق بر نقش است. گریمور نمایش درک درستی از تیپ ها داشته است، این درک درست در چهره پردازی فاگین، تابوت ساز، پزشک و خانم مان کاملاً نمود دارد. بازیگران تئاتر نیک می دانند که چقدر یک گریم خوب و حرفه ای می تواند به ایفای نقش شان مدد رساند. بازیگران «اولیور توئیست» بخش مهمی از موفقیت خود را مدیون هنر چهره پرداز هستند. نقش طراح لباس در فضا سازی و نزدیک کردن نمایش به حس و حال داستان غیر قابل انکار است اما حاصل کارش بدون ایراد نیست. لباس های نانسی و جک بیش از حد نو، تمیز و بدون لکه و چروک هستند، در حالی که محل زیست، سبک زندگی و شغل آدم هایی که این لباس ها را بر تن دارند، ایجاب می کند که پوشش کهنه و نه چندان تمیز و اتوکشیده داشته باشند. کلاه گیس ها خوش رنگ و خوش بافت و لباس ها خوش دوخت هستند. ظرافت های موجود در ظاهر آرائی بازیگران تحسین برانگیز است. در این زمینه می توان اشاره کرد به گوشواره، ساعت جیبی و شلاق فاگین یا زیورآلات خانم مان و نانسی.

به نظر می رسد کارگردان حین اجرا گاه بین ماجراهای مختلف و پرسوناژ های متعدد گیر می کند و موقتاً کنترل صحنه از دستش خارج می شود اما خیلی به موقع و درست لب مرز موفق می شود تا بر جریان کار مسلط گردد؛ نمایشی کردن رمان های حجیمی مثل «اولیور توئیست» به واسطه تعدد ماجرا و پرسوناژ واقعا دشوار است. «اولیور توئیست» تا روز هفتم جشنواره تئاتر فجر یکی از بهترین و حرفه ای ترین نمایش ها این رخداد مهم محسوب می گردد.

دکتر شهرام خرازی ها - نویسنده میهمان

ژاله صامتی : امیدوارم هنر جزء الویتهای دولت چه از لحاظ مالی و چه معنوی قرار گیرد



ژاله صامتی بازیگر و کارگردان تئاتر ، امسال در جشنواره تئاتر فجر با نمایش " برف سرخ " در دو بخش مرور تئاتر ایران و مسابقه مرور تئاتر ایران حضور دارد و قرار است این نمایش در آخرین روز جشنواره در تماشاخانه باران به روی صحنه رود . به این بهانه **تئاتر فستیوال** مصاحبه ای با وی انجام داده است که می توانید در ادامه بخوانید .

امسال چقدر کارهای جشنواره تئاتر فجر را دنبال کردید ؟

راستش را بخواهید من چون مشغول به کاری بودم تا به حال فرصت نکردم در جشنواره کاری ببینم ، به همین دلیل هم از مسئولین برنامه ریز جشنواره خواستم که اجرای نمایشم را در روز های پایانی جشنواره قرار دهند .
از شروع جشنواره من تمریناتم را برای نمایش " برف سرخ " که در بخش مرور اجرا خواهد شد ، شروع کردم ولی از طرفی چون ساعت تمرینات ما ۶ تا ۸ شب است ، دقیقا زمانی است که نمایش ها اجرا می شوند و به همین دلیل نتوانستم کاری را ببینم .

نظرتان درباره ی حاشیه ها و اخباری که از جشنواره به گوشتان رسید چیست ؟

می دانم که بودجه خیلی کمی برای جشنواره امسال در نظر گرفته شده است . از بودجه ی سال های گذشته اطلاعی ندارم ولی از همکاران شنیده ام ، بودجه ای که امسال برای گروه ها در نظر گرفته اند خیلی کمتر از سال های پیش است .
همین طور جشنواره امسال با کمبود سالن مواجه شده است . شنیده ام سالن هایی بودند که جشنواره توان پرداخت هزینه ی آن را نداشت .

تعمیر سالن های تئاتر شهر چه تاثیری داشت ؟

در حالت عادی هم ما سالن نمایش کمی داریم و حتی اگر یک سالن کم شود به خودی خود تئاترمان به مشکل بر می خورد . حالا که دو تا سالن تئاتر شهر در حال تعمیر است حتما مشکلاتی را برای جشنواره به وجود آورده است .

اجرای نمایش " برف سرخ " در جشنواره فجر چه تغییراتی نسبت به اجرای عموم دارد ؟

خیلی فرق عمده و کلی ندارد . من دلم می خواست ضعف های بازیگری و همچنین ضعف در میزانشن هایی را که فکر می کردم ، اگر روتوش شود بهتر است ، رفع کنم . به این دلیل که ما فرصت زیادی برای تمرین نداشتیم و بلافاصله آن را در حالی اجرا کردیم که سالن مناسبی در اختیار نداشتیم .
چون ما فرصتی نداشتیم تمرینی نیز نداشتیم و همچنین سالن مناسب برای این کار نداشتیم در واقع با شرایط آنجا کنار آمدیم اما الان شرایط بهتر بود و یک فرصت ۱۰ روزه نیز داشتیم . فکر کردم بد نیست هم بازیها و هم موسیقی را روتوش کنیم . خوشبختانه الان توانستیم با حوصله کار را به پیش ببریم که انشاء الله اگر فقط دو اجرا میرویم دو اجرای خوب داشته باشیم .

چون ما فرصتی نداشتیم تمرینی نیز نداشتیم و همچنین سالن مناسب برای این کار نداشتیم در واقع با شرایط آنجا کنار آمدیم اما الان شرایط بهتر بود و یک فرصت ۱۰ روزه نیز داشتیم . فکر کردم بد نیست هم بازیها و هم موسیقی را روتوش کنیم . خوشبختانه الان توانستیم با حوصله کار را به پیش

خوشبختانه الان توانستیم با حوصله کار را به پیش ببریم که انشاء الله اگر فقط دو اجرا میرویم دو اجرای خوب داشته باشیم.

کار بعدی تان در تئاتر چیست ؟

یک متن به ایرانشهر داده ام که فعلاً منتظر هستم جواب دهند ، اما هنوز جوابی نداده اند.

صحبت پایانی اگر دارید بفرمائید.

امیدوارم که برای همه ما در تئاتر اتفاقات خوبی رخ دهد . فرهنگ و هنر ، ته مانده همه چیز نباشد که در انتها اگر وقتی باقی ماند به آن فکر کنند . امیدوارم هنر جزء الویتهای دولت چه از لحاظ مالی و چه معنوی قرار گیرد و مسئولین بدانند که در غیر اینصورت دارند از یک مساله ی ریشه ای ، سرسری رد می شوند .

دانیال نمازی : نمایشنامه " کلفت ها " به دیدگاه ذهنی من نزدیک است

نمایش " کلفت ها " که برداشتی آزاد از متن " کلفت های " ژان ژنه بود ، در روز نهم بهمن ۱۳۹۳ در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر به کارگردانی **دانیال نمازی** در سالن استاد ناظرزاده تماشاخانه ایرانشهر به روی صحنه رفت . این اجرای ۹۰ دقیقه ای ، اولین کارگردانی **دانیال نمازی** است که به جشنواره بین المللی تئاتر فجر راه پیدا کرده است . مصاحبه خبرنگار **تئاتر فستیوال** با کارگردان جوان این نمایش را ، می توانید در ادامه بخوانید .

چه شد که به سراغ این متن رفتید ؟

متون زیادی را خواندم و بعد از ژان پل سارتر ، با ژان ژنه آشنا شدم . دیدم که می توانم این متن را کار کنم ، چون احساس کردم که به دیدگاه ذهنی من نزدیک است .

دیدگاه ذهنی شما چیست ؟

یک چهارچوب الکی برای همه تعریف شده که همه در آن به دنبال آرزوهای خودشان می گردند . حالا معلوم نیست که این آرزوها خوبند یا بد ؟ کلفتها ، ناخودآگاه به دنبال هویت خانم می گردند . چون کسی که این متن را می خواند ، احساس می کند که هویتش را از دست داده است . وقتی جلوتر می رویم ، می بینیم آدم هایی هستند که هویت آدمهای دیگر را از آن ها می گیرند و وقتی آن ها را به رسمیت می شناسندشان که مانند خودشان شده باشند . من این ها را در دوبخش گذاشته ام : یکی بخش روایتی بصورت اپرایی و دیگری بخش



متن اصلی نمایشنامه . دیگر را از آن ها می گیرند و وقتی آن ها را به رسمیت می شناسندشان که مانند خودشان شده باشند . من این ها را در دوبخش گذاشته ام : یکی بخش روایتی بصورت اپرایی و دیگری بخش متن اصلی نمایشنامه . بخش اپرایی به ملموس شدن متن اصلی و برداشت من کمک می کند . در بخش آوازی ، از یک بچه کوچک استفاده کرده ام و یک آدم بزرگ منقبض . ما وقتی بچه هستیم هیچ چارچوبی در زندگی مان نداریم . هر چه را که می بینیم ، می خواهیم : ما می خواهیم دکتر بشویم ، ما می خواهیم مهندس بشویم ، می خواهیم فضانورد بشویم و ... ولی به مرور زمان که سن مان بالاتر می رود ، چارچوب ها ما را دربر می گیرد و همین ، قدرت تفکر را از ما می گیرد . ما می توانیم خودمان را این قدر محدود نکنیم . کلفت ها ، حتی در آرزوهایشان هم خانم شان را نمی کشند . بازی می کنند و تا می خواهند خانم را بکشند ، ساعت زنگ می زند . چون دنبال 'هیچی' می گردند .

چند وقت تمرین داشتید ؟ و چطور به ایده های کارگردانی رسیدید ؟

شش ماه . فقط شش ، هفت ماه روی متن کار کردم . تصاویری در ذهن داشتم و طبیعتا در حین اجرا هم به ایده های جدیدی رسیدیم . در کل ذهن من ، تصویرسازی خوبی دارد .

در مدت تمرین بازیگر هم عوض کرده اید ؟

بله ، من وسواس زیادی روی بازیگر دارم . البته این طور نبود که با کسی شش ماه تمرین کنیم و کنار بگذاریمش ، بلکه خیلی ها آمدند و بازی کردند و به کار ما نمی خوردند که عوضشان کردم .

عکس هایی از نمایش خیابانی " آنتیگونه "



"پیرونی" بد بوی جشنواره ی تئاتر فجر

مطلب زیر از سری نوشته های مخاطبین عزیز است و انتشار آن الزاما مبنی بر تایید **تئاتر فستیوال** نمی باشد. همچنین خوانندگان می توانند هر گونه یادداشتی در تایید یا تکذیب این مطلب را به **تئاتر فستیوال** ارسال نمایند تا در بخش "یادداشت های شما" انتشار داده شود.

خاطره سروستانی - پیرونی پیتزای خوشمزه ای است ولی نمایش "پیرونی" چیز بدی از کار درآمد.

"پیرونی" به کارگردانی "مسعود طیبی"، نمایشی ست بی قصه، بی محتوا، بی مفهوم و بی انتها. نمایشی که تنها حرفش این بود که هرچه جلوتر بروی و مشکلی را بیشتر بشکافی، گندش بیشتر در می آید و بوی آن بلندتر می شود و گویی به همین دلیل است که کارگردان هم بدون اینکه به نتیجه ی خاصی برسد و یا حتی حرف خاصی بزند، نمایش را جمع می کند تا بوی آن بیشتر از این بلند نشود!

"پیرونی" سوژه ی بدی دارد. سوژه ای که نه گره ای در داستان ایجاد می کند و نه تعلیقی. سوژه ای تکراری که با بازی بد بازیگران و تپق های گاه و بی گاه آنها بیش از پیش خسته کننده می شود.

در این کار به ظاهر تئاتر، نه کارگردانی تئاتری است و نه بازی بد بازیگران که فقط با حرکت های مارپیچ و خنده دار خود در دکوری که ادای تئاتری بودن را در می آورد، حرکت می کنند. حرکت هایی که تماشاگران را هم به خنده ی تمسخر وار وا می دارد. در هر حال باید گفت "پیرونی" تنها ادای تئاتر بود، ادایی که به هیچ عنوان در حد و اندازه ی جشنواره ی بین المللی تئاتر فجر نیست.



"یک زندگی بهتر" یا مرگ غم انگیز یک فروشنده *

یادداشتی بر نمایش "یک زندگی بهتر" به کارگردانی شهاب حسین پور به بهانه نمایش آن در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

"یک زندگی بهتر" یک اثر جذاب و دیدنی است، با یک قصه ایرانی و به روز، یا دکور فعال و خلاقانه و کارگردانی و میزانشن اصولی و سرگرم کننده و البته بازیگرانی که به خوبی از عهده نقش خود برآمده اند.

قصه این نمایش، قصه خانواده ای است که از نظر مالی تحت فشار هستند و خانه محل سکونتشان در آستانه ی مصادره شدن است و بچه ها و مادر خانواده، پدر را مجبور می کنند که نقش یک جانباز را بازی کند تا با استفاده از مزایای جانبازی زندگی خود را نجات دهند، اما باعث مرگ پدر خانواده شده و در واقع او را می کشند.

"یک زندگی بهتر" در واقع همان داستان "مرگ فروشنده" آرتور میلر است که احتمالاً نویسنده ناخودآگاه دچار این شباهت شده، شباهتی که آسیبی به اثر نزده و البته کشف آن نیز نیازمند تیزبینی مخاطب است.

استفاده از مواد ساده برای طراحی دکور و توجه به جلوه های بصری مورد نیاز برای تعریف کردن هرچه بهتر نمایش، مخاطب را با صحنه ای ساده و کارآمد



مواجه می کند که فضا سازی مناسبی ایجاد کرده و بدون آزار چشم و یا به هم ریختگی های احتمالی، به بازیگران کمک می کند راکورد های خود را حفظ کرده و به بهترین شکل ممکن از عهده ایفای نقش خود برآیند.

میزانشن ها نیز کارآمد و ساده است و کارگردان به خوبی از عهده تئاتری کردن قصه برآمده و با استفاده ی درست از نور پردازی، هم مکان و زمان و موقعیت قصه اش را تعریف می کند و هم پرسوناژهای نمایشنامه را شخصیت پردازی کرده و به مخاطب معرفی می کند.

"یک زندگی بهتر" علی رغم داستان ساده اش، ریتم جذابی دارد و با گره ها و خرده پی رنگ های خود و تعلیق هایی که ایجاد می کند مخاطب را تا آخرین لحظه با خود همراه نگه می دارد و هر لحظه شوکه می کند.

نمایشنامه "یک زندگی بهتر" با کمی اصلاح و یک اجرای صد در صد کامل، که با کمی دست کاری همین اجرا قابل وصول است می تواند به یک اثر ماندگار تبدیل شود که همچون "مرگ فروشنده" علی رغم اجراهای متفاوت باز هم می تواند دیدنی باشد و فراموش نشدنی.

*اشاره به نمایشنامه ی مطرحی با نام "مرگ فروشنده" اثر آرتور میلر

دکتر المیرا نداف _ نویسنده مهمان

چیستا یثربی : " فقط به خاطر من " را از زندگی خودم الهام گرفته ام

چیستا یثربی پس از سه سال دوری از دنیای تئاتر ، امسال در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر با نمایش " فقط به خاطر من " شرکت داشته است . نمایشی که در پنجمین روز جشنواره تئاتر فجر در سالن چهارسو از مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه رفت و مورد استقبال قابل توجهی از جانب مخاطبان قرار گرفت . خبرنگار تئاتر فستیوال گفت و گویی را با چیستا یثربی انجام داده است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .

در ابتدا لطفا توضیحی در مورد نمایشنامه " فقط به خاطر من " و ایده ی شکل گیری آن بدهید .

ایده ی نمایشنامه ی " فقط به خاطر من " یک شبه به ذهن من نرسید . من تقریباً پنج سال یعنی از سال ۸۶ با این ایده زندگی کردم . کم کم پایه ی اساسی نمایش " فقط به خاطر من " نوشته شد . این نمایش در مورد یک زن حساس نویسنده است که به دلیل کج فهمی های اجتماع از رفتارش ، خودش هم نسبت به خودش دچار سوتفاهم می شود و فکر می کند راه را در زندگی اشتباه رفته و نمی تواند عشقی که نسبت به دخترش دارد را به او ابراز کند و خیلی اوقات از راهی که انتخاب کرده است پشیمان می شود . در ذهنش یک مرد ناجی وجود دارد که گاهی در قالب رفتگر شهرداری



و گاهی در قالب پزشکش و گاهی در قالب پلیس ۱۱۰ با او درد دل می کند و فکر می کند این ها می توانند مشکلش را حل کنند . او همه چیزش را از دست می دهد حتی عشق دخترش را ، و می بیند که دخترش یک خانم سی ساله شده است و علاقه ای به مادرش ندارد . ناگهان که دوباره به جوانی این زن برمی گردیم تصمیم می گیرد که نوع زندگی اش را عوض کند . تصمیم می گیرد منتظر نباشد تا دیگران برای او تصمیم بگیرند و دیگران کمکش کنند . در آخر به خود آگاهی و خودباوری جدیدی می رسد و اینکه تا خودش پنجره ی خانه خودش را نشکند و داخل نرود (چون وقتی آمده بود آشغال را پشت در بگذارد ، پشت در مانده بود) حتی اگر به او دیوانه و غیر متعادل بگویند ، کاری پیش نمی رود و در آخر می گوید من مجبورم این پنجره را بشکنم ، مواظب باشید خرده شیشه روی سرتان نریزد . یعنی پس به یک تعاملی هم با مردم می رسد . به هرحال به داخل خانه می رود . خانه ای که سال ها درش به روی او بسته بوده است . این خانه تمثیل است . خانه جایی است که انسان به آنجا تعلق دارد . جایی که قلبش و دخترش در آن است و جایی که خلاقیتش در آن شکوفا می شود . این جمله ی آخر نمایش خیلی برای من مهم بود و چند بار به بازیگرم گفتم یادش باشد این جمله را بگویی "مواظب باشید من می خواهم این پنجره را بشکنم ، خرده شیشه ها روی شما نریزد" . خرده شیشه ها تمثیل از خرده شیشه های اجتماعی است . من دوست دارم این را پررنگ کنم . ما دائم داریم در میان خرده شیشه های دیگران راه می رویم . یعنی دیگران قصد نداشتند ، ولی زمین را پر از خرده شیشه کرده اند، مثل کسی که پوست موزش را روی زمین بیاندازد ولی قصد زمین زدن من را نداشته ، ولی چون پوست موزش را به زمین انداخته است من زمین می خورم . مردم جامعه ما هم بدون اینکه بدجنس باشند و بدون قصد قبلی گاهی خرده شیشه هایی روی سر آدم

می ریزند که سال ها طول می کشد که آنها را جمع کنیم . این زن این تذکر را می دهد که من می خواهم پنجره را بشکنم ، مواظب باشید خرده شیشه روی سرتان نریزد .

به طور خلاصه داستان "فقط به خاطر من" راجع به محرومیت های یک انسان خلاق است . یک انسان اگر نتواند خلاقیت داشته باشد به خود ویرانگری می رسد و دچار سرکوب می شود و این خلاقیت را در خودش سرکوب می کند و دچار پرخاشگری و افسردگی می شود و سیری را طی می کند که زن نمایش ما طی می کند . پس در واقع این نمایش در مورد خلاقیت و انکار خلاقیت توسط جامعه و تلاش زن برای رسیدن به مفهوم جدیدی از خلاقیت است . و آن این است که اگر بتوانید با خودتان کنار بیایید و اگر بتوانید خاطره ی خوبی با خودتان و افراد خانواده تان بسازید ، حرف دیگران ، دیگر نباید برای شما مهم باشد و هر قضاوت بی معنایی برای شما بی اهمیت می شود . این زن دائما از قضاوت مردم می ترسد و در پایان به این نتیجه می رسد که خودش راه سرنوشت خودش را دنبال کند ، ستاره ی خودش را دنبال کند ، حتی اگر این ستاره برای دیگران اصلا ندرخشد و فقط برای تو بدرخشد ، در نهایت به رستگاری می رسد و گر نه رستگاری وجود ندارد و در این دنیا فقط حبس است . این یکی از معدود نمایشنامه های من است که امیدوارانه تمام می شود . چون در اکثر نمایشنامه های من همه در آخر می میرند . در این نمایشنامه این خانم نمی میرد . خیلی در مورد انتهای آن با گروه بحث می کردیم و بعضی از آقایان گروه دلشان می خواست که این خانم در آخر بمیرد . گفتم چرا باید بمیرد ؟ بلند می شود و راه زندگی اش را عوض می کند . اینطور بود که "فقط به خاطر من" به وجود آمد.

بعضی از صحنه ها بارها و بارها در سر تمرین و حتی بعد از تمرین بازنویسی می شد . امروز به بازیگرم زنگ زدم و گفتم : "در آن صحنه ای که می روی و از آقا کریم نمک بخری و با او سر نمک دعوا می کنی ، باید بگویی که مگر روی نمک ننوشته است دو هزار و صد و بیست تومن ، چرا شما دو هزار و دویست می گیرید . " بازیگرم گفت : "مگر قرار است باز هم اجرا برویم ؟" گفتم : "نه عزیز من این متن همچنان در ذهن من سیال است و تغییر می کند . " من به این متن افتخار می کنم و به آن پیشنهاد چاپ دادند و خوشبختانه در این دو اجرا با استقبال خوب مردم روبرو شد و من شرمنده دویست نفری شدم که در سانس دوم پشت در ماندند که خانواده بچه های گروه هم جزو آن افراد بودند که بلیط داشتند و جا نبود . در جمعیت برخی افراد ناجور هم بودند . من خودم ندیدم ولی دخترم می گفت مثلا یکی روی سر دیگری آشغال مداد تراش می ریخت و یا دیگری کاغذ می ریخت و چطور شده است اینها را راه داده اند ؟ بعد پدر یکی از بچه ها به نام الهه در نقش دختر خانواده پشت در ماندند . این ها بلیط داشتند ولی نتوانستند وارد سالن شوند .

باید بگویم متأسفانه هفتاد درصد اجرا دیده شد . چون اجرای پر تنشی بود و ما در سانفیس بین صحنه ها را تاریک نمی کردیم و نور آبی و سبـز می دادیم ، ولی در سانس دوم دیدم مردم به بازیگر ها متلک می گفتند ، مثلا وقتی بازیگر خم می شد تا از زیر میز چیزی بردارد ، می گفتند بازیگر پشتش را به مردم کرده است . مجبور شدم سانس دوم را تغییر دهم . ولی خوشحالم که کار من طوری بوده که مردم حتی اگر متلک هم می گفتند ، آمده بودند کار را ببینند . انشالله در اجرای عمومی اشکالات جبران می شود . مثلا ما اینجا اسم آن دختر را مریم گذاشته بودیم ولی در صورتی که یک اسم عجیب و غریب مثل من داشت که پلیس به او می گفت چرا اسم به این بدی داری ؟ مگر جزو اقلیت هستی که این اسم را روی تو گذاشته اند . که دختر می گوید خب پدر من را نبش قبر کنید ، آخر همیشه این حرف را به من هم می زدند حتی در حراست صدا و سیما و مثلا من را جزو هیات علمی نکردند و استخدام نکردند چون گفتند اسمش اقلیت است . من شیعه ام و سید هم هستم . تازه اگر اقلیت هم بودم مشکلی نداشت . چیستا در ایران باستان یعنی دانش و دارایی . در متن من هم اسم دختر کار "کیارا" ست . کیارا در فارسی یعنی غم . پلیس به او می گوید چرا پدرت اسمت را گذاشته غم ؟ می خواسته غم را در جامعه رواج بدهد . این ها دیگر سانسور شده بود و انشالله در اجرای عمومی می آید .

این نمایش خیلی حدیث نفس بود ، اصلا نمی خواستم اینطور بشود . می خواستم در مورد جامعه شناسی هنرمندان باشد که نتیجه شد جامعه شناسی زنان تنهای هنرمند . زنانی که مردی پشت سر آنها نیست که عربده بکشد و حق آنها را بگیرد . خودشان باید حقشان را بگیرند . آن صحنه ها همه واقعی بود . من بدون اینکه بخواهم به این سمت کشیده شدم . برای اینکه در این سه سال از تئاتر محروم بودم و در واقع این نمایش یک جور افشا گری بود . یعنی من هم خودم را شدید زیر نقد بردم ، دخترم گفت : "نترسیدی پشت سرت بگویند دیوانه است ؟!" گفتم : "نه می گویند دیوانه

است ولی هم خودم را نقد کردم و هم مردمی که باعث می شوند یک نفر از نظر آنها دیوانه جلوه کند".

گویا به دلیل ازیاد جمعیت مجبور شدند دکور را عقب تر ببرند - این اتفاق میزانشن های شما را هم تغییر داد؟

در میزانشن من همانطور که زن پنجره را می شکند ، باید بین مردم می آمد . ولی نمی شد . شما جمعیت را دیدید . باید ابتدا نیمکت را می انداخت و خودش را به داخل خانه می کشید و می گفت : " سلام دخترم " و کار با این تمام می شد . به بازیگرم گفتم : " چرا نگفتی ؟! " ، گفت : " جا نبود . اصلا جا نبود که من به داخل مردم بروم " .

ما از نیمکت به بعد شروع می کردیم . چند بار به ما گفتند دکور را عقب تر ببرید . یعنی ما که در اول آمدم دکور نیمکت ، جلو بود . چون اصلا لازمش نداشتیم . طراح صحنه ی من نیز آخر اجرا به کار اضافه شد و از اول کار با من نبود . تمام میزانشن ها ، روزنامه ها ، چهارپایه و نیمکت خلایقیت های خودم بود که به شخصه به آن رسیده بودم . حتی طراحی لباس . من به مارال مختاری گفته بودم یک پایش را دمپایی انگشتی بپوشد و پای دیگر را پوتین . چون خود من هم این گونه دم در آشغال خالی می کنم و همه چیز را از خودم الهام گرفته بودم . ولی آنقدر که جمعیت زیاد بود ، دکور از خط نوری خارج شد و نور روی صورت پسر نیفتاد . برای اینکه دکور از خط خارج شده بود . این اولین سال من که نیست ، من ۱۳ سالم بود که اولین فجر را شرکت کردم و الان هم ۴۰ سال را رد کرده ام . در نمایش هم زن می گوید سی و چند سال ، من هم دقیقا نمی دانم چهل و چند سالم است .

این مهم است که انشالله به ما اجرای عموم بدهند . من " میرزاده ی عشقی " و " چنگیزخان " را در فجر اجرا کردم که هرگز اجرای عموم نگرفتند . نمی خواهم داغ این اجرا هم روی دلم بماند .

پس در واقع " فقط به خاطر من " خط پایانی است بر گوشه گیری شما از تئاتر ؟

گوشه گیری من فقط در تئاتر بوده و در رمان و قصه و شعر من به شدت فعالیت داشته ام و کتاب چاپ کرده ام . چند قصه نوشته ام که کاندیدای کتاب سال و چند شعرم کاندیدای جایزه ی پروین اعتصامی شد . ولی در تئاتر فقط داوری استانی و منطقه ای را بر عهده داشتیم . خب این به چه کار من می آید ؟ رفتن و آمدنش بد نیست و در ضمن بدون پول بود چون هنوز پولش را بعد سه سال به من نداده اند . من دائما به آقای قادر آشنا و آقای طاهری می گفتم من می خواهم کارگردانی کنم . می گفتند نه یک سنی دارد و بازنشسته شده اید . می گفتم پس چرا آقای سمندریان کار می کردند و یا الان هم آقای یعقوبی از من بزرگتر است . بروید به آقای یعقوبی بگویید بازنشسته شود . چرا به من می گویند ؟ آقای یعقوبی از من دیرتر وارد تئاتر شد . آقای یعقوبی سال ۷۷ اولین کارش را انجام داد یعنی ۱۰ سال بعد از من . من سال ۶۷ در فجر جایزه گرفتم .

خانم یثربی شما جشنواره ی فجر امسال را بطور کلی از لحاظ مدیریت و کیفیت آثار چگونه ارزیابی می کنید؟

من کارها را ندیده ام و از این و آن می شنوم که کارها خیلی خوب نیست . بخصوص کارهای بین الملل که مردم انتظار بیشتری دارند . من فقط از دوستان خبرنگارم می شنوم و نظر مردم عادی را نمی دانم . من هنوز کاری را ندیده ام و فقط وقت کرده ام در این یک روز که کار ما تمام شده است یک کار را ببینم که آن کار هم کاملا معمولی و متوسط بود و در حد فجر نبود . به نظر من مدیریت تمام تلاشش را کرده است ولی پولی در بساط نبوده و بودجه کم بوده است . مثلا گروه ما بدون هیچ چیزی دکور زد . خب این درست نیست که ما با گروهی که ۶۰ روز تمام در سالن اصلی یا سالن بزرگ اقدسیه اجرای عمومی داشته است ، قیاس شویم و حالا با ما در مسابقه ی بین الملل باشد . ای کاش بخش مرور با هم مسابقه می دادند و بخش ما جدا مسابقه می داد . من نمی توانم در مورد مدیریت آقای صالح پور نظر بدهم . من با آقای صالح پور همکاری بوده ام و می دانم که آدم منظمی است اما فکر می کنم که دستش بسیار در بودجه و زمان بسته بوده و دیر به او گفته اند که دبیر جشنواره است . باید منتظر ماند که اگر ادامه دار است و اینکه ایشان مدیر مرکز بشود و یا دبیر سال آینده آن وقت من نتیجه را بگویم . الان نمی توانم اظهار نظر کنم چون اظهار نظر عادلانه ای نخواهد بود .

حرف من این است که هر قدمی را نمی شود پیشروی دانست ولی برای پیشروی راهی به جز قدم برداشتن نیست . من معتقدم جوان هایی که به این عرصه آمده اند ، خیلی ها از دانشگاه آمدند و خیلی ها از دانشگاه نبودند و چیزی که من می دیدم خیلی از آنها دستیار من بوده اند و از حیطه ی تئاتر تجربی به فجر آمده اند و دانش آموخته ی تئاتر نیستند ، این ها مهم نیست . مهم این است که هر گامی را که ما برمی داریم ، نترسیم . شاید پیشروی نباشد و شاید حتی پسروی هم باشد . ولی برای جلو رفتن در زندگی راهی به جز قدم برداشتن نداریم . من همیشه در مقام یک نویسنده و هنرمند به خودم می گویم شاید کار من در فجر آن ایده آلی که می خواستم نبود ، من دکور و نور و بازی های کارم را خیلی ایده آل تر می دانم ، اما راضی بودم . چون بهتر از سه سال در خانه نشستن و حسرت تئاتر خوردن بود . بهتر از این بود که من در فجر های پیش ، دست به دندان می گزیدم که ای کاش من هم کاری را به روی صحنه می بردم و کاش به من این اجازه داده می شد . بنابراین برای پیشروی کردن راهی جز قدم برداشتن نیست . گاهی زمین می خوری و گاهی نیستی . خوشبختانه گروه ما زمین نخورد . به همین دلیل خدا را شکر می کنم . واقعا این آرزو را دارم که اجرای عموم داشته باشیم ، چون خیلی از پدر و مادر بچه ها نتوانستند این کار را ببینند و واقعا آن شب فاجعه بود . آن شب دائما در اتاق فرمان به من می گفتند شروع نکن ، مردم دارند شلوغ می کنند و سانس سوم می خواهند . من گفتم که حاضرم سانس سوم را داشته باشم ، ولی خب بخش هماهنگی اداری باید راضی می شدند که اینطور نشد . انشالله در اجرای عمومی .

عکس هایی از نمایش خیابانی "پازل زندگی"



مهدی تقی نیا : مدیران اجرایی جشنواره باید اعضاء تئاتر باشند



مهدی تقی نیا ، بازیگر پشکسوت تئاتر و سینمای کشور است که چندی پیش در نمایش " باغ دلگشا " به ایفای نقش پرداخته است . خبرنگار **تئاتر فستیوال** به بهانه ی سی و سومین جشنواره تئاتر فجر ، گفت و گویی را با وی انجام داده و نقطه نظرات او را راجع به جشنواره تئاتر فجر و مدیریت آن جویا شده است که می توانید متن مصاحبه را در ادامه بخوانید :

تا کنون در جشنواره تئاتر فجر چه آثاری را دیده اید ؟

من چیزی حدود ۵ کار را دیده ام . فقط کافی بود که یک یا دو کار را ببینم و به نظرگاهی که لازم است ، برسم . قرار است کار آقای قطب الدین صادقی ، " عزیز سنگال " و کار کشور لهستان و ... را ببینم . من کار " اقیانوس آرام " را در سالن ایرانشهر ، " ملاقات با بانوی سالخورده " و ... را دیدم . نظرگاهی در رابطه با جشنواره در حال حاضر دارم که اگر مدنظر شما باشد برایتان توضیح می دهم .

بفرمایید . با کمال میل منتظر نقطه نظرات شما هستیم .

آنچه که به شکل قطعی برای من روشن شده و با بقیه دوستان هم که صحبت کردم ، تقریبا با من هم نظر بودند این است که مدیران اجرایی جشنواره به هیچ وجه درد جامعه تئاتری را نمی دانند و درک نکرده اند . من اخیرا شنیدم که عده ای جوان به دفتر آقای مرادخانی رفته اند و درباره تحلیل وضعیت جامعه تئاتر گفت و شنود کرده اند . من می گویم اگر معاونین وزارت ارشاد ، روسای هنرهای نمایشی و همین طور مدیران اجرایی جشنواره کمی جامعه تئاتری را درست تحلیل می کردند ، این اشتباهات را انجام نمی دادند . مثلا کاری را در بخش مرور آثار دیدم که اصلا جایش در بخش مرور آثار نبود و می توانست در بخش مسابقه شرکت کند چرا که کار ارزشمندی بود . همه این ها یک چیز را ثابت می کند که مدیران اجرایی یا به هیچ وجه تئاتر را نمی شناسند یا اگر تئاتر را می شناسند ، دانششان بسیار اندک است و درد جامعه تئاتری را نمی دانند . من جوانان را بسیار دوست دارم و بسیار برای آنها کار می کنم ، عده زیادی شاگرد داشتم و همه صادقانه به من علاقه مند هستند چرا که من به آنها بها می دهم . ولی قرار نیست که معضل تئاتر را جوان بیست ساله بدانند ، بلکه یک قدیمی اهل تئاتر می داند که مسائل و مشکلات تئاتر چیست . الآن من در مطبوعات می خوانم که قرار است ، خیابان هنرمندان نامگذاری شود ، به نظر من اول بیایند تکلیف هنرمندان را روشن بکنند و یک بار اهمیت لازم را به هنرمندان بدهند ، بعد راجع به خانه آنها حرف بزنند . به عنوان مثال من چهل و دو سال است که تئاتری هستم ، یعنی کار اولم سال هزار و سیصد و چهل و دو در تالار مولوی تهران بود ، اما الآن یک جوان هجده ساله کارت VIP دارد ، من تئاتری چهل و دو ساله ندارم ، این درد است . من دوست دارم این ها منعکس شود که چرا یک بلیت یا یک کارت نباید در دست من و امثال من باشد .

راجع به کاری که گفتید ، حیف است که در بخش مسابقه نیست و فقط در بخش مرور است برایمان می گوئید ؟

بله ، کار " ملاقات با بانوی سالخورده " ، که اثر قابلی است ولی فقط در بخش مرور آثار حضور دارد . این اثر در جشنواره عروسکی جایزه برده است

و به همین دلیل اجرای عمومی کوتاهی به آن داده اند در حالی که اثری بود که مخاطب به دیدن آن می رفت و از دیدنش لذت می برد و متاسفم که چنین اثری دیده نمی شود و در جشنواره هم فقط در بخش مرور قرار می گیرد.

من کاری از مشهد به اسم " اقیانوس آرام " را دیدم ، کار ، خارق العاده نبود ولی به قدری نرم و آسوده این اثر اجرا شد و بازیگران بدون اینکه تماشاچی را آزار دهند ، صحنه را عوض می کردند . تماشاچی حتی یک نفس بی مورد نکشید و این نشان از احترامی است که مردم برای تئاتر قائل هستند ، احترامی که مسئولین برای تئاتر قائل نمی شوند . من کارم را آخر مهرماه انجام داده ام اما هنوز قسط های کار ما پرداخت نشده است و این ناشی از این است که دغدغه تئاتری در بین مسئولین نیست . من اعتراضی ندارم که چرا به من پولم را نداده اند اما اعتراض دارم که چرا به من کارت VIP نداده اند.

بخش بین الملل جشنواره را چه طور دیدید ؟

من کار آلمان را در این بخش دیدم . متاسفانه سالهای پیش آقای اکبر زاده نامی بودند که بسیار فرد فنی و متخصصی بودند و همه کار ها را مخاطب همزمان ترجمه اش را می دید ، چون مخاطب نمی تواند به همه زبان ها مسلط باشد ، ترجمه در فهم اثر بسیار کمک می کرد . کار کشور فرانسه را چون فرانسه نمی دانم ، سعی می کردم از رفتار و حرکات ، به عنوان یک تئاتری ، بهره لازم را ببرم و از آنها دیالوگ بسازم ولی مطمئنا این کل و فلهای اثر نیست و من فقط می توانم برداشتی از اثر داشته باشم . خب ، این اثر بدون بالانویس و ترجمه اجرا شد . حالا باید کار لهستان را هم دید که از نظر صحنه پردازی ، ترکیب صحنه و لباس و صدا و نور و میزانشن و ... چگونه اند ، اجزایی که برای ما تئاتری ها شور انگیز است و تئاتر را با این نمادها و نشانه ها می توان درک کرد . اما این قصور است که اگر پنج سال پیش اتفاقی افتاده است چرا یک کار خوب نباید تکرار شود ، تا روز به روز اهمیت جشنواره از نظر بین المللی بیشتر شود . نه این که همین طور باری به هر جهت گروه هایی بیایند ، کارها اجرایی داشته باشند . ما باید به سوی تئاتر زنده دنیا برویم و به آن سو نگاه کنیم و اساسا هدف جشنواره بین المللی این است . جشنواره تئاتر باید به عنوان تئاتر بررسی شود و سایر مسایل سیاسی و ... نباید در آن دخیل شوند . جوان های ما هم باید دیده شوند و به صرف اینکه پیشکسوتی در اثری حضور ندارد ف نباید آن اثر محجور بماند .

چه پیشنهادی برای بهبود اوضاع جشنواره دارید تا مشکلاتی که اشاره کردید ، حل شوند ؟

مسئولین اجرایی جشنواره باید قبل از شروع جشنواره جلساتی با اهالی تئاتر بگذارند ، آراء آنها را جمع آوری کنند و بر مبنای آن آراء بلیت چاپ و پخش شود ، مهمان ها و افرادی که باید دعوت شوند مشخص بشوند ، نه این که در بازار تهران دسته دسته بلیت تئاتر به فروش برسد و روی پله های تئاتر شهر فله ای بلیت تقسیم شود . ولی وقتی حتی دو روز مانده به جشنواره کسی ، اعضاء تئاتر را صدا نمی کند که بیا و نظرت را بگو ، اجماع نظرات را نمی گیرند و اوضاع تغییر نمی کند . مثلا آنان که فرنگ رفته اند و یا فرنگ درس خوانده اند و با فرهنگ آن کشور ها آشنایی دارند ، باید از تجربه آن ها استفاده شود . شما وقتی در لهستان به دیدن یک نمایش عروسی می روید ، آنقدر برای شما ارزش قائل می شوند که مخاطب را شرم—نده می کنند. اما تئاتری ما را کسی که شاید قبلا نگهبان بیمارستان بوده و الان نگهبان سالن تئاتر است ، مورد اهانت قرار می دهد ، اگر من چهل و دو سال در یک بقالی کار کرده بودم ، الان به من می گفتند حاج آقا تقی نیا !!! من هزار و هشتصد دقیقه تله تئاتر و سریال بازی کرده ام و کارهای زیادی را به عنوان کارگردان و نویسنده انجام داده ام . من خودم را در تالار وحدت آزمایش کرده ام تا ببینم من شصت ساله می توانم کنار جوانان کار کنم و بعد از هجده سال روی صحنه تالار وحدت رفتم . ما انگیزه کار کردن داریم ولی چرا بی کار هستیم و چرا به ما بها داده نمی شود و وصله ناجوریم . من اخیرا از یکی از مدیران اجرایی شنیدم که شما ولی نعمت ما هستید ، اما باید به ایشان گفت که آقای عزیز اگر تئاتری ولی نعمت تو است پس چرا یک سال است که تو را یک دقیقه هم از نزدیک ندیده است ؟! اما برای فلان اسپانسر که قرار است برجی را بالا ببرد ، هزاران دقیقه وقت دارید ! شما وقت برای من و امثال من است . خود امام گفتند که شماها ولی نعمت های ما هستید . پس چرا رعایت نمی کنید ؟! من به عنوان پیشنهاد می گویم که دبیر جشنواره باید اعضاء خانه های تئاتر را بیاورد و با آنها جلسه بگذارد که آنان به چگونگی برگزاری جشنواره رای بدهند و خودی و غیر خودی نکنند که این نگاه واقعا غلط است . باید در راس این امور تئاتری ها باشند و مدیران اجرایی این جشنواره ها اعضاء تئاتر باشند.

مصطفی عبداللہی، کارگردان نمایش "در اعماق": هنرمند تمام شدنی نیست



مصطفی عبداللہی در سی و سومین جشنواره ی تئاتر فجر نمایش "در اعماق" بر اساس نوشته ی ماکسیم گورکی را به روی صحنه می برد. **تئاتر فستیوال** به همین بهانه مصاحبه ای اختصاصی در باب جشنواره فجر و نمایش "در اعماق" با ایشان داشته است.

پیشرفت کارهای مربوط به اجرای نمایش "در اعماق" تا الان چطور بوده است؟

ما کار خودمان را انجام می دهیم. دکور بسته شده و در حال آماده کردن نور هستیم که انشالله بتوانیم امروز بعد از ظهر اجرا داشته باشیم.

انشالله. تا الان از مدیریت جشنواره راضی بوده اید و با شما همکاری داشته اند؟

چه بگویم، چیزی نگویم بهتر است.

تا الان برای اجرای نمایش "در اعماق" با مشکلی مواجه نشدید؟

مشکل همین است. وقتی جشنواره ای برگزار می شود. ما توقع داریم از طرف

جشنواره بیایند و به کارها سربزنند و ببینند و با ما ارتباط داشته باشند. لازمه ی نمایشی در قد و قواره ی "در اعماق" گورکی " این بود که مدیران تئاتر و نه فقط مدیران جشنواره، مدیران تئاتر این کشور می آمدند. حتی آنها باید تقاضا می کردند که ما می خواهیم نمایش شما را ببینیم و در صورتی که مورد پسند ما واقع شد ما با شما قرارداد ببندیم و شما اجرای عمومی داشته باشید. نه اینکه این قدر دلسردی و کم محلی و بی خبری باشد و اگر کسی با دیگری در ارتباط باشد، نمایشش روی صحنه برود و اگر با آنها در ارتباط نباشید و جزو هزار فامیل نباشید، باید یک پروسه ی چندین و چند ماهه را طی کنید که آیا می شود و یا کی سالن در اختیارتان قرار می گیرد که دوباره سی نفر را دور هم جمع کنید و دوباره تمرین بگذارید و آماده شوید و بخواهید روی صحنه بروید. من الان داشتم صحبت می کردم که امشب باید دکور ها را جمع کنیم و در گاوداری که اطراف بهشت زهرا پیدا کرده ام بگذاریم و ببینیم که چه زمانی به من برای اجرای عمومی سالن می دهند. من که چهل و پنج سال کار تئاتر انجام می دهم!

به هر حال این که من باید به راحتی بعد از جشنواره اجرای عمومی می داشتم. ولی متأسفانه کدام مدیر تئاتری تا الان به من گفته است که فلانی کار تو چیست و چه کرده ای؟ این ها چه کاره اند؟ مگر مدیر تئاتر نیستند؟ منظورم همه ی آن ها از بزرگ تا کوچکشان است. من که نباید بروم و تقاضا و التماس بکنم. من به بزرگ تر از آن ها هم التماس نمی کنم. این ها که از نظر من هیچ هستند. این ها باید بیایند، ما هنرمند هستیم. این ها که هنرمند نیستند، مجری اند. تا الان پانصد مدیر مختلف در این سالن ها آمده و رفته اند ولی من هنوز هستم. هنرمند تمام شدنی نیست.

صحبت از مدیریان شد، آیا از لحاظ مالی شما را حمایت کرده اند؟

بله. یک مقدار چیز هایی داده اند که در حد تهیه لباس و دکور و این چیز ها است. ولی به عنوان دستمزد حتی یک، یک ریالی پرداخت نشد.

آیا دکور همان چیزی که شما می خواستید شد ؟

نه خیلی.

آقای عبداللهی شما فرصت داشتید در جشنواره نمایشی ببینید ؟

اصلا . من به خاطر اجرای امشب تمام این روز ها را مشغول تمرین بودم و یک کار هم ندیده ام.

روند جشنواره ی امسال را چطور دیدید ؟ اگر انتقاد یا پیشنهادی برای این روند و سال های بعد دارید ، بفرمایید.

چون من کاری ندیده ام واقعا نمی توانم قضاوت کنم . اما همه ی این چیز هایی که گفته شد به جشنواره و کلیت مدیریت تئاتر آن منطقه بر می گردد . من اصلا با شخص خاصی کار ندارم . این مشکل تبدیل به اپیدمی شده است . این اپیدمی باید درمان شود و از بین برود.

اگر حرفی دارید که باید گفته شود ، بفرمایید.

حرف این است که به هر حال یک گروه حرفه ای ، یک کار حرفه ای انجام داده است و قرار هم نیست با این طرف و آن طرف رفتن و التماس برای اجرای کار ، کار را پیش ببرد . ما کار را برای تماشاگر ساخته ایم . برای جشنواره کار نکرده ایم . کار برای تماشاگر و مخاطب است . و اگر این ها واقعا مدیر هستند ، این وظیفه ی مدیر تئاتر است که کارها را ببیند و کارهایی که واقعا توانایی برخورد با تماشاگر را دارند ، انتخاب کنند و شرایطی فراهم کرده تا تماشاگر تئاتر را ببیند . به هر حال ما باید به دنیا نشان دهیم که ما هم در تئاتر می توانیم کارهای بزرگ انجام دهیم.

"مروارید" ی که تباه نشد

یادداشتی بر نمایش "مروارید" به کارگردانی سروش طاهری به بهانه نمایش آن در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

"مروارید" ترکیبی است از یک نمایشنامه عالی و یک کارگردانی درست، اصولی و البته به روز.

فضاسازی نمایش که حاصل نورپردازی هدفمند و حرفه ای و موسیقی هم نوا با داستان نمایشنامه است، تماشایی را خواهی نخواهی دچار رعب و وحشتی می کند که خواسته کارگردان بوده و بازیگران نیز در راستای همین القاء ترس و وحشت، بازی خوب و درستی را از خود نشان می دهند.

دکور و طراحی صحنه نمایش بسیار کارآمد و اصولی است و صد در صد در خدمت اجرای هرچه بهتر نمایش. نمایی از یک کتابخانه ویران و سوخته در یک سو و یک لباس عروس بزرگ بر روی ماکت بدون سر در سوی دیگر صحنه، ابتدا به ساکن مخاطب را در مکان و موقعیت قصه قرار می دهد: ایران، زمان حمله مغول.

انتخاب لباس بازیگران مرد اما به ماجرا رنگی امروزی می دهد، مردانی درشت اندام، در لباس کم‌اندوپی سیاه و سرپند سیاه و نقاب سیاه که تماشایی امروز روز را خواهی نخواهی به یاد گروهک تکفیری داعش می اندازد. این انتخاب لباس و البته گریم مردان سیاه پوش که ریش دارند و اغلب سبیل ندارند (بر عکس مغولان که سبیل داشتند)



و در مقابل پوشش زنان که ایرانی اند و شبیه زنان زمان حمله مغول، زمان داستان را معلق می کند. داستان در تاریخ اتفاق می افتد، دیروز حمله مغول به ایران، امروز وحشیگری داعشیان و خدا نکرده فردای...

و کارگردان این همیشگی بودن تجاوز و وحشیگری ظالمان بر مظلومان را نه با استفاده از دیالوگ و کلام، بلکه به وسیله فرم و ابزار تئاتر به مخاطب القا می کند، مثلاً استفاده از آینه توسط افرادی که به دست ظالمان کشته شده اند و گرفتن آینه به سمت تماشایی، خود یکی از ابزاری است که کارگردان برای القاء همیشگی بودن ماجرای "مروارید" استفاده کرده است. میزانشن ها نیز درست و ساده و حرفه ای هستند و بازیگران در این میزانشن ها به بهترین شکل ممکن ایفای نقش می کنند، در هم گره نمی خورند، با پارچه های استفاده شده در دکور گره نمی خورند و خلاصه اینکه با کمترین اشتباه، نقش خود را بازی می کنند. میزانشن به گونه ای است که تماشایی در هر جای سالن باشد تصویری بدیع و زنده را می بیند ولی باز حسرت دیدن این نمایش از زوایای دیگر را هم دارد و این یعنی که نمایش جذاب و خلاقانه. انتخاب بازیگران نیز چه برای نقش حرامیان و چه برای شاهزادگان ایرانی بسیار درست بوده و همگی از لحاظ فیزیک بدن و اجزای چهره در جای درست خود قرار گرفته اند.

"مروارید" بی شک بخش قابل توجهی از موفقیت این اجرا را مرهون نمایشنامه خوب دکتر قطب الدین صادقی است اما نباید فراموش کرد که چه بسیار نمایشنامه های خوب که با کارگردانی بد اصلاً دیده نشده اند و حتی بد دیده شده اند. اما "مروارید" سروش طاهری یک نمایش خوب بود از نمایشنامه ای که شانس خوب دیده شدن را یافت.

دکتر المیرا نداف - نویسنده

بهروز غریب پور : باید از فردای تمام شدن جشنواره به فکر جشنواره سال آینده باشیم

همه ی ما بهروز غریب پور را با اپراهای عروسکی ای همچون " لیلی و مجنون " ، " مولوی " ، " حافظ " و ... می شناسیم . قرار بود در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر " اپرای سعدی " به کارگردانی او حضور داشته باشد که به دلایلی این امکان محقق نشد . خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی را با بهروز غریب پور در مورد جشنواره فجر و علت عدم حضورش در جشنواره انجام داده است که می توانید آن را در ادامه مطالعه کنید :



از نمایش های سی و سومین جشنواره تئاتر فجر ، چه کارهایی را دیده اید؟
هیچ کاری را ندیده ام . به این دلیل که خودم در حال کار و آماده سازی کار اپرت تعزیه هستم .

قرار بود کار شما در مورد سعدی در جشنواره شرکت داشته باشد . چه شد که این اتفاق نیفتاد ؟ جای شما امسال در جشنواره خالی بود.

اپرای سعدی کار خیلی بزرگی است و طبیعتا تعداد عروسک ها و موسیقی متنوع آن که از موسیقی ایرانی تا موسیقی هندی و عربی و چینی در آن هست و در آوردن آن کار دشواری

است و بایستی در واقع هزینه های این کار هم پرداخت می شد و متاسفانه بودجه ای برای این کار تخصیص داده نشده است و عملا امکان حضور در جشنواره میسر نبود . در طول اجرای این طرح ، واقعا دوست داشتم که در روزهای اجرای جشنواره تئاتر ، اپرت سعدی روی صحنه برود که این فرصت پیش نیامد و انشالله در آینده این کار روی صحنه برود.

در مورد کیفیت جشنواره و آثار آن تا به امروز چیزی شنیده اید؟

در مورد کیفیت جشنواره چیز هایی شنیده ام . به هر حال طبیعی ست که جشنواره خیلی شتاب زده دست به انتخاب زد و شنیده و خوانده ام که بسیاری از کارها که از کشور های دیگر آمده اند ، دارای سطح کیفی حضور در این جشنواره نبوده اند و به دلیل همین شتابی که در مهلت بسیار کم مانده به جشنواره صورت گرفت ، طبیعتا چنین چیزی رخ داده است . به هر حال جشنواره مثل هر پدیده دیگری اگر مطابق یک نظم و انضباط دقیقی فعالیت نکند ، دست آخر با چنین مشکلاتی رو به رو خواهد شد . اما چون که فرصتی دست داد تا دوباره خانواده ی تئاتر به هر دلیلی و با هر شرایطی توانستند در این جشنواره باشند ، باید این موضوع را به فال نیک گرفت که این جشنواره متوقف نشد و امیدوارم سی و چهارمین جشنواره با این مشکلات ، نظیر انتخاب دبیر و فعالیت ستاد دبیرخانه به شکل جشنواره سی و سوم نباشد .

شما چه ضعف هایی را در این جشنواره می بینید و چه پیشنهادی برای بهبود آن ها دارید ؟

باید برگردیم و ببینیم جشنواره تئاتر در طول تاریخ دارای سابقه ی برنامه ریزی بوده است یا نه . ما در جهان و نه تنها در ایران متأثر از تئاتر یونان ، جشنواره برگزار می کنیم . در جشنواره های تئاتر یونان باستان خوانده می شود و افرادی وجود دارد که از فردای تمام شدن جشنواره به فکر جشنواره

سال آینده بودند . وقتی در ۲۵۰۰ سال پیش چنین برنامه ریزی وجود داشته است ، طبیعی است که ما باید در جشنواره های خود همواره از فردای تمام شدن جشنواره به فکر جشنواره سال آینده باشیم . مدتی بود که این در دستور کار مسئولین قرار گرفته بود که حتی دبیر سال آینده هم معرفی شود . این نشان دهنده ی یک مسئله ی کاملاً پشت دارانه بود که می بایست به فکر آینده باشیم و ضعف های امروز را تکرار نکنیم . اما طی این یکی دو سال اخیر متأسفانه جشنواره ها به گونه ی دیگری برگزار شد . دبیر در آخرین لحظات انتخاب شد . دبیر همواره از فرصت اندکی که داشته و بعد درباره ی تخصیص بودجه و سپس درباره ی آماده سازی گروه ها گلایه و انتقاد کرده است . وقتی شما اثری را از خارج از ایران برای جشنواره دعوت می کنید ، در واقع به اثری توجه کرده اید که سالیان پیش و یا یکی دو سال پیش تولید شده و مخاطب آن را ارزیابی کرده است و منتقدین آن را داوری کرده اند . اما در مورد جشنواره ی تئاتر فجر همواره سفارش های جدیدی داده می شود . این اتفاق زمانی خوب است که فرصت کارگردانی ، انتخاب متن و انتخاب سالن به کارگردان داده شود . در این سال ها همواره این شکایات و گله ها را داشته ایم ، نمی دانم کی به پایان می رسد ولی امیدوارم که جشنواره ی سی و چهارم تئاتر فجر از پایان همین جشنواره آغاز به کار کند و با یک نگاه عالمانه ، هشیارانه و مسئولانه فعالیت خودش را در طول یک سال داشته باشد و اگر حتی اثری تولید می شود و به روی صحنه برده می شود ، به عنوان اثری که در فهرست و جدول برنامه های سال آینده می آید ، از آن یاد شود مثلاً فرض کنید به کارگردانی گفته شود این اثر شما پس از اینکه به روی صحنه آمد ، اجرای دومش حتماً در جشنواره خواهد بود . خود این کمک می کند که ما دیگر کار ناشناخته ای نبینیم . جشنواره همیشه مرور بر آثار بزرگ و برگزیده ی یک یا چند سال پیش است نه اینکه ایستگاهی برای اجراهای جدید و توقف گاهی برای مطرح شدن یک سری نام و اسامی جدید که قبلاً حتی نام و نشانی از آنها نبوده است . این روزها وقتی من بعضی از نمایش ها را به نام و همه ی مشخصاتش نگاه می کنم ، واقعا ناشناخته هستند . این کارگردان چرا پیش از این مورد توجه قرار نگرفته است ؟ این نیازمند ارتباط تنگاتنگ هنرمند با مرکز هنرهای نمایشی است ، ما توقع داریم که در جشنواره بین المللی تئاتر فجر این ارتباط و هماهنگی بیشتر شود و برنامه ریزی در دستور کار دبیر و مدیر آینده باشد.

"اپرای سعدی" چه زمانی اجرای عمومی می رود؟

تصورم این است که اگر در جشنواره تئاتر فجر نتوانستیم کارمان را روی صحنه ببریم ، جشنواره ی موسیقی فرصت دومی باشد که کارمان را روی صحنه ببریم . اما متأسفانه تا به امروز بودجه ای تخصیص داده نشده و من با گرفتن وام و قرض ، پروژه را متوقف نکرده ام و امیدوارم که تخصیص بودجه به زودی صورت گیرد تا بتوانیم ادامه ی کار را به پیش ببریم و در جشنواره ی موسیقی کار به روی صحنه برود.

عکس هایی از نمایش خیابانی " هفت شهر عشق "



تئاتر فستیوال TheaterFestival.ir

عکاس : محمد مهدی گریباسیه



تئاتر فستیوال TheaterFestival.ir



تئاتر فستیوال TheaterFestival.ir

عکاس : محمد مهدی گریباسیه

قصه پردرد آدم ها و عروسک ها

یادداشتی بر نمایش «کافه سایه» به کارگردانی "مجید واحدی زاده"

نمایش «کافه سایه» به نویسندگی "ابراهیم عادل نیا" و کارگردانی "مجید واحدی زاده" از اردیبهشت در نهمین روز از سی و سومین جشنواره تئاتر فجر در سالن استاد انتظامی اجرا شد.

«کافه سایه» متن بسیار خوبی داشت. رخدادهای نمایشنامه در سه مقطع زمانی معاصر، دهه چهل و عهد قاجار روایت می شدند. نمایشنامه نویس موفق شده تا انسجام داستان را در این سه دوره حفظ کند که این البته کار بسیار دشواری است. دنیای آدم ها در نمایش «کافه سایه» بسیار ظریف و هنرمندانه به دنیای عروسک ها پیوند خورده است. ایده استفاده از خیمه شب بازی در این نمایش، هر چند قابل بحث و شایسته توجه می باشد اما به طور کامل به ثمر ننشسته است. به نظر می رسد کارگردان از خیمه شب بازی به دفعات، برای پرکردن فاصله یک پرده تا پرده دیگر سود جسته است؛ این نکته باعث می شود تا تماشاگر عروسک ها را زیاد جدی نگیرد در حالی که این عروسک ها انتقال دهنده بخش مهمی از پیام نمایش به مخاطب هستند.



جذاب ترین بخش نمایش را باید در لحظه ای سراغ گرفت که یکی از کاراکترها رو به عروسک خیمه شب بازی، که نماد و همزاد خود اوست، می کند و با او حرف می زند. ای کاش این بخش کمی بیشتر به طول می انجامید! و نویسندگان همه کاراکترها را به سخن گفتن با عروسک ها، ولو برای دقایقی کوتاه، وا می داشتند. گفتگوی دو جاهل و گفتگوی حاجب میرزا با ملک خاتون از نظر دراماتیک قوی تر و جذاب تر از گفتگوی رضا و المیرا از آب در آمده است. گفتگوی رضا و المیرا بیش از حد طولانی و در لحظاتی دور از واقعیت می باشد.

"فرشید سلامت" در نقش نصرت بسیار خوب ظاهر شد و توانست بازی به تمام معنا حرفه ای و متکی بر فیزیک، کلام و اکت ارائه دهد. او بازی بسیار منسجم و باورپذیری داشت و تمام ابعاد روانشناختی و اجتماعی نقش را درک کرده بود. "سلامت" بجا نفس می گرفت و جاگیری های مناسبی داشت. این بازیگر از فیزیک و بیان مناسبی برخوردار است و می توان روی چهره اش گریم های متنوعی را پیاده کرد. "بهار دالوند" در نقش ملک خاتون بهتر از نقش المیرا ظاهر شد. لهجه ترکی او در نقش زن قاجاری بسیار به باورپذیری نقش مدد رساند. "دالوند" در نقش المیرا گاه بیش از حد به اغراق متوسل می شد که البته شاید این اغراق تعمدی و خواسته کارگردان بود، اما به هر حال به نقش آسیب می رساند. فریادهای المیرا در کافه تصنعی بوده و باورپذیر نبود. من حیث المجموع «کافه سایه» با وجود برخی نقص ها و کاستی ها، نمایش قابل اعتنا و بحث برانگیزی می دانم که نمی توان به آسانی از کنار آن گذر کرد.

دکتر شهرام خرازی ها - نویسنده میهمان

سه اپیزود از "هم هوایی" در قاب جنگ

نوشته ی زیر به قلم سارا عابدی فرد نگاهی به نمایش "هم هوایی" نوشته مهین صدری به کارگردانی افسانه ماهیان شرکت کننده در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر است که آقای کاظم هژیر آزاد لطف کردند و آن را در اختیار **تئاتر فستیوال** قرار دادند .

سارا عابدی فرد - نمایش روایتگر زوایای پنهان شخصیت سه زن ، که البته بنا به گفته نویسنده ، برداشتی ذهنی از وقایع زندگی این اشخاص در قالب سه اپیزود موازی ، نوشته شده است . اپیزود اول با بازی باور پذیر الهام کردا ، نمایشگر نقش همسر شهید عباس دوران (مهناز دلیری فرد) ، است . روایت دوم از زندگی شهلا جاهد است با بازی ستاره اسکندری و حکایت سوم مربوط به لیلا اسفندیاری (کوهنورد معروفی که در صعود به قله گاشربروم جان خود از دست داد و در کام طبیعت تا ابد خفت) که آن را باران کوثری بازگو می کند ، این اپیزودها نقاط مشترک این سه زن را برای مخاطب روایت می کنند . میان این سه شخصیت ، نقاط اشتراکی از ذهنیات صدری بیان می شود که آن ها را گاهی با هم و گاهی جدا از هم می بینیم . نمایش با مونولوگ های نرگس که روایت ازدواجش با سعید را بیازگو می کند آغاز می شود و با تصویر او روی مزار همسرش در نوروز هزار و سیصد و نود و سه ، به پایان می رسد .



این نمایش را از یک جهت می توان جزء نمایش های مستند قرار داد . چرا که مخاطب شخصیت های داستان را به خوبی می شناسد و زمانی تیتراژ روزنامه های کشور ما بودند . اما نویسنده می گوید : "میزان اطلاعات من از این شخصیت ها تنها در حد سه صفحه بود و به همین دلیل نمی توان آن را تئاتر مستند دانست ، بلکه شیوه نگارش به گونه ای است که نمایش مستند به نظر می آید . بسیاری از مستندنویسان بزرگ دنیا هم ممکن است در متن اطلاعاتی را ارائه دهند که کاملاً واقعی نباشند و دغدغه من هم کاملاً مستند بودن شخصیت ها نبود و خیلی هم تأکیدی بر آن نداشتم ، بلکه دغدغه من نشان دادن برش مهمی از زندگی این سه شخصیت بود ." اما در واقع این یک تئاتر مستند نیست چون به شدت تخیل نویسنده در آن نقش دارد ، شخصیت ها در این اثر بسیار درهم تنیده شده اند و نقاط مشترکی دارند که حاصل تخیل نویسنده است . شاید یکی از دلایلی که اسامی حقیقی شخصیت ها گفته نمی شود ، همین موضوع باشد .

صحنه تاریک است صدای آژیر قرمز و صدای هواپیما ، به همراه ریختن ظرف گردو از دست نرگس که کل صحنه را پر می کند ، آغاز

می شود. نرگس در حین جمع کردن گردوها فلاش بک به گذشته می زند و زمان جنگ ایران و عراق (دهه شصت) را با موسیقی ها و ترانه های نوستالژیک ، تداعی می سازد . او از لحظه آشنایی با سعید را تا زمان جنگ و رفتنش به شیراز و شهادت سعید را تا زندگی امروزش به شیوه ای شیوا و باورپذیر بازگو می سازد . گویی روایت یک نسل را می خواهد یادآوری کند . اتفاقات بچه گی ، نوجوانی ، جوانی و میانسالی را چونان تصاویری از یک فیلم جلو چشم مخاطب ، گاه با خنده و گاه با چشمانی خیس ، عبور می دهد .

همزمان دو بازیگر دیگر نیز مشغول به کار در آشپزخانه ای با سه میز در چیدمانی موازی، هستند که هر چند وقت یک بار سبزه های مشترکی با نرگس پیدا کرده و فلاش بک دوران کودکی و نوجوانی و جوانی خودشان را بازگو می کنند . این داستان ها چنان تو در تو و درهم تنیده است که زنجیروار به هم متصل ، دست مخاطب را به کوچه پس کوچه های خاطرات دهه شصت می برند . خاطراتی از پناهگاه ها ، حیاط مدرسه ، آژیر و جنگ ... جنگ ... جنگ ...

هم هوایی از سه داستان خطی در کنار هم تشکیل شده که همزمان و با فاصله ای اندک روایت می شوند ، گاه روایت ها در هم تداخل می یابد و بازیگران به هم واکنش نشان می دهند . نمایش اتفاقات زندگی سه زن را به طور موازی با چیدمانی زیبا از یک آشپزخانه موازی اما با میزانشن های مشابه و گاهی تکراری ، روایت می کند . در واقع زندگی همسر ، خلبان شجاعی که هواپیمای نظامی خود را به هتل محل برگزاری اجلاس سران کشورهای عدم تعهد در بغداد کوئید و مانع از برگزاری این کنفرانس بین المللی در بغداد شد ، به همراه همسر فوتبالیست معروف کشورمان ، شهلا جاهد که خاطرات دوران نوجوانی نسلی را بازگو می کند که عشق را به خوبی می شناسد و با آن به معنای واقعی آشناست . اما همین عشق منجر به محکومیت شهلا شده و او را تا بالای چوبه دار می برد و جانش را در کام مرگ می برد . و نهایتا روایت لیلا اسفندیاری کوهنورد زن ایرانی بود که در گاشربروم ۲ سقوط کرد و کشته شد . در یکی از شاخص ترین صعودهای خود موفق شد به قله دشوار نانگاپاربات صعود کند ، صعودی که از سوی فدراسیون کوهنوردی ایران هرگز پذیرفته نشد . اما پس از مرگش بارها از این صعود یاد شد . وی همچنین در تلاش برای ثبت رکوردی جدید ، قصد صعود به قله کی ۲، دشوارترین قله جهان را داشت که به دلیل شرایط نامساعد جوی موفق به این کار نشد و آخر در کام طبیعت برای همیشه خفت ، این داستان ها اما مفصل تر باران کوثری در تک گویی های شنیدنی روایت می کند .

این نمایش قدرت عشق را به مخاطب گوشزد می کند که عشق منجر به چه کارهایی می شود . زنی که به خاطر عشق به همسر مرتکب جرم شده و زندگی زنی که خود را فدای عشق و علاقه اش به کوهنوردی می کند . در حقیقت موضوع اصلی نمایش ، عشق ، زندگی و نشان دادن اشتراک هایی است که ممکن است میان خیلی از ما ها نیز وجود داشته باشد .

موضوع دیگری که در این نمایش نیز تکرار شد ماجرای شهلا جاهد که شبیه به آن را قبلا در نمایش " عامدانه ، عاشقانه ، قاتلانه " به کارگردانی ساناز بیان با بازی نسیم ادبی ، دیده بودیم و آن برخورد این داستان و نگاه صدری است که شبیه به آن نمایش ، به موضوع پرداخته و آن ، همدلی مخاطب با شهلا جاهد و حکم ناعادلانه اعدام شهلا را بازگو می سازد .

دنیایی که «هم هوایی» خلق می کند ، لبریز از خاطرات نوستالژیک است ، خاطره هایی باامیدهای بر باد رفته ، عشق هایی که همچنان زنده اند و گاه از یاد می روند . اما با نو شدن سال ، آنها نیز نو می شوند . عشق هایی که در یک عکس یادگاری مشترک به خاطره ای جمعی برای یک نسل بدل می شوند .

گوران علی کریم: فستیوال ها می توانند پلی بین آدم ها باشند و آن ها را متحد کنند

عراق در سه سالی که گذشت در آشوب بوده است. در حقیقت عراق سالها است که در آشوب است. آشوب وضعیت این سالهای عراق است که هر تکه اش در دهان گروهی است و آن را به سویی می کشند. بی زمانی، در " سال آشوب " عراق، شرح حال مردم این کشور است که در نمایش گوران علی کریم روی صحنه به اجرا رسید. نمایشی با دکوری مینیمال تشکیل شده از پنج دیوار متحرک در دستان شخصیتها، چهار بازیگر و سه رنگ قرمز و سیاه و سفید که گاهی سربند بنفش زن عاشق، آن را رنگی نو می بخشید. کسی چه می داند؟ شاید کمی عشق و خیال، سیاهی وق زده روزگار مردم را رنگ ببخشد و دل خونشان را تسکین دهد که بجز خاک، چیزی برای از دست دادن ندارند. خاک، همه آن چیزی است که مردم یک کشور را به هم وصل می کند. گوران علی کریم از عشق در " سال آشوب " عراق با خبرنگار **تئاتر فستیوال** سخن می گوید که در آن همه چیز بوی خاک می دهد.



گروه، در چه سالی تشکیل شده است؟

گروه ثبت شده نداریم. من در سلیمانیه استاد دانشگاه هستم و با دانشجویان تئاتر خودم، کار را تمرین کرده ام.

چند وقت تمرین داشتید؟

سال ۲۰۱۳ کار را تمرین کرده ایم. پنج ماه برای نگارش و چهار ماه برای تمرین وقت گذاشته ام. در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ اجرا داشته ایم که همه در کردستان عراق بوده است.

چه شباهتهایی بین فضای رمان " سال بلوا " و فضای کنونی جامعه عراق دیدید که این رمان را برای اقتباس انتخاب کردید؟

من علاقمند به ادبیات فارسی هستم. پیش تر " بوف کور " صادق هدایت و " مسافر " سهراب سپهری را هم کار کرده ام. وقتی رمان " سال بلوا " را خواندم، متوجه شدم که پیوندهای عمیقی با جامعه فعلی کردستان دارد.

در رمان " سال بلوا "، هر فصل با شرح چوبه دار آغاز می شود. چطور از چوبه دار به این دکور مینیمال رسیدید که هر صحنه با دیوار شروع می شود؟

در کار ما، صحنه شروع و انتهای یکی هستند. در رمان همه افراد جامعه برای نوشتن آفرین دیوار هستند. جامعه، خانواده، همسرش و ... برای این زن دیوار هستند. به این دلیل به سمت این دکور رفتم که به نظر من انسان معاصر همیشه با دیوارهایی مواجه است. با دیوارهایی که از آن خشونت می بارد. در کار دیالوگی هست که می گوید: " هر روز اوضاع مان خراب تر می شود "

عناصری در رمان هستند که در اجرا به نشانه تبدیل شده اند. برای مثال در رمان، حسین بوی خاک می دهد. چه الگویی برای اقتباس داشتید که فرضا بوی خاک در رمان، به کوزه ای خاک در دستان زین در انتهای نمایش تبدیل می شود؟

کوزه، همان کوزه هایی است که حسین درست می کند، چون حسین در رمان سفال ساز است. خاک بنظر من - همان طور که در رمان هست -

یک عامل پیوند بین دو عاشق است . خاک مانند یک مسیر است . مسیری است که عشاق از آن گذر می کنند . می خواستم که در این بین با خاک ، این عشاق را که از آن گذر می کنند بهم ارتباط دهم . انگار که روی مرگ و اجساد خودشان ، زندگی را درست می کنند و مسیر را برای عشاق باز می کنند.

و سخن آخر در مورد اجرا و تجربه حضور در این جشنواره ؟

پیوند با جامعه تئاتر ایران فرصت خوبی بود . همه اشکال ارتباط بین انسان ها سازنده است و به بشریت کمک می کند . همه فستیوال ها و فستیوال فجر هم می تواند پلی بین آدم ها باشد و آن ها را متحد کند . در این جشنواره چند تا کار دیده ام که دیدنشان تجربه جالبی بود . یکی " هم هوایی " بود ، دیگری " صدای آهسته برف " . " خیلی خوشحالم که پنج تا کارگردان کرد در جشنواره حضور دارند! (با خنده)

میکائیل شهرستانی : امیدوارم نمایش مصطفی عبداللهی را در اجرای عمومی بینم

نمایش " در اعماق " به کارگردانی مصطفی عبداللهی در روز آخر جشنواره به روی صحنه رفت . این نمایش به میکائیل شهرستانی و هما روستا تقدیم شد . به همین بهانه **تئاتر فستیوال** مصاحبه اختصاصی با میکائیل شهرستانی داشت که متن آن به شرح زیر است :

آقای شهرستانی نمایش " در اعماق " به کارگردانی آقای مصطفی عبداللهی بر روی بروشور به شما و خانم هما روستا تقدیم شد . آیا شما توانستید این اجرا را ببینید ؟

متأسفانه من کار را ندیدم به این دلیل که من فردا باید نمایش " سلام ، خداحافظ " را به روی صحنه ببرم و در واقع اجرای ژنرال را امشب برگزار کردم . با آقای عبداللهی تلفنی صحبت کردم و بابت محبتی که نسبت به من داشتند اظهار تشکر کرده و عذرخواهی کردم که به دلیل اجرای نمایش نتوانستم حضور پیدا کنم . انشالله کار را در اجرای عمومی می بینم ، ترجیح ایشان نیز بر این بود که در اجرای عمومی خدمتشان برسم که انشالله کارشان اجرای عمومی داشته باشد . چون معمولاً اجراهای جشنواره شتابناک است و ممکن است خیلی از موارد هماهنگ نباشد . در واقع من هم این بهانه ی جدی را داشتم که امروز نتوانم به خدمت ایشان برسم . امیدوارم که اجرای خوبی بوده باشد .

خوشبختانه اجرای خیلی خوبی بود و استقبال شد . شما چقدر به اجرای عمومی این نمایش امیدوارید ؟

دلیلی ندارد که اجرای عمومی نداشته باشد . چون متن پذیرفته شده است و وقتی در جشنواره شرکت دارید دلیلی ندارد که نتوانید اجرای عمومی داشته باشید . من خیلی امیدوار هستم .

نظر شما در مورد سی و سومین جشنواره ی فجر چه بود ؟

من خیلی به جشنواره اعتقادی ندارم و فکر می کنم به این شکل برای تئاتر هزینه کردن اشتباه است . نمونه اش خود من هستم که چند ماه از اجرای کارم گذشته است و همچنان به دوستانم مقروض هستم و گرفتاری های آنها هم باید حل شود . من چهل میلیون تومان از مرکز هنرهای نمایشی طلب دارم و الان خودم را مقروض سی و اندی نفر از جمله اسپانسر و همینطور تک تک دوستانی که در کار شرکت کرده بودند می دانم . من تنها با دو نفر توانستم تصویه حساب انجام دهم .

از نظر من انجام این جشنواره ها از این جهت بیهوده است که هزینه ای بی نتیجه صورت می گیرد و هر سال هم هیچ تحولی رخ نمی دهد و هیچ بازتاب مثبتی هم نداشته است . قبلاً هم گفته ام جشنواره های رنگارنگ هزینه بردار است و نتیجه ی مثبتی هم ندارد .

مریم خاکسار : شعار تئاتر برای همه ، در تئاتر خیابانی بیشتر از تئاتر صحنه ای اتفاق می افتد .



نمایش " نی نی اخاذ و مداد رنگی " به نویسندگی و کارگردانی مریم خاکسار در بخش نمایش های خیابانی سی و سومین جشنواره تئاتر فجر در محوطه مجموعه تئاتر شهر و خانه هنرمندان برای علاقمندان اجرا شد . خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی را با مریم خاکسار انجام داده است که می توانید آن را در ادامه مطالعه کنید :

توضیح مختصری در مورد خودتان و کارهای قبلی تان برای ما بگویید .

شروع کارم به صورت حرفه ای از سال ۷۸ است . دانش آموخته ی کانون فرهنگی تربیتی حر در دوران دانش آموزی بودم . کارشناسی کارگردانی سینما دارم . در نمایش های صحنه ای بزرگسال و کودک بازی می کنم . چند سالی هم هست که کارگردانی می کنم . " مادرم سلام " ، " پهلوان کچل " ، " داستان سیمرغ " ، " رختخواب ماهی ها " ، " کلاهی برای مترسک " آثاری هستند که کارگردانی کردم که در سه کار آخر بازیگران من کودکان بودند .

توضیح مختصری درباره نمایشنامه کارتان برای ما بگویید .

" نی نی اخاذ و مداد رنگی " قصه ای است که کودکان در حقیقت برای اعتراض با رفتارهایی که در خانه با آن ها می شود ، به خیابان آمده اند چون فکر می کنند شاید آدم هایی که در خیابان آن ها را نگاه می کنند ، مثل پدر و مادرشان رفتار می کنند . بنابراین آمده اند اعتراض کنند و رفتارهایی مثل اخاذی را که در خانه یاد گرفته اند ، در مورد مردم بیرون به کار ببرند . این ایده ی یک خطی نمایشنامه است .

در کارگردانی بیشتر به چه چیزهایی توجه داشتید تا مفهوم مد نظر تان را بهتر به مخاطب منتقل کنید ؟

واقعیت ماجرا این است که در آثار خیابانی ، به طراحی صحنه و لباس ، موسیقی های ویژه خیلی بها داده نمی شود . وقت گذاشته نمی شود . ولیکن من با توجه به اینکه مخاطب کار من کودکان نیستند ، بزرگترها هستند و ما حرف های بزرگی را از دهن این سه کودک می شنویم ، از طراحی ویژه ای که در حقیقت یک باکس است که معنای خانه ی بچه ها را دارد و جای امنی که با آن به خانه آمدند ، استفاده کردم . در حقیقت باکس هایی که ما طراحی کردیم محل امن این بچه هاست که فضای شخصی آن هاست . در طراحی لباس ، لباس ها رنگ و لعاب بسیار جذابی دارند و برای تماشاگر چشم نوازند و شاید تماشاگری را که اتفاقی از آن اطراف رد می شود را به گونه ای متمرکز می کند . ما در نمایش موسیقی زنده داریم که از سازها و رنگ بندی های متفاوتی در آن استفاده شده ، شاید بتوان گفت از ۱۰ ساز متفاوت در آن استفاده می شود . با توجه به اپیزودهای مختلفی که در کار وجود دارد ، رنگ بندی سازهای متفاوت را هم می شنویم . واقعیتش این است که سعی کردیم برای این کار کم نگذاریم چون مفهوم هم مفهوم رفتار با کودکان است و برای خود من خیلی ارزشمند است بنابراین خیلی به آن پرداختم . حتی در مورد رنگ لباس های کودکان بر اساس روانشناسی کودک عمل کردیم ، مطالعه کردیم تا ببینیم تاثیر رنگ ها چگونه است .

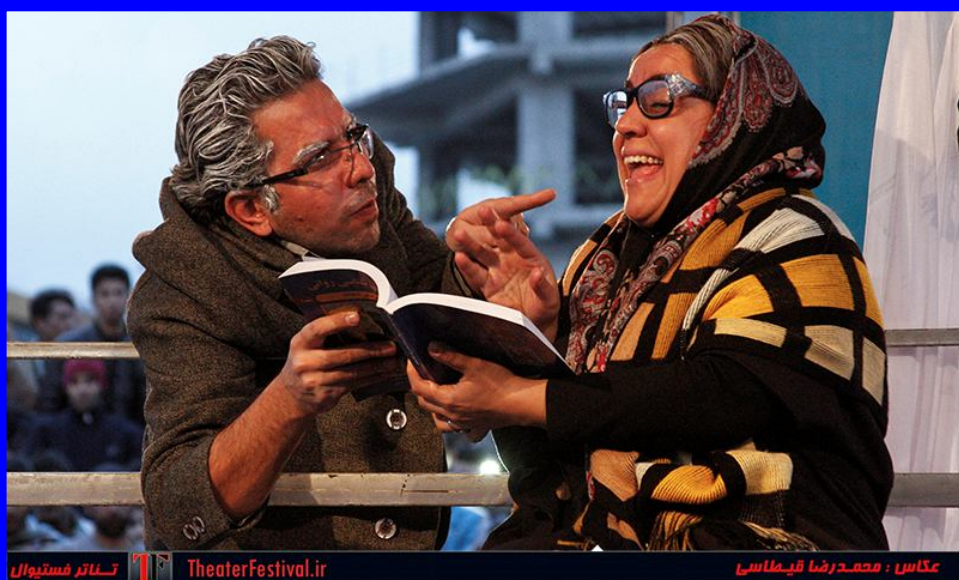
نمایش های خیابانی چه تفاوت هایی با نمایش های صحنه ای دارند ؟ در نمایش های خیابانی بایستی به چه نکات و المان هایی توجه کنیم تا بتوانیم جذابیت لازم را برای مخاطب ایجاد کنیم ؟

تفاوت آن ها در واقع در این است که در نمایش صحنه ای مخاطب خودش بلیت کار را می خرد و انتخاب می کند که این کار را ببیند ، حالا یا با توجه به اسم کارگردان یا به اسم بازیگر . اما در نمایش خیابانی انتخابی در کار نیست و اتفاقا ما با مجموعه ی بزرگی از آدم ها با فرهنگ های متفاوت مواجه ایم که خیلی گذرا از کنار ما رد می شوند و حالا ما قرار است پیام و کلام نمایش مان را به آن ها منتقل کنیم و به گونه ای فرهنگ سازی کنیم . با توجه به اینکه مخاطبان متفاوت با فرهنگ ها ی متفاوتی مخاطب ما هستند ، معنای شعار تاتر برای همه ، به نظرم بیشتر برای تاتر خیابانی می تواند اتفاق بیافتد تا نمایش های صحنه ای . به این خاطر که هیچ انتخابی در کار نیست ، بلیطی خریداری نمی شود ، در حقیقت همه ی مردم ، با هر فرهنگ و دانش و سواد می توانند مخاطبان آن نمایش باشند.

کیفیت آثار جشنواره به ویژه آثار خیابانی را چگونه ارزیابی می کنید ؟

به نظرم امسال آثار خوبی به جشنواره آمدند . در چند کاری که دیدم ، خلاقیت های قشنگی در آن به چشم می خورد و مشخص است بچه ها کاملا تلاش می کنند . مثل سال های گذشته نیست که الا ایحال طرحی را داشته باشند و بیایند بداهه ، کاری را انجام دهند . مشخص است بچه ها روی کاری که انجام می دهند و مفهومی را که می خواهند منتقل کنند ، فکر می کنند . فقط امیدوارم همانطور که بچه های تاتر چه خیابانی چه صحنه ای با بضاعت کمی که در تاتر می بینند ، دارند تلاش می کنند ، جانا و مالا هزینه می کنند ، مدیران و کسانی که تصمیم گیرنده برای تاتر هستند ، تاتر را مقداری جدی بگیرند و به این فکر کنند که معیشت خیلی از این بچه ها از تاتر می گذرد و واقعا حقشان این نیست . می توان گفت بضاعتی که برای تاتر قرار می دهند خیلی محدود است . من خودم برای این کار از جیب هزینه کردم و واقعا جشنواره نتوانست پاسخگو باشد.

عکس هایی از نمایش خیابانی "داستان یک زندگی"



کارگردان "رقصی برای بازگشت عروس": هدف اصلی ما ، تحقق شعار "تئاتر برای مردم" است .



نمایش "رقصی برای بازگشت عروس" کاری از گروه تئاتر باران از مریوان به کارگردانی فاتح بادپرو در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفت . این نمایش از جشنواره سقز به عنوان کار برگزیده به این جشنواره معرفی شد و هم در بخش مرور و هم در بخش مسابقه مرور شرکت کرد . خبرنگار **تئاتر فستیوال** مصاحبه ای را با کارگردان این نمایش که به زبان کردی اجرا شد ، انجام داد که می توانید ادامه بخوانید:

پیشینه ای از گروه تئاتر باران بگویید و این که چه کارهایی را اجرا کردید ؟

این گروه از سال ۱۳۷۸ پیوسته ، مشغول به کار است . اکثر کار هایش هم به زبان کردی ست . ما برای اجرایمان ، هم از متن های داخلی و هم خارجی استفاده کرده ایم . نمایشنامه های متفاوتی را از " عادل ها " ی آلبر کامو تا " آندورا " ماکس فریش ، " دشمن مردم " ایپسن و همین طور آقای حمیدرضا نعیمی که به زبان کردی ترجمه کردیم و به روی صحنه بردیم .

هدف اصلی مان ، اجرای عمومی برای مردم شهر مریوان و اطراف آن است . نظر ما در اجرای عمومی همان شعار " تئاتر برای مردم " است . در کنار آن هم ، به کارهای فنی در کار نگاه تخصصی داریم . در اکثر جشنواره هایی که شرکت کردیم کارهای گروه تئاتر باران ، برگزیده شده است . با نمایش " پروانه زرد روشن " در جشنواره ی خارجی ، هم در اربیل و سلیمانیه عراق شرکت کردیم . همین طور نمایشنامه ی " صد و پنجاهمین روز " آقای نعیمی را به زبان کردی ترجمه کردیم و در جشنواره اربیل هم شرکت کردیم . این یک گروه منسجمی است که نیت مان اجرای عمومی نمایش هاست .

چه شد که نمایش "رقصی برای بازگشت عروس" را به روی صحنه بردید ؟

این نمایش درباره ی افسانه ی پیدایش زربار است که در کل سه روایت جداگانه از وضعیت زنان امروز روایت می کند که در کار ، با هم تلفیق شده اند . خانم طریفه کریمیان که خودشان نویسنده ی خوب سقزی هستند کار را نوشتند . ما این نمایش را پانزده روز در سقز اجرای عمومی رفتیم . در سنج هم اجرای عمومی داشتیم و بعد از آن در جشنواره حضور پیدا کردیم .

دغدغه ی کار کردن این نمایشنامه از کجا شکل گرفت ؟

دغدغه ی این نمایشنامه از خودسوزی زنان در شرایط نابسامان ما که در شهر مریوان و شهرهای دیگر کردستان وجود دارد و ستم و نگاه نابرابری که در کل جامعه ایران به خصوص در شهر ما نسبت به زن وجود دارد ، شکل گرفته است . وقتی دو نفر خودسوزی کردند و خودشان را در دریاچه زربار رها کردند و خودشان را به آب سپردند یا خفه شدند یا به نوعی آب آرامش دهنده ی آن ها بود ، این به همان داستان پیدایش دریاچه زربار بر می گردد . زربار شهری به اسم فنیقنوس بود که در افسانه ها آمده است . درویشی با زن و

و بچه اش به این شهر می آید و مورد ستم پادشاه شهر قرار می گیرد و درویش هیچ کاری نمی تواند انجام دهد. زنش را به اسارت می برند. درویش به بالای کوه پنا می برد و هفت شب و هفت روز سر به سجده می گذارد و می گوید اگر این شهر را آب فرا نگیرد من سر از سجده بر نمی دارم. افسانه می گوید بعد از این مدت، دریاچه شکل می گیرد و یک مامن و محل آرامشی برای زنان شده است که احساس آرامش کنند. این ها دغدغه های بود که به این سمت برویم. این افسانه ها از بطن شهر ما می آیند و ما در تئاترمان، در کنار متن های خارجی، هر سال یا هر دو سال یک بار، یک کار محلی و بومی به روی صحنه می بریم.

چندمین تجربه حضورتان در تئاتر فجر است؟

من پیشتر تئاتر خیابانی انجام داده ام و کارگردانی این نمایش، اولین تجربه ی اجرای صحنه ای ام است. از طرفی چون کارها به زبان کردی ست، کمتر به جشنواره آمده ایم. مثلاً سه چهار سال پیش، نمایشنامه ی "شهربندان و عادل ها" ی آلبر کامو را به نام "دادوران" در بخش تازه های تئاتر ایران انتخاب شد. ولی چون به زبان کردی بود نتوانستیم اجرا کنیم. ولی امسال از آقای صالح پور که با نگاه خوب و مثبتشان، ایران را برای همه بدانند، تشکر می کنم. این خیلی نگاه خوب و پسندیده ایست.

این کار در جشنواره سقز انتخاب شد و باز هم در این جشنواره وارد بخش مسابقه شد. از این قضیه خوشحالیم. من به عنوان یک کارگردان که تجربه ی حدوداً ۲۴ کار نمایشی را دارم، اصلاً رفتن به جشنواره برایم دغدغه نیست. مردم و بینندها دغدغه هستند. مسرورم که این نمایش را به زبان کردی در جشنواره به روی صحنه بردیم. از شما و دبیر جشنواره و دست اندرکاران هم متشکرم.

البته مخاطبین فارسی زبان به دلیل نداشتن هیچ ترجمه و بالانویسی گفت وگو های این نمایش را متوجه نمی شدند.

بله این مشکل بود ولی مهم تر از آن، ما در این سالن مشکل نور هم داشتیم. علی رغم اینکه دوستان سالن تالار هنر در بخش سیستم نور و صدا، بسیار دلسوزانه کمک کردند، ولی هرچه داشتند همین است. نور سالنی که ما در اجرای مریوان داشتیم، بهتر از نور این سالن بود. نور باید خیلی بهتر از این می شد، تا برسد به این که ما زیرنویس یا بالا نویس فارسی داشته باشیم.

صحبت پایانی اگر دارید بفرمایید.

من از شما متشکرم که انعکاس خبر می دهید. امیدوارم توانسته باشیم مخاطبینی که زبان نمایش را نفهمیدند، تصویر خوب به آنها ارائه داده باشیم.

بهمن پارسا آرا: یک طرح خاص و خلاقانه کمک می کند تا فضای نمایش جذاب تر شود



نمایش " واپسین رقص برگ با باد " که نخستین اثری است که از بهمن پارسا آرا به جشنواره تئاتر فجر راه یافته است ، در آخرین روز از سی و سومین جشنواره تئاتر فجر در تالار هنر به روی صحنه رفت . خبرنگار تئاتر فستیوال گفت وگویی را با بهمن پارسا آرا به بهانه ی حضورش در جشنواره تئاتر فجر انجام داده است که می توانید آن را ادامه مطالعه کنید .

در ابتدا بیوگرافی مختصری از خودتان و کارهای قبلی تان برای ما بگویید .

بهمن پارسا آرا هستم . لیسانس تئاتر و فوق لیسانس جامعه شناسی دارم . حدود ۱۵ سال است ، کار تئاتر را به صورت حرفه ای آغاز کرده ام . در ابتدا با کار کودک شروع کردم و پس از چند سالی ، بعد از بازی در نمایش های مختلف ، احساس کردم در فضای کارگردانی می توانم موفق تر عمل کنم . سعی کردم در فضای کارگردانی فعالیت کنم . در جشنواره های مختلفی شرکت کردم که آخرین کاری که در آن موفق شدیم و توانست به جشنواره تئاتر فجر راه پیدا کند ، همین کاری است که در تالار هنر در خدمت شما هستیم .

سال های گذشته هم در جشنواره شرکت داشتید ؟

به عنوان بازیگر بله ، اما در سمت کارگردان ، خیر .

از اجرای امروزتان راضی هستید ؟

به نظر می رسد برخی ریزه کاری ها در اجرا بود که به ناهماهنگی در سالن و بازیگران بر می گردد که انشالله در اجرای دوم آن را بر طرف می کنیم تا اجرای قوی تر و بهتری را ارائه دهیم .

متن نمایشنامه چه ویژگی هایی داشت که شما را ترغیب به کارگردانی این نمایشنامه کرد ؟

نمایشنامه به زندگی ای پرداخته بود که اصولا ما کم تر به آن فکر می کنیم و شاید به راحتی از کنار آن بگذریم . به زندگی فضای بعد از جنگ و انتظار یک مادر شهید می پردازد که هنوز با خیال آمدن فرزندش زندگی می کند و این خیال را شیرین تر از شرایط واقعی می بیند و اطرافیان ، بازیگر خیالش هستند .

در کارگردانی بیشتر به چه نکاتی توجه داشتید تا مفهوم مد نظرتان را بهتر به مخاطب منتقل کنید ؟

به نظر می رسد در کارگردانی ، برای اینکه یک نمایش گیرا تر شود ، یک فضای خلاقانه کمک بهتری می تواند بکند . متن هایی داریم که با یک فضای دم دستی کار می شوند و خیلی لذت بخش نیستند . اما یک طرح خاص و خلاقانه کمک می کند تا فضای نمایش جذاب تر شود . سعی کردم در این کار فضای جدیدی را ایجاد کنم و با طراحی صحنه ای جدیدتر با توجه به فضای خیالی ای که در ذهن مادر می گذرد ، اتفاق جدیدی رقم بخورد .

کیفیت برگزاری جشنواره ی امسال را از لحاظ مدیریت و آثار چگونه ارزیابی می کنید ؟

من روز آخر آمدم و نتوانستم روزهای قبل ببایم ولی از آنچه از دوستان شنیدم ، به نظر می رسد که در جشنواره ی امسال چون که بلیت فروشی به صورت الکترونیک اتفاق افتاده ، نظم بیشتری حاکم بود ولی به نظر می رسد هنوز جای کار دارد . اما باید از هماهنگی دبیرخانه تشکر کنم که تا دقایق آخر با من هماهنگ بودند که اجرای خوبی اتفاق بیافتد . در کل فکر می کنم بستر مناسب تری اتفاق افتاده است .

"بی لالا"، پرحاشیه ترین و آخرین اجرای جشنواره تئاتر فجر

نمایش "بی لالا" به کارگردانی یاسر خاسب قبل از مراسم اختتامیه ی جشنواره ی بین المللی تئاتر فجر در حالی اجرا شد که حاشیه های فراوانی به همراه داشت. در ادامه گزارشی از اجرای این نمایش می خوانید:

به گزارش خبرنگار **تئاتر فستیوال**، نمایش "بی لالا" به کارگردانی یاسر خاسب در آخرین ساعات سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر رکورد تاخیر را در بین تمامی نمایش های این دوره از جشنواره زد و به مدت ۸۰ دقیقه مخاطبان را پشت در تالار حافظ منتظر نگه داشت!

اجرای دوم این نمایش براساس جدول برنامه جشنواره قرار بود در ساعت ۱۷:۳۰ اجرا شود ولی جالب اینجاست که تا ساعت ۱۸:۱۰ هیچ خبری از ورود تماشاگران به سالن نبود و همچنان تماشاگران جلوی درب تالار حافظ منتظر ایستاده بودند. تقریباً ۴۰ دقیقه از زمان آغاز نمایش گذشته بود که یکی از عوامل گروه آمد و از همه به دلیل تاخیر بوجود آمده عذرخواهی کرد و گفت: "به دلیل آن که اجرای اول این نمایش با تاخیر آغاز شده، این اجرا نیز دیرتر به روی صحنه می رود".



ولی متأسفانه بدون آن که ساعت دقیق اجرا را بیان کند از دیده ها پنهان شد و همچنان تماشاگران را منتظر نگه داشت. ساعت ۱۸:۲۰ بالاخره در تالار حافظ باز شد و تماشاگران را برای انتظار بعدی به داخل لابی حافظ دعوت کردند و تنها عوامل اجرایی نمایش !!! (البته به قول مسئولین حافظ) اجازه ورود داشتند که این اتفاق باعث خنده و تمسخر مردم شده بود چرا که یک ساعت از وقت مقرر گذشته بود و آنها باید همچنان منتظر می ماندند.

در بین تماشاگران منتظر در سالن چهره هایی چون قاسم زارع، حمید پورآذری و بهاره رهنما دیده می شد. در نهایت ساعت ۱۸:۵۰ بود که انتظارها به پایان رسید و تماشاگران با بی نظمی فراوان وارد سالن شدند. در ابتدای نمایش، یکی از عوامل گروه گفت: دستگاه ما با آن که مکین تاش است اما **crash** کرده! لطفاً چند لحظه تحمل کنید تا دستگاه درست شود!!!

سپس از همه تماشاگران خواست تا خود را تشویق کنند!!! و خلاصه، در ساعت ۱۹ اولین پرده نمایش "بی لالا" که پرحاشیه ترین و آخرین نمایش سی و سومین جشنواره تئاتر فجر بود، اجرا شد.

ساعت ۱۹:۲۰ بود که علی مرادخانی معاون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در نیمه نمایش وارد سالن شد و قبل از آنکه اجرا پایان یابد

در ساعت ۱۹:۴۷ سالن را ترک کرد، پس از او، بهاره رهنما نیز در پرده آخر این نمایش از جایش بلند شد و سالن را ترک کرد. پس از پایان نمایش "بی لالا"، یاسر خاسب به معرفی عوامل گروه پرداخت و سپس از سفیر کشور ونزوئلا تشکر کرد و گفت: "تمام تمرینات ما در منزل ایشان صورت گرفت."

یاسر خاسب بعد از تشویق مردم، از بهرام ریحانی خواست تا دقایقی صحبت کند، به این بهانه از تماشاگران تقاضا کرد که سالن را ترک نکنند و چند لحظه ای بنشینند.

بهرام ریحانی گفت: "نمی دانم علیرضا نادری عزیز در این جا حضور دارد یا نه! حدود ۶ ماه پیش روز ۱۱ مرداد ماه بود که یاسر به من زنگ زد و گفت: اجرای آخر من است، شب گذشته مجید بهرامی میهمان نمایشم بود، دوست دارم شب بعد تو باشی. فردای آن روز، نامه ای به دست من رسید که بیماری شما سیری صعودی دارد و شما از کار افتاده شده اید. فردای آن روز من رفتم و گفتم: من حتی از کار افتاده ۲۰٪ هم نیستم! ولی آن ها جواب دادند، که ۶ نفر از جامعه پزشکی این موضوع را تأیید کرده اند و شما از کار افتاده معرفی شده اید. امشب ۱۲ بهمن ماه است و دقیقا ۶ ماه از آن اتفاق می گذرد و این اجرا به این خاطر برای من با ارزش و مقدس است که من نه تنها به آن ۶ پزشک بلکه به جامعه پزشکی ثابت کردم که عشق مقدسی به نام تئاتر وجود دارد! یاسر عزیز باعث و بانی این اتفاق شد و ثابت کرد که تئاتر می تواند همه چیز را کنار بزند".

بعد از این اتفاق همه تماشاگران از جایشان بلند شدند و او را تشویق کردند و در نهایت ساعت ۲۰:۰۵ دقیقه با پایان این نمایش پرونده سی و سومین جشنواره تئاتر فجر بسته شد.

کارگردان لهستانی نمایش " کتاب ها " : دوست داشتم با مردم ، سالن را ترک کنم

نمایش " کتاب ها " ساخته ی کمپانی کومونا لهستان به کارگردانی " الکس نوکی alex nowaki " در سه روز آخر جشنواره ی تئاتر فجر به روی صحنه سالن اصلی تئاتر شهر رفت . **تئاتر فستیوال** به همین بهانه به سراغ این کارگردان رفته و با او مصاحبه ای اختصاصی داشته است :

کمی از کمپانی کومونا و فعالیت های این کمپانی بگویید .

کمپانی در سال ۱۹۸۹ شروع به کار کرد و بعد از بیست سال به این نتیجه رسیدیم که به آن فعالیت ها و روابط سیاسی که می خواستیم ، نرسیدیم . تصمیم گرفتیم به کمپانی تئاتر تبدیل شویم ولی این تصمیم به این معنی نیست که فعالیت ها و روابط سیاسی خود را کنار گذاشته ایم و هم چنان به فعالیت و زندگی فعالانه ادامه می دهیم ، فعالیت های فردی و جمعی . ما در اجراهای خود با فعالیت های صلح جویانه تغییرات سیاسی و اجتماعی را ارتقا می دهیم . کمپانی ما کمپانی مستقلی است . برای سال ها ما بدون هیچ حمایتی از هیچ موسسه ای فعالیت می کردیم و البته الان موقعیت عالی رفاهی در ورشو لهستان داریم . در ابتدا خیلی شرایط سختی داشتیم ولی همچنان فعالیت می کردیم و فعال بودیم . ما باور داشتیم مردم حتی در شرایط سخت هم می توانند برای بهبود زندگی شان فعالیت کنند.



چرا این نمایشنامه را انتخاب کردید؟ این نمایشنامه چه حرفی برای گفتن در جهان دارد ؟

فستیوال این اجرا را انتخاب کرد.

هیچ گزینه ی دیگری برای انتخاب نداشتید ؟

آنها این اجرا را انتخاب کردند . ما دو پیشنهاد دیگر هم داشتیم . یکی زندگی نامه ی یک روشنفکر سیاسی بود و دیگری نمایش " الان بهشت ؟ " بود که نمایشی الهام گرفته از " الان بهشت ! " است که در سال ۱۹۶۹ توسط تئاتر " living new york " ساخته شده بود .

شما سه شب در سالن اصلی اجرا داشتید . از کدام اجرا بیشتر راضی بودید؟

اولین اجرا افتضاح بود . چمن مصنوعی سه دقیقه قبل از اجرای اول به دست ما رسید . مسئولین می آمدند و داد و بی داد می کردند که مهم نیست چه اتفاقی می افتد و باید اجرا داشته باشید . سالن در زمانی که به ما وعده داده بودند به ما داده نشد و در طول اجرا هم مسئولین فنی نمی دانستند که باید چه کنند و پرده نمایش در طول کار بالا و پایین می رفت . همه چیز افتضاح و زجر دهنده بود . من اینجا نشسته بودم و می دیدم که مردم سالن را ترک می کنند و من هم دوست داشتم که با آنها بروم . اما دیشب اجرای خوبی داشتیم و راضی بودیم . امشب بد نبود ولی انرژی که از مردم می گرفتیم خوب نبود .

چند روز است که به ایران آمده اید ؟

یک هفته.

اولین بار بود که به ایران آمدید و در این چند روز چند کار در جشنواره دیدید؟

بله. سه کار دیدم. "لندن، رم، تهران، آمستردام"، "باغ آلبالو" و "اولیور تویست" را دیدم.

کدام کار از بقیه بهتر بود ؟

چیزی که من در مورد کار کار "لندن، رم، تهران، آمستردام" دوست داشتم تعاملی بود که بین نمایش و مخاطب به وجود آمد. این برای من بهترین تجربه بود. من با تماشاگران ایرانی خندیدم. این تماشاگران خیلی زنده هستند و به روش های خیلی جالبی واکنش نشان می دهند. خیلی جالب است که از اروپا بیایید و ببینید که وقتی کسی روی صحنه می آید و سلام می کند تماشاگران هم پاسخ بدهند سلام. ما از این کار ها نمی کنیم. اگر ما روی سن برویم و بگوییم سلام مردم تعجب می کنند و می گویند "چه می گویی؟! " ولی اینجا همه واکنش نشان می دهند و این چیزی بود که من در مورد اجرای "لندن، رم، تهران، آمستردام" دوست داشتم. و این نمایش بیشتر از بقیه مورد علاقه من قرار گرفت.

چند روز دیگر در ایران هستید ؟ آیا در مراسم اختتامیه حضور دارید ؟

با گروه فقط یک روز دیگر. ولی خودم در ایران می مانم و در اختتامیه حضور دارم.

شانس خود را در جشنواره تئاتر فجر برای کسب جایزه چقدر می دانید ؟

ما؟! خیلی خنده دار است! نه، نه ما جایزه ای نمی گیریم. برای ما آمدن به ایران و دیدن مردم تهران خودش پیروزی است.

آیا برای ایرانگردی در ایران می مانید ؟

مکان ها و شهر های زیادی مثل یزد، اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز و قم ... وجود دارد که من دوست دارم ببینم چون تحصیلات دانشگاهی من در زمینه ی تاریخ است.

علی فتوحی : متاسفانه جشنواره تئاتر فجر پایان تئاتر ایران شده است

نمایش " ترانه های تلخ تارا " به کارگردانی علی فتوحی در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفت . به همین بهانه **تئاتر فستیوال** مصاحبه ای اختصاصی با کارگردان این اثر داشته است :



چه شد که " ترانه های تلخ تارا " به جشنواره تئاتر فجر راه پیدا کرد ؟

ما این کار را از اردیبهشت در جشنواره استانی آذربایجان شرقی شروع کردیم و در آن جشنواره کار برگزیده استان شدیم . در منطقه سه بندر عباس نیز کار برگزیده اعلام شد و از طریق جشنواره مناطق به سی و سومین جشنواره تئاتر فجر راه پیدا کردیم . این کار در جشنواره استانی و بندرعباس جایزه اول بازیگر زن را مشترکا گرفتیم و در موسیقی و کارگردانی و نویسندگی نیز مقام اول را آوردیم و اکنون نیز در جشنواره فجر هستیم.

این کار امسال در چه بخشی از جشنواره شرکت کرده است ؟

ما از جشنواره ی مناطق به فجر معرفی شدیم . الان در بخش مسابقه مرور تئاتر ایران هستیم.

نحوه ی شکل گیری گروه و انتخاب بازیگر ها به چه صورت بود ؟

ما در تبریز یک گروه نمایش به اسم "آیلا" داریم که از سال ۸۰ یا ۸۱ سابقه ی کاری دارد. اکثر اعضاء گروه فارغ التحصیل رشته تئاتر هستند و مدت زیادی است که با

اکثریت گروه کار می کنیم . چون بازیگرانمان مشترک است با شناخت قبلی این کار را کردیم و متن آقای "فریدون ولایی" را کار کردیم که از نویسندگان خوب آذربایجان شرقی و مراغه ای هستند . نمایشنامه را قبلا خوانده بودیم و با او صحبت کردیم و با تصمیم گروه قرار شد این متن را کار کنیم.

سال های پیش هم در جشنواره تئاتر فجر شرکت کرده بودید ؟

بله . من در چهار دوره در تئاتر فجر شرکت کردم . دو دوره به عنوان کارگردان و دو دوره به عنوان بازیگر و سال گذشته هم به عنوان سرپرست و مدیر اجرایی گروه در جشنواره شرکت داشتم که نمایش "روبینسون کروزو" کار آقای "کوشک جلالی" در تبریز کار کرده بود . که در آن دوره هم به عنوان سرپرست و مدیر اجرایی گروه بودم.

امسال شانس برنده شدن این نمایش را چقدر می دانید ؟

واقعیتش این است که قصد ما برنده شدن نیست ، از روزی که این کار را شروع کردیم هدفمان یک تئاتر خوب مردمی بود ، که مردم بپسندند و تلاش کنیم مردمی که وارد سالن می شوند راضی از سالن بیرون بروند . ذاتا اگر بخواهیم مقایسه ای نگاه کنیم ،اصطلاحا هیچ ماست فروشی نمی گوید که ماست من ترش است ، ما هم می گوییم که ماست ما خیلی شیرین است .

پیش بینی و نظر شما چیست ؟

من خودم همان جوایز را برای این کار پیش بینی می کنم . به این دلیل من با بچه های گروه خیلی برای این کار تلاش کردیم و این نمایش ماحصل ۸ ماه تلاش ماست و امیدوارم اجراهای ما ادامه پیدا کند . از مشهد و شیراز از این کار دعوت کردند چون این دوستان کار را دیده اند و ما تمام تلاشمان را می کنیم که اجراهای برون مرزی داشته باشیم و برای کار برنامه ریزی کنیم .

کیفیت جشنواره امسال را چطور ارزیابی می کنید ؟

همانطور که آقای دکتر صالح پور فرمودند، وضع تئاتر ایران خیلی بد است ، ولی با تمام این اوصاف ، خوبی آن این است که تئاتر زنده است و تکاپو دارد ولی کم و کاستی در آن خیلی زیاد است و جا دارد که مسئولین امر به این نواقص رسیدگی کنند . سی و سه دوره گذشته و کار ما هر سال تکرار همان نواقص است و هیچ وقت از دوره های گذشته عبرت نمی گیریم ، به این دلیل که برنامه ریزی نداریم ، من باز تاکید می کنم که جشنواره تئاتر فجر پایان تئاتر ایران نیست .

متأسفانه اکنون جشنواره تئاتر فجر پایان تئاتر ایران شده است ولی باید این اتفاق آغاز تئاتر ایران باشد . به این دلیل که همه برگزیدگان کشور در این جشنواره هستند و دست چین شدند ، به این جشنواره آمدند و باید برای این ها برنامه ریزی شود . همچنین باید برای اشاعه فرهنگ مان و اشاعه تمام فعالیت ها برنامه ریزی شود .

امیدوارم روزی به این مرحله برسیم که جشنواره تئاتر فجر سرآغاز باشد و تا جشنواره فجر سال دیگر برگزیدگان و یا آثاری که شاخص هستند، بتوانند در کشور اجرا داشته باشند ، به کشورهای برون مرزی بروند تا خودنمایی کنیم و بگوییم ما فرهنگمان این است و این بخش نقص جشنواره ماست .

حرف پایانی ؟

ممنون . من تشکر می کنم از گروه اجرایی ، بچه های موسیقی ، پشت صحنه که واقعا خیلی تلاش کردند و امیدوارم که سال بعد هم با یک کار خوب در جشنواره حضور داشته باشیم .

عکس هایی از نمایش خیابانی " چرخ روز افزا "



تئاتر فستیوال TheaterFestival.ir

عکاس : محمدرضا قیماlesi



تئاتر فستیوال TheaterFestival.ir

عکاس : محمدرضا قیماlesi



ival.ir

عکاس : محمدرضا قیماlesi



تئاتر فستیوال TheaterFestival.ir

عکاس : محمدرضا قیماlesi

کارگردان نمایش "سیه سول": جشنواره ی فجر سکوی پرتابی برای بچه های شهرستان است.



نمایش "سیه سول" به کارگردانی محسن حلوائی و حسن رضایی از بوشهر در سی و سومین جشنواره ی فجر به روی صحنه رفت. به همین بهانه **تئاتر فستیوال** به سراغ این دو کارگردان رفته و با آنها مصاحبه ای داشته است.

از اجرای امشب راضی بودید؟

حلوائی: بله، اجرا نسبتاً خوب بود.

چرا این نمایشنامه را برای اجرا انتخاب کردید؟

رضایی: در گروه نمایشی "هیرو" که مدت هاست کار می کند، معمولاً ایده هایی داریم که جمعی روی آن کار می کنیم و ایده ها در گروه رد و بدل شده و بعد مشخص می شود که آیا این ایده از نظر جدابیت و موضوع مناسب اجرا است. به عنوان مثال برای الان که چند موضوع خاص داشتیم، این کار را انتخاب کردیم. برای اینکه خط مشی گروه و فضایی که دوست داشتیم در اجرا داشته باشیم در این کار بسیار مناسب بود.

چه شد که تصمیم گرفتید این کار را در جشنواره ی فجر با گویش خودتان اجرا کنید؟

حلوائی: در واقع چون این زبان، زبان مادری آقای رضایی است و خودشان بچه ی منطقه ی دشتی هستند و چون این گویش جزو سه گویش اصیل ایرانی است که هیچ تغییری در آن ایجاد نشده است و ریشه ی این گویش به پهلوی ساسانی بر می گردد و این گویش ضرب آهنگ و ریتم خاصی دارد که بار دراماتیکی اثر را و تاثیرگذاری نمایش را بهتر می کند، حس بهتری نسبت به این گویش داشتیم. و احیای گویش دشتی هم دلیل دیگر این کار بوده است.

رضایی: علاقه مندی به زبان مادری و همانطور که آقای حلوائی گفتند به خاطر آن اصالتی که این زبان دارد، دوست داشتم آن را در یک اثر مکتوب مثل نمایشنامه بیاورم و در یک اثر اجرایی به نام نمایش "سیه سول" اجرا شود.

آیا برای اجرا در جشنواره ی فجر به فکر بالانویس هم بودید؟

رضایی: فکر می کنم که این کار موضوع آشنایی دارد. یعنی دوستانی که اهل نمایش هستند و در جشنواره ی فجر کار می بینند موضوع برایشان آشنا است. موضوع عشق یک مرد سیاه به یک زن سفید آشنا است و اتللو را به یاد می آورد. به خصوص که از لحاظ اجرایی هم سعی کردیم خیلی از صحنه ها را بدون دیالوگ داشته باشیم.

حلوائی: سعی ما بیشتر بر آن بود که به سمت حرکت برویم و مثل نمایش های امروز کمتر از دیالوگ استفاده کنیم. اگرچه این نمایش دیالوگ داشت ولی اگر عنصر دیالوگ ها و بیان را از نمایش حذف کنیم در نمایش حرکت و تصویرسازی و به نوعی موسیقی می تواند این کار را کامل کند و اگر وضعی در ارتباط با زبان نمایشنامه و دیالوگ ها باشد خود بن مایه ی داستان، حرکت ها و موسیقی می تواند آن را کامل کند و این نقص را تا حدودی برطرف سازد.

آقای حلوایی این کار چندمین حضور شما در جشنواره ی فجر است ؟

حلوایی : امسال دومین حضور من در جشنواره ی فجر است.

رضایی : ما به عنوان کارگردانی مشترک در جشنواره ی بین المللی فجر اولین حضورمان است . ولی خوب ما سالهاست که کار می کنیم و فکر می کنم این سومین کار ماست که به جشنواره ی منطقه ای رسیده بود و در سومین کار موفق شدیم که وارد جشنواره ی بین المللی فجر بشویم.

تا به امروز کیفیت جشنواره را چگونه ارزیابی می کنید ؟

رضایی : ما تازه دو روز است که رسیده ایم و فقط دو کار از کارهای جشنواره را دیده ایم.

حلوایی : بالاخره هر جشنواره ای یک محاسن و معایبی دارد . ولی در کلیت همین که برای بچه ها ایجاد انگیزه می کند و برای بچه های شهرستان تبدیل به زمینه ای برای دیده شدن ، می شود خیلی خوب است . طبعاً خیلی اوقات در بعضی موارد ضعف هایی هم وجود دارد . ولی در مجموع من فکر می کنم به این دو دلیل جشنواره ی خوبی است.

رضایی : الان تنها راه حلی که شاید برای بچه هایی که خارج از تهران کار می کنند ، همین جشنواره ها است به خصوص همین جشنواره ی بین المللی فجر که بتوانند در آن خودشان را نشان بدهند که برای آنها تبدیل به سکوی پرتابی شود.

برای جشنواره ی فجر چه مقدار تمرین داشتید ؟

رضایی : ما از فروردین ماه امسال شروع کردیم و فکر می کنم تا الان به جز جشنواره ی منطقه ای یک ماه تا یک ماه و نیم تعطیلی داشتیم و بقیه اش را تماماً در حال تمرین بودیم.

چقدر شانس جایزه گرفتن برای خود متصور هستید؟

حلوایی : در بخش ما ۲۷ اثر نمایشی است و طبعاً هر کاری که در کلیت خودش فضای بهتری از لحاظ تئاتری و نکته هایی که باید در جشنواره داشته باشد ، رعایت بکند شانس بهتری دارد . ولی من هم امید هایی دارم ولی نمی توانم بگویم چقدر . چون آثار آنقدر گسترده هستند و من امیدوارم که بتوانیم حداقل اندک شانسی داشته باشیم.

رضایی : من بیشتر از اینکه به فکر جایزه باشم ، به فکر دیده شدن کار هستم . اگر کار دیده شود و در موردش صحبت شود ، خود این برای ما جایزه است.

مجید واحدی زاده: شرایط سیاسی و اقتصادی بر شرایط کارهای فرهنگی تاثیر می گذارد

نمایش "کافه سایه" به نویسندگی ابراهیم عادل نیا و کارگردانی مجید واحدی زاده، کاری از گروه تئاتر آرتاویل اردبیل است که در دو بخش مسابقه تئاتر ایران و برگزیده مناطق در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر شرکت داشته است. خبرنگار تئاتر فستیوال گفت و گویی را با مجید واحدی زاده، کارگردان و بازیگر این نمایش داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید.

لطفا در ابتدا بیوگرافی مختصری از خودتان و گروه تان برای ما بگویید.

فعالیتیم را سال ۵۹ از کانون پرورش فکری کودکان نوجوانان شروع کردم. تقریباً دو سال بعد عضو گروه رسمی "آرتاویل" شدم که در اردبیل به طور رسمی و حرفه ای کار می کرد. تا سال ۶۹ فقط صرفاً بازیگری می کردم. از سال ۶۹ با نمایشنامه "عروسک ها" کارگردانی را شروع کردم و از آن سال تا امروز بیش از ۴۰ نمایش را کارگردانی کردم و به جز یکی، دو مورد در اغلب نمایش ها بازیگری هم داشتم چون بازیگری را خیلی دوست دارم. از کارهای شاخص نمایش "سبز، سهراب، سرخ" بود که در آن بازیگری و کارگردانی کردم که کار برگزیده بیستمین جشنواره تئاتر فجر شد و بعد در جشنواره



"جاده ابریشم" آلمان اجرا رفت. سال ۸۳ نمایش دیگری به نام "اژدها چهرک" را به فجر آوردم که این نمایش در سال ۸۴ به فستیوال "شب های سفید" آلمان رفت و در کشورهای آذربایجان و گرجستان در چند فستیوال شرکت کرد. در سال ۸۷ به عنوان یکی از ۳۰ چهره ی برتر و تاثیرگذار تئاتر در ۳۰ سال انقلاب انتخاب شدم. در سال ۸۹ به عنوان کارگردان برگزیده کشور از سوی کانون منتقدین انتخاب شدم. سال ۸۹ با نمایش "بت آذری" که نوشته و کارگردانی کرده بودم در جشنواره فجر شرکت کردم، سال ۹۰ با نمایش "پسر انسان" در جشنواره فجر بودم، امسال هم که با نمایش "کافه سایه."

در مورد نمایش "کافه سایه" و نحوه ی کارگردانی تان توضیح دهید.

ما در گروه مان که متشکل و حرفه ای کار می کند، برنامه ای برای استعدادیابی نمایشنامه نویسی داریم. نمایشنامه های تولید خود بچه های گروه را نمایشنامه خوانی می کنیم. "کافه سایه" را هم چون نمایشنامه نویس از بچه های گروه خودمان است، اوایل سال آن را به صورت نمایشنامه خوانی اجرا کردیم. بچه ها گفتند قابلیت اجرای صحنه ای دارد. هم زمان، توفیق این را داشتیم که اردبیل میزبانی جشنواره منطقه ای "سوره ماه" را داشت، این نمایش در آن جشنواره شرکت کرد که برای جشنواره سراسری تئاتر "سوره ماه" برگزیده شد و در جشنواره "سوره ماه" در تهران اجرا شد و از سوی جشنواره "سوره ماه" به جشنواره تئاتر فجر معرفی شد. این نمایش را یک ویژگی می دانم از این بابت که از صفر تا نهایتش کار خود بچه های گروه است و این جای خوشحالی دارد چون همیشه نمایشنامه نویسی از نقاط ضعف همه ی گروه ها و کمبود کل تئاتر ایران بوده است. در مورد شیوه ی کارگردانی، من تغییراتی را در متن دادم. بحث عروسک که در کار بود، در متن نبود، بعضی صحنه ها را جا به جا کردم و احساس کردم می توان یک کار سیال و روان تولید کرد که امیدوارم مخاطبین از کار خوششان آمده باشد.

به چه دلیل از عروسک در کارتان استفاده کردید؟

عروسک و خیمه شب بازی یکی از شاخصه های تئاتر ایرانی و ملی است. در قصه ی نمایش، آدم های داستان مثل عروسک در دست های دیگرند. از این جهت احساس کردم، همین آدم ها با عروسک هایی که در باکس یک خیمه شب بازی هستند، منطبق می شوند و بازی داده می شوند. همه ی آدم های این نمایشنامه همزاد عروسکشان در باکس خیمه شب بازی وجود دارد. دوست داشتم هم به نوعی از تئاتر ایرانی الهام بگیریم که بر میزانش ها و طراحی صحنه تاثیر گذاشته بود، همچنین تلفیقی از یک کار کلاسیک ایرانی و مدرن داشته باشیم که فکر می کنم این اتفاق افتاده است.

از اجرای امشب راضی بودید؟

ما دو اجرا داشتیم. اجراهای جشنواره معمولا نوعی دستپاچگی برای گروه دارد، چون سالن ناآشناست، فضای سالن هنوز درک نشده است. همیشه این تجربه را داشتم که اجرای اول اشکالاتی دارد، اجرای اول ما هم اینگونه بود اما اجرای دوم خوشبختانه خوب بود و احساس می کردم که ریتم مناسبی داشت و بچه ها هم از عهده ی کارهایی که بر عهده ی آن ها بود، به خوبی برآمدند.

کیفیت برگزاری جشنواره امسال را از لحاظ مدیریت و آثار ارائه شده، چگونه ارزیابی می کنید؟

این دوره پانزدهمین یا شانزدهمین دوره است که در جشنواره تئاتر فجر شرکت می کنم. جشنواره فجر مهم ترین رویداد تئاتری کشور است و حتی خارج از ایران، تئاتر ایران را با جشنواره فجر می شناسند. متأسفانه این جشنواره از همان دوره ی آغازینش، سال ۶۱ به بعد با تغییر مدیریت ها، مثل همه ی شاخصه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... این مملکت، دچار آزمون و خطا بوده است یعنی هر دبیر و سیاست گذاری می آید، یک شیوه ای را برای برگزاری جشنواره فجر انتخاب می کند. شما اگر جشنواره های خارجی را ببینید، برنامه ریزی شده تر و با ساختارند. امکان ندارد که یک جشنواره ای مثلا در آلمان اجرا شود و سال بعد خیلی از گزینه ها و ترکیب بندی های جشنواره عوض شود ولی در جشنواره فجر، این را می بینیم. مثالی می زنم از جشنواره بیستم که رقابتی بود و همه ی گروه ها رقابت می کردند که کار ما برگزیده شد، از سال بعدش، سال ۸۱ برای چند سال رقابت را از جشنواره حذف کردند. بعد ها فهمیدند که این اقدام خوب نبوده، کل هنرمندان دچار یک نوع بی انگیزگی شدند. ضعف هایی که امسال دیدم بیشتر به خالی بودن دست مدیران مربوط می شد، آنطوری که من شنیدم حجم عظیمی از بودجه ی سال گذشته ی فجر را کسر کردند که طبیعتا این موضوع بر بحث میزبانی و پذیرش کارهای خارجی تاثیر می گذارد. شرایط سیاسی و اقتصادی زمانه مان بر شرایط کارهای فرهنگی مان تاثیر می گذارد. امیدوارم برای سال بعد مسئولین و متولیان به این مقوله یعنی جشنواره فجر که می توان گفت گل سر سبد تئاتر است، بیشتر بها بدهند.

و اگر حرف پایانی ای در مورد جشنواره تئاتر فجر و کار خودتان دارید، برای ما بگویید.

ما نمایش "کافه سایه" را چند جا اجرا رفتیم، اجرای عمومی داشته ایم، اجرای منطقه ای و جشنواره سوره ی ماه و حالا جشنواره ی فجر ولی همه شان اجرای جشنواره ای بودند. من زیاد اجرای جشنواره را دوست ندارم، از اجرای عموم خیلی لذت می برم. امیدوارم این کار در تهران به اجرای عمومی در بیاید تا بتوانیم میزبان دوستانی که نیامدند و در حجم زیاد برنامه های فجر گرفتار شدند و یا مشغله داشتند و دوست داشتند این کار را ببینند، در اجرای عمومی باشیم.

نمایش "خرمگس" در دل ها نشست!

یادداشتی بر نمایش "خرمگس" به کارگردانی علی عابدی به بهانه ی حضورش در جشنواره تئاتر فجر



نمایش "خرمگس" که در دهمین روز از جشنواره تئاتر فجر به اجرا درآمد، با استقبال بسیار فوق العاده ای از سوی مخاطبان جشنواره رو به رو شد.

نمایش "خرمگس" نمایشی خوب به کارگردانی بسیار خوب علی عابدی، در قالب جنگ ولی با مفهومی روانشناختی به خوبی اجرا شد. این اثر که در قالب طنز مربوط به نیروهای کهنه کار نظامی در لایه ای عمیق تر به عادات و روزمرگی های انسانی اشاره می کند، اشاره درست به این مفهوم مخاطب را به فکر فرو برد و با تکرار جملاتی کلیدی همچون "یک روز، بگو یک ساعت" در جایی که خاطره ی اصلی نمایشنامه حول آن می چرخد به درستی انتقال مفاهیم می کند. زمانی که انتقال پیام با کمترین دیالوگ و به صورت اکت به مخاطب مفهوم را برساند آنگاه نمایش بسیار دلچسب می شود و خستگی بی مفهوم!

این نمایش یا ریتمی متناسب و نمایشنامه ای بدون ضعف با میزانشی درست و ساده و بی الایش نظرات مثبت تماشاچیان را به خود اختصاص داد. البته تنها موارد خوب این نمایش به این چند فاکتور ختم نشد و **cast** صحیح، پرهیز از زیاده گوئی،

تبدیل تیپ های فانتزی نمایش به شخصیت و خلاقیت های جالب اکسسوار و میزانشن دست به دست هم دادند تا نمایشی به این خوبی را در کارنامه ی این کارگردان فهیم ثبت کنند. شناخت میزانشن به آنها این امکان را داد که با وجود نشستن عده ی زیادی به روی زمین (سه ردیف) کوچکترین برخورد فیزیکی با تماشاگران ایجاد نشود، البته چیدمان جنگی میزانشن هم که قرار بود خانه ای نظامی را به رخ بکشد، که بالا و پائین رفتن سختی را به همراه داشت به خوبی انجام می دادند!

اجرای خوب بازیگران که صرفا به خاطر فهم صحیح آنان از نمایشنامه و پرداخت اکت ها بود چرا که صرفا دیالوگ جذاب نیست، زمانی ساده ترین دیالوگ خنده دار است که **(body language)** زبان بدن در آن به درستی به کارگرفته شود و درست ترین مفهوم را به مخاطب القا کند و اکت های درست در این اجرا خستگی را از تنمان زدود. مفهوم مکانیکی شدن انسانها ی امروز که روز به روز بیشتر هم می شود، نقش مهمی را در این کار به رخ کشید. روزمرگی خیلی از ما انسان های تکنولوژی باز دور نیست و در کمین مان است تا چند سال دیگر به طور کامل در ما نفوذ کند چه بسا همین الان هم در بسیاری از افراد به چشم می خورد. نکته ی دیگر خاطراتی که با توجه به رخ دادن آنها انسان ها محدود می شوند و این محدودیت است که انسان را تضعیف و دچار روزمرگی می کند و توانست مخاطبان خود را به فکر وا دارد.

خوب بودن این نمایش مرا به وجد آورد تا پیشنهاداتی هم بدهم. به نظر دو اپیزود پایانی کار فقط از محکم کاری بود و خیلی نیاز به

نمایش نبود چرا که در طول نمایش به مخاطب فهماند که سرنوشت این افراد چه می شود . و مورد دیگر اینکه اسم نمایش خیلی در خور نمایش نبود و به نظر بی ربط است ، انتخاب اسمی دیگر بهتر به انتخاب تماشاچی کمک می کند .
با اینکه در نمایشنامه جمله ای دار که می گوئید : احساس کنم خرمگس هستم و به درد نمیخورم " که نه به درد زمین نه به در ... نمیخورم ! مرا قانع نکرد که ارتباط میان اسم و مفهوم نمایش برقرار کنم .

شهرزاد وکیلی - نویسنده ی مهمان

محمد رضا عطایی فر : نمایش "سایه سار سکوت" جسارت و شهامت دارد و بی شعار است

نمایش "سایه سار سکوت" به نویسندگی و کارگردانی محمد رضا عطایی فر در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر در تماشاخانه باران به روی صحنه رفت. این کارگران نزدیک به ۱۵ سال است در تئاتر فعالیت می کنند و پس از چند سال دوری از تئاتر دوباره به این هنر روی آورده است. در ادامه مصاحبه خبرنگار **تئاتر فستیوال** را با این کارگردان می توانید بخوانید :

لطفا یک بیوگرافی کوتاه از خودتان بگویید.

محمد رضا عطایی فر هستم حدود ۱۰، ۱۵ سال است که نمایش کار می کنم و دبیر ۴، ۵ جشنواره بودم، عضو هیات مدیره تئاتر خیابانی بودم و اکنون چند سالی است که در ایران نبوده ام، برای تحصیلات رفتم و بعد به این جا برگشتم، و دوباره شروع به کار نمایش کردم.

چه شد که این نمایشنامه را انتخاب کردید.

نمایش "سایه سار سکوت" جسارت و شهامت دارد و در عین حالی که جزء جنگ ماست بدون شعار است و معمولا یکی از دلایلی که باعث می شود نمایش ها مورد پسند مخاطب



نگیرند همین شعارزدگی است، که این نمایش از این امر مستثنی است. ما سعی کردیم نمایشی کار کنیم که، شعار نداشته باشد و از فضای مونوتون و یکنواخت در این کارها فاصله بگیرد و علی رقم این که احساس می کنیم کمی باید مردم (که قشر خاصی هستند) و یک سری از مسئولینی که نمی خواهند یک سری از واقعیت ها را بپذیرند، مطمئن باشید اگر انتقاد پذیر باشند این نمایش ها هم می تواند تاثیر خود را داشته باشد. حتی بهتر از تمام شعارهایی که باید بدهند.

واقعا فکر می کنید مردم قدرت پذیرش این جسارت ها را دارند ؟

یک زمانی ما خرمشهر را از دست دادیم، اگر بخواهیم فقط فتح خرمشهر را نشان دهیم، از دست دادن ارزشی ندارد، ما از دست دادیم بعد هم گرفتیم، ما اگر قرار باشد فقط فتح را نشان دهیم و هرچه بردیم را نشان دهیم و شکست هایمان را نشان ندهیم، اشتباه است ما باید شکست و بردمان را باهم نشان دهیم. اشتباهاتی که اتفاق افتاده را نشان دهیم.

اشتباهاتی که قرار نبود اتفاق بیفتد و ناخواسته بود را در کنار بردمان نشان دهیم. ولی به این دلیل که ما در این نمایش ها و خیلی از نمایش های ژانر دفاع مقدسی، فقط شعار داده ایم که ما موفق شدیم، ما بردیم و هیچ اتفاق و مشکلی نبود. اینطور شد که مردم، زده شدند و جشنواره تئاتر دفاع مقدس و یا جشنواره فیلم دفاع مقدس که فقط اهالی اش می روند و کارشان را می بینند و از آن تعریف می کنند و از این بابت است که مورد پسند عموم قرار نمی گیرد. مردم احتیاج دارند که با واقعیت روبرو شوند.

از اجرای امشب راضی بودید؟

نه متأسفانه به این خاطر که مشکلات خاصی داشتیم و نتوانستیم یک اجرا ژنرال داشته باشیم، خیلی اشتباهات در کار پیش آمد که البته لازم و ملزوم نمایش زنده است.

از جشنواره امسال راضی بودید؟ همکاری مسئولین چطور بود؟

متأسفانه من فضای ناخوشایندی را برای آینده تئاتر می بینم. و طبعاً جشنواره ایده آل شما نیست. چرا که سال به سال از بودجه آن کم می شود. من فکر می کنم تا ۲، ۳ سال آینده، تورم به ۴۰٪ می رسد و بودجه به ۴ میلیون تومان می رسد.

شهری که پل های خوب، تونل های خوب و مردم غیر فرهنگی داشته باشد، تونل ها و پل ها خراب می شوند. به همین بابت ما به فرهنگ نیاز داریم و تئاتر فرهنگ است. فرهنگ را اگر از مردم بگیرید، جنگل می شود و در جنگل هم هیچ چیز سر جایش نمی ماند مگر طبیعت آن را نگه دارد.

به همین بابت امسال اگر دکتر صالح پور نبود فکر می کنم این جشنواره جلو نمی رفت چون خیلی ها به خاطر ایشان آمدند، خیلی ها به خاطر او از خیلی چیزها گذشتند چرا که اردشیر صالح پور قدمت دارد، شناسنامه تئاتر دارد چه در دبیرخانه جشنواره فجر که سالها او را می شناختیم و چه به عنوان یک فردی که به هر حال بسیار تعدیانه به تئاتری ها نگاه می کند و به تئاتر عشق می ورزد و به همین بابت من باید از ایشان تقدیر و تشکر کنم به این دلیل که اگر ایشان نبود فکر می کنم این جشنواره اصلاً برپا نمی شد، چون به نظر من بودجه یک میلیارد و خورده ای بودجه ای تنها برای یک تئاتر بین المللی نیست، شما چطور می توانید در مملکت به یک بازیکن فوتبال یک میلیارد بدهید؟ و به جشنواره بین المللی یک کشور هم همان مقدار و یا حتی کمتر دهید. پس واقعاً وضعیت نا بهنجاری است و به نظر من مسئولین ما باید از حالا به فکر شرایط ناخوشایند فرهنگی کشور باشند. به نظر من دیگر نمی توانیم بگوییم ما در سرازیری هستیم بلکه ما به انتها رسیده ایم.

از کارهای جشنواره امسال راضی بودید؟

امسال من چند کار دیدم و فکر می کنم یک سری از کارها مخصوصاً کارهایی که جوان ها کار می کنند خوب است. بخش بین الملل مان را خیلی دوست نداشتم، البته می دانم که دستشان بسته است و نمایشنامه هایی را آورده اند که بتوانند قرارداد خوب ببندند و پول خوب دهند. ولی من امسال کارهای ایران را می پسندم و باز هم در بخش مرور خیلی به داوری دقیق تر احتیاج داشت، چون خیلی خاص و سخت بود، برای اینکه همه این کارهای این بخش همگی قوی هستند و اجرا رفته اند و به هر حال ۲۷ کار قوی در این بخش، داوری آن سخت است ولی در کل خوب بود.

نوید سالاری مقدم: کار بازیگران رادیو سخت تر از رسانه های دیگر است

نوید سالاری مقدم نویسنده و کارگردان نمایش " تبریز ، آتش و سپیده " فارغ التحصیل از دانشگاه صدا و سیما می باشد که با این نمایش رادیویی در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر شرکت کرده است. اولین نمایش او که پارودی ای بود از هملت توانست در سومین دوره جشنواره نمایش های رادیویی ، رادیو نمایش ، جایزه مشترک کارگردانی را کسب کند. خبرنگار **تئاتر فستیوال** به بهانه ی حضور نوید سالاری مقدم در بخش رادیو تئاتر جشنواره تئاتر فجر گفت وگویی را با وی انجام داده است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



تاکنون در جشنواره فجر شرکت کرده بودید ؟

خیر . امسال اولین بار بود که شرکت کردم.

این متن اولین بار بود که اجرا می شد ؟

بله . این متن اولین بار است که به جشنواره ای ارائه می شود و تنها در جشنواره فجر امسال اجرا شده است.

در نمایش های رادیویی چه عاملی را در ارتباط متن با مخاطب تاثیرگذار می دانید ؟

وقتی ما از نمایش رادیویی صحبت می کنیم ، به دلیل اینکه تنها صدا را برای ارتباط با مخاطب داریم ، کار برای بازیگر و تمام عناصر نمایش حتی نویسنده بسیار سخت می شود چرا که بازیگر فقط باید از طریق صدا ارتباط برقرار کند و حس خود را انتقال دهد ، موقعیت سازی و فضا سازی کند در نمایش های رادیویی ما چیزی به عنوان بازی بدن و یا میمیک نداریم ، به نظرم موقعیت بسیار سختی برای بازیگر است . بازیگران رادیو به شدت آدم های قدرتمندی در کارشان هستند ، اگر قرار باشد بین بازیگران رده بندی کنیم که بازیگران کدام رسانه کار سخت تری را تجربه می کنند ، به نظر من بازیگران رادیو سخت ترین کار را انجام می دهند و حرفه ای ترین ها هستند و طبعاً این خصیصه در همه مقوله های این کار وجود دارد ، مثلاً وقتی شما متنی برای رادیو می نویسید باید این ویژگی هایی را که عرض کردم لحاظ کنید. همه فکر ها از طریق صدا انتقال پیدا می کند و این کار به نسبت رسانه های دیگر کار سختی است.

انتخاب صدا پیشگان به چه صورت بود ؟

همه اعضای گروه تئاتری هستند و تا حدی کار صحنه ای کرده اند ، حتی یکی از بازیگران این کار از سن من بیشتر تجربه بازی دارد. این گروه براساس ویژگی های صدا و اجرا نسبت به شخصیت ها انتخاب شده اند ، به این صورت که یکی از بازیگران که قدرت ارائه طنز بیشتری داشت برای بازی نقشی انتخاب شد که شیرینی بیشتری داشت و یا بازیگر دیگری که صدای پُر و بهتری داشت برای یک نقش جدی تر و مهم تر انتخاب شد.

شما نویسندگی این کار را هم برعهده داشتید ، ایده شکل گیری این نمایشنامه چه بود ؟

من در تاریخ روابط ایران و آمریکا به دلیل دیگری مطالعه می کردم که ماجرای باسکرویل به نظرم خیلی مقوله جالبی آمد.

تصمیم دارید این نمایشنامه اجرای صحنه ای داشته باشد ؟

من این کار را به صورت مستقل و در فقر کامل ارائه دادم در واقع اعضای گروه همه به من لطف کردند که در کار شرکت کردند ، اگر حمایتی نباشد قطعاً این اتفاق نمی افتد به این دلیل که همه می دانند هزینه های تئاتر از درآمدهایش بسیار کمتر است و همه باید فقط به خاطر علاقه کاری را انجام دهند و همیشه علاقه صرفاً ، ایجاد انگیزه برای ورود به کار نمی کند . ولی اگر از کار حمایت شود چرا که نه!

توجه به نمایش های رادیویی در جشنواره امسال چطور بود ؟ آیا از جشنواره امسال راضی بودید ؟

اگر بخواهم بی تعارف بگویم ، راضی نبودم.

جایی کاملاً نامناسب برای ما در نظر گرفته شده است که این اتفاق در واقع به نوعی بی مهری است به رادیو تاتر و دست اندر کاران آن و همچنین مخاطبانی که برای دیدن نمایش ها در این بخش حضور پیدا کردند.

این بی توجهی است چرا که مخاطبان حتی به راحتی نمی توانستند بر صندلی ها بنشینند و به دلیل اینکه سقف این سالن پایین است ما حتی امکان نورپردازی نداشتیم ، چون نورمستقیم در صورت بازیگر می خورد و او دیگر نمی توانست تمرکز کند . یعنی نه امکانی برای صحنه پردازی و اجرای المان های بصری وجود داشت و نه امکانی برای نورپردازی و نه امکانی برای اکت . صرفاً این سالن فقط برای ایستادن و رول خواندن مناسب است ، که البته باز هم با مشکل روبرو می شدیم یعنی من برای ارتباط با بازیگر مجبور بودم آنقدر در جایی که استقرار دارم جابه جا شوم تا بتوانم به آن ها دستور شروع اجرا بدم.

به هر حال در جشنواره رادیویی به آن صورت که تبلیغات می شود متأسفانه توجهی نمی شود و این بی توجهی به نوعی بی مهری است به گروه هایی که در جشنواره صادقانه کار می کنند.

برای بهبود بخش رادیویی جشنواره فجر در سالهای آینده چه پیشنهادی دارید ؟

به نظر من دو موضوع که بیش از همه به ذهن آدم میرسد ، انتخاب مکان مناسب برای اجرای گروه هاست یعنی به طوری که من احساس کنم جای خوب برای اجرا دارم و اگر کسی را دعوت کنم تا اجرایم را ببیند از او شرمند نشوم و مجبور نشود سخت بنشیند و کار را ببیند.

و مسئله بعدی ، حمایت است . حداقل حمایت که می تواند حتی مادی هم نباشد ، حمایت های دیگر غیرمادی به هر حال هیچ چیزی عملاً امسال اتفاق نیافتاد و یا حداقل می توانم بگویم من ندیدم . صحبت از کاتالوگ و بروشور در جشنواره بود ولی ما تا امروز که هنوز چیزی ندیدیم . حتی صفحه ای به آن اختصاص داده نشد.

در بخش های دیگر ما شاهد هستیم هزینه هایی برای کمک هزینه برای اجرا وجود دارد ولی اگر در بخش رادیویی وجود داشت من ندیدم و با من صحبتی نشده است که این موضوع از همان بی مهری هاست.

علی کشوری: "جدا کردن بخش رادیویی تئاتر از سایر بخش ها، زینده ی تئاتر نیست"

نمایش رادیویی « تبریز آتش و سپیده » به نویسندگی و کارگردانی نوید سالاری مقدم در چهارمین روز جشنواره تئاتر فجر در تالار استاد رکن الدین خسروی تماشاخانه سه نقطه اجرا شد. علی کشوری، نقش خوان این نمایش در گفت و گویی خواندنی با خبرنگار **تئاتر فستیوال** درباره ی ویژگی های نمایش رادیویی و دغدغه هایش در اجرای نمایش های رادیویی گفت.



ویژگی های اصلی نمایش رادیویی چیست که می تواند بر مخاطب تاثیرگذار باشد؟
با توجه تجربه ای که بنده در انواع قالب های نمایشی اعم از کارهای تلویزیونی و سینمایی، تئاتر، تله تئاتر و کارهای رادیویی داشتم، به عقیده من یکی از سخت ترین قالب ها کار رادیویی و تله تئاتر است.
به این دلیل که در نمایش رادیویی امکانات بازیگر از نظر چهره و تصویر گرفته می شود و تمام چیزی که دارد، صداست. حال باید با این صدا، آن منطق و حس واقعی که در آن صحنه ی خاص نمایش، جریان دارد را به مخاطب القا کند. همچنین باید بتواند افکت های خاص، به جا و لازم را که مربوط به خود کاراکتر است، ایفا کند. متأسفانه در خیلی از کارها از آن غافل می مانند.

تفاوت اصلی نمایش های رادیویی که به روی صحنه اجرا می شوند با نمایشنامه خوانی در چیست؟

این یک استثناست که کار برای مخاطبی که در سالن حضور دارند، اجرا می شود. ویژگی مشترک نمایش رادیویی و خوانش، تخیلی است که بازیگر باید داشته باشد و در ذهنش، عین به عین، بتواند همه چیز را خلق کند و در لحظه زندگی کند و برای بهتر ادا شدن صدا، چه برای آکسان ها، تاکید ها، لحن و حس بتواند این تخیل را داشته باشد. در نمایش رادیویی بازی کردن با چهره و میمیک نیاز نیست ولی در خوانش قطعاً نیاز است. در خوانش مخاطبی داریم که مقابل ما نشسته و به چهره ی بازیگر نگاه می کند.
به عقیده من، در واقع این نوع اجرا که یک سری مخاطب آمدند و کار را دیدند، بدعت بود و ما چون می دانستیم فرمت اجرا به این شکل است سعی کردیم، خوانش داشته باشیم، البته با میکروفن و تنها تفاوت اصلی این است که ما در خوانش به صورت عام، با میکروفن سر و کار نداریم. می تواند باشد ولی در اینجا با میکروفن و همچنین مقوله ای به نام نت بودن و پرسپکتیو سر و کار داریم که باید در اجرا رعایت شود.

چه شد که با این گروه همکاری کردید؟

من در مقطع کارشناسی ارشد، دانشجوی رشته تهیه کنندگی تلویزیون از دانشگاه صدا و سیما بودم. نوید سالاری مقدم (دوستانم) تهیه کننده رادیو بود و او را از قدیم می شناختم و براساس صحبت هایی که با همدیگر داشتیم و علاقه مندی که به نمایش های رادیویی دارم (چون تخیلاتم را قلقلک می دهد) با هم صحبت کردیم و ایشان متن باسکر ویل که ابتدا با این نام بود را به من داد. وقتی متن را خواندم و موضوع کار را دیدم، خیلی خوشم آمد.

یک کاراکتر خاص ، به یک برهه ای از تاریخ ایران اشاره می کند که ما خیلی در مورد آن نمی دانیم و پرداخته نشده است . به عقیده ی من ، به نوعی ، یک وجه مشترک خوب و خاطره ی خوش ، بین مردم امریکا و ایران است . این کاراکتر خیلی عجیب است . شاید هر کدام از ما در موقعیت دیگری باشیم ، هیچ وقت خودمان را وارد جریاناتی نمی کنیم که به ما ربطی ندارد و همیشه محتاط هستیم . مخصوصا وقتی که این مسائل و اتفاقات ، برای کشور دیگری باشد . اما این کاراکتر واقعا آزادی خواه و واقعا آزاده است . این آدم که شخصیت واقعی هم هست ، وقتی میبیند مردم و در واقع آزادی و استبداد در کدام سمت و سو ایستاده اند ، با این که به او ربطی ندارد ، دخالت می کند . همان طور که در دیالوگ کلیدی اش است ، " نبرد برای آزادی ، مرز ، نژاد ، طبقه و زبان نمی شناسد " .

اولین تجربه ی حضورتان در جشنواره ی تئاتر فجر است ؟

بله .

بخشی که در جشنواره کمترین توجه به آن می شود ، بخش رادیویی ست ، برای گسترش این بخش در بین مردم و جذب مخاطب چه

پیشنهادهائی دارید ؟

بحث جذب مخاطب مقوله ی بسیار پیچیده ایست ، تئاتر و سینمای ما هم با این موضوع درگیر است و از فقدان مخاطب مورد نیاز رنج می برد . اما اگر بخواهیم راجع به تئاتر صحبت کنیم ، جا دارد با تشکر از برگزار کنندگان ، توصیه کنم (دوست ندارم انتقاد کنم) اول خودمان این موضوع را جدی بگیریم تا بقیه هم جدی بگیرند .

محل و نحوه ی برگزاری این بخش از جشنواره و همین طور مراسم اختتامیه (که شنیده ام قرار است جدا برگزار شود) خوب نیست . این جدا کردن ها زیبنده ی تئاتر نیست . ما همه یک خانواده ایم ، مهم نیست چه بخشی انجام می شود . کار رادیویی یک سری امکانات حداقلی می خواهد که باید برقرار شود . فضای آکوستیک باشد . مخاطبین به شکل بهتری بتوانند کار را ببینند . تبلیغات بهتری صورت بگیرد .

مسئله ی دیگر این که کار ، زنده نیست . یعنی اگر کار زنده اجرا شود و روی این مسئله تاکید شود ، می تواند مخاطب را تحریک کند به این که در این جا حضور داشته باشد . تا اینکه بخواهد کار را بشنود .

روح الله جعفری : جشنواره تئاتر فجر اشتباهات بنیادین دارد

مصاحبه ی اختصاصی **تئاتر فستیوال** با "روح الله جعفری" کارگردن تئاتر به بهانه ی کیفیت سی و سومین جشنواره تئاتر فجر



تا به امروز چه کار هایی در جشنواره فجر دیده اید ؟

من بیشتر کارهای جشنواره را دیده ام ، هم کارهای فرنگی و هم کار بچه ها در حوزه های مختلف .

اگر بخواهید از بین کارهایی که تا به امروز دیده اید یکی از بهترین ها را انتخاب کنید کدام کار را انتخاب می کنید ؟

اگر منظور شما از بهترین ، کار شاخص باشد متأسفانه من امسال در جشنواره کار شاخصی ندیدم و تا امروز در این هشت روزی که گذشت ، نمی توانم کاری که کمتر نقص داشته باشد را نه در حوزه مرور و نه در حوزه تازه ها و نه در بخش های دیگر نام ببرم . به این دلیل که معتقد هستم برگزاری این رویداد فرهنگی با این شکل و شمایل و برنامه ریزی هایی که صورت گرفته ، اشتباهات بنیادین دارد . یعنی وقتی که در دقیقه ۹۰ مدیر کل جا به جا می شود و یا بودجه هنوز اختصاص داده نشده و زمینه تمرین کارها یعنی سخت افزار سازه ای در اختیار گروه ها قرار نگرفته و همه چیز در دقیقه ۹۰ انجام می شود ، ماحصل و شکل و شمایلی که این کار فرهنگی قرار است به خودش بگیرد نمی تواند آبرومند باشد .

کیفیت کارهای شهرستان را چطور می بینید ؟

در وهله اول چیزی که برای تئاتر شهرستان حایز اهمیت می باشد بحث آموزش است . به دلیل دور بودن آنها از فضای پایتخت و اتفاقاتی که می افتد اگر قرار است تعادل و تبادل نظر و تعامل سازنده بین گروه های شهرستانی و گروه های تهرانی شکل بگیرد ، باید اول در حوزه آموزش برابری وجود داشته باشد . اساتیدی که دعوت می شوند ، کارگاهها و کلاس هایی که گذاشته می شود باید از اساتید کار آمد و به روزی در حوزه های مختلف چه در حوزه نمایش ایرانی ، تئاتر ترجمه و چه تئاتر اکسپریمنتال یعنی تجربی استفاده کند .

ولی متأسفانه وقتی که این ارتباط به سختی وجود دارد ، سطح آموزش عملی بچه ها هم پایین می آید و به همین علت وقتی کارها را نگاه می کنید ، می بینید که شاخصه هایی که هنوز با آن کار می کنند بعضاً شاخصه هایی نیست که به روز شده باشند و بچه ها متأسفانه در حوزه تئاتر شهرستان امسال در حال در جا زدن هستند . این هم به این دلیل است که وقتی عقبه را نگاه کنید می فهمید که در ۹ سال گذشته دائماً در حال انتشار بوده و به بحث آموزش و به روز کردن اطلاعات بچه ها در حوزه تئاتر شهرستان بها داده نشده و عموماً با این مشکل اساسی دست به گریبان هستند .

در بخش بین الملل کیفیت آثار را چطور دیدید و کدام کار بیشتر راضی کننده بود ؟

از ماست که بر ماست . وقتی همه چیز لحظه نودی می شود ، رایزنی صورت گرفته ، انجام نمی شود و طبیعتاً با توجه به کمبود بودجه ، پایین آمدن قیمت نفت هر بشکه زیر ۵۰ دلار ! و با توجه به مشکلاتی که از لحاظ سیاسی داریم نمی توانیم آثار حائز اهمیت و با کیفیت بالا را دعوت به کار کنیم . همه این مسائل دست به دست هم می دهد تا شما سه ، چهار کار را از عمان ، کویت ، فرانسه ، آلمان ، ایتالیا ، ارمنستان و روسیه ببینید حتی زمانی می گفتیم آقای رابرت ون چوری که می آید یک گروه درجه چهار یا پنج است ، ولی این گروه ها فاقد درجه یا رتبه به لحاظ کیفی آثار هستند

و هر چقدر شما جستجو کنید ، می بینید که این گروه ها برای برقراری این گفتگوی فرهنگی و تبادل فرهنگی که قرار است بین کشور ما و آنها ایجاد شود داری عقبه ی محکمی نیستند . مسئله بعدی متاسفانه تکرار خطا هایی است که سال به سال در حوزه بین الملل اتفاق می افتد ، کارهایی عموماً دعوت و انتخاب می شوند که متکی به کلام صرف هستند . تصویرسازی ، زیبایی شناسی ، صحنه و عناصر این چنینی اصلاً برای گروه اجرایی حائز اهمیت نیست و برای انتقال مفاهیم که با کلمه و با دیالوگ شکل می گیرد ، هیچ ترفندی ندارند و نداشتن بودجه را دست آویز می کنند که نه بالانویسی و نه زیرنویسی استفاده شود و نه بروشوری و نه بولتنی داده شود . برای مثال کار ارمنستان " پرواز بر فراز شهر " در سالن اصلی ، یک خانمی می آید و یک مونولوگی را به مدت ۴۰ دقیقه اجرا می کند و شما زبان را متوجه نمی شوید . طبیعتاً تابلوی اولی که برای شما ساخته می شود جذاب است ولی پس از دقایقی ارتباط قطع شده و دیگر هیچ چیزی نمی تواند شما را به تصویر وصل کند و وقتی که با خود گروه صحبت می کنید ، تازه متوجه می شوید داستان از چه قرار است . این دو مشکل اساسی باعث می شود ارتباط ها قطع شوند .

من وقتی سه یا چهار کار دعوت شده را دیدم ، کار به میانه نرسیده اکثراً تماشاچیان بلند شدند و سالن را ترک کردند ، چون نمی توانند ارتباط برقرار کنند . متاسفانه این مشکلی است که در بخش بین الملل بسیار پرنگ است .

مدیریت و کیفیت جشنواره را چطور ارزیابی می کنید ؟

ما در این بازه ی زمانی در حال تجربه ی یکی از بی نظم ترین و آشفته ترین مدیریت های فرهنگی که در حوزه تئاتر سی و سه دوره گذشته اتفاق افتاده ، هستیم . به دلیل این که به عناصری مانند برنامه ریزی ، ارزیابی کردن ، شناسایی نقاط ضعف و برطرف کردن آن ، استفاده از مشاورین و متخصصینی که در این حوزه سالهاست کار می کنند و خانه نشین هستند و استفاده از اساتید دلسوز و کارکنان فعال هنرهای نمایشی و ظاهراً به خرد جمعی هیچ اعتقادی نداریم . در بها دادن به این مسئله فقط شعار می دهیم ولی در عمل هیچ فرقی ندارد . در این فضای بسته و بیمار اسامی تغییر می کنند و اگر افرادی ضد یکدیگر هم بیاید باز هم هیچ فرقی ندارد . ظاهراً در یک هزارتویی گرفتار هستیم که وقتی که در آن چارچوب قرار می گیریم باز از همان ابتدا می خواهیم هم چاه را بکنیم و هم چرخ را اختراع کنیم و بعد به آب برسیم . با این محدودیت اتفاقی نمی افتد ، یعنی ۷۰ سال دیگر که دوره صدم را برگزار کنیم باز هم همین است . این بدیهیاتی است که همه می دانند و در موردش صحبت می کنیم ولی چون کار کارشناسی صورت نمی گیرد ، چیزی تغییر نمی کند . نداشتن بودجه و بسیاری از این مسائل توجیه های بعدی است و گام اول ارزیابی و ریشه یابی و داشتن نقشه راه است که در پیش ادبیات مدیریت فرهنگی حوزه هنرهای نمایشی یا معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چیزی شبیه شوخی است .

کارگردان "کفش هایم را قدم بزنی": کوله پشتی های ما پر از خشونت است

نمایش " کفش هایم را قدم بزنی " به نویسندگی و کارگردانی عبید رستمی که اشاره به خشونت و تبعیض علیه زنان در تمام جوامع دارد ، از شهرستان سمنان در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر شرکت کرده است . خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت وگویی را با عبید رستمی به بهانه ی حضورش در جشنواره تئاتر فجر انجام داده است که می توانید آن را در ادامه مطالعه کنید.

لطفا بیوگرافی خود را بگویید.

عبید رستمی هشتم . تقریباً ۲۵ سال است که در کردستان کار تئاتر انجام می دهم و عضو انجمن هنرهای نمایشی هستم . در زمینه ی نویسندگی و کارگردانی و بازیگری در تئاتر و تلویزیون هم فعالیت دارم . نمایش " کفش هایم را قدم بزنی " آخرین کاری است که نوشته و کارگردانی کرده ام که در جشنواره ی استانی و جشنواره ی مناطق و الان هم در جشنواره ی فجر پذیرفته شده است.

شما در چند دوره ی جشنواره ی تئاتر فجر شرکت داشتید ؟

با این کار نهمین دوره ای است که به عنوان بازیگر ، نویسنده و کارگردان در جشنواره حضور پیدا کرده ام.

به نسبت تجربه های پیشین از این دوره از جشنواره ی تئاتر فجر راضی هستید ؟

من فکر می کنم جشنواره ی تئاتر فجر باید ویرترین تمام نمایش هایی باشد که در طول سال در کل ایران اجرا می شود و نباید غایت نهایی تئاتر ما باشد . غایت نهایی تئاتر ما آن تبادل اندیشه و فکر و احساس در اجرا های عمومی است . من فکر می کنم در تئاتر ایران به دو لایه ی آموزش و اجرای عمومی پرداخته نشده است و بیشتر به جشنواره ها توجه داریم . این الزاماً بد نیست و باید جشنواره ها برگزار شوند ولی اینکه فقط به جشنواره توجه کنیم و چند روز گروه ها تعدادی اجرا بروند و بعد پرونده ی آنها بسته شود ، اتفاق خوبی در تئاتر ما نیست . تئاتر ما زمانی می تواند بالنده باشد که در مواجهه با تماشاگر قرار بگیرد و این اتفاق میسر نمی شود مگر اینکه ساز و کاری برای اجرا های عمومی در کل کشور فراهم شود و حمایت های مادی و معنوی از گروه ها انجام بشود ، زیر ساخت ها و سخت افزار هایی مانند سالن و تجهیزات صحنه ای در شهرستان ها مهیا بشود ، که هنرمندان ما تمایل به خروج از شهرستان ها و استان ها و آمدن به تهران را نداشته باشند . من فکر می کنم در تهران چیزی متفاوت نیست و اگر پول و امکانات در شهرستان ها باشد خیلی راحت می شود در استان ها گروه ها می توانند اجرا های ۶۰ روزه و یا بیشتر داشته باشند چون پتانسیل و نیرو و استعداد در بین آنها هست . امیدوارم که این اتفاق بیوفتد و مثلاً جشنواره ی فجر برابندی از تمام اجر های طول سال بشود.

وضعیت تئاتر استان کردستان چگونه است ؟

ما به لحاظ سخت افزاری و زیر ساخت های تئاتر مثل سالن از کمبود شدید امکانات رنج می بریم و به لحاظ شرایط مالی هم در حد صفر هستیم و این بچه هایی که در حال اجرا هستند کمترین حمایت مادی ندارند . هر چند اگر بخواهیم تئاتر را در جامعه اشاعه دهیم و بتوانیم رسالت خود را به عنوان



هنرمند یا مدیر هنری، فرهنگی به منصفه ی ظهور برسانیم، حتما باید برای هنرمندان استان ها یک بسته ی حمایتی ویژه ای داشته باشیم. خصوصا استان کردستان که با برگزاری اجرا های متنوع که ما در طول سال داشتیم و همچنین با توجه به برگزاری جشنواره ی خیابانی مریوان و اجرا های متنوع عمومی در تمام شهرستان ها، فکر می کنم که این شکل از حمایت در شان ما نیست و نمی توانیم با اینگونه حمایت های مالی سبب جذب هنرمند، هنرجویان و یا علاقمندان به تئاتر بشویم و از سوی دیگر نمی توانیم سبب اشاعه و اعتلا تئاتر در جامعه باشیم. من فکر می کنم که باید همزمان چند پروژه را در استان ها برنامه ریزی کنیم که شامل بحث آموزش، امکانات، زیر ساخت ها، بحث نمایشنامه نویسی شود. فکر می کنم اگر آموزش های طولانی مدت در استان ها شکل بگیرد می توانیم به تئاتراستان ها و هنرمند های استان امیدوار باشیم.

از اجرای امشب "کفش هایم را قدم بزنی" راضی بودید؟

با توجه به اینکه ما چیزی به اسم انتخاب نداریم و سالن های محدودی که وجود دارند، واقعا هر کارگردانی محق است از قبل امکانات نور و سالن و تجهیزات صحنه ای خود را بداند و بر اساس آنها طراحی کند که این اتفاق در جشنواره ی فجر نمی افتد، مگر برای گروه های تهرانی که قبلا در این سالن ها اجرا رفته اند. عموم بچه هایی که از شهرستان می آیند با این مشکلات مواجه هستند. ما دیشب ساعت دو به تهران رسیدیم و صبح نور و دکور کار را بستیم و عصر اجرا داشتیم. فردا باید گروه به سنندج برگردد. هنرمند های خوب سنندج که در این گروه هستند حتی نمی توانند یک کار را در جشنواره ببینند. اگر قرار است جشنواره ی تئاتر فجر به عنوان یک پل ارتباطی بین هنرمندان شهرستان و تئاتر مرکز باشد، رویه ی آن باید تغییر کند. باید ساز و کاری فراهم شود که هنرمند های شهرستانی بتوانند در طول جشنواره از اجرا ها بهره ببرند. من محدودیت دبیرخانه و مرکز هنرهای نمایشی را درک می کنم و الان در مورد دوره ی خاصی صحبت نمی کنم و کلیت، مد نظر من است. به کلیت تئاتر ایران باید نگاه مجددی شود. تئاتر ما با یک اداره ی کل و بودجه ی اندکی که به آن اختصاص داده شده است نباید انتظار کار خارق العاده از آن داشت. تئاتر ما باید به سازمان تبدیل شود و باید توسط مجلس به آن ردیف بودجه و اعتبارات ویژه داده شود. آن وقت می شود به گسترش این هنر در بین جوانان و در جامعه امیدوار بود. در غیر این صورت ما در عمق یک سانتی یک اقیانوس در حال تلاش هستیم و کار ما عمیق و تاثیر گذار نخواهد بود. امیدوارم روزی برسد که جشنواره ی تئاتر فجر محلی برای آموزش و یادگیری کسانی که می خواهند با غول های تئاتری ایران و دنیا مواجه شوند و آثار این دوستان را ببینند. خیلی از سال ها این اتفاق می افتاد ولی با این وضعیت پیش آمده فکر می کنم اتفاق خاصی در تئاتر ما نمی افتد.

آیا فکر می کنید با انتخاب این نمایشنامه توانسته اید حرف خود بزنیید و قابلیت تئاتر سنندج را نشان دهید؟

من زمانی نمایش اجرا می کنم که حرفی که می خواهم بزنم، حرف خودم و دغدغه ی من باشد. و یا از جغرافیا، فرهنگ و یا جامعه ی خودم ایده گرفته باشم. این نمایش روایت زندگی سه زن یکی در عراق، یکی در ایران و دیگری در افغانستان است. پایه ی کار، مستند است و این سه اتفاق واقعا رخ داده است. ما این ها را به عنوان نمایشنامه نویس و کارگردان از صافی شعور خودمان رد کرده و به درام تبدیل کردیم. واقعا فکر می کنم که جهل، تعصب و سنت خشک در مورد خانم های ما بیداد می کند. من حق دارم به عنوان یک پدر نگران دختر کوچکم باشم که در آینده خشونت در زندگی اش نباشد. به این قضیه امید دارم و این امیدواری را در نمایش هم نشان می دهم. ولی متاسفانه کوله پشتی همه ی ما پر از خشونت است. ما مدام برای نسل آینده خشونت جمع می کنیم. پیام نمایش این است که اگر می خواهیم آینده ای شفاف تر و بهتر برای کودکان خود داشته باشیم باید جامعه را از خشونت و سنت های دست و پا گیر که زندگی دختران و زنان ما را به تباهی می کشند خالی کنیم. خانم ها بخش اعظمی از جامعه ی ما هستند. این سیطره از نظر من نمایشنامه نویس درست نیست و ما با شدت در حال له کردن نصف جامعه هستیم.

امیدوارم پیام شما به کسانی که این اجرا را دیده اند رسیده باشد.

ممنون. من فکر می کنم اجرا های عمومی ما و بازخورد کار نشان می دهد که تماشاگر مفهومی که مدنظر ما بود را درک کرده است و در نقد ها و صفحه های اجتماعی نسبت به ان عکس العمل نشان دادند و نظر خود را به سادگی عنوان کرده بودند. فکر می کنم تونسته ایم تا حد زیادی این ارتباط را به وجود آوریم.

عکس هایی از نمایش خیابانی " از ۵۹ تا چند ؟؟؟ "



کارگردان "بچه‌های خاکستری": به علت موضوع اجتماعی، این نمایشنامه را انتخاب کرده‌ام.



نمایش «بچه‌های خاکستری» به نویسندگی امید نیاز و کارگردانی الهام چنانی از بوشهر، در دهمین روز جشنواره تئاتر فجر در دو نوبت ۱۷ و ۱۹ در تالار هنر به روی صحنه رفت. خبرنگار تئاتر فستیوال مصاحبه‌ای کوتاه با کارگردان این نمایش صورت داد که می‌توانید در ادامه بخوانید:

از اجرای نمایش «بچه‌های خاکستری» راضی بودید؟

خدا را شکر. بچه‌ها تمام تلاششان را کردند که به بهترین نحو نقش‌شان را اجرا کنند.

از تجربه‌ی فعالیت تان در تئاتر بگویید؟

این نمایش اولین تجربه‌ی کارگردانی من است. ۱۲ سال سابقه‌ی بازیگری دارم و در نمایش‌هایی چون "اروند هنوز زنده است"، "رقص گاومیش‌ها"، "رد آفتاب"، "مرده شور"، "آچمز" و خیلی نمایش‌های دیگر، در جشنواره‌های داخلی جزیره‌ی خارک، استانی بوشهر، منطقه‌ای و کشوری حضور داشته‌ام.

چرا این نمایشنامه را به عنوان اولین تجربه انتخاب کردید؟

به علت موضوع اجتماعی خیلی خوبی که نمایشنامه دارد و در حال حاضر به درد جامعه می‌خورد.

از کارهای جشنواره چیزی دیده‌اید؟

متأسفانه چون من در جزیره‌ی خارک شاغل هستم، برای اسکان در تهران محدودیت داشتم و موفق نشدم هیچ کدام از کارها را ببینم. بعد از ظهر دیروز رسیدم.

قبلا در جشنواره‌ی تئاتر فجر به عنوان بازیگر حضور داشتید؟

بله. سال ۸۸ با نمایش "گاومیش" حضور داشتم.

کیفیت جشنواره‌ی امسال را چگونه می‌بینید؟

جشنواره با توجه به کارهایی که انتخاب شدند و با کارگردان‌ها آشنایی دارم، از لحاظ کیفیت جشنواره‌ی خوبی است ولی چون من کارها را ندیده‌ام متأسفانه خیلی نمی‌توانم اظهار نظر کنم.

به عنوان یک گروه شهرستانی مدیریت جشنواره را چطور می‌دانید؟

خوب بوده است. راضی‌ام.

کارگردان "هزار شلاق": "باید سیستم نمایشی خودمان را بشناسیم"

احسان ملکی، کارگردان نمایش "هزار شلاق" که از خرم آباد در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر حضور داشت، در بخش مرور تئاتر ایران از وی تقدیر شد. خبرنگار تئاتر فستیوال بعد از دومین اجرای وی در دهمین روز جشنواره، در سالن استاد ناظرزاده کرمانی، گفت و گوی کوتاهی با او انجام داد که می توانید در ادامه بخوانید:

چه مدت کار تئاتر انجام می دهید و چندمین تجربه همکاری تان با آقای حبیبیان است؟

من از سال ۱۳۷۶ فعالیت تئاتری انجام می دهم و گروه تقریباً ثابتی داریم. با آقای حبیبیان نزدیک به هیجده سال است که همکاری می کنم. در یک مقطع کوتاهی که درگیر تحصیلات آکادمیک بودیم، فاصله ی مکانی داشتیم ولی از لحاظ کاری همچنان در ارتباط بودیم. با مابقی افراد گروه هم تقریباً هفت، هشت سال مشغول به کاریم.

چه شد که این نمایشنامه را برای کار کردن انتخاب کردید؟

با توجه به سلیقه، نگاه، تفکر و اندیشه ای که در افراد گروه وجود دارد، این متن را انتخاب کردیم. البته سالهاست که ما یک گروه منسجم هستیم و آقای حبیبیان نویسنده

گروه هستند. من هم به عنوان کارگردان در این گروه فعالیت می کنم.

نمایشنامه یک دوره ی تاریخی در زمان قاجار را روایت می کند و اتفاقات تاریخی مهم آن زمان را بسیار سریع مرور می کند. شاید بشود گفت به یک اتفاق خاصی تاکید ندارید. نظرتان چیست؟

نمایشنامه، در واقع روایت تاریخ دویست ساله ی ایران است که از زبان اسبی به نام کرنگ (نام اسب لطفعلی خان) روایت می شود که زمان به زمان، چرخش اجرایی ما تغییر می کند. از سوی دیگر نوع روایت ما برگرفته از نمایش های ایرانی است و با تکیه بر پرده خوانی اجرا می شود. با تکنیکی که آقای حبیبیان در روایت شان به کار بردند، ما سعی کردیم نگاه جدید و مدرن به اجرای نمایش های ایرانی داشته باشیم. در واقع یک مواجه مدرنیته به تاریخ است. یعنی جدال بین سنت و مدرنیته.

چقدر به بخش کمدی و طنز نمایش توجه داشتید؟

در این بحث ما به دنبال خنداندن مردم نبودیم. ما سعی کردیم تلخ و شیرین تاریخ مان را در اجرای نمایش های ایرانی دنبال کنیم و نگاهی که در جهان امروزی می گذرد را منعکس کنیم.

در این نمایش "اسب" نقش پررنگی دارد، نماد چیست؟

اسب نمادی از مردم است. البته در متن آقای حبیبیان، یک اسب که همان کرنگ است، وجود دارد. ولی در اجرا، پنج کرنگ. این اسب ها، با توجه به شیوه های اجرایی شان، نقش های متفاوتی را روایت می کنند. در واقع ما سعی کردیم با این پنج برخوان، نگاهی که به مردم داریم، مردمی صادق، نجیب و پاک را نشان دهیم.



پیش تر هم ، تجربه ی حضور در تئاتر فجر را داشتید ؟

کار ما در چهار دوره معرفی شد ولی متأسفانه به دلیل نداشتن بند پ از معرفی به جشنواره محروم می شدیم . ما در سه دوره ، برگزیده جشنواره سراسری ماه بودیم و امسال هم با نمایشی به نام "چیر" در چهارمین دوره برگزیده شدیم . امسال گروه ما دو تولید اثر داشت . همان طور که گفتم ، نمایش "چیر" در جشنواره سراسری ماه با شش جایزه ی برتر ، برگزیده ی مطلق جشنواره بود و به فجر معرفی شد . اما به دلیل قوانینی که وجود دارد و یک کارگران نمی تواند دو اثر را به جشنواره بیاورد آن نمایش حذف شد و ما امسال فقط با " هزار شلاق " توانستیم در فجر حضور پیدا کنیم .

نمایش " چیر " در تهران ، سه دوره اجرای عمومی داشت . همین طور نمایش " کابوس های شکسته " ، " خاک " ، " باغ و آتش " و " مجلس نامه ی طوبی " که به مدت یک ماه در تهران اجرای عمومی رفتند . امیدوارم " هزار شلاق " هم به اجرای عموم در تهران برسد و دیده شود . واقعا دغدغه ی ما ، حضور در جشنواره فجر با دو اجرا نیست . ما دوست داریم هشت ماه ، کار و زحمت گروه ما را ببینند . هدف اصلی مان بدون هیچ تعارف و تمجیدی اجرای عموم است .

صحبتی هم برای این موضوع شده ؟

هنوز نه . این دو اجرا ، اولین برخورد با کار است . منتظریم ببینیم در بخش رقابتی فجر چه اتفاقی می افتد که اگر اتفاق خوشایندی برای نمایش بیفتد ، اجرای عمومی راحت تر است اگر نه هم که ما حتما پیگیر اجرای عموم خواهیم بود . چه کار جایزه بگیرد یا نه .

در خرم آباد چطور ؟ اجرا داشتید ؟

بله . آنجا هم این نمایش را اجرای عموم رفتیم . به نظر من اگر هنر نمایش برای اجرای عموم نباشد ، یعنی اگر هنری دیده نشود ، فایده ندارد .

استقبال مردم خرم آباد از کار چطور بود ؟

خدا را شکر امسال استقبال از این نمایش خیلی خوب بود . در یک هفته ای که گروه در آن جا اجرا کرد ، با این که اصلا تبلیغاتی هم انجام ندادیم و فقط یک بنر ، دور میدان اداره ی ارشاد خرم آباد نصب شد ، استقبال خیلی خوبی از کار شد .

چقدر تاکید دارید متن نمایشنامه هایی که کار می کنید ، ایرانی باشد ؟

من نزدیک به دوازده سال تجربه ی کارگردانی دارم . چه در دوران دانشگاهی و قبل و بعد از آن ، یک نگاهی دارم . به نظر من ما باید سیستم نمایشی خودمان را بشناسیم . البته آثار نویسندگان بزرگ دنیا مثل شکسپیر قابل تحسین است و نمی توانم راجع به آن صحبت کنم ولی من احساس می کنم ما هنوز آثار خودمان را نمی شناسیم .

با آداب و فرهنگ ، رویه و باورهای خودمان خیلی می شود خلاقیت و اتفاق های خوبی شکل بگیرد که می تواند تاثیر بسزایی بگذارد .

کیفیت جشنواره ی امسال را چه از لحاظ مدیریت و چه آثار راه یافته در آن چطور دیدید ؟

کارهای جشنواره را کمابیش پیگیری کردم . ستاد برگزاری و دبیرخانه زحمت زیادی کشیدند . برگزاری چنین فستیوالی کار راحتی نیست . جا دارد که خسته نباشید بگویم . بعضی مواقع باید واقعیت ها را هم گفت . سطح کیفی کارها واقعا پایین است . با احترامی که برای کل گروه ها قائلم ، احساس می کنم به تئاتر ، خیلی ساده نگاه می کنیم . خلاقیت جدید یا یک نگاه جدید ، یک بازخوردی که واقعا روی مخاطب تاثیر بگذارد ، در کارها نمی بینیم . احساس می کنم بیشتر داریم به سمت تکرار و ادا پیش می رویم .

سعید حران اف : تئاتر زیباست و با تماشاچی زیبا تر هم می شود

سعید حران اف یکی از بازیگران نمایش " واپسین رقص برگ با باد " به کارگردانی بهمن پارسا آرا است که از شهرستان اراک در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر شرکت کرده است. حران اف که بازیگری اش بیشتر بر حرکات بدنی تکیه دارد، در این نمایش نقش چند پرسوناژ را بازی می کند. خبرنگار تئاتر فستیوال گفت وگویی را با او ترتیب داده است که می توانید آن را در ادامه مطالعه کنید.



در ابتدا بیوگرافی مختصری از خودتان و کارهای قبلی تان برای ما بگویید.

من سعید حران اف هستم که حدود ۱۴ سال است به صورت حرفه ای در زمینه تئاتر و تلویزیون کار می کنم. حدود سال ۷۶، برای اولین بار نقش کوچکی را بازی کردم و اینگونه قدم به تئاتر گذاشتم. در طی این سال ها فعالیت بسیاری داشتم و نتیجه نسبتا خوبی گرفتم و به صورت تخصصی بدن گرایی کار می کنم. استفاده بسیار زیادی از بدنم در عرصه ی تئاتر می کنم سعی می کنم وقتی روی صحنه هستم، با تمام وجودم، از صدایم، مخصوصا بدنم استفاده کنم و به نظر خودم به آن ایده آلی که در ذهن دارم، تئاتر یعنی تمام بدن، تمام روح، تمام صدا، رسیده ام. نمایش " واپسین رقص برگ در باد "

که حدودا یک سال است که تمرین آن را شروع کردیم، در چند جشنواره شرکت کرده است و به لطف داوران در طیف های مختلف، جایزه بازیگری را گرفته ام، البته فکر می کنم خود نقش هم خوب است، نمی توانم بگویم همه ی آن به توان بازیگری من بر می گردد. دوست دارم با تمام وجود آن نقشی را که دارم، حسش کنم، لمسش کنم. به قول بچه ها من نقش را می خورم، هضمش می کنم، بعد ارائه می دهم.

در این نمایش شما چند پرسوناژ مختلف را بازی کردید، بیشتر به چه المان هایی توجه داشتید تا آن مفهومی را که مد نظر تان بود، به مخاطب القا کنید؟

وقتی از بخش بصری کار بگذریم، برای من حس کردن آن لحظه خیلی مهم است. آن لحظه را هر زمان که خودم درکش کنم، بازی می کنم. اگر حس کنم که خودم لمسش نمی کنم، اصلا ارائه اش نمی دهم و از آن می گذرم. ولی وقتی خودم درکش کنم، حسش کنم، قطعا بیننده حسش می کند، حالا مقداری هم تکنیک قاطی آن می کنیم و ارائه اش می دهیم.

از آثار جشنواره نمایشی را دیدید؟

چون خودم مشغول ساخت یک سریال برای شبکه شما هستم، نتوانستم بیایم و کارهای جشنواره تئاتر را ببینم. تلویزیون و وضعیت معیشتی مقداری ما را درگیر کرده است.

کیفیت برگزاری جشنواره را از لحاظ مدیریت چگونه ارزیابی می کنید؟

مدیریت جشنواره فجر همیشه خوب است ولی حرفی که همیشه ما این طرف، آن طرف می شنویم این است که بچه های شهرستان در جشنواره فجر دیده نمی شوند یا کارهایی که از بخش های دیگر جشنواره آمده اند، دیده نمی شوند. نمی دانم چرا چنین حرفی پیچیده است ولی امیدوارم که این حرف دروغ باشد.

محمد ربانی پور : در نمایش رادیویی ، هیچ ابزار دیگری به جز صدا ، وجود ندارد



در چهارمین روز جشنواره تئاتر فجر، نمایش رادیویی « تبریز ، آتش و سپیده » نوشته و کار نوید سالاری مقدم در تالار استاد رکن الدین خسروی تماشاخانه سه نقطه به اجرا درآمد. محمد ربانی پور نقش خوان این نمایش در گفت و گویی کوتاه با خبرنگار **تئاتر فستیوال** درباره ی این نمایش و عوامل موثر در نمایش های رادیویی گفت.

محمد ربانی پور بازیگر نمایش رادیویی " آتش و سپیده " در رابطه با این نمایش به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت : " نمایش در دوره مشروطه اتفاق می افتد . قیام مشروطه و قیام مردم تبریز است و به خصوص در رابطه با شخصی به نام باسکر ویل اس که تبعه آمریکاست و به عنوان معلم به تبریز می آید ، ولی تحت تاثیر انقلابیون تبریز و آزادی خواهی و مشروطه خواهی قرار می گیرد و با مردم تبریز همراه می شود و در نهایت در همین راه جان عزیزش را فدا می کند یک جوان ۲۲ ، ۲۳ ساله که بسیار قابل تقدیر است ."

وی در توضیح نقش اش در این نمایش ادامه داد : " بنده در این نمایش نقش ستارخان را بازی می کنم که البته نمایش حول داستان ستارخان نیست حول داستان باسکر ویل است اما ستارخان در اینجا حضور پیدا می کند " .
ربانی پور که اذعان داشت ، بازیگر تئاتر و سینماست و رادیویی نیست ، عوامل بسیاری را در موثر بودن یک نمایش رادیویی موثر می دانست . وی در این رابطه توضیح داد : " عوامل بسیار زیادی به خصوص افکت ها ، صدای بازیگر ، بیان بازیگر و اینکه حس بازیگر از طریق صدای او می تواند منتقل شود یا نه ، می تواند تاثیر داشته باشد . هیچ ابزار دیگری وجود ندارد و این موضوع باید بسیار عمیق باشد " .

وی همچنین افزود : " درست است که در نمایش رادیویی ، بدن بازیگر شرکت نمی کند و چشمانش را نمی بینید ، ولی با آن بیان و آن هوایی که از طریق تنفس بیرون می دهد ، شما به عنوان مخاطب باید بفهمید که چه حال و وضعیتی دارد " .
او در پایان اشاره کرد : نمی شود خیلی بیانش کرد و یا به صورت تئوری توضیح داد . در عمل باید نشان دهیم و این کار مشکلات خاص خودش را دارد . با این حال ، می تواند بسیار قابل توجه و دلپذیر باشد .

میثم گودرزی : رادیو نمایش هنوز بچه است

"بیرون جهنم" به کارگردانی رضا داداشی در بخش رادیو نمایش در سی و سومین جشنواره فجر اجرا شد. به همین بهانه **تئاتر فستیوال** به سراغ بازیگر اول این کار "میثم گودرزی" رفته و مصاحبه ای اختصاصی با او داشته است:

بیوگرافی مختصری از خودتان برای ما بگویید.

میثم گودرزی هستم. حدود ۱۳ سال است در زمینه بازیگری تئاتر فعالیت می کنم. چند فیلم کوتاه کار کردم و سه، چهار سالی می شود که در رادیو مشغول کار هستم.

چه شد که تصمیم گرفتید در این نمایش رادیویی، بازی کنید؟

نمایش، نمایشی بود که مرا دچار چالش درونی کرد. موقعیت و شخصیت مجید، که به نوعی هویت خود را گم کرده و حالا به دنبال هویتی برای خودش می گردد و در این بین اتفاقاتی برای او رخ می دهد که تخیلش را به شدت درگیر می شود. موضوع ساده ای نبود، داستان جذابی داشت و فکر می کنم شخصیتی که بازی کردم، شخصیتی بود که بعدهای مختلفی را در صحنه های مختلفی از خودش نشان می دهد و یکی از دلایل اصلی انتخاب این نقش و پذیرفتن این نقش این بود که خیلی دوست دارم نقش هایی با زاویه و بعدهای مختلفی که در درونشان دارند، ارائه کنم. تک بعدی بودن در نقش ها را زیاد دوست ندارم.

کارهای دیگر بخش رادیو تئاتر را دیده اید؟

متأسفانه چون ما شهرستان هستیم، من در این چند روز فقط وقت کردم کارهای صحنه ای جشنواره فجر را ببینم. اما دورادور شنیده ام کارها چطور بوده اند. برای همه ی دوستانی که در جشنواره بودند آرزوی موفقیت می کنم، چون می دانم رادیو و کار رادیویی چه کار پر مشقت و سختی است و انرژی زیادی می گیرد. به همه ی آن ها خسته نباشید می گویم.

شانس گروه خودتان را در جشنواره برای کسب رتبه چقدر می دانید؟

ما تلاشمان را کردیم. یک بعد قضیه تلاش ماست که خوشبختانه تیم کارگردانی و مجموعه ی گروه از کاری که انجام داده، رضایت دارد. یک بعد قضیه در جشنواره، داورها هستند و سلیقه شان نسبت به کار، که آن قابل پیش بینی نیست. هر چند ممکن است ما از کارمان خیلی رضایت داشته باشیم، ولی آنها نظرات دیگری داشته باشند و حتی ممکن است برعکسش هم اتفاق بیفتد. به هر حال باید منتظر بمانیم و ببینیم چه اتفاقی می افتد.

این دوره چندمین حضور شما در جشنواره تئاتر فجر است؟

دومین سال است که در جشنواره فجر شرکت می کنم. سال گذشته و امسال، دو سال است که در جشنواره شرکت می کنم.



امتیازدهی دپارتمان نقد تئاتر فستیوال به نمایش های بخش بین الملل سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

اعضاء دپارتمان نقد تئاتر فستیوال از ابتدای آغاز به کار سی و سومین جشنواره تئاتر فجر نظرات و انتقادات خود در مورد آثار به نمایش در آمده در این جشنواره را در قالب نقد و یادداشت منتشر کرده اند . حال در پایان این دوره از جشنواره ، دپارتمان نقد تئاتر فستیوال به نمایش های دیده شده توسط اعضاء خود از صفر (۰) تا پنج (۵) امتیاز داده است که میانگین و نتیجه این امتیازدهی در جدول زیر آمده است . البته تئاتر فستیوال و اعضاء دپارتمان نقد آن بسیار متأسف هستند که آثاری چون " در اعماق " به کارگردانی مصطفی عبداللهی (که به حق توانایی کسب کردن جوایز بسیاری را داشت) و " عزیز شنگال " به کارگردانی قطب الدین صادقی در بخش مسابقه راه نیافتند.

آثار بخش بین الملل و مسابقه بین الملل سی و سوم جشنواره تئاتر فجر			
نام نمایش	نویسنده	کارگردان	امتیاز دریافتی از دپارتمان نقد تئاتر فستیوال (۵ - ۰)
خرمگس	علی عابدی	علی عابدی	۴/۷۵
هم هوایی	مهین صدری	افسانه ماهیان	۴/۷۵
کمپلکس اودیسه	فلیکس میثاس ات	فلیکس میثاس ات	۴/۵۰
دیده بانان	پیروبر لوکلرک	محمدرضا خاکی	۴/۳۳
لندن، رم، تهران، آمستردام	آروند دشت آرای	آروند دشت آرای	۴/۲۰
باغ آلبالو	آنتوان چخوف	آتیلا پسیانی	۴
گراموشی	داریوش ربیعی	اسکندر اسکافی	۴
بازار	محمد الحینای	ادریس النیهانی	۳/۶۰
بیرون پشت در	ولفگانگ بورشرت	ایمان اسکندری	۳/۶۰
مرگ فروشنده	آتور میلر	نادر برهانی مرند	۳/۳۳
اقیانوس آرام	علی حاتمی نژاد	علی حاتمی نژاد	۳
البور تویست	اصغر خلیلی	اصغر خلیلی	۲/۷۵
صدای آهسته برف	پیام سعیدی - جابر رمضانی	جابر رمضانی	۲/۷۵
سال آشوب	گوران علی کریم	گوران علی کریم	۲
چند روایت نا معتبر ، ندیدنی	رضا گشتاسب	رضا کرمی زاده	۲
کامنت	بهار کتوزی - محمد منعم	یوسف باپیری	۲
قصر	آرمین جوان	آرمین جوان	۱/۶۰
من...	فرهاد تجویدی	فرهاد تجویدی	۱/۶۰
خانه واده	سید محمد مساوات	سید محمد مساوات	۱/۵۰
پرواز بر فراز شهر	انوئس اسلی بکیان	نارینه گرگوریان	۱/۴۰
کودک وحشی	برونو کستن	مری پرووانس	۱/۳۰
ضربه فنی	هانی النصار	هانی النصار	۱
کتاب ها	کمپاتی کومونا	کمپاتی کومونا	۱
وو WOW	تینو صالحی	تینو صالحی	۱

امتیازدهی دیارتمان نقد تئاتر فستیوال به نمایش های بخش تازه های تئاتر ایران سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

از نظر دیارتمان نقد تئاتر فستیوال بخش تازه های تئاتر ایران، اصلی ترین بخش جشنواره تئاتر فجر است. هر چند در کمال تأسف تعداد آثار راه یافته به بخش از جشنواره نسبت به سایر بخش ها کمتر است با این حال منتقدین تئاتر فستیوال به این آثار همانند آثار بخش بین الملل از صفر (۰) تا پنج (۵) امتیاز داده اند. میانگین و نتیجه این امتیاز دهی را در جدول زیر می بینید:

آثار بخش تازه های تئاتر ایران و مسابقه تازه های تئاتر ایران سی و سوم جشنواره تئاتر فجر			
نام نمایش	نویسنده	کارگردان	امتیاز دریافتی از دیارتمان نقد تئاتر فستیوال (۰ - ۵)
بوقلمون	خیرا... تقیانی پور	خیرا... تقیانی پور	۵
یک صبح ناگهان	حسین پاکدل	حسین پاکدل	۴/۵
مروارید	قطب الدین صادقی	سروش طاهری	۴/۵
یک زندگی بهتر	مسعود هاشمی نژاد	شهاب حسین پور	۴
فقط به خاطر من	چیستا یثربی	چیستا یثربی	۳/۶
کلفت ها	ژان ژنه	دانیال نمازی	۳/۵
نمایشگاه لودلو	فورد ویلسن	مهدی ضیاء چمنی	۳
تقدیربازان	هاله مشتاقی نیا	سیما تیرانداز	۲
در سوگ کاظم اشتری	سپیده خسرو جاه	احسان بیات فر	۲
پارازیت	بهزاد آقا جمالی	سیما رادان	۱/۵
باد شیشه را می لرزاند	مهدی کوشکی	هستی حسینی - مصطفی کوشکی	۱/۵
مکبث	حسین نوشیر	حسین نوشیر	۱/۵
Thetebes Got talent	رضا غیور	رضا غیور	۱/۵
پپرونی	سپیده خمسه نژاد	مسعود طبیبی	۱/۲
وقتی کنار پنجره می ایستیم	سیامک افسایی	یعقوب صدیق جمالی	۰/۳۳

امتیازدهی دپارتمان نقد تئاتر فستیوال به نمایش های بخش مرور تئاتر ایران

سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

دپارتمان نقد تئاتر فستیوال بخش مرور تئاتر ایران را بخشی جانبی در جشنواره تئاتر فجر می داند و معتقد است اساس برگزاری جشنواره برای رونمایی از آثار جدید تئاتر کشور است و بخش مرور تئاتر باید به عنوان بخشی جانبی و نه مسابقه ای در جشنواره باشد. با این حال منتقدین **تئاتر فستیوال** این آثار را نیز چون سایر بخش های جشنواره مورد نقد و بررسی قرار دادند و از صفر (۰) تا پنج (۵) به این آثار امتیاز دادند که میانگین و نتیجه این امتیاز دهی در جدول زیر آمده است. **دپارتمان نقد تئاتر فستیوال** امیدوار است که در دوره های آینده جشنواره فجر، بش مرور آثار حداقل به شکل تعدیل شده حضور داشته باشد تا فرصت مغتنم جشنواره از آثار تازه تئاتر دریغ نشود.

آثار بخش مرور تئاتر ایران و مسابقه مرور تئاتر ایران ایران سی و سوم جشنواره تئاتر فجر			
نام نمایش	نویسنده	کارگردان	امتیاز دریافتی از دپارتمان نقد تئاتر فستیوال (۵ - ۰)
برف سرخ	ابوالفضل حاج علیخانی	ژاله صامتی	۴/۳۳
کسوف	ایوب آقاخانی	ابولفضل فرهادی	۴/۲
به لی لی پوت خوش آمدید	حسن میرزایی	حسن میرزایی	۴
کافه سایه	ابراهیم عادل نیا	مجید واحدی زاده	۴
هزار شلاق	ناصر حبیبیان	احسان ملکی	۴
شیرین به روایت امروز	چیترا نادری	محمد شهبازی	۳/۶
کسی دست به عصا...	صابر محمدی	علی شفیعی	۳/۴
روایتی تازه از قصه ای کهن	محمد قاسمی	پری بارانی	۳
ترانه های تلخ تارا	فریدون ولایی	علی فتحی	۳
سایه سار سکوت	محمدرضا عطایی فر	محمدرضا عطایی فر	۲
امیرکبیر	محمدرضا شاه مردی	محمدرضا شاه مردی	۲
بوی خوش سیمرغ	عل نقی رزاقی	علی نقی رزاقی	۲
امشب و هر شب شام با جلال	بهزاد عشقی	بهزاد عشقی	۲
چهار نمایشنامه منتشر نشده...	میلاد محمدی	میلاد محمدی	۲
صورت به صورت	سیاوش طهمورث	محمدرضا درند	۲
سینه سول	حسن رضایی	حسن رضایی - محسن حلوائی	۲
رقصی برای بازگشت عروس	تریفه کریمیان	فاتح بادپروا	۲
ملاقات با باتوی سالخورده	فردریش دورنمانت	هادی حجازی فر	۱/۸
مسافر راه شیری	رضا جوشعار	رضا جوشعار	۱/۳
ایران - استرالیا	سجاد افشاریان	سجاد افشاریان	۱/۳
عبور از مه	مجید کاظم زاده مژدهی	مجید کاظم زاده مژدهی	۱
غزل پری دریایی	علیرضا داوری	علیرضا داوری	۱
کفش هابم را قدم بزن	عبید رستمی	عبید رستمی	۱
بیئل ها	محمد چر مشیر	مهدی سالاری	۱
به کفشات نگاه کن	منوچهر اکبرلو	حمیدرضا حاجی ملاحسینی	۱
رویش ناگزیر دخی ها در حاشیه	رضا شاهبداغی	مهدی محمدی	۱
بچه های خاکستری	امید نیاز	الهام چناتی	۰/۵
کابوس زنی در خواب	اورنگ نارکی	مسلم نارکی	۰/۵
بهشت ۵۰ درجه بالای صفر	علی حیدری	علی حیدری	۰/۵

پيش بيني برترين هاي بخش مسابقه بين الملل سي و سومين جشنواره تئاتر فجر

نام منتقد	بين الملل	برگزیده از طرف منتقد	پيش بيني برگزيده جشنواره
فرهاد ابراهيمي والا	کارگردانی	علی عابدی (خرمگس)	علی عابدی (خرمگس)
	نویسندگی	مهین صدری (هم هوایی)	مهین صدری (هم هوایی)
	طراحی صحنه	هم هوایی	کمیلکس اودیسه
	بازیگر مرد	محمد صادق ملکی (خرمگس)	حمیدرضا آذرنگ (مرگ فروشنده)
	بازیگر زن	الهام کردا (هم هوایی)	الهام کردا (هم هوایی)
	موسیقی	هم هوایی	بیرون پشت در

نام منتقد	بين الملل	برگزیده از طرف منتقد	پيش بيني برگزيده جشنواره
نسترن داوودی	کارگردانی	علی عابدی (خرمگس)	علی عابدی (خرمگس)
	نویسندگی	علی عابدی (خرمگس)	سید محمد مساوات (خانه واده)
	طراحی صحنه	مرگ فروشنده	کمیلکس اودیسه
	بازیگر مرد	حمیدرضا آذرنگ (مرگ فروشنده)	حمیدرضا آذرنگ (مرگ فروشنده)
	بازیگر زن	الهام کردا (هم هوایی)	الهام کردا (هم هوایی)
	موسیقی	هم هوایی	بیرون پشت در

نام منتقد	بين الملل	برگزیده از طرف منتقد	پيش بيني برگزيده جشنواره
محمد علی مطلق	کارگردانی	محمد رضا خاکی (دیده بانان)	علی عابدی (خرمگس)
	نویسندگی	علی عابدی (خرمگس)	سید محمد مساوات (خانه واده)
	طراحی صحنه	صدای آهسته برف	صدای آهسته برف
	بازیگر مرد	حمیدرضا آذرنگ (مرگ فروشنده)	حمیدرضا آذرنگ (مرگ فروشنده)
	بازیگر زن	الهام کردا (هم هوایی)	الهام کردا (هم هوایی)
	موسیقی	بیرون پشت در	کتاب ها



نام منتقد	بين الملل	برگزیده از طرف منتقد	پیش بينی برگزیده جشنواره
آرزو شفق	کارگردانی	علی عابدی (خرمگس)	سید محمد مساوات (خانه واده)
	نویسندگی	مهین صدري (هم هوایی)	مهین صدري (هم هوایی)
	طراحی صحنه	قلعه انسانات	صدای آهسته ی برف
	بازیگر مرد	محمدصادق ملکی (خرمگس)	حمیدرضا آذرنگ (مرگ فروشنده)
	بازیگر زن	الهام کردا (هم هوایی)	ستاره اسکندری (هم هوایی)
	موسیقی	خرمگس	کتاب ها

نام منتقد	بين الملل	برگزیده از طرف منتقد	پیش بينی برگزیده جشنواره
مرجان سادات هاشمی	کارگردانی	افسانه ماهیان (هم هوایی)	علی عابدی (خرمگس)
	نویسندگی	مهین صدري (هم هوایی)	مهین صدري (هم هوایی)
	طراحی صحنه	خرمگس	صدای آهسته ی برف
	بازیگر مرد	محمد صادقی ملکی (خرمگس)	حمیدرضا آذرنگ (مرگ فروشنده)
	بازیگر زن	الهام کردا (هم هوایی)	الهام کردا (هم هوایی)
	موسیقی	—	وو WOE

بين الملل	برگزیده از طرف منتقد	پیش بينی برگزیده جشنواره
کارگردانی	ایمان اسکندری (بیرون پشت در)	علی عابدی (خرمگس)
نویسندگی	علی عابدی (خرمگس)	علی عابدی (خرمگس)
طراحی صحنه	دیده بانان	دیده بانان
بازیگر مرد	حمیدرضا آذرنگ (مرگ فروشنده)	حمیدرضا آذرنگ (مرگ فروشنده)
بازیگر زن	پرستو گلستانی (خرمگس)	الهام کردا (هم هوایی)
موسیقی	کمپلکس اودیسه	کمپلکس اودیسه

سعید خالقی

نام منتقد	بين الملل	برگزیده از طرف منتقد	پیش بينی برگزیده جشنواره
المیرا نداف	کارگردانی	علی عابدی (خرمگس)	علی شمس (قلعه انسانات)
	نویسندگی	مهین صدري (هم هوایی)	مهین صدري (هم هوایی)
	طراحی صحنه	خرمگس	کمپلکس اودیسه
	بازیگر مرد	حمیدرضا آذرنگ (مرگ فروشنده)	حمیدرضا آذرنگ (مرگ فروشنده)
	بازیگر زن	پرستو گلستانی (خرمگس)	الهام کردا (هم هوایی)
	موسیقی	کمپلکس اودیسه	کمپلکس اودیسه



پیش بینی برترین های بخش مسابقه تازه های تئاتر ایران سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

نام منتقد	تازه ها	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
سعید خالقی	کارگردانی	یک صبح ناگهان	یک زندگی بهتر
	نویسندگی	یک صبح ناگهان	یک زندگی بهتر
	طراحی صحنه	-	-
	بازیگر مرد	مهدی سلطانی (یک صبح ناگهان)	-
	بازیگر زن	-	-
	موسیقی	مکبث	یک صبح ناگهان

نام منتقد	تازه ها	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
آرزو شفق	کارگردانی	سروش طاهری - مروارید	سیما تیرانداز - تقدیربازان
	نویسندگی	قطب الدین صادقی - مروارید	خیراله تقیانی پور - بوقلمون
	طراحی صحنه	مروارید	باد شیشه را می لرزاند
	بازیگر مرد	سپروس همتی - بوقلمون	صادق ملکی - یک صبح ناگهان
	بازیگر زن	مه لقا باقری - بوقلمون	مانلی حسین پور - مروارید
	موسیقی	بوقلمون	بوقلمون

نام منتقد	تازه ها	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
نسترن داوودی	کارگردانی	سروش طاهری (مروارید)	خیرالله تقیانی پور (بوقلمون)
	نویسندگی	مسعود هاشمی نژاد (یک زندگی بهتر)	قطب الدین صادقی (مروارید)
	طراحی صحنه	----	مروارید
	بازیگر مرد	----	سروش طاهری - مروارید
	بازیگر زن	----	مانلی حسین پور - مروارید
	موسیقی	بوقلمون	بوقلمون

نام منتقد	تازه ها	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
مرجان سادات هاشمی	کارگردانی	سیما تیرانداز - تقدیر بازان	سیما تیرانداز - تقدیر بازان
	نویسندگی	مسعود هاشمی نژاد - یک زندگی بهتر	قطب الدین صادقی - مروارید
	طراحی صحنه	----	بوqlمون
	بازیگر مرد	----	شهرزاد دل افکار - باد شیشه را می لرزاند
	بازیگر زن	----	الهه شه پرست - به اتفاق خانواده
	موسیقی	----	مروارید
نام منتقد	تازه ها	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
فرهاد ابراهیمی والا	کارگردانی	سیما تیرانداز - تقدیر بازان	خیراله تقیانی پور - بوqlمون
	نویسندگی	قطب الدین صادقی - مروارید	قطب الدین صادقی - مروارید
	طراحی صحنه	یک صبح ناگهان	مروارید
	بازیگر مرد	صادق ملکی - یک صبح ناگهان	صادق ملکی - یک صبح ناگهان
	بازیگر زن	----	مانلی حسین پور - مروارید
	موسیقی	کلفت ها	مکبث
نام منتقد	تازه ها	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
المیرا نداف	کارگردانی	سروش طاهری - مروارید	حسین پاکدل - یک صبح ناگهان
	نویسندگی	خیراله تقیانی پور - بوqlمون	خیراله تقیانی پور - بوqlمون
	طراحی صحنه	یک زندگی بهتر	مروارید
	بازیگر مرد	صادق ملکی - یک صبح ناگهان	سیروس همتی - بوqlمون
	بازیگر زن	مه لقا باقری - بوqlمون	مه لقا باقری - بوqlمون
	موسیقی	بوqlمون	بوqlمون

پیش بینی برترین های مسابقه مرور تئاتر ایران سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

نام منتقد	مرور تئاتر ایران	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
آرزو شفق	کارگردانی	ابوالفضل فرهادی (کسوف)	علی شفیعی (کسی دست به عصا ...)
	نویسندگی	ایوب آقاخانی (کسوف)	ابراهیم عادل نیا (کافه سایه)
	طراحی صحنه	ملاقات با بانوی سالخورده	ملاقات با بانوی سالخورده
	بازیگر مرد	ابوالفضل فرهادی (کسوف)	سعید دشتی (سیارود)
	بازیگر زن	ژیلا آل رشاد (ترانه های تلخ تارا)	پریناز لطف الهی (ملاقات با ...)
	موسیقی	ترانه های تلخ تارا	ترانه های تلخ تارا
نام منتقد	مرور تئاتر ایران	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
مرجان سادات هاشمی	کارگردانی	ابوالفضل فرهادی (کسوف)	هادی حجازی فر (ملاقات با ...)
	نویسندگی	ناصر حبیبیان (هزار شلاق)	ناصر حبیبیان (هزار شلاق)
	طراحی صحنه	کسی دست به عصا ...	کسی دست به عصا ...
	بازیگر مرد	ابوالفضل فرهادی (کسوف)	حمید عرب (هزار شلاق)
	بازیگر زن	ژاله صامتی (برف سرخ)	پریناز لطف الهی (ملاقات با ...)
	موسیقی	کسوف	هزار شلاق
نام منتقد	مرور تئاتر ایران	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
محمد علی مطلق	کارگردانی	ابوالفضل فرهادی (کسوف)	مجید واحدی زاده (کافه سایه)
	نویسندگی	ابوالفضل حاج علیخانی (برف سرخ)	ابراهیم عادل نیا (کافه سایه)
	طراحی صحنه	هزار شلاق	هزار شلاق
	بازیگر مرد	حمید عرب (هزار شلاق)	سعید دشتی (سیارود)
	بازیگر زن	ژاله صامتی (برف سرخ)	ژیلا آل رشاد (ترانه های تلخ تارا)
	موسیقی	برف سرخ	هزار شلاق

نام منتقد	مرور تئاتر ایران	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
نسترن داوودی	کارگردانی	پری بارانی (روایتی تازه از ...)	هادی حجازی فر (ملاقات با ...)
	نویسندگی	ابوالفضل حاج علیخانی (برف سرخ)	صابر محمدی (کسی دست به عصا ...)
	طراحی صحنه	ملاقات با بانوی سالخورده	ملاقات با بانوی سالخورده
	بازیگر مرد	مجید واحدی زاده (کافه سایه)	سعید دشتی (سیارود)
	بازیگر زن	ژیلا آل رشاد (ترانه های تلخ تارا)	ژیلا آل رشاد (ترانه های تلخ تارا)
	موسیقی	برف سرخ	رویش ناگزیر دخی ها در حاشیه

نام منتقد	مرور تئاتر ایران	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
سعید خالقی	کارگردانی	ژاله صامتی (برف سرخ)	ژاله صامتی (برف سرخ)
	نویسندگی	هزار شلاق	هزار شلاق
	طراحی صحنه	ناصر حبیبیان (هزار شلاق)	ناصر حبیبیان (هزار شلاق)
	بازیگر مرد	حمید عرب (هزار شلاق)	حمید عرب (هزار شلاق)
	بازیگر زن	ژاله صامتی (برف سرخ)	پریناز لطف الهی (ملاقات با ...)
	موسیقی	هزار شلاق	هزار شلاق

نام منتقد	مرور تئاتر ایران	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
فرهاد ابراهیمی والا	کارگردانی	مجید واحدی زاده (کافه سایه)	احسان ملکی (هزار شلاق)
	نویسندگی	حسن میرزایی (به لی لی پوت ...)	ابراهیم عادل نیا (کافه سایه)
	طراحی صحنه	کسی دست به عصا ...	کسی دست به عصا ...
	بازیگر مرد	سعید دشتی (سیارود)	سعید دشتی (سیارود)
	بازیگر زن	ژاله صامتی (برف سرخ)	ژیلا آل رشاد (ترانه های تلخ تارا)
	موسیقی	هزار شلاق	ملاقات با بانوی سالخورده

نام منتقد	مرور تئاتر ایران	برگزیده از طرف منتقد	پیش بینی برگزیده جشنواره
المیرا نداف	کارگردانی	مجید واحدی زاده (کافه سایه)	هادی حجازی فر (ملاقات با ...)
	نویسندگی	ابوالفضل حاج علیخانی (برف سرخ)	صابر محمدی (کسی دست به عصا ...)
	طراحی صحنه	سیارود	ملاقات با بانوی سالخورده
	بازیگر مرد	ایرج سنجر (برف سرخ)	مجید واحدی زاده (کافه سایه)
	بازیگر زن	ژاله صامتی (برف سرخ)	پریناز لطف الهی (ملاقات با ... ۹)
	موسیقی	برف سرخ	هزار شلاق



به گزارش **تئاتر فستیوال**، در مراسم اختتامیه بخش نمایش های رادیویی این دوره از جشنواره تئاتر فجر که شامگاه شنبه ۱۱ بهمن در تماشاخانه سه نقطه برگزار شد، آثار و نفرات برتر معرفی شدند.

این مراسم با حضور اردشیر صالح پور، دبیر سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر، محمدرضا قربانی، رییس رادیو نمایش، مسعود فروتن، دانیال حکیمی و محمد امیر یاراحمدی، داوران این بخش و جمعی از هنرمندان رادیو برگزار شد.

در این مراسم، هنرمندان برتر بخش نمایش های رادیویی جشنواره تئاتر فجر معرفی شدند و لوح تقدیر و جوایز خود را دریافت کردند.

لوح تقدیر در شاخه نویسندگی به پیمان غریب پناه برای نمایش «حکایت غریب یک خیاط» تعلق گرفت. همچنین جایزه بهترین نویسندگی به نوید سالاری مقدم برای نمایش «تبریز، آتش، سپیده» تقدیم شد.

لوح تقدیر کارگردانی به کامیار محبی برای نمایش «دیوار گذر» اهدا شد و عمار خطی برای نمایش «حکایت غریب یک خیاط»، جایزه بهترین کارگردانی را گرفت.

لوح تقدیر بازیگر مکمل مرد به مهدی رجبی برای نمایش «تبریز، آتش، سپیده» و بازیگر مکمل زن به معصومه عزیز محمدی برای نمایش «خانه احمق ها» تعلق گرفت.

جایزه بهترین بازیگری مرد به بهرام نوری برای نمایش «ارتعاش» و بهترین بازیگری زن به فریبا متخصص برای نمایش «حکایت غریب یک خیاط» اهدا شد.

جایزه بهترین صداپردازی به علی حاجی نوروزی و بهترین افکتوری به نرگس موسی پور برای نمایش «خانه احمق ها» داده شد.

همچنین در بخش تهیه کنندگی، داریوش شهبازی برای نمایش «خانه احمق ها» مورد تقدیر قرار گرفت و نصیب فرشاد آذرنیا برای نمایش «حکایت غریب یک خیاط»، به عنوان نفر برتر معرفی شد.

جایزه ویژه هیئت داوران هم به مهدی آذری، نویسنده و کارگردان نمایش «ارتعاش» رسید.

برگزیدگان پوستر و عکس سی و سومین جشنواره تئاتر فجر



به گزارش خبرنگار **تئاتر فستیوال**، برگزیدگان بخش انگاره‌نگاری، عکس و پوستر سی و سومین جشنواره تئاتر فجر به شرح زیر می باشد:

بخش انگاره نگاری

- رتبه اول: محمدرضا سلطانی برای عکس و انگاره از نمایش "کالیگولا"
- رتبه دوم: منصوره قلیچی برای عکس و انگاره از نمایش "سیندرلا"
- رتبه سوم: مریم دیهول برای عکس و انگاره از نمایش "هم‌هوایی"

بخش عکس

- رتبه اول: ضیاءالدین صفویان برای عکاسی از نمایش "هراکلس ۵"
- رتبه دوم: مسعود میرمیری برای عکاسی از نمایش "ننه دلاور"
- رتبه سوم: سینا عدلی برای عکاسی از نمایش "به مناسبت ورود اشکان"

بخش پوستر

- تقدیر از: جواد آتشباری برای طراحی پوستر نمایش "خون و گل سرخ"
- سعید مزینانی برای طراحی پوستر نمایش "من تمامی مردگان بودم"
- ایلیا تهمتنی برای مجموعه آثار ارائه شده
- رتبه اول: مازیار تهرانی برای طراحی پوستر نمایش "گزارش آکادمی"
- رتبه دوم: آرمان کوچکی برای طراحی پوستر نمایش "مکانیکی جمالی"
- رتبه سوم: سعید رضوانی برای طراحی پوستر نمایش "بی چگونگی"

برگزیدگان مسابقه نمایش های خیابانی سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

به گزارش خبرنگار **تئاتر فستیوال**، برگزیدگان بخش مسابقه نمایش های خیابانی سی و سومین جشنواره تئاتر فجر به شرح زیر می باشد.

نمایشنامه نویسی:

تقدیر از: محسن عظیمی برای نگارش نمایشنامه «آجر» - عسل عصری ملکی برای نگارش نمایشنامه «جنین» - سعید قاسمی برای نگارش نمایشنامه «در آغوش آدم برفی» - عارفه عنایتی برای نگارش نمایشنامه «دور برگردان» - صحرا رضانیان برای نگارش نمایشنامه «مرمت آثار باستانی»
داروان برای این بخش هیچ کسی را به عنوان برگزیده اعلام نکردند.



موسیقی:

تقدیر از: حسین ضروری برای موسیقی نمایش خیابانی «نی نی اخاذ و مداد رنگی»
برگزیده: حامد نساج و احمد صمیمی برای موسیقی نمایش خیابانی «نگرانم»

طراحی فضا:

تقدیر از: مهدی حبیبی برای طراحی فضای نمایش خیابانی «نبش کوچه بن بست»
برگزیده: مصطفی کولیوندی برای طراحی فضای نمایش خیابانی «از ۵۹ تا چند»

بازیگری مرد:

تقدیر از: حسین حسام‌نژاد برای بازی در نمایش خیابانی «آقای سیگار» - امیرحسین شفیعی برای بازی در نمایش خیابانی «پازل زندگی» - علی غابشی برای بازی در نمایش خیابانی «صفر مرزی»
برگزیده: محمدهادی عطایی برای بازی در نمایش خیابانی «ستاره»

بازیگری زن:

تقدیر از: لادن قناد برای بازی در نمایش خیابانی «ستاره»
برگزیده: فاطمه رادمنش برای بازی در نمایش خیابانی «چرخ روز افزا»

طرح و ایده:

تقدیر از: مجید قدیمی برای طرح و ایده نمایش خیابانی «تلخند» - علی محمد رادمنش برای طرح و ایده نمایش خیابانی «چرخ روز افزا»
برگزیده: احمد صمیمی برای طرح و ایده نمایش خیابانی «نگرانم»

کارگردانی:

تقدیر از: مصطفی کولیوندی برای کارگردانی نمایش خیابانی «از ۵۹ تا چند»
برگزیده: مهدی حبیبی برای کارگردانی نمایش خیابانی «نبش کوچه بن بست»

برگزیدگان مسابقه مرور تئاتر ایران سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

به گزارش خبرنگار **تئاتر فستیوال** برگزیدگان بخش مسابقه مرور ایران به شرح زیر می باشند.

موسیقی :

تقدیر از : حسین اصیلی و علی اسدی برای موسیقی نمایش "آقای قاضی صدایم را می شنوید؟" از میناب
برگزیده : احسان آنالویی برای موسیقی نمایش "هزار شلاق" از خرم آباد

طراحی صحنه :

تقدیر از : فاتح بادپروا برای طراحی صحنه نمایش "رقصی برای بازگشت عروس" از مریوان
برگزیده : هادی حجازی فر برای طراحی صحنه نمایش "ملاقات بانوی سالخورده" از تهران

بازیگری مرد :

تقدیر از : سعید محبی امین برای بازی در نمایش "چهار نمایشنامه منتشر نشده از مهران صوفی" از تهران
فرید قبادی برای بازی در نمایش "سایه سار سکوت" از تهران
داروان برای این بخش هیچ کسی را به عنوان برگزیده اعلام نکردند.

بازیگری زن :

تقدیر از : طویه نیک آزاد برای بازی در نمایش "بهشت پنجاه درجه بالای صفر" از آبادان
بیبا آزادی برای بازی در نمایش "ترانه های تلخ تارا" از تبریز
ژیلا آل رشاد برای بازی در نمایش "ترانه های تلخ تارا" از تبریز
داروان برای این بخش هیچ کسی را به عنوان برگزیده اعلام نکردند.

نمایشنامه نویسی :

تقدیر از : محمدرضا عطایی فر برای نگارش نمایشنامه "سایه سار سکوت" از تهران
ابراهیم عادل نیا برای نگارش نمایشنامه "کافه سایه" از اردبیل
برگزیده : ناصر حبیبیان برای نگارش نمایشنامه "هزار شلاق" از خرم آباد

کارگردانی :

تقدیر از : علی شفیعی برای کارگردانی نمایش "کسی دست به عصا توی شکمم راه می رود" از گچساران
احسان ملکی برای کارگردانی نمایش "هزار شلاق" از خرم آباد
برگزیده : هادی حجازی فر برای کارگردانی نمایش "ملاقات با بانوی سالخورده" از تهران



برگزیدگان مسابقه تازه های تئاتر ایران سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

به گزارش خبرنگار تئاتر فستیوال ، برگزیدگان بخش مسابقه تازه های تئاتر ایران به شرح زیر می باشند:

موسیقی :

تقدیر از : آرش عزیزی برای موسیقی نمایش "یک زندگی بهتر"
برگزیده : سهند تاکی برای موسیقی نمایش "بوقلمون"

طراحی صحنه :

تقدیر از : میثم نویریان برای طراحی صحنه نمایش "مروارید"
برگزیده : سعید یزدانی برای طراحی صحنه نمایش "یک زندگی بهتر"

بازیگری مرد :

تقدیر از : نادر فلاح برای بازی در نمایش "پذیرایی"
سیروس همتی برای بازی در نمایش "بوقلمون"
برگزیده : شهروز دل افکار برای بازی در نمایش "باد شیشه را می لرزاند"

بازیگری زن :

تقدیر از : ساناز نظری برای بازی در نمایش "وقتی کنار پنجره می ایستیم"
فروغ قجابگلی برای بازی در نمایش "پذیرایی"
برگزیده : مه لقا باقری برای بازی در نمایش "بوقلمون"

نمایشنامه نویسی :

تقدیر از : قطب الدین صادقی برای نگارش نمایشنامه "مروارید"
هاله مشتاقی نیا برای نگارش نمایشنامه "تقدیربازان"
خیراله تقیانی پور برای نگارش نمایشنامه "بوقلمون"

کارگردانی :

تقدیر از : سروش طاهری برای کارگردانی نمایش "مروارید"
شهاب حسین پور برای کارگردانی نمایش "یک زندگی بهتر"
برگزیده : خیراله تقیانی پور برای کارگردانی نمایش "بوقلمون"



برگزیدگان بخش بین الملل سی و سومین جشنواره تئاتر فجر

به گزارش خبرنگار **تئاتر فستیوال**، برگزیدگان بخش بین الملل سی و سومین جشنواره تئاتر فجر به شرح زیر می باشد.



موسیقی :

بهار ایلچی برای موسیقی نمایش «WOW» از ایران

طراحی صحنه :

ایمان اسکندری برای طراحی صحنه نمایش «بیرون پشت در» از ایران

بازیگری مرد :

دانیال حکیمی و محمود پاک نیت برای اهدای جوایز این بخش به روی سن آمدند.

خسرو شهرز برای بازی در نمایش «ولبور توویست» از ایران

توماج دانش بهزادی برای بازی در نمایش «بیرون پشت در» از ایران

بازیگری زن :

رویا تیموریان و الهام پاره نژاد برای اهدای جوایز این بخش به روی سن آمدند.

الهام کردا برای بازی در نمایش «هم هوایی» از ایران

ستاره اسکندری برای بازی در نمایش «هم هوایی» از ایران

نمایشنامه نویسی :

اسماعیل خلج برای اهدای جایزه این بخش به روی سن آمد.

مهین صدری برای نگارش نمایشنامه «هم هوایی» از ایران

کارگردانی :

مسعود رایگان برای اهدای جایزه این بخش به روی صحنه آمد.

محمد مساوات برای کارگردانی نمایش «خانه واده» از ایران

طراحی لباس :

منیره ملکی برای اهدای جایزه این بخش به روی صحنه آمد.

ایمان اسکندری برای طراحی صحنه نمایش «بیرون پشت در» از ایران

ایمان اسکندری پس از گرفتن جایزه اعلام کرد که طراحی لباس نمایش "بیرون پشت در" کاری از گروه طراحان لباس پراکسیس می باشد.

جایزه ویژه هیئت داوران :

دکتر قطب الدین صادقی برای اهدای جوایز این بخش به روی صحنه آمد.

تقدیر از : جمع بازیگران و عوامل گروه نمایش «خانه واده» به کارگردانی محمد مساوات

برگزیده : نمایش «بیرون پشت در» به کارگردانی ایمان اسکندری

آنچه برگزیدگان سی و سومین جشنواره تئاتر فجر پس از مراسم گفتند

سی و سومین دوره ی جشنواره ی تئاتر فجر به پایان رسید . این مراسم در ۱۲ بهمن در تالار وحدت برگزیدگان خود را به جامعه ی تئاتری معرفی کرد . به همین بهانه **تئاتر فستیوال** به سراغ چند تن از این برگزیدگان رفته و با آنها مصاحبه ای اختصاصی داشته است .



بهزاد توماج دانش بازیگر نمایش " بیرون پشت در " که توانست در مسابقه ی بین الملل به همراه خسرو شهراز برای نمایش "اولیور توئیست" عنوان بهترین بازیگر مرد را کسب کند در مورد کیفیت و مدیریت جشنواره ی تئاتر فجر در سی و سومین دوره ی آن گفت :
به این دلیل که همه جوان بودند ، جشنواره را خیلی دوست داشتم . جوان هایی که خوب کار می کنند و این خیلی انرژی خوبی به ما داده بود . امیدوارم که این جشنواره ارزشمند شود و هر کس به اندازه ی تلاشش رتبه کسب کرده باشد . ولی به هر حال جشنواره خوب بود ، بد نبود ! مدیریت هم فکر می کنم قابل قبول بوده باشد .



او در ادامه با اشاره به دیده شدن گروه نمایش "بیرون پشت در " توسط داور ها اضافه کرد : من راضی هستم ، به این دلیل که گروه ما "پراکسیس" ، گروه "بیرون پشت در" یک گروه جوان است که واقعا عالی کار کرد ، و همچنین خوشحال شدم که داور ها دیدند که یک گروه جوان می تواند کار هنری کند و تشویق شود . جایزه هایی که ما برای کار "بیرون پشت در" گرفتیم ، جایزه ای بود که به هنرمندان مستقل داده شد .

خسرو شهباز پس از دریافت جایزه ی بهترین بازیگر مرد در بخش بین الملل به **تئاتر فستیوال** گفت : خیلی حس و حال متفاوتی ندارم و خیلی اتفاق بزرگی نیافتاده است . از این موارد و مسائل همیشه هست . مهم این است که ما از یاد نبریم چه هستیم ، کجا می رویم و هدفمان چیست ؟ و احساس برتری نسبت به دیگران نکنیم و این از خصوصیات ذاتی من است .

وی در ادامه با اشاره به مدیریت جشنواره و کیفیت آن نسبت به سال گذشته بیان کرد : امسال در بخش بین الملل ، کارهایی که از خارج دعوت شدند ، متأسفانه نسبت به کارهای پارسال که استخوان دار تر بود ، خیلی غنی نبودند . در مورد مدیریت هم ، من وقتی می خواهم قضاوت کنم ، خودم را در جای طرف مقابل قرار می دهم . نمی خواهم انتقاد کنم و با وجود مشکلاتی که در تئاتر ما هست ، متأسفانه برگزاری چنین جشنواره هایی بسیار سخت شده و من از همه ی آن ها ممنونم و برایشان آرزوی موفقیت می کنم .

خیر الله تقیاتی پور از دیگر برگزیدگان سی و سومین جشنواره ی تئاتر فجر که توانست در دو بخش نمایشنامه و کارگردانی در مسابقه ی تازه های تئاتر ایران برای نمایش " بوقلمون " تندیس جشنواره را از آن خود کند در مصاحبه با **تئاتر فستیوال** گفت : خوشحالم که توانستم در بخش مسابقه تئاتر ایران حائز رتبه شوم .



او با اشاره به مدیریت جشنواره که مانند سال های گذشته بوده است گفت : ما به این شکل عادت کرده ایم . مدیریت بدی ها و خوبی ها و محاسنی دارد که دیگر عادت کرده ایم ، امیدوارم بتوانیم این جشنواره را سیستماتیک کنیم و در سال های آتی چشم اندازی داشته باشیم که قرار است جشنواره به کدام سمت برود ، امیدوارم این اتفاق بیافتد .

مه لقا باقری بازیگر نمایش " بوقلمون " هم در بخش بازیگری برگزیده این دوره از جشنواره ی تئاتر فجر در بخش مسابقه ی تازه های تئاتر ایران شد و در مورد کیفیت جشنواره تئاتر فجر گفت : امیدوارم روزی ، یک اتفاق خوبی پیش بیاید و یک کیفیت عالی در شان بچه های تئاتری زحمتکش داشته باشیم .

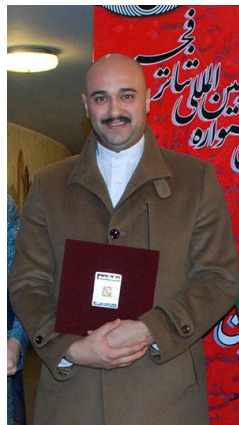
او در ادامه با بیان نگرانی در مورد داوری جشنواره تئاتر فجر گفت : راستش را بخواهید همیشه از داوری نگران بودم ، چون اهل لابی کردن نیستیم . حداقل در این جشنواره در بخش مسابقه تازه های تئاتر ایران هیچ اتفاقی که مبنی بر لابی کردن باشد نیوفتاده است . برای اینکه من هیچ کسی را نداشتم که بخواهم این کار را انجام دهم و خیلی خوشحالم که بعد از ۱۵ سال کار مداوم در تئاتر ، امروز توانستم به روی سن بروم و جایزه بگیرم .

در بخش مسابقه ی تازه های تئاتر ایران ، از **دکتر قطب الدین صادقی** برای نمایشنامه ی " مروارید " تقدیر شد . دکتر صادقی در مورد آثار حاضر در سی و سومین جشنواره تئاتر فجر گفت : مثل هر جشنواره ای، در این جشنواره هم آثار درجه یک بود ، هم درجه دو و هم درجه سه .

برخی از آثار خارجی خیلی خوب بودند . در بخش مرور چند کار ایرانی دیدم که خیلی آبرومند بودند . من و آقای دکتر شفیعی از انتخاب کنندگان بخش تازه های تئاتر ایران بودیم و از میان ۷۰ نمایش ۱۰ مورد را انتخاب کردیم و الحق و الانصاف آن ۱۰ نمایش خوب بودند . یعنی تئاترهای محکم ، خوش فرم ، دارای محتوای ارزشمند ، بالاخره در سطح جشنواره حاضر شدند . استقبال مردم هم خیلی خوب بود ، اغلب سالن هایی که من می رفتم واقعا ازدحام جمعیت دیده می شد . این ها همه نشانه های مثبتی است .

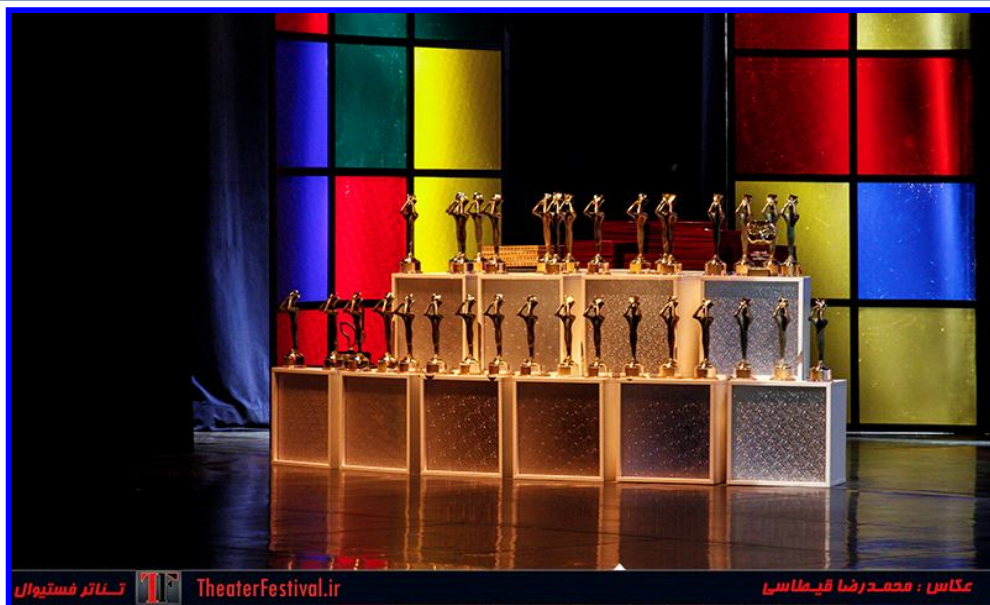
وی در پاسخ به سوال **تئاتر فستیوال** مبنی بر اینکه آیا داوری توانست عادلانه قضاوت کند توضیح داد : داوری سلیقه ای است ، در نهایت یک نفر رای اش یک چیز بود . ولی اصول همین است ، یعنی آن هایی که بالا آمدند، دارای ارزش بودند . ولی دیگر حساب جزییات است و داور نظری می دهد به عنوان مثال ما که آثار را انتخاب می کردیم در دو یا سه مورد من و یک داور دیگر یک نظری داشتیم که نظر داور سوم متفاوت بود . بنابراین تعداد ما را فرد انتخاب می کنند تا تضارب آرا بتواند نتیجه ی خوبی داشته باشد .

سروش طاهری هم به عنوان کارگردان نمایش " مروارید " در سی و سومین جشنواره ی تئاتر فجر در بخش مسابقه ی تازه های تئاتر ایران برگزیده شد . او در مورد اهدای جوایز جشنواره تئاتر فجر گفت : همیشه موقعی که کسی جایزه می گیرد ، یا دلخور است یا بیش از حد خوشحال . من نمی خواهم وارد این مباحث شوم . این نظرات شخصی ست . با این حال ، در کل جز چند موضوع که از آن بگذریم ، داوری ها داوری های مناسب و قابل قبولی بود ، اما من از چند مورد دلخور و ناراضی هستم .



طاهری در مورد کیفیت سی و سومین جشنواره ی تئاتر فجر گفت : آثار وارد شده نشان دهنده ی فضای کلی حاکم بر تئاتر ایران است و غیر از چند کار در بخش مسابقه ی بین الملل ، آثار قوی و درجه یک در جشنواره ندیدم . کارهای خارجی در جشنواره خیلی بد بود . همان طور که آقای صالح پور هم گفت واقعا به دلیل کمی بودجه ، جشنواره ی امسال خیلی هم بین الملل نبود . اگر از شهرستان ها چند کار دیگر دعوت می کردند ، خیلی بهتر بود . ولی با این حال مدیریت توانست با این شرایطی که در حال حاضر وجود دارد ، جشنواره را مدیریت کند .

عکس هایی از مراسم اختتامیه سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر





عکاس : محمدرضا قیماlesi TheaterFestival.ir تئاتر فستيوال



عکاس : محمدرضا قیماlesi TheaterFestival.ir



عکاس : محمدرضا قیماlesi TheaterFestival.ir تئاتر فستيوال



عکاس : محمدرضا قیماlesi TheaterFestival.ir



عکاس : محمدرضا قیماlesi TheaterFestival.ir تئاتر فستيوال



عکاس : محمدرضا قیماlesi TheaterFestival.ir



تئاتر فستیوال TheaterFestival.ir عکاس : محمدرضا قیماlesi



تئاتر فستیوال TheaterFestival.ir عکاس : محمدرضا قیماlesi



تئاتر فستیوال TheaterFestival.ir عکاس : محمدرضا قیماlesi



تئاتر فستیوال TheaterFestival.ir عکاس : محمدرضا قیماlesi



تئاتر فستیوال TheaterFestival.ir عکاس : محمدرضا قیماlesi



تئاتر فستیوال TheaterFestival.ir عکاس : محمدرضا قیماlesi



تئاتر فستيوال TheaterFestival.ir

عکاس : مرجان سادات هاشمی



عکاس : مرجان سادات هاشمی



تئاتر فستيوال TheaterFestival.ir

عکاس : مرجان سادات هاشمی



تئاتر فستيوال TheaterFestival.ir

عکاس : مرجان سادات هاشمی



تئاتر فستيوال TheaterFestival.ir

عکاس : محمدرضا قیفاصی

اختصاصی تئاتر فستیوال

TheaterFestival.ir

